




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتابخانه پژوهشکده تحقیقات اسلامی

تبلیغ دین از منظر دین

		
کتابخانه پژوهشکده باقر العلوم (ع)		
شماره ثبت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰		
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵		
شماره رانندگی:		

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

نگارش، حمید، ۱۳۴۰ -

تبلیغ دین از منظر دین / نویسندگان حمید نگارش، علی مقیمی فرد، رضا
رحمتی؛ تهیه کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی. - قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۳.
۲۲۴ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. 9 - 6 - 95654 - 964 ISBN

کتابنامه: ص. [۲۱۷] - ۲۲۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. اسلام -- تبلیغات. ۲. قرآن -- تبلیغات. ۳. تبلیغات -- احادیث. الف.

مقیمی فرد، علی. ب. رحمتی، رضا. ج. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی

ولی فقیه. پژوهشکده تحقیقات اسلامی. د. عنوان.

۲۹۷ / ۰۴۵

ت ۸ ن / ۶۲ / ۱۱ BP

۲۳۵۸۹ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران

زمزم
انتشارات

تبلیغ دین از منظر دین

موضوع / معارف اسلامی

تهیه کننده / پژوهشکده تحقیقات اسلامی

نویسندگان / حمید نگارش، سید علی مقیمی فرد، رضا رحمتی

ناشر / انتشارات زمزم هدایت

حروفچینی و صفحه‌آرایی / پژوهشکده تحقیقات اسلامی

لیتوگرافی / حمید

چاپخانه / سپهر

نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار / پاییز ۱۳۸۳

شمارگان / ۲۵۰۰

قیمت / ۹۰۰ تومان

شابک: ۹ - ۶ - ۹۵۶۵۴ - ۹۶۴ ISBN

قم، خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، نبش فاطمی ۳، پلاک ۸۱

تلفکس ۷۷۳۰۷۳۵

فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۱۶	پیشینه تحقیق.....

فصل اول: کلیات

۱۷	تعریف تبلیغ.....
۱۷	الف: در لغت.....
۱۸	ب: در اصطلاح.....
۱۸	ج: مترادف‌های تبلیغ.....
۱۸	تعریف دین.....
۱۸	الف: در لغت.....
۱۹	ب: در اصطلاح.....
۱۹	ضرورت و اهمیت تبلیغ.....
۲۰	الف: از نظر عقل.....
۲۰	ب: از منظر دین.....
۲۱	اهداف تبلیغ دین.....

فصل دوم: پیام

۲۵	تعریف پیام
۲۵	اهمیت پیام
۲۶	مبدأ پیام
۲۸	ویژگی‌های پیام
۲۸	۱- حق بودن
۲۹	۲- عقلانی بودن
۳۱	۳- محرک عواطف بودن
۳۲	۴- هدایت‌گر بودن
۳۴	۵- تناسب با نیاز مخاطب
۳۵	۶- روشن و گویا بودن
۳۷	۷- کاربردی بودن
۳۸	۸- جامعیت داشتن
۳۹	۹- جاودانه و فراگیر بودن
۴۱	۱۰- امید دهنده و انداز کننده
۴۲	۱۱- هماهنگی با فطرت داشتن

فصل سوم: پیام گزار

۴۵	تعریف پیام گزار
۴۵	جایگاه پیام گزار
۴۶	ویژگی‌ها و وظایف
۴۷	الف: ویژگی‌ها
۴۷	۱- ایمان به محتوای پیام
۴۸	۲- اخلاص در تبلیغ
۴۹	۳- بصیرت و آگاهی
۵۰	۴- توکل

فهرست مطالب □ ۷

۵۲	۵- صدق و راستی
۵۵	۶- امانت‌داری
۵۸	۷- نظم و انضباط
۶۰	۸- شرح صدر
۶۳	۹- تواضع
۶۶	۱۰- رفق و مدارا
۶۸	۱۱- شجاعت
۷۰	۱۲- عفت و پاکدامنی
۷۲	۱۳- صبر و شکیبایی
۷۳	۱۴- مردمی بودن
۷۵	۱۵- آراستگی ظاهر
۷۶	۱۶- حسن خلق
۷۷	۱۷- زهد و ساده‌زیستی
۷۹	۱۸- مشورت و مشارکت
۸۱	۱۹- انتقادپذیری
۸۲	۲۰- کرامت و بزرگواری
۸۳	۲۱- احسان به مردم
۸۵	۲۲- عفو و بخشش
۸۶	۲۳- ارج نهادن به کارهای دیگران
۸۷	۲۴- خوشبینی به مردم
۸۹	۲۵- اعتماد به نفس
۹۱	۲۶- وفای به عهد
۹۳	۲۷- مروت
۹۴	۲۸- شناخت زمان و مکان
۹۶	۲۹- سازش‌ناپذیری در اصول
۹۷	۳۰- شناخت مخاطبان

ب-وظایف	۹۹
۱-شناساندن قرآن و عترت.....	۹۹
۲-مبارزه با انحرافات و خرافات	۱۰۰
۳-رشد دادن فکر و اندیشه	۱۰۱
۴-اهمیت دادن به مصالح حقیقی مردم	۱۰۲
۵-حفظ وحدت و همدلی	۱۰۳
۶-دعوت به کرامتهای اخلاقی	۱۰۵
۷-یادآوری ایام الله	۱۰۶
۸-تزکیه و تعلیم	۱۰۸
۹-امر به معروف و نهی از منکر	۱۰۹
۱۰-بشارت و انذار	۱۱۳

فصل چهارم: پیام گیرنده

تعریف پیام گیرنده:.....	۱۱۵
ویژگی های پیام گیرندگان:.....	۱۱۵
۱. علم و آگاهی	۱۱۵
۲. باور	۱۱۷
۳. سن	۱۱۹
۴. جنس	۱۲۱
۵. جایگاه اجتماعی	۱۲۲
موانع پذیرش پیام گیرندگان	۱۲۴
۱. اصرار بر روش گذشتگان	۱۲۴
۲. شخصیت گرایی	۱۲۵
۳. هواپرستی	۱۲۶
۴. مادی گرایی	۱۲۷
۵. همنشین بد	۱۲۸

۱۳۰ ۶. پیروی از شک و گمان
۱۳۱ ۷. کبر و غرور
۱۳۳ ۸. لجاجت و تعصب باطل
۱۳۵ ۹. جهل

فصل پنجم: شیوه‌های تبلیغ

۱۳۷ تعریف شیوه
۱۳۷ اهمیت شیوه
۱۳۸ انواع شیوه
۱۳۸ ۱. حکمت
۱۳۹ ۲. موعظه حسنه
۱۴۱ ۳. جدال احسن
۱۴۳ ۴. تشویق و تنبیه
۱۴۵ ۵. تدریجی
۱۴۶ ۶. الگویی
۱۴۸ ۷. تمثیلی
۱۵۰ ۸. تکرار
۱۵۱ ۹. تداعی معانی
۱۵۳ ۱۰. همراهی
۱۵۴ ۱۱. پرسش و پاسخ
۱۵۶ ۱۲. یادآوری
۱۵۸ ۱۳. مقایسه‌ای (تطبیقی)
۱۵۹ ۱۴. بازسازی
۱۶۲ ۱۵. تحریک عواطف
۱۶۴ ۱۶. تبلیغ عملی
۱۶۶ ۱۷. نظم و تشکیلات

۱۶۸ امداد	۱۸
۱۶۹ آسان‌گیری	۱۹
۱۷۱ سوگواری	۲۰
۱۷۲ جنگ روانی	۲۱
۱۷۵ پیشگیری	۲۲
۱۷۷ سخنرانی	۲۳
۱۷۸ تدریس	۲۴
۱۸۰ داستان	۲۵
۱۸۱ دعا	۲۶
۱۸۲ تلاوت قرآن	۲۷

فصل ششم: ابزارهای تبلیغ دینی

۱۸۵ تعریف	
۱۸۶ اهمیت	
۱۸۷ مشروعیت	
۱۸۸ تناسب	
۱۸۸ انواع ابزار	
۱۸۸ ۱. شعر	
۱۹۰ ۲. اذان	
۱۹۲ ۳. کتاب	
۱۹۵ ۴. مطبوعات	
۱۹۶ ۵. خطاطی	
۱۹۷ ۶. تصاویر (فیلم، نقاشی، عکس، اسلاید، گرافیک، کاریکاتور)	
۱۹۸ ۷. صنایع دستی	
۱۹۹ ۸. رایانه	
۲۰۱ ۹. اینترنت	

فهرست مطالب □ ۱۱

۲۰۲	۱۰. تلویزیون و رادیو
۲۰۳	۱۱. سینما
۲۰۵	۱۲. ویدئو
۲۰۷	۱۳. ماهواره
۲۰۸	۱۴. پرچم
۲۱۰	۱۵. معماری
۲۱۲	۱۶. نام خوب
۲۱۳	۱۷. لباس
۲۱۷	فهرست منابع



پیشگفتار

دین مقدس اسلام برترین پیام آسمانی را برای هدایت و سعادت انسان به ارمغان آورده است. این پیام را پیامبر گرامی اسلام (ص) در قالب بشارت به نیکیها و انذار از بدیها، به مردم جهان رسانیده است. قرآن مجید به پیامبر (ص) می‌فرماید:

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا... (سبا: ۲۸)

و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا [آنها را به پادشاهای الهی] بشارت دهی و [از عذاب او] بترسانی.

کوشش‌های پیامبر (ص) آن گاه به بار می‌نشیند و پیام الهی وقتی در جان آدمی سکنا می‌گزیند که چند عامل به کار افتند. مهم‌ترین آنها، رسیدن یا رسانیدن پیام به گوش انسان است؛ یعنی تبلیغ دین. امروزه تبلیغات، نقش بسیار تعیین کننده‌ای در سرنوشت جوامع انسانی دارد و در حالی که قدرت‌های استکباری می‌کوشند با تمام توان تبلیغی خود، ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان را زیر سلطه نگه دارند و منابع آنها را به غارت برند، ضرورت دارد متولیان فرهنگ دینی نیز پیام‌های دین را به مردم گوشزد کنند و آنان را از توطئه‌های شیطانی دشمن آگاه سازند.

آنچه در این میان از همه مهم‌تر است، بیان راهکارها و شیوه‌های تبلیغ دین از دیدگاه

دین اسلام است، و کتاب حاضر برای بررسی‌دن و کاویدن این راهکارها و شیوه‌ها تدوین شده است.

متولیان فرهنگی، اعم از نظامی و غیر نظامی می‌توانند از نتایج این پژوهش در بهبود فرآیند تبلیغ دین بهره‌برند. نکات و دستورالعمل‌های آن نیز می‌تواند راهنمایی برای پیام‌گزاران دینی باشد.

در پایان، از همه کسانی که ما را در بارور ساختن این پژوهش یاری کرده‌اند، به ویژه از نویسندگان کتاب، حجج اسلام آقایان حمید نگارش، رضا رحمتی و سید علی مقیمی فرد و نیز مشاوران طرح، آقایان حسینی شاهرودی، محمدحسن نبوی و نبی صادقی، سپاسگزاری می‌کنیم. امیدواریم کوشش‌های ما در پیشگاه خداوند متعال مقبول افتد و به لطف او، در رواج فرهنگ و اندیشه اسلامی به کار آید.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

مقدمه

موضوع تبلیغ دین و شیوه آن، از دغدغه‌های مهم مبلغان و عالمان اسلامی است. عالمان و مبلغان همواره در پی یافتن پاسخهای پرسش‌های زیر در موضوع تبلیغ بوده‌اند:

تبلیغ مناسب دین چگونه باید انجام گیرد؟
بهترین شیوه برای تبلیغ این پیام آسمانی کدام شیوه است؟
دین اسلام، خود چه راهکارهایی را برای تبلیغ برنامه خویش ارائه می‌دهد؟ به عبارت دیگر از منظر دین راه جذب دل‌ها و تسخیر قلب‌ها کدام است؟
و راهبرد تبلیغی دین در شرایط کنونی چه می‌باشد؟

این نوشتار می‌کوشد تا از دیدگاه اسلام به پرسشهای مزبور و بسیاری پرسشهای دیگر در این زمینه، به نحو مشروح و کاربردی پاسخ گوید.

«عنوان تبلیغ دین از منظر دین» نیز که برای این نوشته برگزیده شده، بیانگر آن است که اسلام چه برنامه‌ها و روش‌هایی را برای رساندن صحیح پیام خود در مقابل انسان‌ها قرار داده است؟

نبودن منبع جامعی که بتواند راهکارهای کاربردی و صحیح و جامعی را در خصوص تبلیغ دین، در اختیار مبلغان محترم قرار دهد، و نیز کمبود منابع مستقلی که بتواند ابعاد سیره و روش تبلیغاتی معصومین(ع) را به همراه شرایط جدید در جهان معاصر ارائه کند عزم نویسندگان را

در تهیه این نوشتار دو چندان نمود. همچنین گسترش شیوه‌های تبلیغی در جهان امروز اقتضا دارد که در رساندن پیام دین از بهترین و کارآترین راهکارها استفاده نماییم. البته در این رابطه نقش و جایگاه مسئولان و متولیان فرهنگی بر هیچ کس پوشیده نیست.

پیشینه تحقیق

تحقیق و تدوین بحث تبلیغ دین و راهکارهایی که خود دین درباره تبلیغ ارائه می‌دهد سابقه چندانی ندارد. می‌توان گفت کارهایی هم که صورت گرفته یا جامع نبوده و یا در مراحل ابتدایی خود سیر می‌کند، حال آن که منابع دینی، مملو از ارائه راهکارهایی است که البته باید به صورت کاربردی و به زبان روز ارائه شود.

به عنوان پیشینه تحقیق می‌توان به کتاب‌هایی چون پژوهش در تبلیغ، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، شرایط موفقیت تبلیغ، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آن اشاره نمود که در حوزه‌های کاری خود، البته کارهای قابل تقدیری بوده لیکن هیچ کدام راهکارهای دینی را به صورت جامع، کاربردی و برخوردار از روش‌های نوین ارائه نکرده‌اند. در کتاب حاضر، سعی شده اصول تبلیغ و راهکارهای آن با توجه به آیات قرآن کریم، روایات، سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به صورت کاربردی به خوانندگان محترم ارائه گردد. این کتاب در شش فصل، با نامهای: کلیات، پیام، پیامگزار، پیام گیرنده، شیوه‌های تبلیغ و ابزارهای تبلیغ دینی تنظیم یافته است.

ابتدا کلیاتی در تعریف واژه‌ها و اصطلاحات بیان می‌دارد، سپس به موضوع «پیام» و اهمیت آن می‌پردازد. در فصل سوم، ویژگیها و وظایف پیامگزار را شرح می‌دهد، در فصل چهارم به «پیام گیرنده» و مخاطب تبلیغ نظر دوخته و انواع پیامگیران و نیز موانع پذیرش پیام را به گونه‌ای که مبلغان را به کار آید و بر دانش آنان در موضوع «تبلیغ از دیدگاه دین» بیفزاید، بر شمرده است. در فصل پنجم شیوه‌های تبلیغ و در فصل ششم ابزارهای تبلیغ بیان گردیده است.

معاونت پژوهشی

گروه تاریخ

کلیات

تعریف تبلیغ

الف: در لغت

تبلیغ از ریشه بَلَّغَ به معنای رسانیدن، رسانیدن پیام می باشد.^۱
واژه پروپاگاندا،^۲ نیز امروزه در زبان انگلیسی معادل تبلیغ و به معنای تحت تأثیر قرار دادن دیگران می باشد.^۳
واژه تبلیغ گویای رساندن پیام به صورت صحیح می باشد و واژه های هم خانواده آن نیز در قرآن و کتب روایی زیاد استعمال گردیده است.
به عنوان مثال درباره پیامبران می فرماید:

(مائده: ۹۹)

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ

مفهوم تبلیغ (رساندن پیام الهی) نیز در آیات زیادی به چشم می خورد. به عنوان مثال، قرآن کریم می فرماید:

(نحل: ۱۲۵)

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

۱. المفردات، ذیل واژه بَلَّغَ؛ لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تبلیغ.

2. propaganda.

۳. دائرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۵۷۷.

ب: در اصطلاح

تبلیغ در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او است و بر سه عنصر اصلی پیام دهنده، پیام گیرنده و محتوای پیام استوار می‌باشد.^۱ در تبلیغ، تنها رسانیدن یک ایده به مخاطب مراد نمی‌باشد بلکه اقناع یا ترغیب او مورد نظر است، پس باید کوشید تا با شفاف سازی پیام خود از طریق سبک‌ها و ابزارهای گوناگون، مخاطب خویش را قانع ساخته، به هدف خود مایل گردانید. سعی این نوشتار بر آن است که معنای صحیح و اسلامی تبلیغ را که همانا رساندن پیام به صورت درست و وافی است؛ به شما مبلغ گرامی ارائه دهد. امام خمینی (قدس سره) در خصوص تبلیغات می‌فرماید: «تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز از آن است از اصول بسیار مهم اسلام عزیز می‌باشد.»^۲

ج: مترادف‌های تبلیغ

واژه‌های دعوت، اعلام، ایصال، تبشیر، انذار، ارشاد، نُصح، امر به معروف، نهی از منکر، وعظ، خطابه و... واژه‌هایی هستند که به نوعی معنای تبلیغ را در بر دارند.^۳

تعریف دین

الف: در لغت

دین در لغت به معانی کیش، شریعت، طریقت، جزاء، طاعت، حساب، عادت، استعمال، حکم، قهر، قضا، داوری، مذهب و آئین به کار رفته است.^۴ گفته شده است نوعی اتحاد بین واژه‌های شریعت، دین و مذهب می‌باشد.^۵

۱. پژوهشی در تبلیغ، ص ۸۰.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۳.

۳. ر.ک. مفردات، ذیل واژه دعا، فرهنگ جامع نوین، ذیل واژه علم و واژه بشر.

۴. لغت نامه دهخدا؛ دایرة المعارف تشیع.

۵. همان.

ب: در اصطلاح

۱ - دین در اصطلاح راه و روش خاصی در زندگی است که صلاح دنیا و سعادت آخرت را تأمین می‌کند.^۱

تأکید بر صلاح زندگی دنیوی و سعادت اخروی می‌فهماند که دین تنها به بیان رابطه انسان با خدا نمی‌پردازد که امری فردی تلقی گردد بلکه تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها و مانند آن را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. مبلغان محترم باید در تبلیغ خود همه ابعاد دین را به صورت جامع و گسترده بیان نمایند تا شبهات مربوط به محدودیت قلمرو دین برطرف گردد.

۲ - دین در اصطلاح قرآنی

دین به تصریح قرآن کریم، «اسلام» است.

(آل عمران: ۱۸)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

(آل عمران: ۸۵)

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

آیین حقیقی در پیشگاه خداوند، همان تسلیم در برابر فرمان اوست. در واقع روح دین در همه زمان‌ها چیزی جز تسلیم در برابر حقیقت نبوده است و از آن جا که دین پیامبر عالی‌ترین نمونه آن بوده نام اسلام برای آن انتخاب شده است.

شهید مطهری در خصوص دین اسلام می‌فرماید: ^۲ «اسلام همان تسلیم است و لازمه تسلیم خدا شدن پذیرفتن دستورهای اوست و روشن است که همواره به آخرین دستور خدا باید عمل کرد که آخرین رسول او آورده است.»^۳

ضرورت و اهمیت تبلیغ

در جهان امروز که بحران‌های فرهنگی در صدد تهی کردن انسان از معنویت می‌باشند،

۱. المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰، باندکی تغییر.

۲. تذکر این نکته ضروری است که در این نوشتار مراد از اسلام، اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد که امام خمینی (ره) احیاگر آن در عصر حاضر بودند و لازم است ما مبلغین، مروج این اسلام باشیم.

۳. فرهنگ مطهر، ص ۴۲۱.

تبلیغ دین و ارزش‌های نشأت گرفته از آن به جهت مقابله با این بحران‌ها ضرورت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

در اینجا، ضرورت تبلیغ را از دو منظر عقل و دین به اختصار بیان می‌کنیم:

الف: از نظر عقل: انبیا و اولیای الهی با تبلیغ دین و ارزش‌های دینی هدایت و سعادت انسان را به ارمغان آورده‌اند، در عصر خاتمیت اقتضا می‌کند که ما مربیان و مبلغان، این جایگاه رفیع انبیا الهی را حفظ و در جهت تبلیغ دین و دعوت مردم اقدام نماییم چرا که در غیر این صورت آثار این حرکت عظیم الهی از میان مردم رخت بر می‌بندد.

افکار بلند حاملان وحی پس از سالیان سال هنوز بر سر زبان‌هاست. این امر به همت و کوشش پیام‌گزاران بزرگواری بوده که در انتشار آن افکار بلند از هیچ کوششی دریغ نورزیده، تمام تلاش خویش را در جهت اعتلای دین به کار بسته‌اند. امروزه ما مربیان و مبلغان باید این راه را ادامه دهیم تا دین و هویت نشأت گرفته از آن را پاس بداریم، هویت دینی که بزرگ‌ترین شاخصه انقلاب اسلامی و نظام اسلامی می‌باشد.

امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت تبلیغات می‌فرماید:

مسئله تبلیغات یک امر مهمی است که می‌شود گفت در دنیا در رأس همه امور قرار گرفته است و دنیا بر دوش تبلیغات است. بالاتر چیزی که می‌تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر رساند و در خارج صادر کند، تبلیغات است.^۱

ب: از منظر دین

اگر رسالت یک مکتب محدوده خاصی را در بر گیرد، قهراً شعاع پیام رسانی و تبلیغ آن نیز محدود خواهد بود، اما از آنجا که رسالت مکتب اسلام جهانی و جاوید می‌باشد، گستره پیام رسانی آن نیز نامحدود می‌باشد. از این رو در دین اسلام امر تبلیغ از جایگاه بسیار والایی برخوردار می‌باشد به گونه‌ای که اساسی‌ترین وظیفه انبیا در قرآن، تبلیغ دانسته شده است.

طبرسی در ذیل آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا» (فصلت: ۳۳) می‌فرماید: «و فی هذه الآیه دلالة علی أنّ الدعا الی الدین من أعظم الطاعات و الواجبات». این آیه دلالت دارد بر این که دعوت به سوی دین از بزرگ‌ترین عبادات و واجبات می‌باشد.^۱ امید است که شما مبلغ عزیز با اهمیت دادن به تبلیغ دین، فطرت سعادت خواه بشر را بیدار نموده، ارزش‌های دینی را در سرتاسر عالم گسترش دهید.

اهداف تبلیغ دین

هر تبلیغی، متضمن اهداف مشخص است و مبلغ می‌کوشد به آن اهداف جامه عمل بپوشاند. اهداف هر چه با ارزش‌تر باشند، جایگاه تبلیغ رفیع‌تر خواهد بود. از آنجا که اهداف تبلیغ در اسلام، عمیق و جهان‌شمول می‌باشد امر تبلیغ نیز در دین اسلام بسیار ارزشمند و بلند مرتبه است.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

اگر این مطلب درست است که شرف هر فرد به شرف هدف و غایت آن فرد بستگی دارد، باید بگوییم یکی از اشرف آن، همین تبلیغ دین است؛ زیرا هدف از تبلیغ دین، تزکیه مردم و بالا بردن افکار مردم می‌باشد که این‌ها جزو اشرف هدف‌هاست.^۲

اهداف مهم تبلیغ در اسلام عبارت‌اند از:

۱- دعوت به توحید، بندگی خدا و اجتناب از طاغوت:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳۶)

در هر امتی رسولی برانگیختیم [تا بگوید:] خدای یکتا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید.

۱. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۲، ص ۵۹. در تفسیر نمونه، ذیل آیه مذکور آمده است: آیه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که تمام منادیان توحید را که واجد این صفات‌اند، فرا می‌گیرد هر چند برترین مصداقش شخص پیامبر (ص) و درجه بعد ائمه معصومین و بعد از آن‌ها تمام علما و دانشمندان، مجاهدان راه حق، آمران به معروف، ناهیان از منکر و مبلغان اسلام از هر قشر و گروه هست و این آیه بشارتی بزرگ و افتخاری بی‌نظیر است برای همه آن‌ها که می‌توانند به آن دلگرم باشند. (تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۹۷).

۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۸۲، با اندکی تلخیص.

۲- توجه دادن به معاد:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مؤمنون: ۱۱۵)

آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

۳- زنده کردن دلها و روحها:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴)

ای کسانی که ایمان آوردید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.

۴- نوید و هشدار:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب: ۴۵-۴۴)

ای پیامبر ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشدار دهنده فرستادیم، و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک.

تعلیم و تزکیه،^۱ امر به معروف و نهی از منکر،^۲ برانگیختن فطرت و عقل،^۳ توجه دادن انسان به مقام و منزلت خویش در هستی و ترغیب به شکوفایی این منزلت برای رسیدن به غایت خلقت او از دیگر اهداف مهم تبلیغ دین می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

وظیفه اساسی، هدایت مردم به سمت اهدافی است که قرآن کریم و پیامبران در طول تاریخ نبوت ترسیم کرده‌اند ما در موضع کسی که می‌خواهد میراث فخیم علمای دین را در طول این

۱. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة» (جمعه: ۲)
۲. «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (آل عمران: ۱۰۴).
۳. قال علی (ع): «فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاءه لیستأدوهم میثاق فطرتہ و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشيروا لهم دفائن العقول.» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

کلیات □ ۲۳

هزار سال حفظ کند و هدایت مردم را استمرار بخشد باید به منقلب کردن دلها و روشن کردن ذهنها و تصحیح مسیرها و جهت‌گیری‌ها و خالص کردن اعمال و تحول درونی مردم به یک مؤمن واقعی با اخلاق حقیقی اسلامی همت گماریم.^۱

از آن جا که پیام، پیام‌گزار و پیام‌گیرنده مهم‌ترین ارکان تبلیغ را تشکیل می‌دهند طی چند فصل به ترتیب درباره این سه رکن مطالبی را ارائه خواهیم نمود.

۱. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۸۴، باندکی تلخیص.



پیام

تعریف پیام

پیام در لغت به معنای رسالت، پیغام و خبر می‌باشد^۱ و در اصطلاح، اعتقاد، اندیشه یا گرایشی است که پیام دهنده قصد دارد آن را به پیام گیرنده منتقل کند و ممکن است بار اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، علمی و غیره داشته باشد.^۲

اهمیت پیام

پیام هر قدر از محتوا، جذابیت و کارایی لازم و درک فرهنگ زمان برخوردار باشد دارای اهمیت بیشتری است. پیام الهی اسلام دارای همین امتیازات بود که توانست در میان توده‌های مردم گسترش پیدا کند. اگر سران شرک در مکه شبانه و به طور مخفیانه، پشت دیوار خانه پیامبر می‌آمدند تا آوای دل نشین قرآن را بشنوند و اگر مصعب بن عمیر، جوان مسلمان با تلاوت قرآن هر روز جمعی را به اسلام دعوت می‌کرد همه اینها بر انگیزته از روح بلند پیام و اهمیت والای آن بود.

قول ثقیل در آیه قرآن که می‌فرماید: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مزمّل: ۵) (ما به زودی سخن سنگینی به تو القا می‌کنیم) از دیدگاه بعضی مفسران از نظر بیان مسؤولیتها، تبلیغ و

۱. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه پیام.

۲. پژوهشی در تبلیغ، ص ۱۹۱ با اندکی تغییر.

محتوا می‌باشد.^۱ چه محتوایی بالاتر از دعوت مردم به حق، ارشاد و هدایت به ارزش‌های الهی، بشر را از خودی رها کردن و به حق رساندن. با این محتوا، پیام از جایگاه و الا و اهمیتی خاص برخوردار می‌شود. و نیز کار انبیا مشکل و با اهمیت تلقی می‌گردد.

شما مبلغ گرامی نیک در می‌یابید که پیام‌های بزرگ و دارای مضامین بلند از آثار هدایتی بسیار بالایی برخوردار می‌باشند و در برابر هر مانعی ایستادگی می‌کنند. پیامبر اسلام (ص) در مکه با چه دشمنی‌هایی روبرو شد، دشمنی‌های خونین و خیانت‌آمیزی که از سوی آدم‌های پلید صورت می‌گرفت تا اسلام را شکست دهند، در همان حال اسلام رشد کرد و پیام‌های آن به سبب درخشندگی و جاذبه‌های معنوی در میان توده‌های مردم نفوذ کرد. بعد از پیامبر اکرم (ص) نیز مبارزه با اسلام ادامه پیدا کرد، مبارزه حکومت‌های سلاطین جور چون بنی امیه، بنی عباس و مانند آن، در عین حال باز پیام اسلام پا برجا ماند و در برابر همه پیام‌های ضد انسانی ایستادگی کرد که این امر به دلیل منزلت پیام آسمانی اسلام بود. نیز به جهت همین منزلت و اهمیت پیام بود که انقلاب اسلامی با تاسی به پیام‌های نورانی اسلام شکل گرفت و توانست دل‌های مردم را از دورترین نقاط دنیا متوجه خود کند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

راز بزرگ اعتلای امروزین اسلام و بیداری عمومی مسلمین این بود که در کانون حرکت ایران اسلامی، مولود مبارک انقلاب، از شجره طیبه اسلام به وجود آمد آری نظام جمهوری اسلامی ایران چون پرچم معنویت را بلند کرده و چون راه اسلام را می‌پیماید و برای اسلام و ارزش‌های آن تلاش می‌کند مورد بغض دشمنان است. این ملت پرچم عظیمی را در دست دارد پرچمی که شما به اهتزاز درآوردید دنیا را بیدار کرده است.^۲

مبدأ پیام

از مسائلی که در تأثیر و موفقیت پیام نقش به‌سزایی دارد مبدأ پیام می‌باشد. این که پیام از سوی چه کسی و چرا صادر شده است، راست می‌گوید یا دروغ، اهداف مادی دارد یا

۱. ر.ک تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۶۸.

۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۴۳-۱۴۸.

معنوی، مخاطب را می‌شناسد یا نه و بسیاری از سؤالات دیگر که به ذهن گیرندگان پیام
خطور می‌کند، حق مسلم آنهاست که باید پاسخ مناسب بیایند.

هر قدر مبدأ پیام برای پیام گیرنده با ارزش باشد به همان اندازه به پیام او توجه می‌کند
و برای او قابل قبول‌تر خواهد بود. شما یک کتاب می‌خوانید و سخت شیفته آن کتاب
می‌شوید بعدها با نویسنده همان کتاب آشنا می‌شوید و شوق سراپایتان را می‌گیرد زیرا
او برای شما مهم می‌باشد. و یا قبل از مطالعه کتاب چون نویسنده آن را می‌شناسید و به او
اعتماد دارید مطالب کتاب برای شما پذیرفتنی و با جاذبه است.

در پیام دینی مبدأ و منبع پیام، خداوند می‌باشد، خدایی که بی‌نیاز است مخاطب خود
را به خوبی می‌شناسد و مصالح عمومی انسان‌ها را لحاظ کرده است. آیات بسیاری در
قرآن یافت می‌شود که در صدد معرفی مبدأ پیام دینی می‌باشد و به طور صریح بیان می‌کند
که آنچه را که پیامبر (ص) به مردم ابلاغ می‌کند پیام الهی است:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا اِنَّتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذَا اَوْ بَدَّلْتَهُ قُلْ

مَا يَكُوْنُ لِيْ اَنْ اُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِيْ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيّْ (یونس: ۱۵)

زمانی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود کسانی که به دیدار ما امیدی ندارند می‌گویند
قرآنی غیر از این بیاور یا آن را تبدیل کن بگو حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم. فقط
از چیزی که بر من وحی می‌شود پیروی می‌کنم.

اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ (حجر: ۹)

ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.

بعضی آیات در صدد اثبات صادق بودن اسلام در تبلیغ پیام الهی است:

قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰى اِلَيّْ (فصلت: ۶)

بگو من فقط انسانی مثل شما هستم این حقیقت بر من وحی می‌شود.

اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوْحٰى (نجم: ۴)

آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

شما مربی عزیز توجه دارید که مکتب‌های زیادی در طول تاریخ حاوی پیام‌های گوناگون بوده‌اند که به خاطر اغراض مادی و نفسانی همه از گردونه تاریخ خارج شده‌اند، اما اسلام این مکتب حیات بخش چون مبدأ پیامش خداوند بوده است نه تنها از گردونه خارج نشده بلکه روز به روز بر نفوذش در دل‌های مردم افزوده شده است. چرا که برترین محتوا را در جهت هدایت مردم ارائه داد، مبدئی عظیم که خالق همه هستی است، باید برترین اهداف و آرمان‌ها را در ارائه پیام داشته باشد تا بتواند دل‌ها را به خود جذب کند، چرا که پیام و اهداف والای آن آئینه تمام نمای مبدأ می‌باشد و از درایت و عقل مبدأ خبر می‌دهد، لذا آثار هدایتی این پیام از همه پیام‌های زمینی پیشی می‌گیرد و دل‌های پاک را خیلی سریع به خود جذب می‌کند و پیرو جوان، زن و مرد و همه انسان‌ها را از زلال کوثر خویش بهره‌مند می‌سازد.

ویژگی‌های پیام

پیام الهی به دلیل آنکه حاوی برترین محتوا بوده و از مهمترین مبدأ سرچشمه گرفته است، دارای ویژگی‌های بسیاری است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱- حق بودن

حق در لغت به معنای ثابت، ثابت شدن، و ثابتی که انکار آن روا نباشد، می‌باشد.^۱ بر این اساس مقصود از حق بودن پیام در عرصه تبلیغ دین، ارائه درست باورها و شعائر دینی است.^۲

از آنجا که در پیام‌های الهی مبدأ پیام، خود حق مطلق است، پیام او نیز حق می‌باشد.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ

(رعد ۱)

اینها آیات کتاب آسمانی است و آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است.

۱. لغت نامه دهخدا.

۲. ر.ک. معارف قرآن، ص ۱۶۲.

استاد جوادی آملی در این باره می‌فرماید: در اصل دین و کتاب هیچ تردیدی نمی‌باشد، زیرا حق است: (وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ). سخن وقتی به خدا استناد داشته باشد هیچ گونه تردیدی در محتوا و مدلول آن راه پیدا نمی‌کند یعنی کلام خدا آن قدر محکم است که شک بر نمی‌دارد. هم سند هم متن، هم استناد این کلام به خدا و هم محتوای این کلام و هم داعیه‌اش و هم دعوتش همه مصون از شک‌اند.^۱

بیان قرآن در حق و باطل

قرآن کریم در توصیف حق و تشخیص آن از باطل می‌فرماید: خداوند از آسمان، آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آن سیلابی جاری شد، سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسائل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. خدا حق و باطل را چنین مثل می‌زند، اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند ولی آنچه به مردم سود می‌رساند (آب یا فلز خالص) در زمین می‌ماند... (رعد: ۱۷)

شما پیام گزاران می‌دانید پیام‌های دینی و الهی که از مصادیق حق می‌باشند، همواره دستخوش جعل و تحریف‌های بسیاری قرار گرفته است، لذا برماست که برای دوام و استمرار حق، آن پیام‌ها را به دور از هر گونه تحریف ارائه دهیم تا باطل جایی برای بقاء نداشته باشد، در غیر این صورت رنگ باطل به خود خواهد گرفت و آثار منفی آن رشد خواهد کرد.^۲

۲ - عقلانی بودن

ویژگی دیگر پیام عقلانی بودن آن است. عقلانی در لغت یعنی عقلی و منسوب به عقل^۳ و اگر پیامی با عقل و منطق سازگاری داشته باشد یعنی به گونه‌ای باشد که عقل

۱. تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۲.

۲. ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۵۰، انما بده وقوع الفتن اهواء تتبع...

۳. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه عقلانی.

انسان، بسان یک مغناطیس آن را به سوی خودش جذب کند، قطعاً این پیام، عقلانی بوده و از امتیاز بالایی برخوردار خواهد بود.

استاد مطهری می‌فرماید: «اولین شرط موفقیت یک پیام، عقلی بودن، قدرت و نیرومندی محتوای آن است. یعنی این که خود پیام برای بشر چه آورده است و با نیازهای بشر چگونه انطباق دارد.»

پیام دینی هم باید عقلانی باشد تا بتواند دوام بیاورد و بر دل‌ها نفوذ کند. قرآن کریم می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ...» (نحل: ۱۲۵) (با حکمت به راه پروردگارت دعوت نما).

راغب در مفردات می‌نویسد: «الْحِكْمَةُ إِصَابَةُ الْحَقِّ بِالْعِلْمِ وَالْعَقْلِ»، حکمت، رسیدن به حق با دو ابزار عقل و دانش است. آیت الله مکارم شیرازی ذیل آیه شریفه مذکور درباره معنی حکمت می‌نویسد: حکمت به معنی علم و دانش و منطق و استدلال است. و اولین گام در دعوت به سوی حق، استفاده از منطق صحیح و استدلال حساب شده می‌باشد. به تعبیر دیگر دست انداختن، در درون فکر و اندیشه مردم و به حرکت در آوردن آن و بیدار ساختن عقل خفته آنان اولین گام دعوت است.^۱ شهید مطهری معتقد است سرو کار حکمت با عقل و فکر است، حکمت برای آگاهی و اندیشیدن است، حکمت زبان عقل است و پیامبران می‌خواستند سخن خودشان را اول به عقلها ابلاغ کنند.^۲

مبلغ گرامی، بیائیم پیام دین را حکیمانه تبلیغ کنیم تا با موازین علمی و عقلی هماهنگ باشد. ممکن است این سؤال به ذهن شما مربی عزیز برسد که چگونه می‌توان پیام عقلانی عرضه کرد. در جواب باید گفت که عقلانی عرضه کردن پیام دینی، یعنی طرح درست اندیشه‌ها و باورهای دینی به دور از هر گونه خرافات، چرا که اگر دین و پیام آن

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۵۵. لازم به ذکر است که در خصوص آیه مذکور در فصل پنجم، شیوه‌های تبلیغ مطالبی را مطرح می‌نماییم.

۲. تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، ص ۲۹۴ و ۶۸. ولذا حضرت علی(ع) در خطبه اول نهج البلاغه رسالت رسولان الهی را لیشیروا لهم دفائن العقول ذکر می‌کند.

جدا از تحریف و خرافات عرضه گردد هرگز با موازین علمی و عقلی در تعارض واقع نمی‌شود.^۱

۳- محرک عواطف بودن

پیام در عین عقلانی بودن باید محرک عواطف و احساسات باشد. کانون احساسات آدمی بخشی دیگر از ساختار انسان است که در او به ودیعت نهاده شده است. عقل به منزله چراغی است که گذرگاه زندگی را روشن و انسان را از گمراهی مصون می‌دارد ولی نیروی محرک در این گذرگاه احساسات است و باید اذعان نمود که تأثیر احساسات و عواطف آدمی در گرداندن چرخ زندگی کمتر از عقل نیست و حتی در مواردی عواطف انسانی گوی سبقت را می‌رباید.

پیامبران الهی برای اجرای برنامه‌های آسمانی از این احساسات بشری غافل نبوده‌اند و کوشش کرده‌اند که با جلب آنها پیام خود را بهتر منتقل کنند.
قرآن کریم می‌فرماید:

وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

(مریم: ۴۱-۴۳)

در این کتاب از ابراهیم یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر خدا بود. هنگامی که به پدرش گفت: ای پدر چرا چیزی را پرستش می‌کنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و هیچ مشکلی را از تو حل نمی‌کند. ای پدر! دانشی نصیب من شده که نصیب تو نشده، بنابراین از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم.

۱. در این رابطه می‌توان داستان هم‌زمانی وفات ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم(ص) و خورشید گرفتگی را مطرح نمود که مسلمانان این کسوف را با مرگ فرزند پیامبر ارتباط دادند که بی‌درنگ پیامبر(ص) بر فراز منبر رفت و فرمود خورشید گرفتگی به خاطر مرگ فرزند من نبود. با این واکنش صریح راه هرگونه تحریف بسته شد. رک. بحار الانوار. ج ۸۸، ص ۱۶۳.

کیفیت گفتگوی ابراهیم با آزر که طبق روایات مردی بت پرست بوده، به ما نشان می‌دهد، که برای نفوذ در افراد، می‌باید از منطقی آمیخته با احترام، محبت و دلسوزی استفاده کرد، همچنان که ابراهیم (ع) چهار بار با لحنی عطفانه و در نهایت ادب صدا می‌زند (یا اَبْتِ) تا احساسات او را تحریک نماید و وقتی هم تهدید می‌شود باز با صفا و صمیمیت با او روبرو می‌شود و به او وعده طلب مغفرت می‌دهد.

یا قرآن در آیات متعددی به مخاطبان خود می‌فرماید: «خود شما هم می‌دانید، شما هم بر این مطلب گواهید» که این نوع برخورد در جهت تحریک عواطف، بسیار سودمند است. به عنوان مثال به اهل کتاب می‌فرماید:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ
بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(آل عمران: ۷۰-۷۱)

ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید و حال آن که شما به صدق آن گواهی می‌دهید، چرا حق را به باطل می‌پوشانید و حق را کتمان می‌کنید در حالی که شما می‌دانید.

و یا در بیان زشتی فوق العاده گناه غیبت، با تشبیهی به تحریک احساسات می‌پردازد و می‌فرماید:

أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...
(حجرات: ۱۲)

آیا کسی از شما دوست دارد گوشت مرده برادر خود را بخورد همه شما از این امر کراهت دارید.

ما مربیان باید همانند انبیا در امر تبلیغ دین و ارائه پیام آسمانی، محرک عواطف و احساسات مخاطبان باشیم. در این راستا باید بکوشیم مطالب را به صورت ساده و آسان مطرح کنیم تا بتوانیم ارتباط نزدیک و صمیمی تری ایجاد نماییم.

۴- هدایتگر بودن

ویژگی دیگر برای پیام، هدایت‌گری است. هدایت یعنی راهنمایی قافله بشری که در مسیر خاصی حرکت می‌کند. مانند یک خلبان که هواپیمایی را هدایت می‌کند، جایی را

که لازم باشد بر سرعت می‌افزاید، و جای دیگر از سرعت می‌کاهد و مانند آن تا هواپیما سقوط نکند و به سلامت به مقصد برسد. در هدایت جامعه و کاروان بشری این راهنمایی لازم است؛ یعنی کسی می‌تواند راهنمای کاروان بشری یا جامعه انسانی باشد که بداند جامعه چه مسیری دارد و به کجا می‌رود و سعادت او در چه می‌باشد.

از آنجا که خداوند از سمت و سوی حرکت قافله بشری کاملاً آگاه است قانون و برنامه سعادت بخش او برترین مضامین را در جهت هدایتگری انسان در دنیا و آخرت دارد. این ویژگی هدایت‌گری را خداوند در وصف قرآن چنین مطرح می‌نماید:

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرًا لِّلْمُسْلِمِينَ (نحل: ۸۹)

ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است و مایه هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ (احقاف: ۳۰)

قرآن به سوی حق و راه مستقیم هدایت می‌کند

در جای دیگری و صف نور را درباره قرآن مطرح می‌نماید:

الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم: ۱)

این کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی به فرمان خدا درآوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید.

تعبیر «لَتُخْرِجَ» در آیه گویای دو نکته می‌باشد:

۱- قرآن گرچه، کتاب هدایت و نجات بشر است، ولی نیاز به مفسر دارد. مفسری همچون پیامبر(ص). بنابراین حتی قرآن با آن عظمت، بدون مفسر، مشکلات را حل نمی‌کند. این امر بیان گر جایگاه مبلغان دین در پیام رسانی می‌باشد.

۲- این تعبیر آیه در واقع دلیل بر حرکت دادن توأم با دگرگونی و تحول است، گویی

مردم بی ایمان در یک محیط بسته و تاریک قرار دارند و پیامبر دست آنها را گرفته، به جای وسیع و روشن وارد می‌سازد.^۱

مبلغ محترم، به خاطر بسپاریم که ما هم این گونه هدایت‌گری کنیم و انعکاس پیام دینی را زمینه ساز تحول معنوی و دینی مردم قرار دهیم.

۵- تناسب با نیاز مخاطب

پیام باید متناسب با قدرت فراگیری، طرز تفکر، شایستگی، فرهنگ و درک پیام گیرنده باشد. توجه به این شرایط است که زمینه تناسب پیام با نیاز مخاطب را فراهم می‌کند. سنجیدن فهم پیام گیرندگان، به قدری مهم می‌باشد که تمام پیامبران الهی در راه تبلیغ خدا مأموریت یافته‌اند که به این مهم توجه نشان دهند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ.^۲

ما پیامبران مأموریم که در سطح درک مردم سخن بگویم.

اگر پیام الهی در دلها نفوذ می‌کند و همگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به جهت انطباق با نیازهای بشری است. استاد مطهری می‌فرماید: «برای این که محتوای یک پیام غنی باشد باید با احساسات بشر انطباق داشته باشد. توافق با احساسات و تا حدی اشباع احساسات عالی بشر و هماهنگی با نیازهای زندگی و نیازهای عملی و عینی بشر از دیگر شرایط غنی بودن محتوای یک پیام است. اگر پیام با نیازهای طبیعی بشر ضدیت داشته باشد نمی‌تواند موفق باشد.»^۳

شما مربی عزیز تاکنون چه مقدار به این مهم توجه داشته‌اید، آیا تا به حال قبل از ارائه پیام، نیاز سنجی کرده‌اید؟ آیا می‌دانید اظهار بیش از حد مطالب بدون رعایت استعداد و شایستگی شنوندگان، نه تنها به مصلحت نیست که در بعضی موارد زیان‌آور نیز می‌باشد.

۱. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۶۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۵.

۳. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۹۷. (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۲۵).

حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ^۱

در مقام سخن نه فقط آن را که نمی دانی مگویی بلکه همه دانسته های خود را به زبان نیاور.

به راستی اگر این نیاز سنجی ها صورت می گرفت آیا در جذب شنوندگان موفق تر نبودیم؟
بیاییم همانند معصومین (ع) پیام را متناسب با نیاز، علم و درک پیام گیرندگان ارائه دهیم تا
پیام ما نیز همانند داروی پزشکی معالج اثر بخش باشد.

توجه به نکات ذیل ما را در شناسایی نیاز مخاطبان بیشتر کمک خواهد نمود:

۱- توجه به سن مخاطبان (بدیهی است نیازهای کودکان، نوجوانان، جوانان، کهن سالان
در یک سطح نمی باشد).

۲- توجه به جنس و نوع مخاطبان.

۳- دقت در سطح تحصیلات مخاطبان.

۴- در نظر گرفتن شرایط و ویژگی های روحی و روانی مخاطبان.

۵- توجه به زمان و مکان ارائه پیام.

۶- روشن و گویا بودن

از ویژگی های دیگر پیام، روشن و گویا بودن می باشد. پیام اگر صریح، روان و عاری از
الفاظ و واژه های پیچیده ارائه شود روشن و گویا خواهد بود.

قرآن این برترین کتاب الهی، در ارائه پیام آسمانی، در اوج بلاغت، روشنی و گویایی
است و ویژگی خود را این گونه بیان می کند:

(حجر: ۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ

این آیات کتاب و قرآن مبین است.

(مائده: ۱۵)

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

از طرف خداوند نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

اگر در اولین روزهای نزول قرآن، مردم مجذوب قرآن شدند، و حتی سران مشرکان، در دل شب، به نغمه‌های قرآن گوش فرا می‌دادند، بدان سبب بود که مفاهیم بلند قرآن را به سادگی و روشنی می‌فهمیدند.

از طرفی دیگر پیامبران الهی هم مأمور بودند که پیام خود را صریح و روشن به گوش مردم برسانند.

وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

(عنکبوت: ۱۸)

وظیفه فرستاده خدا جز ابلاغ آشکار نمی‌باشد.

موسی (ع) این پیامبر آسمانی در جهت تبلیغ الهی تقاضای گویایی بیان می‌کند:

وَاخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي

(طه: ۲۸-۲۷)

خدایا گره از زبانم بگشا تا سخنان مرا بفهمند.

از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده که اگر پیامی مزین به اسلوب و بینش خاصی شود به گونه‌ای که همگان آن را بفهمند جزء برترین پیام‌ها و گفتارها خواهد بود؛ ایشان می‌فرماید:

أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمُ الْخَاصِّ وَالْغَامِ^۱

پس بکوشیم با تاسی از قرآن و سیره معصومین پیام را صریح و گویا به پیام‌گیرندگان منتقل کنیم. در این رابطه توجه به چند نکته، مفید و سازنده خواهد بود:

۱- در ارائه پیام از کلمات روان، فصیح و زیبا، استفاده کنید. مثلاً از سه واژه «پیش آمد - حادثه - رویداد» واژه رویداد را و از سه واژه «عکس‌العمل، واکنش، بازتاب» واژه بازتاب را انتخاب نمایید.

۲- از تندگویی و شتابزدگی اجتناب و سعی کنید که کلام و پیام شما به درازا نکشد و در عین اختصار وافی به مقصود باشد.

۳- زمان، مکان، سطح فکر، روحیات مخاطبان و قدرت فراگیری پیام‌گیرندگان را کاملاً بشناسیم و بر اساس آن نحوه ارائه پیام و محتوای آن را انتخاب کنیم.

۷- کاربردی بودن

اگر پیامی با عبارت ساده، کوتاه، پربار در قالب ادبیات روز جهت گره‌گشایی به پیام‌گیرنده، منتقل شود آن پیام کاربردی خواهد بود.

ویژگی‌های پیام کاربردی

۱- استفاده از کلمات روان و ساده: قرآن شریف، که پیام اسلام است، واجد این مزیت می‌باشد.

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ

(قمر: ۱۷)

ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم آیا کسی هست که متذکر شود؟

۲- بهره‌گیری از جملات کوتاه و پربار: برای کاربردی کردن پیام باید از جملات کوتاه و پربار استفاده نمود، فاصله بین نهاد و گزاره را کم کرد، و اگر جمله‌ای به درازا می‌کشید، به گونه‌ای نباشد که طول کلام رابطه لفظ و معنا را قطع نماید.
قال علی (ع):

آفة الكلام الأطلالة^۱

آفت گفتار، کلام را به درازا کشاندن است.

۳- به کارگیری تشبیه و مثل: چه بسیار مطالب غامض و دشواری که با یک مثل یا تشبیه چنان روشن می‌گردد که برای پیام‌گیرنده کمترین ابهامی باقی نمی‌گذارد. به این دو مثل قرآنی دقت کنید:

الف - أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

(ابراهیم: ۲۴)

آیا ندیدی خدا چگونه کلمه طیبه و گفتار پاکیزه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن در (زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است.

ب - وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ
وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (نور: ۳۹)

کسانی که کافر شدند اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه از دور آن را
آب می‌پندارد اما هنگامی که به سراغ آن می‌رود چیزی را نمی‌یابد و خدا را نزد آن می‌یابد
که حساب او را به طور کامل بدهد و خداوند سریع الحساب است.

خداوند در این دو آیه دو مثل آورده یکی برای مؤمنین و دیگری برای کسانی که در
مقابل احکام قطعی اسلام مخالفت کنند و به کفر گرایند.

۴ - آگاهی و استفاده از ادبیات روز: آگاهی از ادبیات روز و به کارگیری آن، نقش مؤثری
در کاربردی کردن پیام دارد. به این عبارت توجه کنید:

سوز اشک‌های فاطمه (ع) هنوز پای عارفان را در بیت الاحزان او سست می‌کند، و کمر ابرار
را می‌شکند، و آتش به جان اولیاء الله می‌اندازد، معاذالله که رَشِحَةٌ هیچ قلمی بتواند با اشک
سوزناک علی به هنگام شستن پیکر فاطمه (ع) برابری کند. کجاست اسماء؟ از او پرسید
فرشتگانی که در اشک‌های آن هنگام علی (ع) به تبرک غسل می‌کردند بال و پرشان نسوخت؟
آنچه بر پیشانی تاریخ تشیع چروک‌هایی اینچنین عمیق آفریده دردهایی از این دست است،
دردهایی که گفتنی نیست، بیان کردنی نیست...^۱

در این چند سطر، تمام ویژگی‌های پیام کاربردی جمع شده است.

هدایت‌گر بودن، مطابق با نیاز و احساسات صحبت کردن، خطابی بودن پیام و راه حل
عملی برای رفع مشکلات ارائه دادن از ویژگی‌های دیگر یک پیام کاربردی است. بکوشیم با
کاربردی کردن پیام، پیام‌گیرنده را خسته نکنیم تا بتواند تا انتهای پیام ما را همراهی کند.

۸ - جامعیت

پیامی جامعیت دارد که پاسخ‌گوی همه نیازهای مادی و معنوی انسانها باشد.

پیام دینی که نشأت گرفته از قرآن می‌باشد، همین گونه است. اگر پیامی دارای ریشه الهی و با فطرت انسان همگون باشد، و نیز با محتوای غنی خود ابعاد مختلف زندگی را در نظر بگیرد و طرح‌هایش، قابلیت پیاده شدن در هر زمان و مکان را داشته باشد، می‌تواند جامع باشد. اسلام به عنوان برترین پیام آسمانی، موارد مذکور را در خود جمع کرده است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: اسلام همان طور که به معنویات نظر دارد... همان طور به مادیات نظر دارد... اسلام جامع مابین همه جهات است.^۱

قرآن پیام آسمانی اسلام، می‌فرماید: «لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷) (بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن).

مبلغ عزیز، هیچ می‌دانید که در بین بعضی از متریبان شما این‌گونه القا شده که دین را با دنیای مردم چه کار؛ دین فقط جوابگوی مسائل اخروی می‌باشد! شهید مطهری بار دین این اتهام جواب می‌دهد که جامعیت و همه جانبه بودن تعلیمات اسلام مورد قبول اسلام‌شناسان می‌باشد و مهم‌ترین رکن جاوید ماندن، توجه به همه جوانب مادی، روحی، فردی و اجتماعی است.^۲ قرآن کریم می‌فرماید:

(نحل: ۸۹)

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

عزیزان مربی بکوشیم اسلام جامع را تبلیغ کنیم؛ اسلامی که برنامه زندگی و برنامه حکومت دارد. این پیام جامع است که جاذب افکار خواهد شد و همه اندیشه‌ها را متوجه خود خواهد نمود.

۹- جاودانه

پیامی را که هماهنگ با فطرت بشر، انعطاف‌پذیر و در عین سهولت و سادگی، حاوی ادله منطقی و عقلانی باشد جاودانه و فراگیر می‌نامند.^۳

۱. اسلام ناب در کلام و پیام امام، ص ۹.

۲. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۰۹.

۳. ر.ک. انتظار بشر از دین، ص ۱۲۰، با اندکی تصرف.

برخی از ویژگیهای پیام جاودانه

۱ - هماهنگ با فطرت بشر: از ویژگی‌های مهم پیام جاودانه هماهنگ بودن با فطرت می‌باشد این ویژگی در پیام اسلامی نیز وجود دارد. شهید مطهری می‌فرماید:

اسلام در وضع قوانین و مقررات خود رسماً احترام فطرت و وابستگی خود را به قوانین فطری اعلام نموده است به این جهت است که به قوانین اسلام امکان جاویدانی بودن داده است.^۱

هماهنگی با فطرت همچنین عامل فراگیر بودن پیام اسلام نیز شده است به طوری که همه گروه‌ها و اقوام با هر گونه نژاد در سر تاسرگیتی را شامل می‌شود.^۲

۲ - سهولت و سادگی: پیام نشأت گرفته از دین، باید سهل و آسان باشد به گونه‌ای که هیچ عسر و حرجی برای پیام گیرنده ایجاد نکند. قرآن مجید می‌فرماید:

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ

(بقره: ۵۰)

خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را.

و نیز در آیه دیگری می‌فرماید:

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ

(حج: ۷۸)

دین اسلام کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود:

بُعِثْتُ عَلَى الشَّرِيعَةِ السَّنْحَةِ السَّهْلَةِ.^۳

خدا من را مبعوث کرد بر شریعت و دینی که با سماحت و گذشت می‌باشد.

سماحت در دین و پیام دینی یعنی نشان دادن گذشت. به عنوان مثال دین اسلام که دستور به وضو گرفتن می‌دهد، همین دین در صورت وجود زخم یا بیماری در بدن و

۱. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۸۹.

۲. توضیح کامل در خصوص این ویژگی به صورت مستقل خواهد آمد.

۳. الناصریات، ص ۴۶.

ترس ضرر و ضرر را بر می دارد. این سماحت است و پیام دینی هم که از دین نشأت می گیرد باید همین گونه باشد. با گذشت و آسان گیری است که می توان بذر سخن و پیام را در دل مخاطب کاشت.

۳ - انعطاف پذیری: پیام انعطاف پذیر پیامی است که آینده نگر می باشد و منحصر در یک سری آموزه های ثابت نیست. به این مثال قرآنی توجه کنید.

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...

(انفال: ۶۰)

هر چه در توان دارید برای مقابله آماده سازید و هم چنین اسب های ورزیده برای میدان نبرد تا به وسیله آن، دشمن خدا و خویش را بترسانید.

پیام این آیه، ایستادگی در برابر دشمن می باشد. با این توضیح که اگر در گذشته این مقاومت با وسایل ابتدایی صورت می گرفت، در حال فعلی باید با استفاده از ابزار مدرن صورت گیرد. این انعطاف پذیر بودن پیام دینی را نشان می دهد. برای این که پیام دینی انعطاف پذیر باشد باید در احکام دینی، عنوان های کلی و طبیعت شیء لحاظ شود مثل این که بگوئیم شراب حرام است، غضب حرام است، گوشت گوسفند حلال است. این کار نوعی قابلیت انعطاف ایجاد می کند. شهید مطهری در این باره می فرماید: اسلام در وضع قانون، طبیعت اشیاء را لحاظ کرده یعنی قانونی را که وضع کرده به شکل قضایای حقیقیه وضع کرده، نه از نوع قضایای خارجی. به دیگر عبارت، اسلام به افراد کار ندارد، بلکه حکم را روی حیثیات و عناوین کلی می برد و این کار نوعی قابلیت انعطاف ایجاد می کند.^۱ ما مبلغان به تاسی از قرآن که پیام اسلام می باشد باید بکوشیم پیام خود را با این ویژگی ها ارائه دهیم تا پا برجا بماند.

۱۰ - امید دهنده و انداز کننده

دو رکن اساسی در پیام دینی امید دادن و انداز نمودن می باشد. قرآن خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

۱. اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، ص ۴۶.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

(احزاب: ۴۶-۴۵)

ای پیامبر ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم و چراغی روشنی بخش.

گرچه آیه مربوط به پیام گزار می باشد ولی از آن در امر پیام نیز می توان استفاده نمود.

اما نکات قابل استفاده از آیه

- ۱- پیام دینی برای تأثیر گذار بودن باید هم نوید دهنده و هم هشدار دهنده باشد و گرنه از تأثیر آن چنانی برخوردار نخواهد بود.
- ۲- از این آیه و آیات دیگر^۱ استفاده می شود که تا زمینه بشارت وجود دارد نباید سراغ انذار رفت یعنی مبلغ باید سرلوحه پیام خود را با نوید و بشارت آغاز کند و آن گاه که پیام گیرنده را با خود همراه کرد با یاد کرد فرجام بد معصیت آنان را انذار دهد.
- ۳- مبادا پیام ما به جای انذار، زمینه نفرت و فرار پیام گیرنده را از پیام ایجاد کند؛ زیرا انذار و ترساندن پیام گیرنده در جهت حرکت دادن به جلو می باشد و با ایجاد نفرت و فرار تفاوت دارد. حتماً به خاطر دارید کلام بشیر رحمت، پیامبر اکرم (ص) که وقتی معاذ بن جبل را برای تبلیغ به یمن فرستاد به او توصیه نمود که: «يَا مَعَاذُ بَشْرًا وَلَا تَنْفِر» ای معاذ در تبلیغ اساس کارت بر تبشیر و ترغیب باشد و کاری نکن که مردم را از اسلام فراری دهی.^۲
- کلام آخر آن که شما مبلغ گرامی، نیک می دانید، پیام دینی حاوی بشارت و انذار، که از طرف ما مبلغان دینی به پیام گیرندگان منتقل می گردد باید به گونه ای باشد که نه کسی را از رحمت حق مأیوس سازد نه کسی را بیهوده امیدوار سازد.^۳

۱۱- هماهنگی با فطرت داشتن

واژه فطرت در لغت به معنی آفرینش، جبلت، سرشت و ابداع می باشد و منظور از آن،

۱. مانده: ۱۹ و نیز بقره: ۱۱۹.

۲. ر.ک تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، ص ۱۵۰.

۳. در این خصوص تبیین جایگاه شفاعت اهل بیت. خالی از فایده نمی باشد.

صفاتی است که انسان در آغاز خلقتش دارا می‌باشد.^۱ ابن اثیر می‌نویسد: فطرت نوعی خاص از سرشت است که برای پذیرش دین آمادگی دارد.^۲ از آنجا که انسان، دارای فطرت است، قطعاً پیام‌های دینی که در جهت رشد و هدایت او است باید با فطرتش هماهنگ باشد، چرا که از اهداف مهم یک پیام دینی، هدایت و رشد دادن استعدادها و ویژگی‌های انسانی است و این در صورتی میسر است که با آن استعدادها همخوانی داشته باشد. بنابراین، پیام گزار باید ابتدا، آشنایی کامل بانحوه رشد و تعالی این خلقت خاص، یعنی انسان داشته باشد تا بتواند مطابق با آن پیامی در جهت رشد و هدایت آن بدهد. چنین پیامی می‌تواند مؤثر باشد؛ مانند پیام‌های قرآن که با توجه به فطرت انسانی صادر می‌شود.

آثار هماهنگی

مربی عزیز مگر نه این است که انسان در هر زمانی محتاج به دین است؟ مگر نه این است خدائی که عقل و خلقت خاص انسان را آفرید در راستای رفع نیاز آدمی و تکمیل عقل، عامل تکامل و فعلیت یافتن سرمایه‌های عقلی ذاتی را نیز بیافرید. آری فطرت انسان در پرتو شریعت و دین الهی به شکوفایی می‌رسد. گفتنی است دو نوع هدایت برای ما آدمیان وجود دارد؛ هدایت تکوینی انسان، که از طریق فطرت، شکل می‌گیرد و هدایت تشریحی که توسط انبیاء و پیام‌های سعادت بخش آنان صورت می‌گیرد، این دو باید با هم کاملاً هماهنگ باشند. در واقع بذر پیام شریعت است که در سرزمین مستعد فطرت، افشانده شده و در پرتو این دو سرمایه هدایتی است که درخت وجود انسانی بارور می‌شود و انسان، بسان شجره طیبه‌ای می‌گردد که ریشه‌های ثابت دارد، ریشه‌های استوار در سرزمین ایمان و شاخه‌هایی برافراشته در آسمان سعادت.^۳

۱. لغت نامه دهخدا.

۲. النهایه، ج ۳، ص ۴۷۵، عبارت ایشان به این گونه است. و الفطرة الحالة منه كالجلسه و الركبه و المعنى انه يولد على من الجبله و الطبع المتعين لقبول الدين.

۳. ابراهیم، ۲۴.

راهکار هماهنگی

از مواردی که هماهنگی بین پیام دین و فطرت را رقم می‌زند آن است که دین و پیام آن به نحوی باشد که بتواند تأمین‌کننده خواسته‌های بشر باشد و این تأمین‌کنندگی تا آن اندازه باشد که چیز دیگری نتواند جای آن را پر کند. به عبارت دیگر انسان دارای یک سری احتیاجاتی است که برگرفته از گرایش‌های مقدس و عالی وجود اوست،^۱ گرایش‌هایی هم چون حقیقت‌جوئی، کمال‌طلبی، خلاقیت، پرستش و... تنها دین و پیام آن می‌تواند این احتیاجات آدمی را پوشش دهد چرا که بشر از لحاظ شخصی و اجتماعی نیازمند به برنامه‌هایی است که او را به ابدیت و جهان دیگر پیوند دهد، او را به پرستش خداوند رهنمون سازد و سر آخر آنکه او را کمال طلب کند این دین و پیام برخاسته از آن است که جوابگوی همه امور می‌باشد. اگر پیام دینی این گرایش، را در نظر بگیرد و متناسب با آن ارائه طریق کند زمینه هماهنگی بین خود و فطرت را فراهم خواهد نمود.

پیام‌گزار

تعریف پیام‌گزار

پیام‌گزار در لغت به معنای رسول، پیغام‌آور و مانند آن آمده است.^۱ از منابع دینی استفاده می‌شود که «پیام‌گزار دینی» کسی است که پیام دین را با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مشروع به مردم می‌رساند، و از کسی جز پروردگار جهانیان واهمه ندارد و اجر و پاداش کوشش‌های تبلیغی خود را نیز تنها از او امید دارد:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

(احزاب: ۳۹)

(پیامبران پیشین) کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند، و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهنده اعمال آنها) است.

جایگاه پیام‌گزار

کار مبلغ دینی، هدایت انسان‌ها به سوی قرب خداوند است. از این رو منزلت و جایگاهش نیز به تناسب کار بسیار مهم و ارزشمندی که بر عهده دارد، بسیار بالاست. در تفسیر و تأویل آیه ۳۲ سوره مائده که می‌فرماید:

۱. لغت‌نامه، دهخدا، فرهنگ فارسی، معین.

... وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً

... و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

روایاتی از امامان علیهم السلام رسیده که کلمه «احیاء» را زنده کردن معنوی و فکری و روحی نیز معنی کرده، آن را به مراتب مهم‌تر از نوع ظاهری و جسمی آن بر شمرده است.^۱

این زنده کردن دل‌های مرده، بر عهده مبلغان دینی است. و نیز زمانی که رسول خدا (ص)، امیر مؤمنان (ع) را برای هدایت مردم یمن به آنجا فرستاد به او فرمود:

... به خدا سوگند اگر یک انسان به دست تو هدایت شود، برای تو بهتر است از تمام آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند...^۲

و سرانجام اینکه، مبلغ دینی در صورتی که خود اهل ایمان و عمل صالح باشد، سخنش از هر سخنی برتر و والاتر است:

وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا يَمُنُّ دَعَاً إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحاً وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

(فصلت: ۳۳)

چه کسی گفتارش زیباتر است از آن که به سوی خدا می‌خواند و کار نیک و شایسته انجام می‌دهد و گوید: همانا من از مسلمانانم؟!

ویژگی‌ها و وظایف

شما که می‌خواهید رسالت مهم «تبلیغ دین» را عهده‌دار شوید، ابتدا باید از تعلیم خودتان آغاز کنید و قبل از توصیه به دیگری، خویشتن را به ارزش‌ها و شایستگی‌ها بیارایید. چنان که امام علی (ع) می‌فرماید:

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۲۸.

۲. بحارالانوار، ج ۲۱، ۳۶۱.

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَنْتَدِ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.^۱

کسی که خود را در مقام پیشوایی و امام قرار می‌دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد به تعلیم خویش پردازد؛ و باید تأدیب کردن او به عملش پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد. کسی که معلم و ادب‌کننده خویش است، به احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی مردم است.

ما، در اینجا مهم‌ترین خصوصیات را که شما به عنوان یک مبلغ دینی می‌بایست دارا باشید، می‌آوریم و سپس به بیان وظایف می‌پردازیم.^۲

الف: ویژگی‌ها:

۱- ایمان به محتوای پیام:

شما باید به محتوای پیام خود از جان و دل باور داشته باشید؛ و این باور، از شناخت درست و همه‌جانبه‌تان نسبت به محتوای پیام و هدف سرچشمه گرفته باشد. آنچه را که می‌خواهید تبلیغ کنید و به دیگران بیاموزید، ابتدا نیک فراگیرید، تا هیچ شک و شبهه‌ای درباره آن برایتان باقی نماند. تنها در این صورت، سخنان شما به قلب و روح دریافت‌کنندگان پیامتان راه می‌یابد. اما اگر خودتان درباره صحت و درستی اهداف تبلیغی و یا محتوای پیامتان دچار شک و تردید هستید، انتظار نداشته باشید که مخاطبان شما حرفه‌ایتان را بپذیرند. از جمله صفات ممتاز رسول گرامی اسلام (ص) این بود که به آنچه تبلیغ می‌کرد، ایمان داشت:

عَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ... (بقره: ۲۸۵)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد).

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.

۲. آراستگی به این صفات برای هر مسلمان و مؤمنی نیکوست، اما برای پیام‌گزار دینی نیکوتر است، زیرا او معلم و مربی و الگوی دیگران است.

و نیز می فرماید:

(اعراف: ۱۵۸)

النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ

پیامبر امی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته) به خدا و کلماتش ایمان دارد...

۲- اخلاص در تبلیغ:

یعنی عمل مقدس تبلیغ دین را یک عبادت بزرگ به شمار آوریم؛ و به سان دیگر عبادات هیچ انگیزه و هدفی جز کسب رضای پروردگار متعال و رسیدن به مقام والا و با عظمت، «قرب الهی» نداشته باشیم.

شان مبلغ دینی، شان انبیای الهی است که به مردم می گفتند:

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

(شعراء: ۱۰۹-۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰)

من برای این دعوت هیچ اجر و پاداشی از شما نمی طلبم، اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است.

همه هدف و خشنودی یک پیام گزار دینی این است که انسانی را با آفریدگارش آشنا سازد، او را از گمراهی رهانیده و به صراط مستقیم الهی ره نماید. چنان که در قرآن کریم می خوانیم:

(فرقان: ۵۷)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

بگو: من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است).

مبلغ دین، عبادت ارزشمند تبلیغ را با انگیزه های مادی و دنیایی نمی آلاید. ارزشهای مقدس را وسیله و ابزاری برای رسیدن به ثروت و قدرت نمی خواهد. خودستایی، خودنمایی، همنوایی با صاحبان زر و زور، برون راندن حریفان از صحنه با توسل به شعائر مذهبی، پیشبرد اهداف حزبی و گروهی، توقع احترام و تعریف و تمجید از مردم، و... به هیچ وجه

شایسته شأن والای یک مبلغ دینی نیست. مبلغان پیرو اهل بیت (ع) در تاریخ سراسر عزت و افتخار خود از همه این آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها منزّه و به دور بوده‌اند.

برخی از آثار و برکات اخلاص مبلغ عبارتند از:

۱- تأثیر پیام در قلب و روح مخاطب.

۲- در نظر گرفتن مصلحت مخاطبان.

۳- آزادگی در بیان حقایق

۴- بی تأثیر بودن رویکرد یارویگردانی مردم در نشاط تبلیغی او.

۵- منت نگذاردن بر مردم در برابر کوشش‌های تبلیغی خود.

۶- بهره‌مندی از پاداش‌های الهی در دنیا و آخرت.^۱

پیام‌گزار پروا پیشه، تأمین و آبادانی زندگی دنیا و آخرت خود را از پروردگار متعال

امید دارد؛ چرا که:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق: ۲-۳)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که

گمان ندارد روزی می‌دهد، و هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می‌کند، خداوند

فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

۳- بصیرت و آگاهی:

روشن بینی، دانایی، هوشمندی، عقل، درایت و معرفت، از مهم‌ترین ارکان شخصیت

پیام‌گزار دینی است. کسی که این ویژگی را ندارد، نباید گام در عرصه تبلیغ نهد؛ چرا که

خطر گمراهی به او و مخاطبانش بسیار نزدیک است.

پروردگار متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

۱. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۲۰۰-۲۰۱ و ۳۶۸-۳۸۵، القرآن و التبلیغ، ص ۱۱۴-۱۱۹؛ تبلیغ در

قرآن، ص ۸۳-۸۷.

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
(یوسف: ۱۰۸)

بگو: این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزله است خدا و من از مشرکان نیستم!

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که پیام‌گزار دینی باید از بینش، هوشیاری و تدبیر برخوردار باشد و دعوتش را بر دلایل قطعی و روشن، بنیان نهد و آن را از شائبه جهل، ابهام، شک و خرافه بپیراید.

شما که در پی انجام فریضه مهم تبلیغ دین هستید، باید خود را مخاطب این پیام الهی بدانید که می‌فرماید:

وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ
(توبه: ۱۲۲)

شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا که از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

در این آیه مبارکه تفقه در دین - به معنای کسب شناخت ژرف و گسترده از دین - جزء مقدمات لازم برای مبلغ دینی شمرده شده است. بنابراین هر آنکه اندیشه تبلیغ دارد، ضروری است که سالیانی چند، با کمال اخلاص و جدیت در محضر اساتید دین شناس و با تقوا به فراگیری علوم و معارف اسلامی بپردازد و آن‌گاه عهده دار منصب تبلیغ شود.

۴ - توکل:

وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ
(هود: ۸۸)

و توفیق من جز به (کمک) خداوند نیست، بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم.

داشتن فضیلت اخلاقی توکل، از مهم‌ترین عوامل موفقیت در تبلیغات مذهبی است. حقیقت توکل، اعتماد و اطمینان به خدای تعالی در همه کارها و فعالیت‌ها است، و این منافات با فراهم کردن اسباب ندارد. اما نباید اسباب را اصل اساسی بدانید.

انسان باید با کمال قدرت از هر گونه وسیله مادی مشروع برای پیروز شدن بر مشکلات بهره‌گیرد و موانع را از سر راه خود بردارد و با این حال متکی به لطف پروردگار و قدرت بی‌پایان او باشد و پیروزی را از او بداند.

توکل به این معنا نیست که دست از تلاش و کوشش بردارید، بلکه تا آنجا که در توان دارید، تلاش کنید و اما آنجا که از توان شما بیرون است، به خدا واگذار نمایید، و از او کمک بخواهید.

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که می‌خواست از مکه به مدینه هجرت کند، هرگز آشکارا و بدون نقشه و برنامه، حرکت نکرد، بلکه برای اغفال دشمن از یک سو دستور داد علی (ع) در بسترش تا به صبح بخوابد؛ و از سوی دیگر شبانه به طور مخفی از مکه بیرون آمد، و به جای اینکه به طرف شمال یعنی به طرف مدینه حرکت کند، موقتا به سوی جنوب و غار ثور آمد و در آنجا دو سه روزی پنهان گشت و هنگامی که دشمن مأیوس شد، مکه را دور زد و به طرف مدینه حرکت فرمود. در حالی که پیوسته از بیراهه می‌رفت. شبها حرکت می‌نمود و روزها مخفی بود، تا به مدینه رسید.

بنابراین روح توکل که تمام وجود پیامبر (ص) را پر کرده بود، مانع از این نشد که از اسباب ظاهری لحظه‌ای غفلت کند.

توکل به مفهوم صحیح کلمه، امید آفرین، نیرو بخش و باعث اعتماد به نفس و تقویت اراده است و به شما شجاعت و شهامت می‌بخشد. بنابراین برای اجرای برنامه‌های تبلیغی از کمبود نیرو و امکانات و توطئه‌های دشمنان واهمه نداشته باشید؛ و همیشه در برابر مشکلات خود را در پناه خدا قرار دهید. زیرا همه چیز در جهان هستی در قدرت و فرمان الهی است.^۱

۱. ر.ک. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۷۵ (با تصرف و تلخیص).

کسب کن، پس تکیه بر جبار کن
ورنه افتی در بلای گمراهی^۱

گر توکل می کنی در کار کن
تکیه بر جبار کن تا وا رهی

نقل شده که پیامبر اکرم (ص) به آن اعرابی که توکل کرده و شتر را رها ساخته بود، فرمود: چگونه شتر را رها کردی؟ اعرابی گفت: به خدا توکل کردم! حضرت فرمود: پای شتر را ببند و آنگاه توکل نما.^۲

با توکل زانوی اشتر ببند
از توکل در سبب کاهل مشو^۳

گفت پیغمبر به آواز بلند
رمز الکاسب حبیب الله شنو

اگر پیام گزار، توکل بر پروردگار متعال داشته باشد:

۱- از شر شیطان در امان می ماند. (إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (نحل: ۹۹)

۲- از مواهب و پاداش های الهی برخوردار می گردد (... نِعْمَ أَجْرُ الْغَامِلِينَ، الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (عنکبوت: ۵۹)

۳- خدا را شاهد و ناظر گفتار و رفتار خود می داند. (وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ)

(قصص: ۲۸)

۴- خدای متعال او را دوست دارد. (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (آل عمران: ۱۵۹)

۵- صدق و راستی:

وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقِي وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

(اسراء: ۸۰)

و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حاجتی یاری کننده برایم قرار ده!».

۱. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲. همان، ص ۴۲۰؛ المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۴۲۶.

۳. همان.

در این فراز از ویژگی‌های پیام‌گزار، دربارهٔ صفت «صدق و راستی» با شما سخن می‌گوییم، بدان امید که از «صادقان» باشیم!

صدق - در برابر کذب - هماهنگی سخن [خبر. حکم] با واقع و اعتقاد گوینده است.^۱ قلمرو صدق، محدود به سخن نیست، اعتقاد و عمل را نیز در بر می‌گیرد.^۲ بنابراین «پیام‌گزار صادق» کسی است که گفتارش آینهٔ تمام‌نمای واقعیات و باورهای اوست؛ و با عملش آن دو را تأیید می‌کند.

صداقت کامل با همراهی دل و زبان و عمل پدید می‌آید. اگر سخن کسی، خلاف واقع و باور او باشد، و یا دوگانگی بین گفتار و رفتارش یافت شود، نمی‌توان وی را صادق نامید. از این رو، پروردگار متعال کسانی را که چیزهایی به مردم می‌گویند و خود بدانها عمل نمی‌کنند نکوهش نموده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟!

نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!^۳

در نظام ارزشی اسلام، اهمیت «صدق» بدان پایه است که پروردگار متعال خود و پیامبرانش را به آن ستوده^۴ و در مقابل از دروغ و دروغگویان بسیار نکوهش کرده است.^۵

۱. مفردات راغب، واژه صدق.

۲. همان؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، واژه صدق.

۳. صف (۶۱)، آیه ۲-۳.

۴. برای نمونه به این آیات کریمه توجه فرمایید:

... وَإِنَّا لَصَادِقُونَ. (انعام: ۱۴۶)

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (نساء: ۸۷)

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (مریم: ۴۱)

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ، إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (مریم: ۵۶)

و...

۵. به این آیات شریفه توجه نمایید:

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ... (انعام: ۱۴۴)

پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟!

«ادامه در صفحهٔ بعد»:

یکی از یاران امام باقر(ع) روایت کرده: نخستین بار (که برای یادگیری حدیث) نزد حضرتش شرفیاب شدم، به من فرمودند:

تَعَلَّمُوا الصُّدُقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ.

پیش از آموختن حدیث، صدق و راستی را فراگیرید.^۱

چگونه صادق باشیم؟

- ۱ - تا آنجا که ممکن است، آیات قرآن را، به طور مستقیم از قرآن بیان کنید. برای ترجمه و تفسیر آیات نیز از ترجمه‌ها و تفاسیر معتبر بهره‌گیرید. مانند تفسیر المیزان و....
- ۲ - احکام شرعی را با استفاده از رساله عملیه مراجع تقلید و یا سایر راه‌های مورد اطمینان، که در رساله‌های توضیح المسائل نوشته شده، نقل کنید.^۲
- ۳ - درباره روایات، به اسناد و معانی آنها، توجه کافی داشته باشید؛ و حتماً از کتاب‌های معتبر، با ذکر دقیق منبع، نقل کنید. مانند: نهج البلاغه، اصول کافی، آثار شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی و امثال این بزرگان.^۳
- ۴ - مدایح و مصائب ائمه(ع)، به ویژه نهضت مقدس امام حسین(ع) را با استفاده از منابع معتبر روایی و تاریخی^۴ و اشعار شاعران فرهیخته، بیان کنید؛ و از گفتن مطالب بی‌پایه و اساس و اغراق‌آمیز اجتناب نمایید.
- ۵ - در مسائل سیاسی و اجتماعی فرهنگی، و... درباره خبرها و سخنان منابع و افرادی

«ادامه از صفحه قبل»: فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ. (بقره: ۷۹)

پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳-۴.

۲. ر.ک. رساله توضیح المسائل، احکام تقلید.

۳. مانند ارشاد شیخ مفید، منتهی الامال محدث قمی، و....

۴. همان.

که به راست گویی و عدالت آنها یقین ندارید، تحقیق کنید؛ و این توصیه قرآنی را همواره به یاد داشته باشید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ
مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسق خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!

۶- اگر کلامی را نقل به معنا می‌کنید و یا هر گونه تصرف و تلخیص در آن روامی دارید، حتماً یادآوری نمایید.

تذکر: در منابع دینی، موارد معدودی وجود دارد که بنابر ضرورت و به خاطر مصلحتی مهم‌تر، راست نگفتن جایز دانسته شده است. با شناخت دقیق آن موارد، در صورت لزوم می‌توان به گونه‌ای سخن گفت یا رفتار کرد که وظیفه شرعی خود را انجام داده باشیم. مانند میدان جنگ و در مواجهه با دشمن، اصلاح بین دو مؤمن، توریه، تقیه، و...

۶- امانت داری:

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (اعراف: ۶۸)

رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و من خیرخواه امین برای شما هستم!

امانت داری، به معنای نگهداری و حفظ چیزی است که به کسی می‌سپارند تا بدون کم و کاست، در زمان تعیین شده، به صاحبش بازگرداند؛ و در صورت کوتاهی، ضامن خواهد بود، یعنی باید خسارت وارده بر امانت را جبران نماید.^۲

امانت‌داری در منابع دینی

پیامبران الهی به امانت‌گزاری نامبردار بودند. در قرآن کریم، آیه:

۱. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱-۱۷.

۲. با استفاده از لغت نامه دهخدا، واژه امانت داری و دیگر واژگان هم خانواده آن.

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

(شعراء: ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸)

من برای شما پیامبری امین هستم!

از زبان شماری از انبیا تکرار شده است؛ که همگی آنان امین بودن خود را به مردمان یادآوری می‌کردند، تا با اطمینان بدانها بگروند. رسول گرامی اسلام (ص) نیز در میان مردم به «محمد امین» شهرت داشت. قریش و دیگر اقوام عرب، امانات خود را به او می‌سپردند. این کار پس از بعثت نیز ادامه یافت؛ از این رو بعد از هجرت حضرتش به مدینه، علی (ع) مدتی در مکه ماند، تا امانت‌ها را به صاحبانش بازگرداند.^۱

روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ.

خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، جز با راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکردار.^۲

در رهنمود دیگری از آن حضرت، درباره اهمیت صفت امانت‌داری، می‌خوانیم:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ إِعْتَادَهُ، فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِدَلِكِ؛ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ.

به طول رکوع و سجود مرد ننگرید، زیرا به آن عادت گرفته، اگر ترک کند، وحشت او را فرا گیرد، ولی به راستی گفتار و ادای امانتش بنگرید.^۳

رهنمودها

شما که افتخار بزرگ «تبلیغ دین» را یافته‌اید، خوب است بدانید که دو امانت گرانبها به شما سپرده شده که باید آنها را پاس بدارید:

۱. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۲، ترجمه و شرح مصطفوی؛ یعنی هر پیامبری راستگو و امانت دار بوده و یا آنکه این دو صفت در برنامه شریعت او بود که باید تبلیغ کند و به مردم بگوید.

۳. همان، ص ۱۶۵.

یکی: پیام الهی (معارف و احکام دین)

و دیگر: پیام گیرندگان (مخاطبان شما)

پاره‌ای از مسئولیت‌های شما مبلغان گرامی در رابطه با «پیام» عبارتند از:

۱- معلومات خود را از منابع موثق و مورد اطمینان دریافت کنید. مانند: قرآن کریم، سیره و سنت قطعی پیامبر (ص) و ائمه (ع)، و عقل (ادله عقلی).

۲- روش به دست آوردن مفاهیم شرعی از منابع یاد شده نیز بسیار مهم است. برای آگاهی از آن روش‌ها به کتاب‌های علوم قرآن، منطق، اصول فقه، رجال، درایه و... مراجعه نمایید.

۳- با ذهن خالی از حُب و بُغض و پیش داوری، به مطالعه و تحقیق متون دینی پردازید. همه کوشش شما این باشد که معنای کلام خدای متعال و معصومین (ع) را بهتر بفهمید نه اینکه نظر و عقیده شخص خود را بر آیات و روایات تحمیل نمایید.

۴- همه ما باید مواظب باشیم که ناخواسته دچار تحریف (لفظی و معنوی) و تفسیر به رأی نشویم.

۵- چیزی را که نمی‌دانید جزء دین هست یا نه، به دین نسبت ندهید.

اما آنچه لازم است درباره پیام گیرندگان رعایت نمایید:

رسالت شما شکوفا سازی استعدادهای فطری آنان و کمک به آنها برای ارتباط، علاقه‌مندی و آشنایی هر چه بیشتر و بهتر با پیام‌های جانفزای آفریدگارشان است. از این رو، علاوه بر توصیه‌هایی که در گفتارهای پیشین پیرامون آگاهی، اخلاص و صدق گذشت، یادآوری این نکات نیز خالی از لطف نیست:

۱- هیچ‌گاه بدون مطالعه و تحقیق و آمادگی قلبی به تبلیغ (سخنرانی، تدریس، تألیف...) پردازید.

۲- در برابر وقت و سرمایه عمر مخاطبان، خود را مسئول بدانید.

۳- مفاهیم صحیح و متقن را به آنها بگویید. از سخنان مشکوک، مبهم و مشتبه، پرهیزید. آنقدر مطالب محکم و تردیدناپذیر در دین هست که نیازی به عنوان کردن مطالب متشابه و غیر قابل اثبات ندارید.

۴- از روش‌های جذاب، زیبا و مشروع برای آموزش مفاهیم دینی بهره‌گیرید. مبادا در اثر بد سلیقگی در انتخاب شیوه تبلیغ، باعث بیزاری مردم از دین شوید.

۵- اگر از شما سؤالی پرسیدند که پاسخش را نمی‌دانید، بدون رودربایستی و خجالت بگویید «نمی‌دانم»، و پرسشگر را به کسی که عالم به آن مسأله است، راهنمایی کنید.

۶- سعی کنید مطالبی را که می‌خواهید بیان کنید ردیف بندی کنید از کجا شروع و به کجا ختم شود. این ترتیب بندی در تفهیم و تأثیر بهتر خیلی مؤثر است یکی از علما می‌فرمودند هر وقت می‌خواهم سخنرانی کنم با اینکه موضوع را کاملاً می‌دانم ولی برای یک ساعت سخنرانی حدود یک ساعت روی ترتیب سخن فکر می‌کنم و یادداشت می‌کنم بعد ترتیب را حفظ می‌کنم.

۷- نظم و انضباط:

امام علی (ع) می‌فرماید:

أَوْصِيكُمْ وَأَجْمَعُ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ...^۱

من شما و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این وصیت نامه‌ام به آنها می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور زندگانی سفارش می‌کنم.

در این گفتار درباره نظم و انضباط با شما خوبان به گفت و گو می‌پردازیم. حتماً درباره این دو واژه فراوان شنیده‌اید. به طور خلاصه نظم و انضباط عبارت اند از: مرتب کردن، سامان دادن، آراستن، و... در هر زمینه‌ای، از جمله اندیشه، سخن، رفتار؛ در برابر آشفتگی، پریشانی و هرج و مرج.^۲

تمام پدیده‌های عالم، از کوچکترین تا بزرگترین آنها، از نظم و ترتیب خاصی در تمامی مراحل تکوین و تکامل خود، برخوردارند و همین نظم پدیده‌ها، راهنمای ما به سوی ناظم حکیم و توانای جهان هستی است.^۳ آفریدگار متعال همه چیز را بر نظمی شگفت‌انگیز بنیان نهاده است:

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷ (فرازی از وصیت نامه امام علی (ع) به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)).

۲. با استفاده از العین؛ لغت نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین.

۳. ر.ک. مبحث «برهان نظم»، کتاب‌های اصول عقائد.

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

همانا ما هر چیز را به اندازه آفریدیم!

تعیین وقت و اندازه در احکام شرعی عبادی، اقتصادی، و... مانند نماز، روزه، حج، خمس، زکات، و... نیز در همین راستا می‌باشد.^۱
پیشوایان دینی، چنان که خود اسوه‌های نظم در همه مراحل زندگی بوده‌اند، ما را نیز به رعایت آن فرا خوانده‌اند. در نهج البلاغه می‌خوانیم:

وَ إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَاقُطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا، أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا

تَنَكَّرْتَ، أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ، فَضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ، وَ أَوْقِعْ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ.^۲

مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده، شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی، و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست، ستیزه جویی نمایی، و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی! تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود انجام دهی.

امام کاظم (ع) نیز روشی را برای سامان دادن به زندگی توصیه فرموده‌اند، که در آن ابعاد مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان مورد توجه قرار گرفته است:

بکوشید اوقات خویش را به چهار بخش تقسیم کنید: بخشی برای مناجات با پروردگار؛ بخشی برای کار و تأمین زندگانی مادی؛ قسمتی برای معاشرت با دوستان مخلص و با صفا که عیوب را به شما یادآوری کنند؛ و بخشی برای بهره‌مندی از لذت‌های مشروع، و این قسمت اخیر باعث توانایی بر سه قسمت پیشین می‌گردد.^۳

۱. درباره نماز: أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ... (اسراء: ۷۸)

درباره حج: يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ... (بقره: ۱۸۹)

۲. نهج البلاغه، (فرازی از) نامه ۵۳.

۳. تحف العقول، ص ۴۱۰؛ روایتی به این مضمون از امام صادق (ع) نیز نقل شده است. ر.ک. فروع کافی،

شما دوست و همکار گرامی! ابتدا نظم و انضباط را در مطالعه، کارهای پژوهش، زندگی خصوصی و خانوادگی تان تجربه کنید، تا بتوانید الگوی عملی نظم برای مخاطبان خود باشید. چنان که مبلغ نمونه اسلام در جهان معاصر، حضرت امام خمینی (ره)، چنین بود.^۱

طرح تبلیغی

نظم و انضباط در کار تبلیغ، سبب بهره وری بیشتر از امکانات و فرصت‌ها و پیشگیری از اتلاف وقت و سرمایه خودتان و دیگران می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌کنیم پیش از شروع هر نوع فعالیت تبلیغی (سخنرانی، تدریس، تألیف، کار هنری و رسانه‌ای، و...) یک «طرح تبلیغی» واقع بینانه، شفاف و گویا تهیه نمایید. در این طرح، تمام آنچه را که می‌خواهید به صورت فردی یا گروهی به اجرا در آورید، ترسیم کنید. چنین طرحی به شما کمک می‌کند تا مسیر حرکت خود را با دقت مشخص سازید. منابع علمی، انسانی، مالی، و... مورد نیاز را بسنجید؛ و برای مقابله با مشکلات و موانع احتمالی آمادگی داشته باشید.

۸- شرح صدر

قَالَ رَبُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

(طه: ۲۵)

شرح صدر به معنای توسعه، توانایی و آمادگی قلب، فکر و روح آدمی، در پرتو انوار و الطاف الهی، برای دریافت و پذیرش حقایق و معارف دینی، و تحمل و شکیبایی در برابر ناملايمات و مشکلات تبلیغ دین است.^۲

روایت شده که پس از اینکه رسول گرامی اسلام (ص) این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

فَن يُرِدِ اللهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...

(انعام: ۱۲۵)

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد.

۱. ر.ک. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۴، ص ۴۹-۵۰؛ ج ۵، ص ۱۵۰؛ ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ پایه پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۷۰-۱۷۱ و ۲۵۸-۲۵۹.

۲. با استفاده از العین؛ مفردات راغب؛ نشر طوبی؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ لغت نامه دهخدا؛ فرهنگ فارسی معین؛ تفسیر نمونه و المیزان، واژگان شرح؛ و صدر.

از ایشان پرسیدند: معنای شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که در قلب آدمی تابانده می‌شود، و در اثر آن قلب وسعت (آمادگی برای قبول حق) می‌یابد.^۱

شرح صدر انبیاء

انبیای الهی از عالی‌ترین مراتب شرح صدر برخوردار بوده‌اند. چنانکه پروردگار متعال از اعطای این نعمت بزرگ به پیامبر اسلام (ص) چنین یاد نموده است:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

(انشراح: ۱)

ای رسول گرامی آیا تو را شرح صدر عطا نکردیم؟

حضرت موسی (ع) نیز در آغاز مأموریت تبلیغی‌اش، از خدای تعالی درخواست شرح صدر نمود:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

(طه: ۲۵)

(موسی) گفت: «پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان»

آثار و نشانه‌ها

اگر پیام‌گزار دینی از موهبت شرح صدر بهره‌مند باشد:

- ۱- برای از دست دادن امکانات مادی، موقعیت سیاسی - اجتماعی، پست و مقام، و... دلتنگ و اندوهگین نمی‌شود. چرا که پاداش‌های بی پایان الهی و سرای جاوید آخرت را فراروی خود می‌بیند.^۲
- ۲- خشونت و بی ادبی مخاطبان ناآگاه، وی را آزرده خاطر و خشمگین نمی‌سازد.^۳

۱. الدر المنثور، ج ۳، ص ۴۵.

۲. از رسول خدا (ص) پرسیدند: نشانه شرح صدر چیست؟

فرمود: روی گردانی از خانه فریب (دنیا)، توجه به سرای جاودانگی (آخرت) و مهیا شدن برای مرگ پیش از آنکه فرارسد.

۳. ر.ک. السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۱۹ - ۲۲۰ (سعه صدر پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در پاسخ به پرسش‌های توأم با خشونت ضمام بن ثعلبه، فرستاده بنی سعد بن بکر، و در نهایت مسلمان شدن او و قبیله‌اش).

- ۳- در نفرین و مجازات مخالفان شتاب نمی‌ورزد.^۱
- ۴- مکر و توطئه دشمنان وی را مضطرب نمی‌کند و آرامش فکر و روحش را برهم نمی‌زند؛ چراکه او همواره به لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی امیدوار است.^۲
- ۵- به اشکال و ایرادها با منطق استدلال و حوصله پاسخ می‌دهد.^۳
- ۶- حقایق و دستورات دینی را به راحتی می‌پذیرد.^۴

چگونه شرح صدر بیابیم؟

شرح صدر، موهبتی از سوی آفریدگار حکیم و مهربان است، برای کسانی که با ایمان و عمل صالح، زمینه و مقدمه دریافت این نعمت بزرگ را در خود ایجاد کرده‌اند. ان شاء الله ما نیز با عمل به رهنمودهای قرآن و عترت (ع) بهره‌ای از این عطیة الهی داشته باشیم. از جمله عوامل شرح صدر عبارت‌اند از:

- ۱- مطالعات پی‌گیر و مستمر
- ۲- ارتباط مداوم با دانشمندان و علمای صالح
- ۳- خودسازی و تهذیب نفس

۱. آفریدگار مهربان به رسول گرامی‌اش چنین توصیه فرموده بود:

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ... (قلم: ۴۸)

صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش؛ و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش، (که در تقاضای مجازات قوش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد)

از این رو، آن حضرت، هنگام مواجهه با آزار و اذیت مردم، به جای نفرین و گلايه، برای آنها دعا می‌کرد: اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي، فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. (بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱) پروردگارا ملت‌م را هدایت نما، که نادان‌اند.

۲. وَلَا تَخْزَنُ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.

و به خاطر (کارهای) آنها اندوهگین و دلسرد مشو و از توطئه‌های آنها در تنگنا قرار مگیر. خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده و نیکوکارند.

۳. به دو نمونه از سعه صدر انبیای الهی در برابر سخنان ناروای مخاطبان‌شان توجه فرمایید:

حضرت نوح (ع): قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ. (اعراف: ۶۱) (نوح) گفت: ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست، ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم حضرت هود (ع): قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ. (اعراف: ۶۷)

هود گفت: ای قوم من هیچ گونه سفاhti در من نیست؛ ولی فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم.

۴. ر. ک تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۷۹ و ج ۱۷، ص ۳۲۲-۳۲۳ و ۳۲۸-۳۲۹.

۴- پرهیز از گناه و مخصوصاً غذای حرام

۵- یاد خدا

از برخی عوامل نیز باید دوری کنیم، چرا که باعث قساوت قلب می‌شوند. از جمله:

۱- جهل

۲- گناه

۳- لجاجت و جدال

۴- همنشینی با بدان و مجرمان

۵- دنیا پرستی و هواپرستی^۱

۹- تواضع

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

(شعرا: ۲۱۵)

و پرو بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمانت بتواضع بگستران.

تواضع و فروتنی آن است که آدمی خود را بهتر و بالاتر از دیگران نداند.^۲ امام صادق(ع)

می‌فرماید: از تواضع است که:

۱- در نشستن به پائین مجلس راضی باش.

۲- به هر که بر خوردی، سلام کنی.

۳- مجادله را ترک کنی، اگر چه حق با تو باشد.

۴- دوست نداشته باشی که تو را به تقوا بستایند.^۳

همچنین امام رضا(ع) می‌فرماید: فروتنی آن است که با مردم چنان رفتار کنی که

دوست داری با تو رفتار شود.^۴

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۲۷ (با اندکی تصرف).

۲. اقتباس از معراج السعاده، ص ۲۲۱-۲۲۷

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۶ (ترجمه و شرح مصطفوی)

۴. ترجمه میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۱.

برای چه کسانی تواضع کنیم؟

- ۱- در پیشگاه خدای متعال^۱ و قرآن کریم.^۲
- ۲- در برابر پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع)^۳
- ۳- پدر و مادر^۴
- ۴- استاد و معلم^۵
- ۵- شاگرد^۶
- ۶- مؤمنان^۷
- ۷- همسر و فرزندان،^۸ مهمان^۹
- ۸- همسفران^{۱۰}
- ۹- همه مردم^{۱۱} (مگر آن مواردی که استثناء شده)

۱. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآخَبْتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ، أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (هود: ۳)
- کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضوع و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.
۲. وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ... (حج: ۵۴) و تا آنکه اهل علم و معرفت یقین بدانند، که این آیات قرآن به حق از جانب پروردگار تو نازل گردیده که بدان ایمان آورند و دلهاشان پیش آن خاضع و خاشع شود...
- لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ... (حشر: ۲۱)
- اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شد و از خوف خدا می شکافت...
۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۲.
۴. وَ اخْفِضْ لَهُنَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ (اسراء: ۲۴)
- و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آرا
۵. وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۱)
۶. وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ الْعِلْمَ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۱)
۷. وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (حجر: ۸۸)
۸. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸-۲۰۹ (تواضع پیامبر اسلام (ص) در خانه).
۹. بحار الانوار، ج ۷۲- ص ۱۱۸ (تواضع امام علی (ع) نسبت به مهمان).
۱۰. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷۸ (تواضع امام سجاد (ع) نسبت به همسفران)
۱۱. وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ... (لقمان: ۱۸)
- با بی اعتنایی از مردم روی مگردان.

برای چه کسانی نباید تواضع کنیم؟^۱

۱- متکبران^۲

۲- ثروتمندان به خاطر ثروتشان^۳

۳- کافران معاند و محارب^۴

۴- کسانی که به طور علنی گناه می‌کنند.^۵

آثار تواضع در تبلیغ

در منابع دینی، برای تواضع فواید و نتایجی بیان شده است؛^۶ و اگر ما مبلغان به این

صفت آراسته باشیم، می‌توانیم از این نتایج در پیشبرد کار تبلیغ بهره‌گیریم:

۱- محبت و دوستی

۲- نظم

۳- رفعت و سربلندی

۴- سلامتی

۱. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ج ۱، ص ۶۹۴-۶۹۸ (با تصرف و تلخیص).

۲. رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه متواضعان امت مرا دیدید در مقابلشان تواضع کنید و زمانی که با متکبران برخورد کردید، بر آنها تکبر کنید، که این رفتار موجب ذلت و خواری متکبران می‌شود. (معراج السعاده، ص ۲۲۹)

۳. حضرت علی(ع) فرمود کسی که نزد ثروتمندی برود و به خاطر ثروتش در برابر او تواضع کند دو سوم دینش از دست می‌رود. (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸)

۴. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... (فتح: ۲۹) محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند...
... أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ... (مائدة: ۵۴)

... در برابر مؤمنان، متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند... اما کافرانی که با مسلمانان رفتار مسالمت‌آمیز دارند، اظهار محبت و نیکی نسبت به آنها مانعی ندارد: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ... (ممتحنه: ۸)
خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند.

۵. ر.ک. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۱۸؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۳۱-۴۳۲.

۶. ترجمه میزان الحکمة، ج ۱۴، ص ۶۸۵۴-۶۸۵۶.

۵- ابهت

۶- خسته نشدن از طاعت خدای متعال

۷- خردمندی

۸- شکوفایی حکمت و دانش

۹- گسترش خوبی ها

۱۰- پیشگیری از ظلم و تجاوز

۱۱- فاصله و مانعی بین انسان و شیاطین.

و....

چگونه به تواضع دست یابیم؟

از جمله اسباب و عواملی که به ما کمک می کنند تا متواضع باشیم:

۱- سلامتی و پاکی قلب و روح

۲- دانایی

۳- شناخت عظمت آفریدگار هستی.^۱

۴- شناخت حدود خویشتن امام علی (ع) می فرماید:

مَنْ وَقَفَ عِنْدَ قَدْرِهِ أَكْرَمَهُ النَّاسُ وَ مَنْ تَعَدَّى حُدَّهُ أَهَانَهُ النَّاسُ.^۲

هر کس پا از اندازه خود بیرون نگذارد مردم او را گرامی می دارند و هر کس از حد خود پا فراتر نهد، مردم او را خوار کنند.

۱۰- رفق و مدارا

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ.^۳

مدارا با مردم نصف ایمان است و مهربانی با آنها نصف زندگی است.

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۱۴، ص ۶۸۵۸-۶۸۵۹.

۲. غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۲۳، ج ۸۶۱۷ و ۸۶۱۸.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۰، ترجمه و شرح مصطفوی.

رفق و مدارا به معنای نرمی، ملاطفت، مهربانی، ملایمت، و... در گفتار و رفتار است.^۱ از زیبایی‌های اخلاق پیام‌گزار دینی و از عوامل مهم موفقیت در کار تعلیم و تربیت، محبت و مهربانی، آسان‌گفتن و آسان‌گرفتن است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: من به مدارای با مردم مأمورم، چنانکه به تبلیغ رسالت.^۲ همچنین روایت شده که وقتی ایشان علی (ع) و معاذ را برای تبلیغ به یمن می‌فرستادند، به آنان فرمودند: بشارت دهید و بیزاری ایجاد نکنید؛ و آسان بگیرید و سخت‌گیری ننمایید.^۳

راه و رسم رفق و مدارا

در اینجا برخی از کارهایی را که می‌تواند نماد دوستی و خوشرفتاری باشد، یاد آور می‌شویم، شما می‌توانید با انجام آنها در معاشرت‌های خود، اهل رفق و مدارا باشید:

تبسم، سلام کردن، دست دادن، احوال‌پرسی، دلجویی، داشتن‌چهره و ظاهری شاداب و با نشاط، عفو و گذشت از خطاها و اشتباهات، صبر و حوصله در پاسخ‌گویی به سؤالات و اشکالات، صحبت کردن با منطق و استدلال و به آرامی، مزاح و شوخی (تا آنجا که به باطل نرسد)، مهربانی هنگام امر به معروف و نهی از منکر، مشورت، قبول دعوت برای مهمانی، عیادت از بیماران، شرکت در تشییع جنازه، مشارکت در برخی بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی و تفریحی تا حدی که به حیثیت اجتماعی مبلّغ لطمه نزنند و موجب وهن نشود؛ دوری‌گزیدن از خشونت، بد‌زبانی، سرزنش، اجبار، شتابزدگی، و...

آثار و فواید

برخی از آثار رفق و مدارا عبارتند از:^۴

- ۱- جلب دوستی و محبت مردم
- ۲- علاقه‌مند کردن مردم به دین و برنامه‌های دینی
- ۳- زدودن کینه و دشمنی.

۱. ر.ک. لغت‌نامه، دهخدا؛ و فرهنگ فارسی، معین، واژگان رفق و مدارا.

۲. تحف العقول، ص ۸۰-۸۱، ترجمه جنتی.

۳. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۲۲۴-۲۲۷.

۴. میزان الحکمه (ترجمه)، ج ۴، ص ۱۶۴۱ و ج ۵، ص ۲۱۱۱-۲۱۱۲؛ تعلیم و تربیت در اسلام (۲)، ص

۳۳-۳۴ (با تصرف و تلخیص).

۴- ارتباط آسان و صمیمی با مخاطبان.

۵- برخورداری از امدادها و پاداش‌های الهی

۶- کامیابی و موفقیت در تبلیغ.

قلمرو رفق و مدارا

۱- مدارا کردن و آسان گرفتن در شکل و شیوه تبلیغ است.^۱ شما می‌توانید به تناسب مقتضیات زمان و مکان و ترکیب مخاطبان از نظر آگاهی، باورها، سن، جنسیت، و... از روش‌های متنوع و متغیر بهره‌گیری؛ و بر یک روش خاص اصرار نورزید، چراکه موجب خستگی و بی‌زاری آنان می‌شود.

اما در محتوا و اصل پیام دینی، فقط به آنچه در آیات و روایات و منابع دینی، تخفیف داده شده، بسنده کنید. چنانکه در موارد عُسر و حرج، ضرر، بیماری، مسافرت، میدان جنگ، و... در نحوه انجام برخی عبادات تخفیف داده شده است.

۲- همچنین لطف و ارفاق در امور شخصی و آنچه حق شخصی خودتان است، بسیار مطلوب است. اما در آنچه حق خدا و حقوق مردم است، با صلابت و استوار باشید.^۲

۳- افرادی که از عطف و ملایمت سوء استفاده می‌کنند و برگستاخی و جسارت خود در ارتکاب خلاف و گناه می‌افزایند، با اینان چاره‌ای جز سخت‌گیری و برخورد قدرتمندان نیست.^۳

۱۱- شجاعت

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ... (احزاب: ۳۹)

شجاعت به معنای جرأت، دلیری و توانایی قلبی و روحی هنگام رویارویی با سختی‌ها و خطرها است؛ و حد اعتدال بین تهوّر (بی‌باکی) و جُبْن (ترس) می‌باشد.^۴ در علم

۱. ر.ک. شرایط موفقیت تبلیغ، ص ۶۶-۶۷.

۲. ر.ک. سیره نبوی، ص ۲۳۶-۲۴۲.

۳. ر.ک. میزان الحکمة (ترجمه)، ج ۴، ص ۱۶۴۱، ج ۵، ص ۲۱۱۳.

۴. العین؛ لغت نامه، دهخدا، واژه شجاعت.

اخلاق، شجاعت عبارت است از اطاعت نیروی غضب انسان، از عقل او، در اقدام به کارهای خطرناک.^۱

امام حسن (ع) در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست؟ فرمود: ایستادگی در برابر هموردان و پایداری در نبرد.^۲

پیامبر گرامی اسلام (ص) به یارانشان توصیه می‌فرمودند: مبادا بیم از مردم، فردی از شما را با دیدن و مشاهده حق، از گفتن آن باز دارد، زیرا گفتن حق و یادآوری امر بزرگ (آخرت)، نه مرگ را نزدیک می‌کند، و نه روزی را دور می‌سازد.^۳

مبلغ شجاع

شما پیام‌گزار دلیر که پای در عرصه مهم و پرخطر تبلیغ دین الهی نهاده‌اید، در فرآیند کارتان ممکن است در موقعیت‌های دشواری قرار گیرید، که ابلاغ و تبیین و اجرای احکام شرعی، شما را با تهدیدهایی مواجه سازد، و افراد یا گروه‌هایی برایتان مشکلاتی ایجاد نمایند. که برای جان، مال و یا موقعیت اجتماعی شما خطرآفرین باشد. در اینگونه موارد باید از نیروی شجاعت خود بهره‌گیرید و غیر از آفریدگار آگاه و توانا و حکیم و مهربان از هیچ کس ترس نداشته باشید. زیرا شجاعت مبلغ مؤمن برخاسته از ایمان راسخ او به امدادهای الهی و اطمینان به درستی راه و هدفش و شوق به پاداش‌های زندگانی جاوید آخرت است.

البته باید توجه داشته باشیم که شجاعت به معنای کنار نهادن دور اندیشی و احتیاط، و دست‌کم گرفتن دشمن و سهل‌انگاری در برابر دشمن نیست.^۴

گسترش فرهنگ شجاعت

به عنوان یک مبلغ یا مدیر فرهنگی، افزون بر رشد دادن خصلت شجاعت در خودتان، با انجام برخی اقدامات، فرهنگ شجاعت را در مجموعه‌ای که مسئولیت تبلیغ آن را بر عهده دارید، گسترش دهید:

۱. جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۰۸؛ فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۶۸-۶۹.

۲. ترجمه میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۶۷۷.

۳. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۲۰۵.

۴. ر.ک. ترجمه میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۶۷۹.

- ۱- از افراد شجاع و دلاوریهای آنان در گفتار و عمل تجلیل و قدردانی کنید.
 - ۲- یاد و خاطره شجاعان و رشادت‌های آنان را به طرز شایسته‌ای گرامی بدارید.
 - ۴- مشاوران و همکاران نزدیک خود را از دلیران و افراد با شهامت انتخاب کنید.
- انجام این کارها، سبب خشنودی و رضایت خاطر افراد شجاع و دلیر، و تشویق و ترغیب ترسویمان به شجاعت می‌شود.^۱

۱۲ - عفت و پاکدامنی

امام علی (ع):

إِعْلَمَنَّ أَنَّ أَفْضَلَ الْعِفَّةِ الْوَرَعَ فِي دِينِ اللَّهِ وَالْعَمَلُ بِطَاعَتِهِ.

بدان که برترین عفت، داشتن ورع در دین خدا و عمل به فرامین اوست.^۲

عفت و پاکدامنی: خودداری از آنچه حلال نیست،^۳ به ویژه در خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و مسائل جنسی. علمای اخلاق گفته‌اند: عفت و پاکدامنی عبارت است از برآوردن نیازها و تمایلات طبیعی انسان، مانند میل به خوردن، آشامیدن، غریزه جنسی، و... در حد اعتدال و بر پایه عقل و شرع.^۴

ائمه معصومین (ع) در روایات متعدد عفت را بهترین عبادت دانسته‌اند.^۵

حضرت علی (ع) درباره اهمیت عفت و پاداش عقیف فرموده‌اند:

مَا الْجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ، لَكَادَ الْعَقِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا
مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۶۸۱ (با تصرف).

۲. همان، ج ۸، ص ۳۸۲۸-۳۸۲۹.

۳. العین؛ لغت نامه، دهخدا، واژه عفت.

۴. ر.ک. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۵؛ معراج السعادة، ص ۲۲۶؛ فرهنگ معارف اسلامی؛ فرهنگ فلسفی، واژه عفت؛ اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۸.

۵. ر.ک. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۵-۱۲۶ (ترجمه و شرح مصطفوی)؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۸-۲۷۴.

کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود اجرش بزرگ‌تر از کسی نیست که بتواند گناه کند پس عفت ورزد. انسان پا کدامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.^۱

رسول گرامی اسلام (ص) نیز فرموده است:

مَنْ عَشِقَ فَعَفَّ ثُمَّ مَاتَ، مَاتَ شَهِيداً.

هر که عاشق شود و خود را پاک نگه دارد و با این حال بمیرد، شهید مرده است.^۲

چگونه یک پیام‌گزار عقیف باشیم؟

- ۱- اکتفا به مقدار ضرورت در گفتگو و معاشرت با نامحرم.
- ۲- خودداری از خلوت با نامحرم.
- ۳- قناعت به مال حلال و راضی بودن به حد کفاف.
- ۴- همنشینی و ارتباط با افراد عقیف.
- ۵- پاکسازی محیط کار و زندگی از عوامل آلودگی به شهوت‌های حرام.
- ۶- توجه به پیامدهای بی عفتی، که باعث رسوایی در دنیا و آخرت است.
- ۷- تشویق و ترویج فرهنگ حجاب در محیط کار و تبلیغ.
- ۸- اندیشه در شرح حال اولیاء الله و پیروان آنان، که در اثر عفت و مبارزه با شهوات به چه مقاماتی در دنیا و نزد خدای متعال رسیده‌اند.
- ۹- رعایت عفت (کلام، پوشش مناسب، ارتباط...) در محیط خانه و خانواده، در حضور فرزندان و خویشاوندان.
- ۱۰- توجه به شخصیت معنوی و انسانی خود:

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ.^۳

کسی که به ارزش وجود خویش پی برد، شهوات در برابر او بی ارزش می‌شوند.

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۸۲۲-۳۸۲۳.

۲. همان، ص ۳۷۸۸-۳۷۸۹.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.

۱۱- تحکیم پایه‌های عقل و دانش در وجود خویش:

مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ اسْتَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ.^۱

کسی که عقلش کامل شود، شهوت‌ها را کوچک و بی ارزش می‌شمرد.^۲

۱۳- صبر و شکیبایی

قَاصِرٍ كَمَا صَبَرَ أَوْلُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ...

(احقاف: ۳۵)

پس صبرکن آن گونه که پیامبران «اولوالعزم» صبر کردند....

صبر و شکیبایی عبارت از ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها، بلاها و مصائب، پایداری و مقاومت در برابر آنها است. به گونه‌ای که سعه صدر، شادی و آرامشی که پیش از آن حوادث داشتید، از دست ندهید و زبان خود را از شکایت، و اعضای خود را از حرکات ناهنجار نگاهدارید. این همان صبر بر مکروه و ناخوشایند است که ضد آن جزع (بی تابی) می‌باشد.^۳

موارد صبر^۴

مهم‌ترین مواردی که پیام‌گزار دینی، برای کامیابی و موفقیت در تبلیغ، به صبر و شکیبایی در مورد آنها نیاز دارد:

۱- انجام واجبات و اجتناب از محرمات

۲- کسب علم و معرفت.

۳- قضا و قدر الهی، از دست دادن فرزندان، نزدیکان و اموال؛ سختی و آسایش، بیماری

و سلامتی، عافیت و بلا.

۴- خشم، شهوت، عادت‌ها و لذت‌ها.

۵- آزار و اذیت، استهزاء، تکذیب، تهمت، شایعه پراکنی مخالفان و منافقان.

۱. شرح غرر الحکم، حدیث ۸۲۲۶.

۲. ر.ک. اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۲۲۹-۳۰۳ و ۳۱۸-۳۲۰.

۳. علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۳، ص ۳۵۵ و ۳۵۶ (با اندکی تصرف)

۴. با استفاده از: ترجمه میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۹۵۷-۲۹۸۱.

۶- جهل و نادانی، حسادت و تنگ نظری دوستان.

۷- تهاجم فرهنگی، تبلیغاتی و نظامی دشمنان.

۸- کمبود نیروهای کارآمد و امکانات مادی.

راه تحصیل صبر

روش دستیابی به شکیبایی، تقویت انگیزه دین و تضعیف انگیزه هوا و هوس است

تقویت انگیزه دین به چند چیز حاصل می‌شود:

۱- اندیشه در اخبار و احادیثی که در فضیلت صبر و پایان نیک آن در دنیا و آخرت وارد

شده است.

۲- به یاد آوردن کوتاهی زمان مشکلات و مصائب دنیا و جاودانگی پاداش صبر بر آنها.

۳- توجه به اینکه بی تابی و ناشکیبایی، کاری ناپسند و بی فایده است، و نه تنها ثواب

را از بین می‌برد، بلکه آدمی را گرفتار کیفر و مکافات می‌سازد.

۴- با تمرین و ممارست، به تدریج خود را به مخالفت با هوا و هوس عادت دادن.

۵- قبول این حقیقت که بی تابی و خود باختگی، فکر و اندیشه را از فعالیت سالم برای

حل مشکل باز می‌دارد.

تضعیف انگیزه هوا و هوس نیز با مجاهده و ریاضت امکان‌پذیر است. مانند:

۱- روزه داری

۲- دوری از اسباب برانگیزنده شهوت. مانند نگاه به نامحرم، تخیل گناه، و...

۳- ارضای شهوات از راههای مباح و مشروع.^۱

۱۴- مردمی بودن

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

(توبه: ۱۲۸)

به یقین، رسولی از خود شما به سويتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر

هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است!

۱. علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۳، ص ۳۷۹ - ۳۸۰ (با اندکی تصرف).

پیام گزار مردمی کسی است که: از میان مردم برخاسته باشد. ارتباط روحی و عاطفی با ملتش داشته باشد.

از مشکلات آنان آگاه باشد. به نفع مردم سخن بگوید و در راه مصالح آنان گام بردارد. در برابر ناراحتی‌ها و رنج‌های مردم بی تفاوت نباشد. به هدایت جامعه علاقمند باشد و به هر گونه خیر و سعادت، پیشرفت، خوشبختی، عزت و آزادی جامعه عشق بورزد.^۱

چگونه یک پیام گزار مردمی باشیم؟

اگر می‌خواهید یک پیام گزار مردمی باشید، به این توصیه‌ها عمل نمایید:

- ۱ - ارتباط آسان، دوستانه و صمیمی با مردم داشته باشید، گوشه‌گیر و منزوی نباشید، درب خانه و محل کار خود را به روی مردم نبندید.
- ۲ - به زبان مردم و با ادبیات رایج جامعه بگویید و بنویسید. حقایق دینی را با بیانی ساده و روشن بگویید، تا همه مردم متوجه شوند.
- ۳ - نیازهای واقعی، فوری و مهم جامعه را بشناسید و بدانها پاسخ دهید. نیازهای اساسی و مشترک همه مردم عبارت است از: امنیت، عدالت و رفاه.
- ۴ - زندگی ساده و بدون تشریفات داشته باشید. گرفتار تجمل و زندگی اشرافی نباشید. لباس، غذا، مسکن، وسیله نقلیه و لوازم منزل شما، در حد متوسط جامعه باشد. ساده زیستی شما تسلای دل محرومان است.
- ۵ - هجرت و حرکت به سوی مردم داشته باشید و منتظر نمانید تا مردم به شما مراجعه کنند، خودتان به سوی آنان حرکت کنید و پیام‌های الهی را به آنها ابلاغ نمایید.
- ۶ - در حوادث ناگوار (سیل، زلزله، آتش سوزی، تصادفات) یار و مددکار حادثه دیدگان باشید. عیادت بیماران، دلجویی از مصیبت دیدگان، تشییع جنازه مؤمنین یادتان نرود.
- ۷ - درباره مخالفان خود، ادب، احترام و عدالت را رعایت کنید.
- ۸ - سبقت در سلام، احوالپرسی، دست دادن، خوشروئی، اجازه خواستن هنگام ورود به مکانی. نه تنها از اهمیت و اعتبار شما کم نمی‌کند، بلکه بر عظمت شما در نظر مردم می‌افزاید.

۱. با استفاده از: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۶-۲۰۷.

- ۹- به همسایگان خود توجه بیشتری نمایید.
- ۱۰- به کودکان، نوجوانان و جوانان توجه بیشتری داشته باشید.
- ۱۱- هیچ کس را نا امید بر نگردانید. اگر نمی‌توانید نیازمندی او را بر طرف سازید، دست کم با بیانی نیکو و آرام بخش او را شاد نمایید.
- ۱۲- خود را خدمت گزار مردم بدانید. دیگران را برای راحتی خود به زحمت نیندازید. توقع نداشته باشید که بنشینید و دیگران خدمت کنند، از جا برخیزید و در کارها مشارکت نمایید.
- ۱۳- برادری را جایگزین تفرقه‌ها و اختلاف‌ها نمایید. همت شما ایجاد صلح و دوستی میان مردم باشد.
- ۱۴- در کارها و تصمیم‌گیری‌ها با مردم مشورت کنید و به نظر آنها احترام بگذارید.
- ۱۵- تمایلات فطری انسان‌ها را در نظر بگیرید. سخنان شما با فطرت، طبیعت و احتیاجات واقعی مردم هماهنگ باشد. به نام دین با فطریات مردم مبارزه نکنید.

۱۵- آراستگی ظاهر^۱

(اعراف: ۳۲)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟

آراستگی به معنای آراسته بودن، زینت کردن، منظم و مرتب و آماده بودن است. پروردگار متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ و دین اسلام را بر زیبایی و پاکیزگی بنا نهاده است. مردم نیز به صورت فطری به پاکی و نیکویی گرایش دارند. یکی از عوامل مهم پیشرفت و گسترش اسلام، آراستگی، پاکیزگی و زیبایی پیامبر(ص) بود. آراستگی

۱. با استفاده از ترجمه: میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۴۷-۵۴۹، ۷۷۱-۷۷۹؛ ج ۳، ۱۳۱۲-۱۳۱۳؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۷-۱۵۴؛ ج ۲۵، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ ویژگی‌های مبلغ در فرایند تبلیغ، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ فرهنگ فارسی، معین، واژگان آراستگی، آراسته، پیراستگی و پیراسته؛ نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۵۸۳-۵۹۰.

ظاهر، گام اول برای موفقیت پیام گزار دینی است. البته آراستگی ظاهر آنگاه مفید و مؤثر است، که با آراستگی باطن و رفتار همراه باشد.

برای آراسته بودن، این نکات را رعایت نمایید:

۱. پاکیزگی بدن، لباس، محل کار و زندگی

۲. رعایت بهداشت دهان و دندان

۳. پیراستن و شانه کردن موهای سر و صورت

۴. پوشیدن لباس های متناسب با شأن و شخصیت خودتان (با رنگ های روشن و شاد

و ترجیحاً سفید)

۵. به کار بردن عطر

۱۶. حسن خلق

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

(قلم: ۴)

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری!

حسن خلق (نیک خوئی، خوش خلقی)،^۱ در روایات ائمه معصومین (ع) به این معانی آمده است: نرم خوئی، مهربانی، پاکیزگی و ادب گفتار، خوش رویی، خشم نگرفتن، دوری از کارهای حرام، طلب حلال، فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده، انس و الفت با مردم.^۲

آثار و فواید خوش اخلاقی برای پیام گزار^۳

۱. محبوبیت نزد پروردگار متعال و مردم

۲. زیاد شدن دوستان

۱. لغت نامه، دهخدا؛ فرهنگ فارسی، معین، واژه حسن.

۲. ترجمه میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۲۳-۱۵۲۵؛ اخلاق در قرآن مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۱۴۷ (با تصرف و تلخیص)

۳. ترجمه میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۲۰-۱۵۲۳ و ۱۵۲۴-۱۵۲۵؛ اخلاق در قرآن مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۳۶-۳۹. (با تصرف و تلخیص).

۳. عزت و سربلندی در جامعه
 ۴. آسانی و راحتی ارتباط با مردم
 ۵. مدیریت قوی و کارآمد در امور تبلیغی
 ۶. زدودن کینه‌ها
 ۷. موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی
 ۸. تحکیم پیوند دوستی با مخاطبان.
 ۹. رضایت از خدای تعالی، مردم و زندگی
- آنچه برای دست یابی پیام‌گزار به حسن اخلاق، بایسته و مفید است:^۱
۱. تمرین عملی خوش اخلاقی، وادار کردن خود به خوش خویی، تا کم کم به صورت ملکه و عادت در آید.
 ۲. پایداری و پشت کار در این راه.
 ۳. اندیشیدن در آثار مادی و معنوی نیک خویی.
 ۴. بررسی زندگی پیشوایان بزرگ دین و الگوگیری از آنان.
 ۵. تلقین همه روزه به خود، که من خوش اخلاقم، این تلقین به تدریج اثر می‌گذارد.
 ۶. ارتباط و رفاقت با افراد نیکو خصال و دوری گزیدن از بد اخلاق‌ها.
 ۷. مشاهده آثار نیک خوش خویی در زندگی اشخاص و موفقیت‌هایی که از این راه به دست آورده‌اند.

۱۷. زهد و ساده زیستی

امام علی (ع):

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»^۲ وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي، وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي، فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.^۳

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۲۹؛ اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۱۴۹ - ۱۵۱ و ۱۶۵ - ۱۶۷؛ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص ۳۷۵ - ۳۷۸. (با تصرف و تلخیص).
۲. حدید: ۲۲.
۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹.

زهد، بی رغبتی و اعراض از اشیاء است به جهت کوچک دانستن آنها،^۱ و در آموزه‌های اسلامی اینگونه تبیین گردیده است:^۲ زهد، استفاده نکردن از مال و ثروت و یا حرام کردن حلال (بر خود) نیست، بلکه عبارت است از:

۱. کوتاه کردن آرزو
۲. به جای آوردن شکر هر نعمتی
۳. خویشتن داری، هنگام رو به رو شدن با حرام.
۴. انسان اطمینانش به آنچه نزد خداست، بیشتر باشد از آنچه در دست خود اوست.
۵. تا آنچه داری از بین نرفته، در طلب آنچه نداری بر نیایی.
۶. خالص کردن اعمال - برای خدای متعال -.
۷. رغبت به تقوا.
۸. بی اعتنایی به دنیا.
۹. هر چه تو را از خدا باز دارد، رها کنی.

برخی از ثمرات و فواید زهد عبارتند از:

۱. پروردگار متعال زاهد را دانشی عطا کند، بی آن که از کسی فرا گیرد و هدایتش فرماید بی آن که کسی (نه مردمان) هدایتش کند و کوری را از (دل) او ببرد و بینایش گرداند.
 ۲. خدای سبحان، حکمت را در قلب او بارور می‌سازد، و زبانش را به آن گویا می‌کند.
 ۳. شرح صدر و داشتن نوری از جانب پروردگار.^۳
- راه دست‌یابی به زهد^۴

۱. معرفت نسبت به آفریدگار
۲. به کار بستن عقل، دور اندیشی، کار بر اساس بینش و بصیرت.
۳. معاشرت با اهل دین و آخرت.

۱. لغت نامه، دهخدا؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، واژه زهد.

۲. ترجمه میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۲۲۶ - ۲۲۲۹ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۳. همان، ص ۲۲۳۴ - ۲۲۴۱ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۴. همان، ص ۲۲۳۰ - ۲۲۳۳ و ۲۲۴۳ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۴. تمرین زهد؛ خود را به زهد واداشتن، تا به تدریج به زهد واقعی انجامد.

۵. بسنده کردن به اندکی از مواهب و نعمت‌های دنیا.

۶. تضعیف شهوات و خواهش‌های نفسانی.

سخنی از حضرت امام خمینی (س) درباره سادگی زیستی مبلغان دینی:

یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. اینهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، - در زندگی - ساده زندگی کردند. اینهایی که در بین مردم موجه بودند که حرف آنها را می‌شنیدند، اینها ساده زندگی کردند...^۱

۱۸. مشورت و مشارکت

(آل عمران: ۱۵۹)

وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن!

مشورت به معنای انتخاب و استخراج رأی صحیح از میان آراء، رایزنی، رأی و تدبیر خواستن، کنکاش، تبادل فکر، نظر خواهی، نظر سنجی و صلاح پرسشی است.^۲

موضوع مشورت

مشورت در مورد کارهای اجرایی و شناسایی موضوعات است، نه درباره احکام که باید از مبدأ وحی و از کتاب و سنت گرفته شود.^۳ مورد مشورت، روش اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی است.^۴

مشورت، مشارکت^۵ فکری و بهره‌گیری از افکار و عقول دیگران است. چنانکه در نهج البلاغه آمده است:

۱. روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، تبیان، دفتر دهم، ص ۲۹۱.

۲. مفردات، راغب اصفهانی؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ لغت نامه، دهخدا؛ فرهنگ فارسی، معین.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۶۳ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۴. همان، ج ۳، ص ۱۴۳.

۵. مشارکت به معنای شریک شدن، شرکت کردن و سهم شدن است. ر.ک. لغت نامه، دهخدا؛ فرهنگ

فارسی، معین، واژه مشارکت.

... وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

... و هر که با مردم مشورت کند در خردشان شریک شده است.^۱

افزون بر مسئله مشورت که نوعی همکاری، هم فکری و یاری گرفتن از دیگران است در موقعیت‌های مناسب می‌شود امر تبلیغ را با مشارکت و همکاری مستقیم عده‌ای دیگر از مخاطبان به انجام رسانید بنابر این شما مبلغ گرامی می‌توانید:

۱. درباره برنامه‌های تبلیغی که دارید، مانند سخنرانی، تدریس، تألیف، و... با اساتید و صاحب نظران به مشاوره و تبادل نظر پردازید. این کار را پیش از شروع تا پایان کار ادامه دهید و از دانش و تجربه آنان در جهت غنای محتوا و شکل کارتان استفاده نمایید.

۲. طرح‌های تبلیغی را با همفکری و همراهی تعدادی از دوستان خود که به موضوع کار شما علاقه مندند، اجرا کنید. به صورت گروهی به بحث و بررسی علمی و تحقیقات میدانی پردازید.

زیرا بهره‌گیری از اندیشه و توانایی‌های جمعی بسیار بهتر و مفیدتر از اندیشه و توان فردی است.

۳. با سازمان‌های تبلیغی و فرهنگی، ارتباط مناسب داشته باشید و از امکانات مشاوره‌ای و اطلاع رسانی (کتابخانه، برنامه‌های رایانه‌ای، بایگانی مطبوعات، و...) آنها برای پیشرفت کارتان استفاده کنید.

۴. پیش از اجرای هر برنامه تبلیغی، با انجام تحقیقات میدانی، نیازسنجی کنید.^۲ ببینید نیازهای واقعی، مشکلات فکری و پرسش‌های مخاطبان شما چیست؟ آنگاه فعالیت فرهنگی خود را متناسب با نیازهای آنان تنظیم نمایید. نظرسنجی از مخاطبان را به چند روش می‌توانید انجام دهید. از جمله:

الف) با تهیه یک پرسشنامه که در بردارنده چند سؤال ساده و حساب شده باشد، از آنها بخواهید که چند موضوع مورد علاقه خود را به ترتیب اولویت بنویسند. این کار را به واسطه کسانی که از شما برای سخنرانی یا تدریس دعوت کرده‌اند، می‌توانید انجام دهید.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱.

۲. ر.ک. آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان، ص ۲۷ - ۳۰.

ب) در صورت امکان و متناسب با شرایط جلسه، اگر موضوع خاصی برای سخنرانی و یا تدریس شما از پیش تعیین نشده، می‌توانید در آغاز جلسه به مخاطبان بگویید: من آماده‌ام در یکی از این چند موضوع برای شما صحبت کنم. آنگاه رأی‌گیری کنید. هر موضوع که بیشترین درخواست‌کننده را داشت، درباره همان موضوع صحبت کنید. این کار در جلسات کوچک که مخاطبان نیز دانش‌آموز یا دانشجو باشند، به راحتی امکان‌پذیر است.

۵. نظرات مبلغانی را که پیش از شما در آن مکان به تبلیغ اشتغال داشته‌اند، جویا شوید.

۶. سخنرانی، تدریس یا تألیف خود را با سؤال یا سؤال‌هایی درباره موضوع بحث آغاز کنید. ابتدا از مخاطبان بخواهید که خودشان برای آنها پاسخ‌هایی بیان کنند؛ آنگاه شما پاسخ درست را انتخاب و توضیح دهید.

۷. دیدگاه‌های خود را به مخاطبان تحمیل نکنید، بلکه از آنها بخواهید که درباره دلایل شما بیندیشند. و آنها را تکمیل کنند و نارسائی‌های آن را به اطلاع شما برسانند.

با کسب رضایت و علاقه پیام‌گیرندگان درباره موضوع و روش تبلیغی‌تان، آنها با میل و رغبت به سخنان شما گوش فرا می‌دهند و با شما همکاری خواهند کرد. آنچه گفته شد نمونه‌هایی از مشاوره و مشارکت پیام‌گزار با پیام‌گیرندگان در پیش‌برد فرآیند تبلیغ بود. شما نیز متناسب با موضوع و نوع تبلیغ و مخاطبان، می‌توانید نمونه‌های دیگری از مشاوره و مشارکت را بکار ببرید.

۱۹. انتقاد پذیری

امام صادق(ع) می‌فرماید:

محبوب‌ترین برادرانم نزد من، کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند.^۱

انتقاد: عمل یا فرآیند نشان دادن خوبی‌ها و بدی‌های چیزی است. مانند بررسی و ارزیابی گفتار یا رفتار شخصی به منظور پی‌بردن به اشتباه و جلوگیری از تکرار آن.^۲

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۹، ص ۴۲۲۳.

۲. فرهنگ فارسی امروز، واژه انتقاد (با اندکی تصرف)

تفاوت انتقاد سالم با عیب جویی

پاره‌ای از مردم گمان می‌کنند انتقاد همان عیب جویی است. در حالی که انتقاد با عیب جویی تفاوت دارد. انتقاد آگاه ساختن فرد به خوبی‌ها و کاستی‌ها و اشتباهات اوست. در حالی که عیب‌جویی، بازگو کردن عیب‌های شخص نزد دیگران است. انتقاد سالم، افراد را می‌سازد و واقع بین بار می‌آورد و راه رشد و ترقی را به روی جامعه می‌گشاید. از این رو اسلام انتقاد سالم را ستایش نموده است.^۱ حضرت علی (ع) می‌فرماید:

باید محبوب‌ترین مردم نزد تو آن کسی باشد، که تو را به آنچه مایه اصلاح و سازندگی توست راهنمایی کند و عیب‌ها و کاستی‌ها را به تو نشان دهد.^۲

استقبال از انتقاد

۱. به انتقاد از خود بپردازید، پیش از آنکه دیگران از شما انتقاد کنند. هیچ‌گاه خودتان را بی‌عیب و نقص نپندارید. سخنان و عملکردتان را پیوسته مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید. مبنا و معیار شما در این ارزیابی و سنجش، قرآن کریم، سیره صحیح پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) و عقل سلیم باشد.
۲. از نزدیکان خود مانند همسر و فرزندان و... بخواهید که از شما انتقاد کنند.
۳. کارهای علمی و فرهنگی خودتان را پیش از آنکه در سطح جامعه منتشر کنید، به تعدادی از کارشناسان عرضه بدارید و از آنها بخواهید آن را نقد و بررسی کنند و ایرادهایش را به شما تذکر دهند.
۴. کسانی را که اهل انتقاد سالم و مثبت هستند، خیر خواه خودتان بدانید و از آنان تقدیر و سپاس‌گزاری نمایید.

۲۰. کرامت و بزرگواری

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ

(حجرات: ۱۳)

گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

۱. اخلاق اسلامی، ج ۳، ص ۱۴-۱۵.

۲. ترجمه میزان الحکمة، ج ۹، ص ۴۲۲۳.

کرامت و بزرگواری به این معانی آمده است: شرافت، جوانمردی، بخشندگی، بلند همتی، عظمت، احسان، ارجمندی، عزت، بزرگ منشی، گرانمایگی، شکوه، افتخار.^۱

کرامت و بزرگواری در گفتار و رفتار، از دیگر صفات نیکوی پیام‌گزار دینی است. رسولان الهی از شخصیتی کریمانه و بزرگمنش برخوردار بوده‌اند. چنانکه درباره رسول گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم:

(الحاقه: ۴۰)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

این قرآن گفتار رسول بزرگواری است.

بزرگواری در گفتار به اینست که با نهایت ادب و احترام با مخاطبان سخن بگویند؛ و از سخن گفتن با صدای بلند و داد و فریاد و به کار بردن کلمات اهانت‌آمیز خودداری نمایند.

کرامت در رفتار این است که:

۱. بدی‌ها و نادانی‌های مخاطبان شما را از خوبی، خیر خواهی و احسان بدانها باز ندارد.

۲. در برابر تبلیغات مذهبی که انجام می‌دهید، سود مادی و منافع شخصی خود را در نظر نگیرید.

۳. افراد و محیط‌های آلوده به گناه در شما اثر نگذارد؛ و از کارهای لغو و بیهوده روی گردان باشید.

۲۱. احسان به مردم

(نحل: ۹۰)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛...

احسان: خوبی، نیکی، نیکوکاری، بخشش، نیکی کردن، نیک گفتن.^۲ احسان، بلندترین مراحل تکامل انسانی است، که اسلام به آن توجه کامل دارد. در احسان می‌بایست کمال

۱. ر.ک. فرهنگ فارسی، معین؛ لغت نامه، دهخدا؛ العین؛ مفردات راغب.

۲. ر.ک. فرهنگ فارسی، معین؛ لغت نامه، دهخدا؛ فرهنگ فلسفی؛ فرهنگ معارف اسلامی؛ نشر طوبی، واژه

احسان. نیز ر.ک. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ العین؛ دانشنامه قرآن؛ واژه حسن و احسان.

نیکی و مهربانی باشد و از هر نوع منت و آنچه باعث رنجش و ناراحتی شخص مورد احسان می‌باشد، خودداری گردد.^۱

از آنجا که انسان همیشه امید احسان از آفریدگار مهربان دارد و از پیشگاه او هر گونه خیر و نیکی را تقاضا می‌کند، سزاوار است تقاضای صریح یا تقاضای حال دیگران را نادیده نگیرد و بی تفاوت از کنار آنها نگذرد. قرآن کریم می‌فرماید:

... وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ

(قصص: ۷۷)

... و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن.

پروردگار جهان گاه مواهب بسیاری به انسان می‌دهد که در زندگی شخصی اش نیاز به همه آنها ندارد. مثلاً اندیشه‌ای توانا می‌دهد که برای اداره یک کشور کارساز است؛ دانشی می‌دهد که یک جامعه می‌تواند از آن استفاده کند؛ اموال و ثروتی می‌دهد که برای اجرای برنامه‌های بزرگ اجتماعی کافی است. مفهوم ضمنی این گونه مواهب الهی آن است که همه اینها فقط برای استفاده شخصی آن فرد نیست، بلکه او وکیل خدای متعال در رساندن آن مواهب به دیگران است. آفریدگار جهان این نعمت‌ها را به او داده که به دست او بندگانش را اداره کند. بنابراین نباید فراموش کند و همانگونه که خداوند به او نیکی کرده، او نیز باید به دیگران نیکی کند، وگرنه مواهبش را از او خواهد گرفت.^۲

چو ایستاده‌ای دست افتاده گیر

ره نیک مردان آزاده گیر

که نیکی رساند به خلق خدای^۳

کسی نیک بیند به هر دو سرای

احسان‌هایی که می‌توانید انجام دهید

به تناسب موقعیت‌های مختلفی که در آن قرار می‌گیرید، ضرورت‌ها و نیازهای فوری و مهم مردم و مخاطبان خود را شناسایی نمایید و در جهت رفع آنها بکوشید. این نیازمندی‌ها به تناسب افراد و شرایط زمانی و مکانی ممکن است معنوی، علمی و یا مادی باشند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۲ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۵۶-۱۵۷ (با اندکی تصرف و اختصار).

۳. بوستان سعدی، باب دوم، حکایت پنجم.

شما به مقدار توانایی خود به مهم‌ترین آنها پردازید، از جمله: خدمات علمی و آموزشی، کمک‌های مالی و مادی به نیازمندان، مشارکت در کارهای خیریه. بهترین کارهای خوب که همواره می‌توانید انجام دهید عبارت اند از: خیرخواهی و نیک اندیشی، سلام کردن به همه، گفتار و معاشرت نیکو، مشاوره و راهنمایی مردم در امور دینی، سیاسی، تحصیلی، شغل، ازدواج و... در موارد نیاز به احسان، پدر و مادر، نزدیکان، همسایگان، مؤمنان و نیکان از اولویت برخوردارند.

۲۲. عفو و بخشش

(اعراف: ۱۹۹)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

عفو پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از نادانان روی بگردان.

عفو و بخشش به معنای گذشت کردن، بخشودن، از گناه یا تقصیر کسی در گذشتن (با قدرت بر انتقام) است.^۱

اگر مردی آخِسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ

بدی را بدی سهل باشد جزا

بهترین اخلاق

از دیگر اوصاف نیکوی شما پیام‌گزار دینی باید گذشت از تقصیر دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنان باشد، تا بدین وسیله روح صفا و صمیمیت و همکاری و همیاری را در جامعه بگسترانید. رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی عفو و بخشش را بهترین اخلاق دنیا و آخرت می‌شمارد و می‌فرماید: آیا شما را از بهترین اخلاق دنیا و آخرت آگاه نسازم؟ پیوند با کسی که با تو قطع رابطه نموده، احسان به کسی که تو را محروم ساخته، و گذشت از کسی که به تو ظلم کرده است.^۲

در برخی از روایات، درباره نزول آیه شریفه‌ای که در ابتدای این گفتار ملاحظه نمودید چنین می‌خوانیم: رسول خدا (ص) معنای این آیه را از جبرئیل سؤال کرد [که چگونه با مردم

۱. ر.ک. لغت نامه، دهخدا؛ فرهنگ فارسی، معین، واژه عفو.

۲. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ج ۱، ص ۵۹۵؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۷ (ترجمه و شرح مصطفوی).

رفتار کند]، جبرئیل گفت: نمی دانم، باید بپرسم. مرتبه دیگر بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند می فرماید از آنها که به تو ستم روا داشته اند، در گذر؛ و به آنها که تو را محروم ساخته اند، عطا کن؛ و با آنها که از تو بریده اند، بپیوند.^۱

مواردی که می توانید عفو نمایید:

۱. عفو و بخشش در مسائل و حقوق شخصی پسندیده، اما در حقوق اجتماعی و الهی، نکوهیده و ناپسند است. به عنوان مثال، عفو و گذشت از اجرای حدود و تعزیرات شرعی، جز در مواردی که در روایات تصریح شده، جایز نیست؛ چرا که اجرای حدود و تعزیرات از واجبات الهی است. سنت و روش پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) نیز همین بوده که متجاوز نسبت به حقوق مردم و حقوق الهی را مجازات می کردند و در این موارد شفاعت هیچ کس را نمی پذیرفتند.

۲. در مواردی که عفو و گذشت، سبب جرأت و جسارت مجرمان و گناهکاران و تکرار جرم می شود، باید از عفو صرف نظر کرد و به مجازات عادلانه پرداخت.

۳. عفو در صورتی مفید و سازنده است که انسان قدرت بر انتقام و مقابله به مثل داشته باشد و از موضع اقتدار گذشت کند؛ نه اینکه از روی ناچاری و ضعف و ذلت سکوت نماید. در مواردی که ممکن است ستمدیده مجبور به سکوت و یا گذشت گردد، اسلام دستور می دهد که از حقوق مظلوم دفاع شود و ظالم به مجازات عادلانه اعمالش برسد.^۲

۲۳. ارج نهادن به کارهای دیگران

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا این کار سبب می شود نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت؛ و بدکاران در بدکاری تشویق گردند. پس هر کدام از آنان را بر اساس کارشان پاداش ده.^۳

۱. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، ج ۱، ص ۵۹۴-۵۹۵؛ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۶۵؛ مجمع البیان، ۷۸۷/۴.

۲. همان، ص ۵۹۷-۶۰۲؛ اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۴۲۵-۴۲۷ نیز ر.ک. ترجمه میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۳۸-۳۸۳۹.

۳. نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳.

مبلغ گرامی! آیا از اطرافیان و همکارانتان قدردانی می‌کنید؟
 ما به شدت درگیر کار و زندگی هستیم، به گونه‌ای که بیشتر وقت‌ها فراموش می‌کنیم از دیگران سپاس‌گزاری کنیم! ارزش دادن به انسان‌های خوب، بسیار ساده است: بالبخندی صمیمانه از کارهای آنها تشکر کنید. موفقیت همکارانتان را به آنها تبریک بگویید! از نزدیک‌ترین اطرافیان و همکارانتان شروع کنید، و مهم‌ترین کارهایی را که انجام داده‌اند تحسین نمایید، به زیبایی‌های کارهایشان نگاه کنید و از نارسایی‌ها چشم‌پوشید.
 با قدردانی از دیگران به آنها جرأت اقدام به کارهای بزرگ‌تر و مهم‌تر بدهید؛ و احساس شکست، طرد شدن و بی‌ارزش بودن را در آنها از بین ببرید. تشویق نیکوکاران، شایستگان و افراد با لیاقت، به آنها اطمینان، آرامش و اعتماد به نفس می‌بخشد؛ و شوق فعالیت، ابتکار و ایثار را در آنها برمی‌انگیزد.^۱

۲۴. خوش‌بینی به مردم

امام علی (ع):

هر که به مردم گمان نیک برد، محبت آنان را به دست آورد.^۲

خوش‌بینی به مردم: به نظر نیک در مردم و جهانیان نگرستن. عقیده خوب نسبت به انسانها داشتن. آدمیان را پاک و با صفا دانستن. حسن ظن، خوش‌گمانی مقابل بدبینی و بدگمانی.^۳

ارزش خوش‌بینی

خوش‌بینی به مردم، از بهترین صفات انسانی و ارزشمندترین مواهب الهی است که مایه صفای باطن و بالندگی ایمان و اندیشه است.^۴ هر که به مردم گمان نیک داشته باشد، خوبیهای آنان را آشکار نموده و بدیهایشان را نادیده انگارد، پاک‌نهاد و خردمند است.

۱. ر.ک. ۶۰ نکته برای زندگی بهتر، ص ۴۰ و ۵۰؛ نیز ر.ک. ترجمه میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۸۳۰-

۲۸۳۵؛ اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۵۹-۹۶.

۲. ترجمه میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۲۹۵.

۳. اقتباس از: فرهنگ فارسی، معین؛ لغت‌نامه، دهخدا، واژگان خوش‌بینی و حسن ظن.

۴. ر.ک. اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۲۳ (با تصرف و تلخیص).

بنابراین تا آنجا که امکان دارد، به برادران مسلمان خود گمان بد نبرید و گفتار و رفتارشان را به درستی و صواب تعبیر نمایید. چنانکه در روایتی از حضرت علی (ع) می‌خوانیم:

رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن، تا زمانی که کاری از او سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد؛ و هیچ‌گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، تا وقتی که معنای خوبی برای آن می‌یابی، گمان بد مبر.^۱

و نیز آن حضرت فرموده است:

هر که دانست برادرش در دین استوار و رهپوی راه راست است، دیگر نباید به سخنان مردم درباره او گوش دهد....^۲

آنجا که خوشبینی روا نیست^۳

۱. هرگاه فساد بر زبان و اهلش چیره گردد، و در این حال کسی به دیگری گمان نیک برد، خود را فریب داده است.^۴ در محیط‌های نسبتاً سالم، اصل بر حسن ظن و در محیط‌های فاسد، اصل بر سوء ظن است.

۲. در مسائل امنیتی و اطلاعاتی که به سرنوشت جامعه مربوط است، نمی‌توان با خوشبینی برخورد کرد، بلکه تمام حرکات مشکوک باید زیر نظر باشد و پیرامون آن تحقیق شود.

۳. در برابر دشمنان نیز نباید خوشبین و خوش باور بود. ممکن است دشمن از صلح و دوستی و محبت و تغییر رویه دم بزند و دست دوستی به سوی ما دراز کند، در این گونه موارد هرگز نباید خوش گمان بود و بلافاصله به دشمن اعتماد کرد، بلکه باید احتمال داد تمام اینها مکر و فریب و نیرنگ باشد. روی همین اصل، حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

۱. ترجمه میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۹۳.

۲. همان.

۳. برگرفته از: اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۶ (با تصرف و تلخیص).

۴. نهج البلاغه، فرازی از حکمت ۱۱۴؛ نیز ر.ک. ترجمه میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۹۹-۳۴۰۱.

هنگامی که با دشمنت پیمان صلح بستی، کاملاً از او برحذر باش، زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود، تا غافلگیر کند. پس دور اندیش و محتاط باش و به دشمن خوشبین مباش.^۱

۲۵. اعتماد به نفس

امام خمینی:

... و لازم است که با این دو خصیصه اتکال به خدای تبارک و تعالی [و] اطمینان به نفس، به پیش بروید، و بعد از مدت کوتاهی خواهید دید که راه‌های سعادت بر شما باز می‌شود.^۲

اعتماد به نفس به معنای به خویشتن متکی بودن و باور داشتن توانایی و کارایی خویش است.^۳ خود اتکایی، خودباوری، استقلال فکری، استقلال شخصیت، احساس ارزشمندی، در برابر خودباختگی، خود کم بینی، وابستگی، احساس حقارت و کم رویی می‌باشد. همچنین گفته شد اعتماد به نفس این است که انسان به رهبری عقل و خرد، در پرتو قدرت اراده، با تصمیم و قاطعیت کار را دنبال کند و خود را بر انجام آن توانا بداند و از تلقین‌های سست کننده اراده بپرهیزد.^۴

مردان بزرگ تاریخ و پایه گذاران علوم و صنایع، کسانی بوده‌اند که واژه‌های «نمی‌شود» و «نمی‌توانم» را از زندگی خود حذف کرده‌اند و به همه چیز به رهبری عقل، از دریچه «می‌شود» و «می‌توانم» می‌نگریستند.^۵

پیام‌گزار گرامی! شما خودتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیا باور دارید که می‌توانید فعالیت کنید و به خواسته‌های خود برسید، یا در کناری می‌ایستید و شاهد موفقیت دیگران می‌شوید و احساس شکست می‌کنید؟

این خود ما هستیم که واقعیت زندگی مان را به وجود می‌آوریم و کیفیت آن بستگی به تصورات ذهنی ما دارد. با ایجاد تصورات مثبت از خود و بالا بردن روحیه شکست‌ناپذیری،

۱. نهج البلاغه، فرازی از نامه ۵۳.

۲. خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)، ص ۲۱۲.

۳. فرهنگ فارسی، معین؛ فرهنگ فارسی امروز، واژه اعتماد / اعتماد به نفس.

۴. رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۱۱۵-۱۱۶ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۵. همان.

واقعیت‌های ثابت و جدیدی در زندگی خود ایجاد کنید. این جملات را بخوانید و فکر کنید که در مورد شما صحت دارد:

- من قوی و نیرومندم.

- باهوش و دانایم.

- ظاهرم زیباست.

- خودم را باور دارم.

- در هر کاری موفق هستم.^۱

همیشه سعی کنید خودتان باشید؛ زیرا وقتی که سعی می‌کنید کسی باشید که نیستید، مطمئن باشید که مردم می‌فهمند. بهترین تأثیری که می‌توانید بگذارید، زمانی است که خودتان باشید.

آیا تصمیم‌گیرنده خوبی هستید؟

تصمیم بگیرید. اقدام کنید. در مورد کاری که باید انجام دهید، تردید نکنید. به آینده‌ای روشن‌تر نگاه کنید.

تمام سعی خود را به کار بگیرید و به آینده‌ای مثبت نگاه کنید. به یاد داشته باشید که بهترین کار ممکن را انجام داده‌اید. خود را سرزنش نکنید. گذشته را فراموش کنید؛ و به آینده‌ای شاد و روشن فکر کنید. ظاهر خود را ارزیابی کنید.

پاکیزه و مرتب باشید. سربلند راه بروید، تا اطمینان بیشتری احساس کنید. به خودتان خوشبین باشید.

بگذارید تصورات منفی‌تان از بین بروند. منفی‌بافی مانع کامیابی شما خواهد شد. ارزش‌های ذاتی و منحصر به فرد خود را کشف کنید. بیشتر به چیزهایی که دارید نگاه کنید، تا به آنهایی که ندارید. برای چیزهایی که دارید، شکرگزار باشید.^۲

۱. ۶۰ نکته برای زندگی بهتر، ص ۱۲ و ۷ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۲. همان، ص ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۲۵ و ۳۶.

۲۶. وفای به عهد

وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء / ۳۴)

و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود.

وفای به عهد به معنای انجام دادن و به جای آوردن عهد و پیمان، بر قول و گفتار پایدار ماندن، اجرای قرار داد و پیمان نشکستن است.^۱

نیک عهدی، درست پیمانی، صادق و صمیمی بودن در دوستی و خدمت به مردم، از آداب مهمی است که سزاوار است پیوسته مورد توجه پیام‌گزاران دینی باشد. در آیات شریفه قرآن مجید و روایات اسلامی، وفای به عهد از صفات مؤمنان و نیکوکاران، و پیمان شکنی از خصوصیات منافقان دانسته شده است.^۲

وفای به عهد از حقوقی است که ما موظف به اجرای آن در برابر همه انسانها هستیم؛ خواه طرف پیمان مسلمان باشد یا غیر مسلمان، نیکوکار باشد یا تبه‌کار؛ و به اصطلاح از حقوق انسانی است و اختصاص به برادران دینی ندارد.^۳ در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

سه چیز است که خداوند متعال به هیچ کس اجازه مخالفت با آن را نداده است:

ادای امانت، به نیکوکار و بدکار

وفای به عهد، نسبت به نیکوکار و بدکار

خوش رفتاری با پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.^۴

اقسام عهد و پیمان

۱. عهد با خدا: اگر کسی با خدای تعالی عهد کند و صیغه عهد را بخواند (صیغه

۱. ر.ک. لغت نامه، دهخدا؛ فرهنگ فارسی، معین، واژگان وفا و عهد.

۲. ر.ک. ترجمه میزان الحکمة، ج ۹، ص ۴۱۰۰-۴۱۰۵ و ۴۲۶۰-۴۲۶۵؛ نیز ج ۱۴، ص ۶۸۸۰-۶۸۸۷ و ۶۹۶۰-۶۹۶۹؛ اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۴۳-۲۶۶؛ اخلاق عملی، مهدوی کنی، ج ۱، ص ۶۱۶-۶۲۲.

۳. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۴۶.

۴. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۶ (ترجمه و شرح مصطفوی).

عربی یا فارسی تفاوتی ندارد)، مثلاً بگویند: «با خدا عهد کردم که هرگاه مرا از بیماری شفا دهد، سه روز روزه می‌گیرم یا فلان مقدار صدقه می‌دهم»، واجب است که به عهدش وفا کند و اگر مخالفت کند، کفاره دارد. کفاره‌اش بنابر مشهور، کفاره روزه خواری در ماه مبارک رمضان است. حتی اگر انسان صیغه عهد را نخواند و تنها در دل نیت کند، بهتر است به عهدی که با خدا کرده، وفانماید.

۲. **عهد با مردم:** این عهد هر گونه قرار داد و پیمانی را شامل می‌شود، و چنانچه بر اساس ضوابط شرعی و عقلی باشد، عمل به آن واجب است. اما عهدهای یک طرفه، مثل اینکه انسان با دیگری عهد می‌کند که به او کمک نماید؛ این گونه عهدها که عهد ابتدایی نامیده می‌شود؛ و همچنین وعده‌هایی که یک جانبه صورت می‌گیرد، وفای به آن از نظر فقهی واجب نیست، بلکه مستحب مؤکد است. البته از دیدگاه اخلاق، همه این موارد محترم و عمل به آنها لازم است، وگرنه انسان از دست یابی به فضائل اخلاقی و مقامات عالیة انسانی باز می‌ماند.

۳. **عهد با خویشان:** عهدهایی است که به هنگام خودسازی و برای پرورش صفات نیک و انجام اعمال صالح واقع می‌شود و بسیار مؤثر و سازنده است. یک نمونه آن همان است که عرفای اسلامی آن را از گام‌های نخستین سیر و سلوک می‌شمارند و از آن به عنوان «مشارطه» که به دنبال آن «مراقبه» و «محاسبه» قرار دارد، ذکر می‌کنند. منظور از مشارطه این است که انسان هر روز صبح با خودش عهد کند که جز در مسیر طاعت حق گام برندارد و از گناهان بپرهیزد. آنگاه در روز مراقب اعمال خویش باشد، که به این شرط و عهد عمل کند؛ و در پایان روز به محاسبه پردازد که آیا به این شرط و عهدی که با خود کرده عمل نموده یا نه.^۱

یادآوری: در موقع دادن تعهد، قدرت خود را ارزیابی کنید، که آیا می‌توانید به وعده‌ای که می‌دهید وفا کنید یا نه؛ و در صورتی که توانایی ندارید، وعده ندهید.^۲

۱. اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۶۱-۲۶۳ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۲. ر.ک. اخلاق عملی، مهدوی کنی، ج ۱، ص ۶۲۲.

۲۷. مَرُوت

امام علی (ع):

المُرُوَّةُ إِسْمٌ جَامِعٌ لِسَائِرِ الْفَضَائِلِ وَالْمَحَاسِنِ.

مروّت، نامی است که همه فضایل و محاسن را در بر می‌گیرد.^۱

مروّت به معنای مردی، مردانگی، جوانمردی، بزرگواری، انصاف، مردمی و فتوّت است.^۲

آیین و آداب مروت و جوانمردی

در منابع دینی، پایبندی به برخی از صفات، نشانه مروت دانسته شده است. این صفات عبارت‌اند از:

۱. عدل و انصاف

۲. احسان و تفضّل؛ مداومت بر نیکی و احسان و بی دریغ احسان کردن.

۳. انجام طاعت پروردگار متعال و خودداری از ارتکاب حرام. این که خداوند سبحان تو را در جایی که نهیت کرده حاضر نبیند؛ و در آنجا که فرمانت داده، غایب نیابد.

۴. خردمندی

۵. حفظ و نگهداری دین خود؛ پاکی و درستی در دین. فقیه و دانا بودن در دین.

۶. عزت نفس. آبرو داری. دور بودن از پستی و فرومایگی. آنچه را زیننده تو نیست،

ترک‌گویی.

۷. گزاردن حقوق [الهی و مردمی].

۸. صداقت و راستی.

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۵۰۸-۵۵۰۹.

۲. همچنین گفته شده مروت یعنی اینکه رفتار شخص آنگونه باشد که وضع اجتماعی او اقتضا کند. در علم فقه این کلمه را در باب «صلاة» و در بحث از شرایطی که باید در امام جماعت موجود باشد می‌آورند که امام باید دارای مروت باشد و مروت ملازمت بر عادت‌های پسندیده و دوری از عادت‌های ناپسندی است که حرام نشده است؛ و نیز متأدب گشتن به بزرگ منشی و بلند همتی که مجموع این صفات‌ها را مروت نامند. ر.ک. لغت‌نامه، دهخدا، واژه مروت.

۹. دوراندیشی.

۱۰. خوش خویی و خوشرویی.

- همچنین از امام صادق(ع) روایت شده که فرموده‌اند: مروت دو تاست: مروت در حضر و مروت در سفر.
- اما مروت در حضر:
- تلاوت قرآن
 - حاضر شدن در مساجد
 - همنشینی بانیکان
 - اندیشیدن در فقه (مسائل دین)
 - و اما مروت در سفر:
 - بخشیدن از توشه (ی خویش به همسفران).
 - شوخی کردن در آنچه که موجب خشم خدا نشود.
 - کمتر ناسازگاری کردن با همسفران.
 - وقتی از همسفرانت جدا شدی بر ضد آنها چیزی نقل نکنی.^۱

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت، با دشمنان مدارا^۲

۲۸. شناخت زمان و مکان

امام صادق(ع) می فرماید:

الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ.^۳

کسی که زمان خود را بشناسد، اشتباهات بر او هجوم نمی آورد.

شناخت زمان و مکان یعنی؛ موقع شناسی، تشخیص وضع و مقام و محل؛ و در هر مکان و هر زمان به مقتضای آن عمل کردن؛^۴ مقتضای زمان و مکان یعنی مقتضای محیط،

۱. ترجمه میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۵۰۸-۵۵۱۹؛ و نیز ج ۹، ص ۴۵۳۰-۴۵۳۱ (با تصرف و تلخیص).

۲. دیوان حافظ، غزل ۵.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱، ترجمه و شرح مصطفوی.

۴. ر.ک. فرهنگ فارسی، معین؛ لغت نامه، دهخدا، واژه موقع شناسی.

اجتماع و زندگی.^۱ شناخت وضعیت و شرایط زمانی و مکانی یکی از عوامل مؤثر در تبلیغ است و این شرایط دارای مفهومی گسترده و کلی است. مسائل جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی و مسائل مقطعی روز و مسائل دراز مدت را در بر می‌گیرد. بیان مطالب در مواقع مناسب با پذیرش و استقبال فراوان مواجه می‌شود، اما در شرایط نامناسب، تأثیر چندانی ندارد. مثلاً در ماه محرم صحبت در زمینه زندگی امام حسین (ع) و فلسفه قیام و شهادت آن حضرت مناسب است و در شب میلاد پیامبر اکرم (ص) نیز حاضرین آمادگی شنیدن سخنانی درباره زندگی و سیره نبوی و فلسفه نبوت را دارند.

گاهی پیام‌گزار موضوع غلط و نادرستی را مطرح نمی‌کند، ولی چون شرایط زمانی و مکانی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، تبلیغش تأثیر مطلوب نمی‌گذارد.^۲ در رهنمودی از امام صادق (ع) چنین آمده است:

درباره آنچه سودت نبخشد سخن مگو و بسیاری از کلام مفید را واگذار، مگر آن که فرصت را برای آن مناسب بیابی، که ای بسا گوینده‌ای که مفید و به حق سخن می‌گوید، اما چون به جایش نیست، به زحمت می‌افتد.^۳

درباره شناخت زمان و مکان، توجه و عمل به این توصیه‌ها می‌تواند مفید باشد:

۱. شما پیام‌گزار دینی بنابر وظیفه و مسئولیتی که دارید، سعی کنید آگاه‌ترین مردم به زمان خویش باشید.
۲. تطبیق و هماهنگ سازی شیوه‌ها، ابزارها و محتوای تبلیغ با نیازمندی‌ها و پرسش‌های مخاطبان.
۳. بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای نوین اطلاع رسانی و تبلیغات. مانند رسانه‌های تصویری، رایانه، و...

۱. زمانه و محیط و اجتماع، مخلوق بشر است؛ و بشر هرگز از خطا مصون نبوده است. از این رو تنها وظیفه انسان انطباق و پیروی از زمان و افکار و اندیشه‌های زمانه و عادت‌ها و پسندهای آن نیست؛ کنترل و اصلاح زمانه نیز هست. با پیشروی‌های زمانه باید پیش رفت و با انحرافات آن باید مبارزه کرد. ر.ک. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، ص ۱۸۶-۱۸۷ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۲. جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، ص ۱۲۶-۱۲۸ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۳. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۳۱۳.

۴. پوشش و آراستگی ظاهری متعارف و متناسب با محیط و عصر.
۵. ارتباط علمی و مشورت با عالمان آگاه و زمان شناس.
۶. معاشرت و ارتباط دوستانه و صمیمانه با طبقات و گروه‌های مختلف مردم.

۲۹. سازش ناپذیری در اصول

امام علی (ع):

لَا يَعْجُزُ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ.^۱

فرمان خدای سبحان را بر پا ندارد مگر آنکه سازشکار نباشد و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو طمع‌ها نگردد.

سازش ناپذیری در اصول به معنای داشتن قاطعیت، صلابت، انعطاف ناپذیری در اصول و مبانی دین و مذهب، ارزش‌ها و احکام الهی و حقوق مردم است. از دیگر صفات ممتاز برای پیام‌گزار دینی، ایستادگی در برابر انحراف‌ها و کژی‌ها و قاطعیت در اجرای اوامر الهی است. چنانکه رسول خدا (ص) فرمود:

به خدا سوگند اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی فرمانروایی همه جهان را به من دهند) که از تبلیغ آیین و از هدفم دست بردارم، هرگز چنین نخواهم کرد، و هدف خود را تعقیب می‌کنم. تا بر مشکلات پیروز شوم و به مقصد نهایی برسم و یا در راه هدف جان بسپارم.^۲

مهم‌ترین مواردی که لازم است شما پیام‌گزار گرامی درباره آنها محکم و استوار باشید، عبارتند از:

۱. درباره اصول و مبانی دین و مذهب. هرگز راضی به کم‌ترین تحریف و انحراف در باورهای دینی، ارزش‌ها و احکام الهی نشوید. با کسانی که ایمان و عقاید اسلامی را مورد تعرض قرار می‌دهند، تسامح و تساهل روا مدارید.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰.

۲. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۲. در برابر انواع منکرات و گناهان، چه گناهان فردی و یا اجتماعی، بی تفاوت نبوده به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایید.
۳. حفظ نظام اسلامی از مهم‌ترین واجبات شرعی است و همه باید نسبت به آن اهتمام کامل داشته باشیم.
۴. دفاع و حمایت از ولایت فقیه از نکات بسیار مهمی است که حضرت امام خمینی (ره) بر آن تأکید داشتند و ما نیز نباید درباره آن کوتاهی کنیم.
اما مواردی که سزاوار است آسان بگیرید و با گذشت باشید:
 ۱. در مسائل و حقوق شخصی، با خانواده، همکاران و مردم با مهربانی و مدارا برخورد کنید.
 ۲. در مسائل فرعی دینی، آن مواردی که دین آسان گرفته، شما نیز بر خودتان و دیگران آسان بگیرید مانند مسأله طهارت و نجاست، برخی از عبادات مثل نماز و روزه برای مسافر و بیمار و افراد ناتوان، که در چگونگی انجام آن تخفیف‌هایی داده شده است؛ و...^۱
 ۳. لذت‌های مشروع و حلال را بر خودتان و دیگران حرام نکنید و از نعمت‌های الهی استفاده نمایید.^۲

۳۰. شناخت مخاطبان

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.^۳

ما گروه پیامبران دستور داریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.

شناخت مخاطبان به معنای آشنایی، آگاهی و شناسایی دریافت‌کنندگان پیام تبلیغی و دانستن خصوصیات فردی و اجتماعی آنان است.

۱. ر.ک. رساله‌های توضیح المسائل.

۲. ر.ک. تسامح آری یا نه؟ ج ۱، ص ۲۵۳-۲۶۵؛ نیز ر.ک. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۶، ص

۱۷۴-۱۷۸؛ پانزده گفتار، ص ۶۱-۶۲؛ اخلاق عملی مهدوی کنی، ج ۱، ص ۵۹۷-۵۹۹؛ اسلام و جامعه، ج

۳، ص ۲۵۷-۲۵۹.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷، ترجمه و شرح مصطفوی.

مخاطب اسلام، فطرت پاک و الهی انسان هاست. پیام الهی محدود به گروه، نژاد، زبان و طبقه اجتماعی و اقتصادی خاصی نیست. عموم مردم، به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان دارای فطرت پاک انسانی هستند و آماده پذیرش پیام حق. افرادی نیز که فطرت انسانی خود را با کارهای ناشایست آلوده کرده‌اند، با برنامه ریزی مناسب، قابل درمان و هدایت‌اند؛ در هر حال شما پیام گزار گرامی از ارشاد و هدایت هیچ کس ناامید نباشید. مهم‌ترین آگاهی‌هایی که درباره مخاطبان نیاز دارید:

۱. شناخت میزان توانایی فکری و روحی و مقدار دانش و بینش آنها.
 ۲. دانستن گرایش‌ها، نگرش‌ها، باورها، وابستگی‌ها و دلبستگی‌های آنان.
 ۳. آشنایی با زبان مخاطبان.
 ۴. شناخت گروه سنی مانند کودک، نوجوان، جوان، میانسال و کهنسال.
 ۵. شناخت جنسیت یعنی مرد یا زن بودن.
 ۶. وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی.
 ۷. محیط و مکان زندگی.
 ۸. مجرد یا متأهل بودن.
 ۹. آداب و رسوم ملی و محلی.
 ۱۰. کمبودها و نیازها.
 ۱۱. پیشینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی.
- روش شناخت مخاطبان:
۱. مصاحبه حضوری و گفتگو با مخاطبان.
 ۲. تهیه و تنظیم پرسشنامه
 ۳. زندگی در میان مخاطبان.
 ۴. مطالعه تجربیات مبلغان پیشین.
 ۵. مشورت با سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی.^۱

۱. با استفاده از: تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۱۸۳ - ۱۸۹؛ تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، ص ۷۵ - ۸۰؛ پژوهش در تبلیغ، ص ۱۶۸ - ۱۹۰؛ جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، ص ۱۱۲ - ۱۱۵؛ تبلیغ در قرآن، الهامی، ص ۱۳۹ - ۱۵۵؛ اصول مخاطب‌شناسی.

ب - وظایف

پیام‌گزاران دینی در راستای تبلیغ پیام دین، وظایف مهمی بر عهده دارند که انجام آنها عامل موفقیت تبلیغی آنان می‌باشد. برخی از این وظایف عبارت‌اند از:

۱. شناساندن قرآن و عترت

قرآن و عترت از ارکان اصلی اسلام و قوی‌ترین عامل هدایت جامعه به سوی ارزش‌های الهی هستند. از این رو بر شما پیام‌گزاران دینی است که در آموزش، تفسیر و ترویج پیام‌های این دو منبع گرانسنگ، تمام توان و تلاش خود را به کار گیرید.

الگوی عملی شما در این زمینه رسول گرامی اسلام [ص] است که در مناسبت‌های گوناگون و به طور حساب شده، بر قرآن و عترت تأکید می‌کرد و مردم را به پیروی از آن دو دعوت می‌نمود. به عنوان نمونه برخی از آنها را می‌آوریم.

شیعه و سنی به اتفاق نقل کرده‌اند که رسول خدا [ص] در روزهای واپسین عمر پر برکت خویش فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ
الْحَوْضِ.^۱

من دو چیز گرانبها را در میان شما می‌گذارم؛ کتاب خدا و خاندان و اهل بیتم. این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من بیوندند.

همچنین آن حضرت در زمینه آموزش قرآن فرمود:

خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ.^۲

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران هم یاد دهد.

علی (ع) نیز در معرفی قرآن فرمود:

در قرآن شفای بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر، نفاق و گمراهی است.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۲۳، ح ۶۹، بیروت.

۲. همان، ج ۹۲، ص ۱۸۶، روایت ۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

حضرت صادق(ع) هم از پدرانش(ع) نقل کرده که از امیر مؤمنان علی(ع) سؤال شد، مراد از «عترت» در سخن پیامبر(ص) که می فرماید: «من دو چیز گرانبها، در میان شما می گذارم، کتاب خدا و عترتم» چیست؟

حضرت فرمود: من و حسن و حسین و امامان نه گانه از فرزندان حسین هستیم که نهمین آنها مهدی و قائم آنهاست...»^۱

با توجه به آنچه گذشت به شما پیام گزاران دینی توصیه می کنیم که:

۱ - در محیط های تبلیغی علاوه بر معرفی قرآن و عترت، کلاسهای آموزش قرآن تشکیل دهید و سخنان نورانی اهل بیت پیامبر(ص) را برای مردم بیان کنید.

۲ - شما می دانید که آموزش قرآن مقدمه فهمیدن معانی قرآن و عمل به آن است از این رو بکوشید مردم و بویژه نسل جوان را با مفاهیم قرآن آشنا کنید و آنان را با گفتار و کردار تان به سوی عمل به قرآن سوق دهید.

۳ - توجه داشته باشید که آیات قرآن و سخنان اهل بیت و نام و یاد آنان، نورانیت ویژه ای به محیط تبلیغی شما می دهند، معارف دینی را در دل ها پایدار می نمایند.

در پایان به شما یاد آور می شویم که از معرفی جانشینان پیامبر و عترت، یعنی علمای متعهد نیز غافل نباشید و مردم را با اخلاقیات و مجاهدتهای آنان آشنا کنید.

۲. مبارزه با انحرافات و خرافات

یکی از مشکلات پیشرفت و تکامل هر اجتماعی، انحرافات و خرافاتی است که گریبانگیر جامعه می شود و مبلغان هر عصری وظیفه دارند که مردم را در این زمینه آگاه کنند و با انحرافات و خرافات موجود مبارزه نمایند.

نخستین وظیفه پیام گزاران دینی در این زمینه شناخت انحرافات و خرافات و مبارزه ریشه ای با آنهاست. بدیهی است که استفاده از اصل حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن، در اینجا نباید مورد غفلت قرار گیرد.

قرآن کریم با اشاره به برخی انحرافات و نقل خرافات جاهلان، به نقد آنها پرداخته و عواقب تلخ آنها را بازگو کرده است؛ مثلاً درباره گناه بزرگ زنا می فرماید:

۱. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۶، ح ۲۵.

(اسراء: ۳۲)

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت و بدراهی است.

در این آیه خداوند متعال برای پیشگیری از زنا و مبارزه با آن از مقدمات و زمینه‌های آن همچون چشم چرانی و خلوت با نامحرم نیز نهی کرده، می‌فرماید: «به زنا نزدیک نشوید». همچنین در زمینه مبارزه با جاهلان خرافه پرستی که از آثار نیاکان گمراه خود تقلید می‌کنند، فرموده است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا

(بقره: ۱۷۰)

يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»

و هنگامی که به آنها گفته می‌شود: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید! می‌گویند: ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد؟)

معصومین(ع) نیز هیچ‌گونه نرمشی در برابر انحرافات و خرافات از خود نشان نداده‌اند و با قاطعیت با آنها مبارزه کرده‌اند که خوانندگان گرامی برای مطالعه می‌توانند به کتاب‌های سیره و تاریخ مراجعه کنند.

۳. رشد دادن فکر و اندیشه

پیام‌گزاران دینی موظفند که مردم را به تفکر وادارند، چرا که فکر و اندیشه کلید دانش و اکتشافات و وسیله راه یابی به پروردگار یکتا است.
قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

(نحل: ۴۴)

وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

و ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که برای مردم نازل شده تبیین کنی، باشد که مردم تفکر و اندیشه کنند.

شما پیام‌گزاران دینی بایستی با زمینه سازی، افراد را ترغیب کنید که در اعماق وجود

خود سیر کنند و بیندیشند که آیا خود، خویشتن را به وجود آورده‌اند؟ آیا خود نگهدار و نگهدار خویش‌اند؟ و آیا رشته مرگ و حیات در دست خود آنهاست؟

بدیهی است که اگر دیگران پیام شما را با اندیشه خود بپذیرند پیامتان ماندگارتر و دلنشین‌تر خواهد بود. از این رو هرگز برای پذیرش پیامتان عجله نکنید و اجازه دهید انسانها به اختیار خود، پیام شما را بپذیرند.

شما برای رشد فکری مردم باید سطح دانش آنان را بالا ببرید، با آنان گفتگوی علمی داشته باشید و به سیر و سفر در آیات آفاقی و انفسی، ترغیبشان کنید.

۴. اهمیت دادن به مصالح حقیقی مردم

یکی دیگر از وظایف شما پیام گزاران دینی اهمیت دادن به مصالح حقیقی مردم است. شما باید در هر عصر و زمانی مسائل و مشکلات مهم و حقیقی مردم را تشخیص دهید و بدانها پردازید و تحت تأثیر قرار نگیرید؛ زیرا پیروی از خواسته اکثریت رشد نیافته، موجب گمراهی و دوری از حق می‌گردد.^۱

شما مبلغان دینی باید به این نکته توجه کنید که گرچه جلب توجه مخاطب یک اصل مهم در تبلیغ است اما این بدان معنا نیست که شما به مصلحت مخاطب توجه نکنید؛ بلکه بر شماست که مخاطبان خود را به آنچه برایشان سودمند است واقف کنید و به سوی آن سوقشان دهید و از مسائل غیر ضروری و پیروی کردن از احساسات غیر منطقی و لذتها و منافع زودگذر بازشان دارید.

الگوی عملی شما در این زمینه پیامبران الهی و امامان معصوم اند که پیوسته خیرخواه مردم بوده‌اند و آنان را به مصالح حقیقی شان راهنمایی می‌کرده‌اند:

قرآن مجید از این صفت پیامبران، تعبیر به «نصح» نموده، می‌فرماید:

۱. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«وَإِنْ تَطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶)
اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می‌نمایند و تخمین (واهی) می‌زنند.

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُحِبُّونَ

التَّاصِحِينَ (اعراف: ۷۹)

(صالح (ع)) از آنها روی برتافت و گفت: ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید.

با توجه به آنچه گذشت، به شما پیام‌گزاران دینی توصیه می‌کنیم که:

- ۱- در تبلیغ دین، حق را در نظر بگیرید و به مطالب مورد نیاز و ضروری مردم بپردازید.
- ۲- در تبلیغ دین به منافع فردی، حزبی و گروهی نیندیشید.
- ۳- در ابلاغ پیامتان صراحت داشته باشید و از بیان حرف حق نهراسید.
- ۴- با این بهانه که مردم طاقت شنیدن حرف حق را ندارند، از بیان حقیقت طفره نروید.
- ۵- از احساسات مردم سوء استفاده نکنید و بدانید روزی حقیقت آشکار می‌شود؛ به عنوان مثال مردم به شما به عنوان سخنگوی دین و نماینده پیامبر و فردی پاک و با تقوا می‌نگرند، سعی کنید واقعاً چنین باشید.
- ۶- از خواسته‌های غیر منطقی مردم پیروی نکنید و تابع جو نباشید.
- ۷- سعی کنید پیوسته حق را بشناسید و مردم را بدان سو سوق دهید؛ زیرا مصلحت حقیقی مردم در پیروی از حق است.

۵. حفظ وحدت و همدلی

یکی دیگر از وظایف مبلغان دینی حفظ وحدت و همدلی در میان مردم است؛ زیرا وحدت و همبستگی سبب عزت و سربلندی و گسترش ارزش‌های الهی می‌شود همچنان که تفرقه و دشمنی، لباس کرامت را از تن جوامع اسلامی می‌کند و ایمان را از بین می‌برد و مفسد زیادی را به دنبال می‌آورد.

بنابراین اگر در محیط شما پیام‌گزاران دینی، میان مردم اختلافی هست، سعی کنید با استمداد از خداوند آن را حل کنید و اگر آرامش برقرار است، در حفظ آن بکوشید؛ یادتان باشد که هرگز بدون دلیل شرعی، خودتان را در نزاع‌ها و اختلافات میان مردم درگیر نکنید و همیشه منادی صلح و دوستی باشید.

قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

أَوْصِيكُمْ بِجَمِيعِ وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَقُولُ: «صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ غَاةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»^۱

شما (حسن و حسین (ع)) و همه فرزندان و اهل خانه‌ام و هر کس که نامه‌ام به او می‌رسد، را سفارش می‌کنم به تقوای خدا و نظم در کارتان و اصلاح بین خودتان؛ زیرا از جد شما (رسول الله (ص)) شنیدم که می‌فرمود: اصلاح بین مردم از همه نمازها و روزه‌ها برتر است.

نکته دیگری که شما مبلغان باید رعایت کنید این است که ممکن است در میان مخاطبان شما، افرادی از اهل سنت و دیگر اقلیت‌های مذهبی و اقوام مختلف باشند که بایستی از ذکر مسائل اختلاف‌انگیز اجتناب کنید.

شما می‌توانید برای ایجاد وحدت و همدلی در میان مردم، به موضوعاتی همچون کمک به همدیگر، دیدار و زیارت مؤمنین از یکدیگر، تواضع، سلام، دوستی، رفق، مدارا و... پردازید و مردم را از اموری همچون خودخواهی، بخل، غیبت، کینه، دشمنی، بدگمانی و.. بازدارید. و بر محورهای وحدت آفرین همچون ایمان، حج، امامت، ولایت فقیه و نماز جماعت تأکید کنید.

در پایان یادآور می‌شویم که در ایجاد وحدت و صلح میان طرف‌های درگیر، بر اساس احکام و قوانین اسلام رفتار کنید و مراقب باشید حقوق مالی و جانی کسی ضایع نشود مگر اینکه او از حق خودش بگذرد.

۶. دعوت به کرامت‌های اخلاقی

مبلغان دینی وظیفه دارند اخلاق نیک و صفات عالی انسانی را ترویج کنند و خودشان و مردم را از رذائل اخلاقی، پاک نمایند.

قرآن مجید این عمل مقدس را یکی از رسالت‌های پیامبر اسلام دانسته، می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...

(جمعه: ۲)

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد.

رسول خدا (ص) نیز فرمود:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.^۱

من برای تکمیل بزرگواری‌های اخلاقی برانگیخته شده‌ام.

همچنین آن حضرت هنگامی که «معاذ» را برای تبلیغ دین، به یمن فرستاد به او سفارش

کرد:

ای معاذ! کتاب خدا (قرآن) را به آنان بیاموز و بر اخلاق شایسته، آنان را بی‌پروا.^۲

ائمه معصومین (ع) نیز پیوسته در صدد تزکیه اخلاق مردم بودند و بطور مستقیم و غیر مستقیم آنان را به صفات عالی انسانی دعوت می‌کردند. به عنوان نمونه حضرت رضا (ع) در پیامی به دوستانش اینگونه فرمود:

ای عبدالعظیم! به دوستانم از طرف من سلام برسان و به آنان بگو: راهی برای شیطان بر خویش قرار ندهند، و آنان را به راستگویی در گفتار، و ادای امانت و خاموشی و ترک جدال در موارد بی فایده و رویکرد نسبت به یکدیگر و به دیدار هم رفتن، فرمان بده که باعث نزدیکی به

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۲. تحف العقول، ج ۱، ص ۲۵، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

من است. و خویشان را به تخریب یکدیگر مشغول نکنند که من به جانم سوگند خورده‌ام که هر کس چنین کند و یکی از دوستانم را خشمگین سازد، از خدا درخواست کنم که او را در دنیا به شدیدترین عذاب معذب سازد و در آخرت از زیانکاران باشد...^۱

با توجه به آنچه گذشت، چند نکته را به شما پیام گزاران دینی یادآور می‌شویم:

- ۱- پس از استحکام عقاید دینی، مهم‌ترین وظیفه شما، آراستن مردم به فضیلت‌های اخلاقی است، پس در این زمینه بکوشید.
- ۲- سعی کنید جلوه‌های اخلاق اسلامی را بیشتر، در عملتان به مردم نشان دهید زیرا مردم شما را مقتدای خود می‌دانند.
- ۳- برای تهذیب اخلاق مردم، از آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) استفاده کنید.
- ۴- فوائد اخلاق خوب و زیان‌های اخلاق بد را برای مردم باز گوید.
- ۵- توجه داشته باشید که تهذیب اخلاق امری تدریجی است لذا از شیوه تدریج و تکرار استفاده کنید.
- ۶- زمینه‌های اخلاق اسلامی را در جامعه تقویت کنید و با ریشه‌های مفسد اخلاق مبارزه نمایید.

۷. یادآوری ایام الله

... وَ ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (ابراهیم: ۵)

و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن؛ همانا در این [یادآوری] برای هر شکیبای سپاسگزاری نشانه‌هاست.

ایام الله یا روزهای الهی روزهایی است که حوادث مهمی در آنها از سوی خداوند متعال درباره امت‌ها روی داده، و آنان را رهایی بخشیده یا به هلاکت رسانده است.^۲ نسبت دادن روزهایی مخصوص به خدای تعالی، با اینکه همه روزها از آن خداست،

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۰.

۲. قرآن حکیم، ذیل آیه ۵، ابراهیم، ترجمه و توضیح سید جلال‌الدین مجتبی.

اشاره به زمان‌های سرنوشت ساز و مهم زندگی انسان‌هاست، که به خاطر عظمتش به پروردگار سبحان نسبت داده شده است. همچنین برای اینکه در چنین روزهایی، نعمت بزرگ الهی شامل حال ملتی نیکوکار و یا مجازات بزرگ الهی دامنگیر مردمی ظالم و طغیان‌گر شده است، که در هر دو صورت شایسته تذکر و یادآوری است.

در روایاتی که از ائمه معصومین (ع) به ما رسیده، ایام الله به روزهای گوناگونی تفسیر شده است. مانند: روز قیام حضرت مهدی (عج)، روز رجعت، روز قیامت، روز مرگ، روز عاشورا، روز نعمت‌ها و آزمون‌های الهی، و... که همه اینها بیان نمونه‌های روشنی از ایام الله است.

یادآوری روزهای بزرگ، اعم از روزهای پیروزی یا روزهای سخت، نقش مؤثری در بیداری و هشیاری ملت‌ها دارد. تا اینکه با عبرت گرفتن از عذاب‌ها و انتقام‌های الهی درباره ستمگران؛ و سپاسگزاری از نعمت‌ها و لطف‌های الهی درباره نیکوکاران، انسانها در میان بیم و امید، حالتی متعادل یافته، راه تکامل و هدایت را بهتر بینمایند.

ما نیز با الهام از آموزه‌های قرآن و اهل بیت (ع) خاطره روزهای بزرگی را که در تاریخ اسلام بوده، همواره جاودان می‌داریم؛ و هر سال برای تجدید این خاطره‌ها، روزهای معینی را اختصاص می‌دهیم، که در آن روزها، گذشته را به یاد می‌آوریم و درک‌های مهمی از آن می‌آموزیم؛ درس‌هایی که برای امروز ما، مؤثر است.

در دوران پرشکوه انقلاب اسلامی ایران نیز روزهای مهمی وجود دارد که مصداق ایام الله است؛ و باید در هر سال خاطره آنها را زنده کرد، که آمیخته با خاطره شهیدان، رزمندگان، مجاهدان و مبارزان بزرگ است، و سپس از آنها الهام گرفت و میراث بزرگشان را پاسداری کرد.^۱

حضرت امام خمینی (س) روزهایی همچون ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، ۲۲ بهمن و ۱۲ فروردین را یوم الله نامیده‌اند، و به گرامیداشت این روزها سفارش نموده‌اند.^۲

۱. با استفاده از: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱-۲۷۲ و ۲۷۵-۲۷۶ (با تصرف و تلخیص) روایت انقلاب، ص ۹-۱۹ (با تصرف و تلخیص).

۲. ر.ک. صحیفه نور، ج ۹، ص ۶۳-۶۵.

بر ما پیام گزاران دینی است که با گفتار، نوشتار، و انواع برنامه‌های هنری یاد ایام الله را در ذهن و زندگی مردم زنده نگه داریم.

۸. تزکیه و تعلیم

... يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... (جمعه: ۲)

... آیات او را بر آنان می‌خواند؛ و پاکشان می‌سازد؛ و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد...

تزکیه به معنای پاک کردن، پاکیزه گردانیدن، بی‌آلایش کردن،... و^۱ تعلیم به معنای آموزش، آگاه کردن، دانش آموختن، یاد دادن، و...^۲ است.

اهتمام به تهذیب و پرورش اندیشه و اخلاق مردم، و آموختن علوم و دانش‌های ضروری و مفید به آنان، از دیگر مسئولیت‌های پیام‌گزار دینی است. آنچه که درباره تزکیه مردم، شایسته است انجام دهید:

۱. پیراستن باورها، صفات و رفتار آنان از همه کژی‌ها و نادرستی‌ها. مانند کفر، شرک، نفاق، خیانت، دروغ، ظلم و...

۲. هدایت و رهبری امیال و غرائز آدمیان در جهت صحیح.

۳. باز داشتن مردم از بدی‌ها و گناهان، تاروح و اندیشه آنان پاک و پاکیزه شود.

۴. کوشش در جهت رشد و تکامل فضائل و شایستگی‌ها در آنان، به گونه‌ای که با آن انس و عادت یابند.

۵. ارائه اخلاق نیک و صفات عالی انسانی به آنها، تا جامعه‌ای سرشار از لطف، صفا، راستی و درستی و اعتماد پدید آید.

مهم‌ترین دانش‌هایی که لازم است به جامعه بیاموزید:

۱. آموزش قرآن کریم: روخوانی، تجوید، صوت و لحن، مفاهیم و تفسیر آیات؛ و در نهایت عمل به معانی آیات شریفه.

۱. ر.ک. فرهنگ فارسی، معین؛ لغت نامه دهخدا، واژگان تزکیه و تعلیم.

۲. همان.

۲. سنت و روش پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در همه مسائل فردی و اجتماعی.
۳. خودشناسی، جهان‌شناسی، خداشناسی، پیامبر و امام‌شناسی، معادشناسی، و تبیین هدف زندگی و آفرینش.
۴. اخلاق اسلامی (فردی و اجتماعی)
۵. احکام و قوانین اسلامی، در امور عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی... از جمله بیان وظایف و حقوق متقابل مردم و حکومت و رهبری.
۶. شناساندن توطئه‌ها و مکر و فریب‌های دشمنان در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی.
۷. آموختن آنچه برای سلامت و شادابی و نشاط جسم و روح انسان لازم است.^۱

۹. امر به معروف و نهی از منکر

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

(آل عمران: ۱۰۴)

و باید از شما گروهی باشند که به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز دارند و آنانند رستگاران.

امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: دستور دادن به انجام کارهایی که در نظر عقل و یا شرع به خوبی و نیکویی شناخته شده باشند؛ و باز داشتن از انجام کارهایی که عقل و یا شرع به بدی و ناروایی آن حکم می‌کنند.^۲

اهمیت و آثار

امام باقر (ع) می‌فرماید:

۱. با استفاده از: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۸؛ ۵۱۱-۵۱۳؛ ج ۳، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ ج ۲۴، ص ۱۰۷؛ قرآن و تبلیغ، بی آزار شیرازی، ص ۳۰-۳۲؛ القرآن و التبلیغ، قرائتی، ص ۲۴۸-۲۵۱؛ ترجمه میزان الحکمة، ج ۱۲، ص ۵۷۶۸-۵۷۶۹.

۲. ر.ک. مفردات راغب، واژه عرف و نکر؛ نیز ر.ک. فرهنگ فارسی، معین؛ لغت نامه، دهخدا، واژگان امر، نهی، معروف، منکر.

امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و شیوه صالحان و (دو) فریضة بزرگ الهی است، که سایر واجبات و فرایض به وسیله آن (دو) بر پا می‌شوند، و در پرتو آنها، راهها امن می‌گردد، و کسب و کار مردم حلال می‌شود، و حقوق افراد تأمین می‌گردد، و زمین‌ها آباد، و از دشمنان، انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد.^۱

روش امر به معروف و نهی از منکر

برای انجام هر چه بهتر این دو واجب مهم الهی به این توصیه‌ها توجه فرمایید:

۱. در راه انجام آنها مرتکب گناهی مانند دروغ، توهین و تحقیر نشوید.
۲. مانند طبیعی مهربان و پدري رئوف باشید.
۳. رعایت مصلحت مخاطب را بنمایید.
۴. از خودخواهی و خودستایی بپرهیزید.
۵. قصد شما تنها رضای خدای متعال باشد.
۶. خود را منزله از گناه و برتر از گنهکار نپندارید. چه بسا که گنهکار دارای صفات و اعمال نیکی بوده و نزد خدای تعالی محبوب‌تر باشد.
۷. اگر می‌دانید و یا احتمال می‌دهید که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار مؤثر است. آن را تکرار نمایید.

توضیح موارد یاد شده:

۱. ترغیب و تحسین به جای تحقیر و توهین
برای اینکه مردم را به انجام عملی واداریم، بهترین وسیله، ترغیب و تحسین به جای تحقیر و توهین است؛ زیرا یکی از خواسته‌های روانی هر انسانی، که به اندازه میل به خوردن و خوابیدن ریشه عمیقی دارد، میل به «بزرگ بودن» است، همه دوست دارند، مورد تحسین و تعریف قرار گیرند. ما به وسیله تشویق و تقدیر می‌توانیم در دل‌های مردم نفوذ کنیم و آنان را به کارهای نیک واداریم.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۹۵؛ امر به معروف و نهی از منکر، حسین نوری، ص ۲۲.

۲. مهر و رأفت

به جای عصبانیت و عیبجویی و محکوم کردن دیگران، سعی کنیم همچون طبیعی مهربان و پدری رئوف آنها را بشناسیم و کشف کنیم که چرا دست به چنین عملی می‌زنند و چرا این گونه فکر می‌کنند این روش به جای ایجاد نفرت و دشمنی، منشأ همدردی و مهربانی می‌گردد و به ما کمک می‌کند که به درمان اساسی دیگران بپردازیم.

۳. رعایت مصلحت

گاهی با اشخاصی مواجه می‌شویم که دارای افکار و رفتاری مخالف ما هستند. در این هنگام چه خوب است اندکی بیندیشیم و خود را به جای طرف مقابل بگذاریم و فکر کنیم، که اگر ما هم شرایط سنی و محیط تحصیل و خانواده و اجتماع او را داشتیم، مثل او نمی‌اندیشیدیم؟

بنابراین از سرعت در قضاوت و داوری دربارهٔ دیگران پرهیزیم. هر کسی را با محیط و توانایی‌های خودش بسنجیم. آن‌گاه با رعایت مصلحت و روش مناسب با وضعیت و موقعیت و سن افراد، به درمان و اصلاح آنها بپردازیم. همان گونه که قرآن کریم راهنمایی می‌فرماید، بهترین راه این است که بحث و گفت و گو را از مسائل اساسی مورد اتفاق شروع کنیم.^۱

۴. پرهیز از خودخواهی و خودستایی

علت اینکه بسیاری از بحث‌ها و گفت و گوها به نتیجه نمی‌رسد، بلکه موجب ستیز و دشمنی می‌گردد، این است که هر کدام از ما در صدد خودستایی و خودخواهی و نشان دادن برتری خود به دیگران و تحمیل نظر خود و پیروزی بر دیگری هستیم. این عمل گذشته از ایجاد کینه و نفرت، میل خودخواهی طرف را نیز بر می‌انگیزد تا به دفاع از خود بپردازد و با مخالفت، شکست غرورش را جبران نماید. در اسلام این عمل ناشایست «مراء» نامیده شده و از آن نهی گردیده است.

۵. در نظر داشتن رضای الهی

خشنودی خدا در امر به معروف و نهی از منکر در این است که خودپسندی و مشاجره را کنار بگذاریم و با ندایی توأم با دانش و ادب، پاکی و فهم، برادری و دوستی، یکدیگر را بخوانیم. چنانکه پروردگار متعال می‌فرماید:

به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که شیطان (به وسیله سخنان نسنجیده)، میان آنها فتنه و فساد می‌کند. (اسراء: ۵۳)

۶. خود را منزله از گناه و برتر از گنهکار نپندارید

بیشتر مردم و گروه‌ها، خود را بی‌گناه و بر حق و برتر از دیگران می‌دانند. چنانکه برخی بزرگ کردن خود را کوچک کردن و تمسخر دیگران می‌پندارند. از این رو هر جا می‌نشینند، به غیبت و عیبجویی از دیگران می‌پردازند.

باید توجه داشته باشیم که هر شخص، گروه و ملتی. هم دارای گفتار و کردار خوبند و هم بد. نباید انتظار داشت که تمام صفات و گفتار و کردار شخص و یا تمام افراد گروه و یا ملتی صددرصد خوب باشد تا آنان را بپذیریم. خدای متعال به هر ملتی صفات مخصوصی عنایت فرموده و هر ملتی، بلکه هر شخصی ممکن است از جهت یا جهاتی بر دیگران برتری داشته باشند.

۷. تکرار امر به معروف و نهی از منکر

تکرار متنوع تبلیغات و تذکرات از نظر روانی اثر فراوانی دارد. چرا که انسان گاه دچار فراموشی می‌شود بنابراین پیوسته احتیاج به تذکر و یادآوری دارد. از این رو ما در هر شبانه روز پنج نوبت نماز می‌خوانیم و سوره حمد را که فهرست مطالب قرآن است. در همه نمازها تکرار می‌کنیم.^۱

۱. برگرفته از رساله نوین (ترجمه و توضیح بخش‌هایی از تحریر الوسیله)، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۶ (با تصرف و تلخیص). برای آگاهی از احکام فقهی امر به معروف و نهی از منکر ر.ک. ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۴-۳۲۵.

۱۰. بشارت و انذار

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

(فرقان: ۵۶)

(ای پیامبر) ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم!

بشارت به معنای مزده و خبر خوش دادن، و انذار به معنای بیم دادن، آگاه ساختن و ترسانیدن از عواقب امری پیش از فرارسیدن آن است.^۱

پرورش صفات نیک و فضایل اخلاقی و نیز از بین بردن رذایل اخلاقی، احتیاج به دو عامل دارد:

۱. عامل برانگیزنده

۲. عامل بازدارنده

عامل برانگیزنده، همان پاداش‌ها و نویدهایی است که مربی برای انجام عملی در نظر می‌گیرد؛ یا نتایج ارزنده آن عمل را یادآور می‌شود.

عامل بازدارنده نیز همان هشدار به کیفر و مکافات عمل بد است، که مربی به متخلفان و بدکاران گوشزد می‌کند.

این دو روش بشارت و انذار در تمام جوامع پیشرفته انسانی وجود دارد؛ و در کنار تشویق و پاداش، تهدید و کیفر مقرر شده است.

قرآن کریم نیز این دو شیوه را از مهم‌ترین وظایف تبلیغی و تربیتی همه پیامبران الهی بیان می‌فرماید:

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ

(کهف: ۵۶)

ما پیامبران را، جز به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی‌فرستیم.

این دو عامل، اگر از افراط و تفریط برکنار باشند، نیروی شگفتی می‌آفرینند که ضامن اجرای مقررات و قوانین الهی است. بنابراین مبلغ باید مردم را چنان نوید و هشدار دهد

۱. ر.ک. فرهنگ فارسی، معین؛ لغت نامه، دهخدا، واژگان بشارت و انذار.

که همواره امید به رحمت حق داشته باشند و از عذاب الهی هراسان باشند.^۱ چنانکه در روایتی از امام علی (ع) آمده است:

آیا به شما خبر دهم که دین‌شناس واقعی چه کسی است؟ او کسی است که مردم را از رحمت خداوند نومید نمی‌سازد، و از عذاب الهی ایمنی نمی‌دهد، و در انجام دادن معصیت‌های خداوند، مجازشان نمی‌دارد.^۲

۱. برگرفته از: قرآن و تبلیغ، بی‌آزار شیرازی، ص ۳۵-۳۷ (با تصرف و تلخیص).

۲. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۱۵۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴ ترجمه و شرح مصطفوی؛ نیز ر.ک. نهج البلاغه، حکمت ۹۰.

پیام گیرنده

از ارکان مهم تبلیغ، پیام گیرنده می باشد زیرا اگر پیامی، بسیار عالی و دارای شرایط باشد ولی با واقع بینی و شناخت پیام گیرنده همراه نباشد از کارایی لازم، برخوردار نخواهد بود. به همین جهت در این فصل، در خصوص پیام گیرنده، مواردی را متذکر می شویم:

تعریف پیام گیرنده:

سومین رکن تبلیغ پیام گیرنده یا مخاطب می باشد که با وجود او تبلیغ، معنا می یابد. پیام گیرنده می کوشد از طریق ارتباط با پیام گزار پیام او را به بهترین گونه دریافت کند و بهترین نوع ارتباط بین پیام گزار و پیام گیرنده به واسطه اندیشه می باشد.

ویژگی های پیام گیرندگان:

۱. علم و آگاهی

پیام گزاری که می خواهد پیامی را به گیرندگان منتقل کند قبل از هر چیز باید سطح علم و آگاهی آنان را مورد توجه قرار دهد. اصولاً اگر ارسال پیام بر اساس معرفت و آگاهی پیام گیرندگان صورت نگیرد تلاش پیام گزار در دسترسی به اهدافش بی ثمر خواهد ماند. در حدیثی آمده است:

قال الصادق(ع):

مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ.^۱

هرگز رسول خدا(ص) با مردم به اندازه عمق عقل خود سخن نگفت. (یعنی، معیار گفتار آن حضرت، درجات آگاهی و معرفت مخاطبان بود.)

و نیز امام صادق(ع) در حدیثی می فرماید:

... رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ كَانَا يُحَدِّثَانِيهِ (سلمان) بِمَا لَا يَحْتَمِلُهُ غَيْرُهُ مِنْ مَخْرُوفٍ عِلْمِ اللَّهِ وَ مَكْتُونِهِ.^۲

(تفاوت فهم سلمان با دیگران به اندازه ای بود که) رسول اکرم(ص) و علی(ع) از اسرار علم الهی چیزهایی را به سلمان می گفتند که دیگران قدرت تحمل آن را نداشتند.

بنابراین قبل از انتقال پیام باید از سطح آگاهی مخاطبان و پیام گیرندگان خویش آگاه باشیم. اجازه دهید برای عینی تر شدن موضوع، مثالی بزنیم:

در مجلسی حدود پانصد مسلمان علاقه مند حضور دارند. معلومات اکثر آنها ابتدایی، ۵٪ دارای تحصیلات دانشگاهی و ۱۵٪ نیز بی سواد می باشند. شما مبلغ بزرگوار می خواهید موضوع جاودانگی انسان پس از مرگ را بیان کنید. در این حالت، بحث از مجرد نفس و بیان ادله فلسفی در اثبات جاودانگی نه تنها مناسب نمی باشد، گاه زیان آور نیز خواهد بود. راهکار این است که شما مبلغ محترم ضمن بیان اهداف بحث توضیح دهید که اسلام، مرگ را نابودی نمی داند بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر می داند و چقدر مناسب است، نقل حدیث حضرت علی(ع) که می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَا وَإِيَّاكُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَ لِكَيْتُمْ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ تَنْقَلُونَ فَتَزُودُوا لِمَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ وَ خَالِدُونَ فِيهِ.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۵.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۳۳۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۹۶. «ای مردم ما و شما خلق شده ایم برای باقی ماندن نه فانی شدن ولی با مردن» (ادامه در صفحه بعد):

این گونه پیام‌رسانی همگان را بهره‌مند خواهد کرد، و گرنه بیشتر افراد مجلس از پیام‌گزار خود هیچ گونه بهره‌ای نخواهند برد.

شما مبلغ محترم توجه دارید که کتاب‌های آموزشی متناسب با سطح علمی پیام‌گیرندگان تألیف می‌گردد. بنابراین ما هم باید در ارائه پیام‌ها همین مرزبندی‌ها را در مخاطبان خود رعایت کنیم، تا بتوانیم موفق‌تر باشیم.

۲. باور

باور کردن در لغت به معنای قبول و تصدیق سخن و معتقد شدن می‌باشد.^۱ توجه به باورهای دینی مخاطبان همواره باید مورد عنایت پیام‌گزاران قرار گیرد؛ زیرا در واقع این باور مذهبی مخاطبان است که شکل و کیفیت تبلیغ را مشخص می‌کند. پیروزی نهایی در تبلیغ دین نیز آن‌گاه حاصل می‌شود که قبل از پیام‌رسانی، باورهای اعتقادی مخاطبان خود را بشناسیم تا بتوانیم به فراخور هر یک پیامی مناسب، ارائه دهیم.

تقسیم مخاطبان بر حسب باورها

در یک نگرش اجمالی و کلی می‌توان پیام‌گیرندگان را به سه گروه تقسیم نمود: گروه اول کسانی که زمینه مناسبی برای اخذ پیام دارند؛ آنچه را که بشنوند بی‌درنگ قبول کرده و به آن ایمان می‌آورند؛ مانند گروهی از مخاطبان پیامبر اکرم (ص) که قرآن کریم در توصیف آنان می‌فرماید:

وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ
رَبَّنَا فَكُتِّبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

(مائده: ۸۳)

هر زمان آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند، چشم‌های آنها را می‌بینی که اشک می‌ریزد به خاطر حقیقتی که دریافته‌اند. آنها می‌گویند خدایا ایمان آوردیم پس ما را با گواهان بنویس.

«ادامه از صفحه قبل»: از خانه‌ای به خانه دیگر انتقال می‌یابید پس در این منزل زاد و توشه بردارید برای منزلی که به سوی آن می‌روید و برای همیشه در آن می‌مانید.»
۱. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه باور.

گروه دوم که شامل بیشتر پیام گیرندگان می‌شود، تا حد قابل قبولی به مبانی دینی و الهی پایبند بوده، ولی ایمان و عمل آنان از عمق کافی برخوردار نمی‌باشد و همواره نیازمند به راهنمایی باشند:

فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا... ذَلِكَ الدِّينُ الْقَمِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰)

روی خود را متوجه آیین خالص خدا کن... این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

گروه سوم کسانی‌اند که هرگز حاضر نیستند به ندای الهی لبیک گویند:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (بقره: ۶)

کسانی که کافر شدند برایشان یکسان است خواه آنان را بیم دهی، خواه بیم ندهی ایمان نمی‌آورند.

بنابراین گاه مخاطب، برای پذیرش پیام تنها به یک جرعه نیاز دارد، گاه به یک موج و تلاطم شدید نیازمند است و گاه نیز اصلاً آمادگی ندارد و برای برقراری ارتباط با او باید اول سنگلاخ‌ها را کنار زد تا بتوان ارتباط سالمی برقرار نمود.

پیامبر اکرم (ص) نیز با توجه به تفاوت مخاطبان می‌فرماید: «النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»^۱ (مردم مانند معادن طلا و نقره می‌باشند).

و از امام صادق نقل شده که سلمان فارسی مشغول موعظه بود و پیامبر او را نظاره می‌کرد. پیامبر متوجه شد که مطالب سلمان در سطح بالائی است، ناراحت شد و سلمان را مورد نهی قرار داد و به او فرمود:

إِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْقَعُهُ إِلَيْكَ بِرِفْقٍ وَ لَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ

فَتَكْسِرُهُ فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَقَلْبُهُ جَبْرَةٌ.^۲

زمانی که کسی را یک درجه پایین‌تر از خود یافتی با مدارا و ملایمت او را آگاهی ده و

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۶۵.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۳۵۱.

مطالبی را که نمی‌تواند تحمل کند بر او تحمیل مکن، که در این صورت او را شکسته‌ای و کسی که مؤمنی را بشکند باید جبران نماید.

اینک توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱ - لازم است شما مبلغ گرامی، قبل از تبلیغ، باورهای مذهبی مخاطبان را از طریق مبلغان پیشین و افراد آگاه و خبره کاملاً شناسایی کنید.
- ۲ - چون معمولاً همه باورهای مخاطبان اشتباه نمی‌باشد باید بتوانیم بین باورهای صحیح و غیر صحیح آنان تفکیک قائل شویم.
- ۳ - کودکان و نوجوانان از حساسیت و ظرافت‌های خاصی برخوردارند. آنان بسیار زود تأثیر می‌پذیرند. در روایتی نیز وارد شده:

عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى الْخَيْرِ.^۱

بر تو باد (توجه به نوجوانان) چرا که آنان نیکی را با سرعت بیشتری کسب می‌کنند.

- ۴ - در مصاف با باورهای غلط، اصلی‌ترین کار ما مربیان این است که صراط مستقیم حق را به مربیان خود نشان دهیم. به همین جهت باید اول خود دین شناس باشیم، ثانیاً مقتضیات زمان و نیازهای آنان را دریابیم؛ ثالثاً قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل مخاطب خود را بالا برده، به آنها رشد فکری دهیم.

۳. سن

قال رسول الله (ص):

عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا.^۲

فرزندانتان را نماز بیاموزید زمانی که به هفت سالگی رسیدند.

در امر تبلیغ توجه به سن پیام‌گیرنده نیز بسیار مهم است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

۲. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۵۶.

کارشناسان روان‌شناسی رشد معتقدند که در هر دوره سنی به سبب تغییراتی که در هر یک از افراد صورت می‌گیرد باید انتظار رفتار خاصی را از آنان داشت؛ چراکه انسان‌ها در دوره‌های مختلف عمر خود، دارای روحیات و عملکرد یکسان نمی‌باشند و همچنان که رشد فیزیکی و جسمی آنان دستخوش تحول قرار می‌گیرد از لحاظ روانی هم شرایط گوناگونی را سپری می‌کنند.^۱ با توجه به این دیدگاه، ضروری است که برای تأثیر گذاری بهتر، پیام گیرندگان را از نظر سنی به گروه‌های کودک و نوجوان، جوان و بزرگسال تقسیم نماییم. روایات اسلامی نیز مؤید این تقسیم بندی است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعاً وَ اَلْزَمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ.^۲

فرزندت را تا هفت سالگی آزاد گذار تا بازی کند. در هفت سال بعد او باید تحت تربیت قرار گیرد و در هفت سال بعد، او را ملازم خود گردان.

و در روایت دیگری می‌فرماید:

اِحْمَلْ صَبِيَّكَ تَأْتِي عَلَيْهِ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ اَدَّبُهُ فِي الْكِتَابِ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ اِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَادَّبَهُ بِاَدَبِكَ.^۳

کودک خود را تا شش سالگی رها کن، بعد از طی شش سال نوشتن را به او بیاموز، پس از آن تا هفت سال او را به خود نزدیک دار، پس او را در این مدت به ادب خود تأدیب نما.

در سن کودکی، رفتار عاطفی و اجتماعی کودک از طریق ارتباط‌های سازنده با پدر، مادر، مربیان و دیگران شکل می‌گیرد. در این دوران، مباحث عقلی و امر و نهی مستقیم اصلاً کارآیی ندارد، در برابر، رفق و مدارا و دوری از سختگیری‌های نابجا بسیار راهگشا خواهد بود.

بکوشیم با ارتباط‌های سازنده با کودکان زمینه‌های فراگیری آنان را بیشتر کنیم. امام

علی (ع) می‌فرماید:

۱. ر.ک. شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت، ص ۶۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

۳. همان.

مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصُّغَرِ لَمْ يَتَعَدَّمْ فِي الْكِبَرِ.^۱

هر کس در کودکی تعلیم نبیند در بزرگی به مقام ارجمندی نمی‌رسد.

بیان داستان‌های شیرین همراه با ارائه تصاویر، اشعار و سرودهای مذهبی، استفاده از مظاهر زیبای طبیعت همچون بارش برف و باران، شکفتن گل‌ها، دیدن نوزاد حیوانات و نظایر آنها در جهت زنده کردن حس مذهبی و پذیرش پیام دینی در کودکان، نقش به‌سزایی دارد.^۲ در سن نوجوانی و بلوغ نیز آماده‌سازی نوجوان، در اهتمام ورزیدن به مسائل دینی، مسئولیت‌پذیری و پرداختن به واجبات بسیار مفید می‌باشد. و سرانجام آنکه ارتباط صمیمی با نسل جوان، درک شرایط دوران جوانی، فهم زبان جوانان و خواسته‌های آنان تأثیر زیادی در ایجاد ارتباط مثبت و سازنده با آنان خواهد داشت.

۴. جنس

(تفاوت‌های زن و مرد از عجیب‌ترین شاهکارهای خلقت است.)^۳

توجه به جنس پیام‌گیرندگان، همواره مد نظر مبلغان بزرگوار قرار گرفته است. شما مبلغان گرامی نیز به خوبی در می‌یابید که زن و مرد از جهات زیادی با یکدیگر شباهت ندارند. آنان گذشته از تفاوت‌های جسمی، از لحاظ روانی و احساسات هم با یکدیگر اختلافاتی دارند. توجه به این تفاوت‌ها، در ارائه پیام و تأثیرگذاری، بسیار راهگشا خواهد بود. استاد مطهری (ره) نیز معتقد است در نظر اسلام، زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن و دیگری مرد است در جهات زیادی مشابه یکدیگر نمی‌باشند و به همین جهت می‌طلبند که از لحاظ بسیاری از حقوق، تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند.^۴ موضوع تبلیغ هم از این مقوله مستثنا نیست. امر تبلیغ برای زنان و مردان کاملاً تفاوت دارد و توجه به روحیات، احساسات و علایق هر گروه بسیار ضروری است. زنان نسبت به

۱. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۶۱۴.

۲. ر.ک. شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت، سید مهدی برومند؛ آموزش مفاهیم دینی، ناصر باهنر.

۳. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۱۸۱.

۴. همان، ص ۱۳۶.

مردان آرام‌تر، صلح‌جو تر و عاطفی‌تر می‌باشند. آنان بسیار سریع تحت تأثیر احساسات خویش قرار می‌گیرند؛ احساساتی مادرانه که از دوران کودکی در زندگی ایشان نمودار است زنان به علوم استدلالی و خشک عقلانی، علاقه چندانی ندارند، اما در ادبیات، هنر و سایر مسائلی که به ذوقیات مربوط می‌شود بسیار رغبت نشان می‌دهند.

نکاتی درباره تبلیغ برای خواهران

- ۱- برای خواهران مناسب است مباحثی چون جایگاه بانوان در اسلام، نقش تربیتی آنان در خانواده و جامعه، فلسفه حجاب زنان در اسلام، نقش آنها در پیروزی انقلاب اسلامی و استمرار آن تبیین گردد.
- ۲- تفاوت زن و مرد به عنوان آیت خداوندی که در جهت آرامش، مودت و رحمت صورت گرفته است به پیام‌گیرندگان منتقل گردد.
- ۳- نحوه تبلیغ از دین خدا و پاسداری از آن توسط حضرت زهرا، حضرت زینب (ع) و دیگر بانوان در برابر بحران‌ها و در مصاف با بیگانه تبیین گردد.
- ۴- مفاد آیه بیعت پیامبر با زنان (ممتحنه: ۱۲) سرلوحه کار تبلیغ بانوان قرار گیرد.
- ۵- از شرکت دادن زنان در بیعت به عنوان نمونه‌ای از اهمیت دادن اسلام به جایگاه زنان در امور اجتماعی یاد شود.

۵. جایگاه اجتماعی

جایگاه اجتماعی افراد برگرفته شده از موقعیت‌های کلی آنان در جامعه و در قبال یکدیگر می‌باشد. جایگاه اجتماعی نشان‌دهنده اعتبار، ارزش و موقعیت فرد می‌باشد و سبب می‌شود که افراد در رده‌های مختلف قرار گیرند. توجه به جایگاه اجتماعی مخاطبان دیدگاه شما مبلغان را در امر تبلیغ بسیار وسعت می‌بخشد. شما می‌دانید پیام‌گزاری برای همه جایگاه‌ها یکسان نمی‌باشد و بر حسب پایگاه، شرایط و جایگاه‌های اجتماعی تفاوت می‌کند. گفتنی است دعوت اسلام، محدود به طبقه، نژاد، قوم یا پایگاه اجتماعی خاص نمی‌باشد، بلکه عام و فراگیر است و شامل همه گروه‌ها و قشرها می‌شود؛ اما با این وصف، چگونگی

انجام امر تبلیغ در مورد گروه‌های مختلف یکسان نیست بلکه شیوه‌ها، ابزار و روش‌های آن تفاوت دارد.

هیچ فکر کرده‌اید که چرا معجزه‌های پیام‌آوران آسمانی و سفیران الهی با هم تفاوت داشته‌اند؟ بلی درست حدس زده‌اید، اختلاف عصرها، زمان‌ها، جایگاه‌های اجتماعی، اعتباریات، نیازها، ارزش‌ها و موقعیت‌ها، همه اینها نقش دارد. آیا معجزه حضرت موسی (ع) در مصافح‌ساحران با آگاهی از شرایط خاص آن عصر نبود؟ آیا معجزه حضرت عیسی (ع) در زنده کردن مردگان با اشراف بر موقعیت اجتماعی و شرایط عصر خود نبود و آیا معجزه خاتم سفیران الهی، پیام‌آور آخرین برنامه رستگاری، یعنی حضرت محمد (ص) با درک شرایط و موقعیت‌ها و جایگاه‌های اجتماعی نبود؟ به این روایت توجه کنید:

ابن سبکیت از امام هادی (ع) پرسید چرا خداوند موسی را با عصا و ید بیضا و عیسی را با طبابت و محمد (ص) را با کلام و خطب برانگیخت؟ امام فرمود: آن‌گاه که خدا موسی را برانگیخت سحر و جادو رایج بود و او به اذن خدا چیزی را آورد که در توان آنها نبود و سحرشان را باطل و بر آنان بدان وسیله اتمام حجت کرد؛ و زمانی عیسی را به نبوت برانگیخت که بیماری‌های مزمن شیوع یافته و مردم نیازمند طبابت بودند و او به اذن خدا چیزی آورد که در توان آنها نبود، مردگان را زنده و کوران مادرزاد و پیسی را شفا می‌داد و از این طریق بر آنان اتمام حجت می‌نمود و هنگامی محمد (ص) را به پیامبری برانگیخت که سخنوری، شعر و خطابه رایج بود و حجت را بر آنان تمام گردانید.^۱

شما مبلغ عزیز باید این مورد مهم را نیز مد نظر قرار دهید. اگر برای عده‌ای مرفه تبلیغ می‌کنید، بحث فقر و تلخی زندگی برای آنها معنا ندارد. باید اسراف و دوری از تجملات را بیان کنید. برای قشر دانشجو و تحصیل کرده، تبلیغ دین را استدلالی و عقلانی مطرح کنید. برای عموم مردم خطابی حرف بزنید و برای قشر مصیبت زده باید اجر صابران را مطرح کنید. بنابراین برای نتیجه‌گیری بهتر از تبلیغ باید به این نکته توجه کنیم. در غیر این صورت نه تنها به نتیجه مطلوب نایل نمی‌شویم چه بسا به نتایج معکوس دست خواهیم یافت.

موانع پذیرش پیام گیرندگان

بی تردید هر حرکت تحول آفرینی در طول تاریخ بشریت، واکنش‌ها و گاه مخالفت‌هایی را از طرف برخی به همراه داشته است. حرکت سفیران الهی نیز از این قاعده مستثنا نبوده، موضع‌گیری‌هایی علیه آن صورت گرفته است. در این قسمت از نوشتار، به بررسی موانع پذیرش پیام توسط مخاطبان می‌پردازیم:

۱. اصرار بر روش گذشتگان

پافشاری مردم بر باورهای پیشینیان، همواره به عنوان یک مانع بزرگ در پذیرش تبلیغ دین، مطرح بوده است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا... قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا (مائده: ۱۰۴)

هنگامی که به آنها گفته می‌شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و... بیایید می‌گویند آنچه از پدران خود یافته‌ایم ما را بس است.

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا (بقره: ۱۷۰)

هنگامی که به آنها گفته می‌شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می‌گویند نه، ما از آنچه از پدران خود یافته‌ایم پیروی می‌نماییم.

امروزه برخی از آداب و رسوم در شهر و روستاهای ما به چشم می‌خورد که با مبانی دین سازگاری ندارد، آداب و رسومی که صرفاً مبتنی بر روش گذشتگان بوده، هیچ‌گونه دلیل عقلی ندارد.

راه مقابله با این طرز تفکر:

شما مبلغ گرامی باید ضمن آگاهی دادن به مردم، ریشه‌های شکل‌گیری این آداب و رسوم غلط را به مردم تفهیم کنید تا زمینه‌های اقبال نسبت به این نوع سنت‌های جاهلی از میان آنان رخت بر بندد.

شهید مطهری نقل می‌کند در ولایت ما فریمان از قبل شایع بود که اگر شخص بخواهد به مسافرت برود، و در اول سفرش با سیدی مواجه شود، این سفر او رانحس می‌دانستند

و می‌گفتند قطعاً از آن سفر بر نمی‌گردد، ولی اگر با غیر سید برخورد می‌کرد می‌گفتند سفر خوبی است. ایشان می‌افزاید ریشه این مسئله به بنی عباس بر می‌گردد که در آن زمان سادات مخفی بودند و اگر حکومت، آنها را پیدا می‌کرد نه تنها خود، بلکه تمام خاندان آن شخص را از بین می‌برد. کم‌کم این فکر برای مردم پیدا شد که سید از نظر سیاسی نحس است و اگر به خانه کسی آمد او خانه خراب است. بعد از بنی عباس هم مردم ساده لوح گفتند که اصلاً سید نحس است خصوصاً در مسافرت.^۱

بدیهی است وقتی برای مردم ریشه‌های این گونه سنت‌های جاهلی آشکار شود دیگر به سوی آنها نمی‌روند و از آنها اعراض می‌کنند.

گفتنی است آنچه از دید اسلام منفی قلمداد می‌گردد تقلید کورکورانه و ممنوع می‌باشد و گرنه اگر توجه به آداب و رسوم نیاکان همراه با آگاهی صورت گیرد نه تنها منفی نبوده بلکه بسیاری از تجارب گذشتگان را نیز می‌توان چراغ راه آینده قرار داد. همچنین پیروی کردن از کسانی که در فنی خاص تجربه و تخصص بیشتری دارند نوعی تقلید منطقی و مشروع می‌باشد.

۲. شخصیت‌گرایی

شخصیت‌های منفی همواره در طول تاریخ بر اندیشه و تصمیم‌گیری‌های بیشتر مردم تأثیر داشته‌اند و وجود معیارهای ضد ارزشی چون ثروت نامشروع، زور، قلدری و مکر، قدرت این تأثیر را مضاعف می‌نموده است. از نظر قرآن کریم، یکی از علل اصلی نپذیرفتن حق توسط گروهی از مردم، پیروی از این گونه شخصیت‌ها بوده است:

قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَانَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ (احزاب: ۶۷)

گفتند: خدایا ما از رؤسا و بزرگان خود پیروی کردیم و ما را گمراه ساختند.

«ساده» جمع «سید» به معنای مالکان بزرگ که تدبیر شهر یا کشوری را به عهده دارند و «کبرا» جمع «کبیر» به افراد بزرگ از نظر سن، علم، موقعیت و مانند آن اطلاق می‌شود.

آیه در مقام بیان این نکته است که کسانی که ایمان نیاورده‌اند می‌گویند اطاعت رؤسا را به جای اطاعت خدا و اطاعت کبرا را به جای اطاعت پیامبران قرار دادیم و لذا گرفتار انواع انحرافات شدیم.^۱ بهترین راه برای جلوگیری از این نوع انحراف، شناخت حق و اهل آن می‌باشد، زیرا با این شناخت، باطل و اهل آن نیز شناخته خواهند شد. امام علی (ع) می‌فرماید:

لَا يُعْرِفُ الْحَقُّ بِالرِّجَالِ أَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ.^۲

حق با مردان شناخته نمی‌شود حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی.

۳. هواپرستی

هوا در لغت به معنای دوست داشتن و اشتها می‌باشد که بیشتر کاربرد آن در موارد غیر شرعی و زشت و مذموم می‌باشد.^۳ بی تردید در وجود انسان امیال گوناگونی وجود دارد که برای ادامه حیات او ضرورت دارد. اگر این امیال از حد خود تجاوز کنند، بر وجود انسان حاکم شده و زمام اختیار او را در دست می‌گیرند و این، همان هواپرستی است که با دین و عقل جمع نمی‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا دِينَ مَعَ هَوَى»^۴ و «لَا عَقْلَ مَعَ هَوَى»^۵. قرآن هم پیروی از نفس و هواپرستی را گمراهی می‌داند و می‌فرماید:

وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (ص: ۲۶)

پیروی هوای نفس نکن که تو را از راه خدا گمراه کند.

ممکن است انسان حقایقی را درک کند و به حقانیت پیام دین برسد، ولی به واسطه هوای نفس از التزام به آن سرباز زند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۴۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۶.

۳. همان، ص ۱۶۸.

۴. غرر، جمله ۱۰۵۳۱ و ۱۰۵۴۱.

۵. همان.

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ

(قصص: ۵۰)

ای پیامبر هرگاه پیشنهاد تو را نپذیرند بدان آنها از هواهای خود پیروی می‌کنند چه کس گمراه‌تر از آن که بی راهنمایی خدا پیروی هوای نفس خویش می‌کند.

از این آیات استفاده می‌شود که هوا پرستی مانع بزرگی برای پذیرش پیام دین می‌باشد به گونه‌ای که قدرت درک حقایق را از انسان می‌گیرد و انسان دیگر نمی‌تواند از انوار هدایتی پیام بهره‌مند گردد.

راهکارهایی جهت مقابله با این مانع

۱ - بیان سرگذشت و عاقبت شوم کسانی که از هواهای نفسانی خود پیروی کرده‌اند، عبرت‌های خوبی برای مخاطبان به همراه خواهد داشت.

۲ - تبیین جایگاه انسانی افراد و اهمیت خودشناسی که تا حدود زیادی از افراط‌گری جلوگیری می‌کند.^۱

۳ - توجه به توصیه‌ها و نصایح بزرگانی چون امام خمینی (ره) در خصوص اجتناب از هواپرستی بسیار سازنده خواهد بود.

۴. مادی‌گرایی

مادی‌گرایی اعتقادی است که به واسطه آن گرایش انسان به ماورای طبیعت کم رنگ می‌شود یا اخلاقی است که در اثر آن، حیات معنوی از زندگی انسان رخت بر می‌بندد و انسان به فساد و گناه در می‌غلطد.

قرآن کریم در مورد نکوهش این حالت می‌فرماید:

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

(روم: ۷)

تنها از ظواهر دنیا آگاهی دارند و از آخرت غافل می‌باشند.

۱. بیان روایاتی همچون مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ؛ الْفَوْزُ الْأَكْبَرُ مَن ظَفَرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ؛ عَجِبْتُ لِمَن يَجْهَلُ نَفْسَهُ كَيْفَ يَعْرِفُ رَبَّهُ و... در روشن نمودن جایگاه انسان بسیار مفید می‌باشد. ر.ک. میزان الحکمة ج ۳، ص ۱۸۷۶ و ۱۸۷۷.

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ

(نجم: ۲۹ - ۳۰)

از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی را طلب نمی‌کند دوری کن. این آخرین حد آگاهی آنها از علم می‌باشد.

از این آیه استفاده می‌شود بین گرایش به مادیات و غفلت از یاد خدا رابطه وجود دارد؛ دوری از یاد خدا، مادی‌گرایی را تشدید می‌کند، هم‌چنانکه مادی‌گرایی نیز دوری از یاد خدا را فزونی می‌بخشد.

۵. همنشین بد

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

(فرقان: ۲۸)

ای وای بر من، ای کاش فلان شخص را دوست خود انتخاب نمی‌کردم.

دوست و همنشین نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری شخصیت آدمی دارد، تا آنجا که بسیاری معتقدند افکار و صفات آدمی بازتاب صفات دوستان اوست.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

الْمَرْءُ عَلَىٰ دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ.^۱

روش آدمی بر طبق مذهب و سیره دوست و همنشین خودش خواهد بود.

حتی درباره شناخت دین و آیین کسی که وضعیتش روشن نیست توجه به دوستان و اطرافیان وی پیشنهاد شده است:

مَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَىٰ خُلَطَائِهِ.^۲

چون کسی را نمی‌توانید شناخت و به دینداری‌اش راه نمی‌توانید یافت، به رفیقانش بنگرید که آنان کیستند.

اگر همنشین انسان بد باشد او را از راه حق باز می‌دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۱.

۲. همان، ج ۷۴، ص ۱۹۷.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

مَنْ يَصْحَبْ ضَاغِبَ السُّوءِ لَا يَنْتَلِمُ.^۱

کسی که با رفیق بد همنشین شود سالم نمی‌ماند.

مبلغ گرامی، باید بکوشیم تا مخاطبان خود را در انتخاب دوست خوب یاری کنیم تا آنان با انتخاب صحیح و اصولی در پیمودن راه حق بیش از پیش مصمم شوند. بیان چند نکته در انتخاب دوست خوب ضروری است:

۱ - انگیزه دوستی‌ها و مصاحبت‌ها روشن و الهی باشد و بر اساس اهداف مقطعی و زودگذر ترسیم نگردد.

۲ - در انتخاب دوست، سختگیر و دیرپسند نباشیم و با توجه به طرز تفکر، کیفیت معاشرت، وضع اخلاقی و سوابق زندگی، او را انتخاب کنیم.

۳ - رفاقت و دوستی همواره در حد اعتدال باشد و از افراط و تفریط اجتناب کنیم و بی حساب به یکدیگر اظهار اعتماد و اطمینان نکنیم.

نقش همنشین بد

از آنجا که انسان از دیگران اثرپذیر است اگر در مجاورت نیکان باشد به سوی نیکی سوق می‌یابد و اگر با بدان بنشیند همرنگ آنان خواهد شد.

پسر نوح با بدان بنشست	خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند	پی نیکان گرفت و مردم شد

مهم‌ترین تأثیر دوست بد، دور کردن انسان از راه حق و پیام حق می‌باشد. همین خاصیت تأثیر پذیری دوست بد بود که موجب شد مُقَبَّة بن أَبِي مُعَيْط تحت تأثیر وسوسه‌های دوست دیرینه‌اش اَبِي بنِ خَلْف قرار بگیرد و بعد از اسلام آوردن مرتد گردد.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۸.

۲. در تفسیر مجمع‌البیان و المیزان ذیل آیات ۲۷-۲۹ سوره فرقان آمده که عقبه هرگاه از سفر می‌آمد اشرف «ادامه در صفحه بعد»:

۶. پیروی از شک و گمان

از موانع دسترسی انسان به حق، پیروی از ظن و گمان و شک و تردید می‌باشد. گرچه ظن و گمان تکیه گاه مادر تصمیم‌گیری‌های روز مره زندگی است، ولی استناد به آن در انتخاب راه حق نتیجه‌ای جز خسران و گمراهی به همراه نمی‌آورد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَ إِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ
(انعام: ۱۱۶)

و اگر اکثر کسانی را که در روی زمین هستند اطاعت کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند، آنها جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز به تخمین و حدس نمی‌پردازند.

از منظر قرآن علت گمراهی گمراهان، گمان‌های آلوده به هوا و هوس می‌باشد. در آیه دیگری می‌فرماید:

وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
(اسراء: ۳۶)

از آنچه علم نداری (نمی‌دانی) پیروی مکن.

این عدم پیروی معنای وسیعی دارد که شامل مسائل اعتقادی و غیر اعتقادی می‌گردد. از نظر قرآن معیار شناخت، علم و یقین می‌باشد و غیر آن قابل اعتماد نمی‌باشد، چرا که زمینه انحراف انسان را از راه حق هموار می‌سازد. قرآن گوش و چشم و دل را مسئول قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (اسراء: ۳۶) شما مبلغ عزیز باید برای مخاطب خود مطرح کنید که اگر انسان از گمان و حدس پیروی کند نتیجه‌ای جز عدول از حق و حقیقت و رضای الهی ندارد.

«ادامه از صفحه قبل»: قوم را به مهمانی می‌طلبید و با پیامبر اسلام زیاد مجالست داشت روزی از سفر برگشت و طعامی ترتیب داد و پیامبر را دعوت کرد هنگامی که طعام حاضر شد پیامبر فرمود طعام تو را نمی‌خورم تا به یگانگی خدا و رسالت پیامبرش گواهی دهی. عقبه شهادتین بر زبان جاری کرد و مسلمان شد. وقتی ابی بن خلف مطلع شد به عقبه گفت من از تو راضی نمی‌شوم مگر اینکه آب دهان به صورت پیامبر بیندازی، عقبه این کار را کرد و مرتد شد.

خطرات پیروی از شک و گمان

- ۱- تکیه بر شک و گمان سبب پایمال شدن حقوق و آبروی افراد می‌گردد.
- ۲- استناد به گمان، روابط گرم و صمیمی درون خانه، محل کار و... را سست می‌کند.
- ۳- تردید و ظن، استقلال فکری انسان را در معرض خطر قرار داده، روح آدمی را برای پذیرش تبلیغات منفی آماده می‌سازد.
- ۴- سبب بدبینی و نپذیرفتن تبلیغات دینی می‌گردد.

راههای مبارزه و پیشگیری

- ۱- توجه به عواقب سوء پیروی از گمان.
- ۲- آگاهی دادن به این نکته که از نظر جهان بینی اسلامی، خداوند نسبت به همه اعمال و افکار ما آگاهی دارد.
- ۳- بالا بردن سطح رشد و آگاهی برای پاسخگویی در برابر شبهات؛
- ۴- در صورت ظهور شک و شبهه فوراً به اهل فن مراجعه و شبهات مشکوک خود را مطرح و از آنها عبور کنیم چرا که به فرموده شهید مطهری (ره) شک گذرگاه خوبی است ولی توقف گاه خطرناکی می‌باشد.^۱

۷. کبر و غرور

کبر و غرور، خودخواهی و خود بزرگ پنداری است. این صفت، خصلتی درونی است که نمود ظاهری آن را تکبر می‌نامند.

قرآن کریم، برترین کتاب الهی در پیام آسمانی خود از تکبر و استکبار به عنوان زشت‌ترین صفات^۲ و بدترین اعمال انسانی یاد می‌کند که اگر مهار نشود سرچشمه کفر و بی‌ایمانی می‌گردد. از همین رو درباره شیطان می‌فرماید:

۱. علل گرایش به مادیگری، ص ۴۸.

۲. تعابیری چون فَيْشُ الْمُتَكَبِّرِينَ (زمر: ۷۲)، أَمَّا الَّذِينَ... اسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمُ عَذَابًا أَلِيمًا و... (نساء: ۱۷۲) نشان از حساسیت قرآن در خصوص این صفت نفسانی می‌باشد.

فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره: ۳۴)

همگی سجده کردند جز ابلیس که سرباز زد و تکبر ورزید و از کافران شد.

آری، وقوع اولین گناه، آن هم توسط مخلوقی که سالیان درازی در درگاه الهی عبادت کرده بود، به سبب تکبر بوده، او به واسطه این صفت رذیله از دستور حق سرپیچی کرد. عجیب تر آنکه اثر منفی این صفت رذیله آن قدر زیاد بود که شیطان نه تنها حاضر به توبه و بازگشت نشد، بلکه بر لجاجت خود افزود و سوگند یاد کرد که همه را گمراه سازد.

نمونه تاریخی دیگر در این زمینه، داستان ولید بن مغیره مخزومی در عصر رسول الله (ص) است. او پشت به حق کرد و تکبر ورزید و گفت این قرآن چیزی جز سحر نمی باشد.^۱ تعبیر سحر در آیه نشان می دهد که ولید به حقانیت قرآن پی برده بود ولی از آنجا که با دیده کبر و غرور به قرآن می نگریست از پذیرفتن پیام حق سرباز زد. آری هرگاه حجاب کبر و غرور بر دل انسان سایه افکند، حق در نظر او باطل و باطل حق جلوه می کند. در این هنگام، او نمی تواند آفتاب عالمتاب حق را ببیند و در برابر آن سر تسلیم فرود آورد.

درمان تکبر

راه جلوگیری از این صفت رذیله، شناسایی انگیزه ها و مبارزه با ابعاد منفی آن است. انگیزه ها و اسبابی چون علم، حسب و نسب، جمال و زیبایی، نیروی جسمانی و موقعیت های اجتماعی و سیاسی و مال و ثروت، تأثیر زیادی در به وجود آمدن صفت کبر دارند. از دیگر راه های درمان این صفت، آن است که انسان متکبر درباره خود بیندیشد که چیست و از کجا آمده و سرانجام به کجا خواهد رفت. دیگر آنکه به انجام اعمال متواضعانه اقدام کند، به عنوان مثال لباس ساده بپوشد، غذای ساده بخورد، در امر سلام کردن سبقت جوید و....

۱. (ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ) (ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ) (فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ) (مدثر: ۲۴ - ۲۲) بعد چهره در هم کشید و عجولانه دست به کار شد سپس پشت به حق کرد و تکبر ورزید و گفت قرآن جز سحری مانند سحرهای گذشتگان نمی باشد.

۸. لجاجت و تعصب باطل

دو صفت دیگری که مانع پذیرش پیام حق می‌شود، تعصب و لجاجت است.^۱ واژه تعصب به معنای وابستگی و حمایت غیر منطقی بر امری به گونه‌ای که انسان از حق باز بماند.

لجاجت یعنی اصرار و پافشاری کردن، به گونه‌ای که شخص، منطق و حق را زیر پا گذارد و از آن سرباز زند و حتی بعد از آشکار شدن حق، باز هم بر سخن باطل یا عمل نادرست خود پافشاری کند.

آری این دو صفت مانع پیمودن راه حق می‌گردند. حضرت علی(ع) درباره لجاجت می‌فرماید:

اللُّجَاةُ تَسِلُّ الرَّأْيَ.^۲

لجاجت آرای انسان راست و او را به خطا می‌افکند.

پیامبر اکرم(ص) نیز می‌فرماید:

إِيثَاكَ وَاللُّجَاةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرَهَا نَدَامَةٌ.^۳

از لجاجت بپرهیزید که آغازش جهل و پایانش پشیمانی است.

تعصب هم، رشته‌های ایمانی انسان را نسبت به حق سست می‌کند. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رَبَّقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ.^۴

هر کس تعصب ورزد یا دیگران به خاطر او تعصب بورزند رشته‌های ایمان را از گردن خود باز کرده است.

۱. از آنجا که این دو صفت، لازم و ملزوم یکدیگرند، تحت یک عنوان قرار دادیم.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۷۹؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۱.

۳. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۷۷۰.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۹۹۲.

یکی از علل انحراف و سرپیچی از حق در اقوام پیشین نیز، تعصب و لجاجت بوده است؛ چنان که قرآن کریم از زبان نوح (ع) بیان می‌دارد:

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا
وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا
(نوح: ۷)

و من (نوح) هر زمان آنها را دعوت کردم که تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان قرار داده و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند و در مخالفت اصرار نموده و به شدت استکبار ورزیدند.

این آیه بیانگر آن است که زمان نوح پیامبر، بت پرستان به قدری لجوج و متعصب بودند که حتی از شنیدن آوای توحید وحشت داشتند و اجازه نمی‌دادند که صدای نوح نبی که حامل پیام حق بود به گوش آنها برسد.

آثار و پیامدهای منفی تعصب و لجاجت

۱- انسان متعصب و لجوج به واسطه حجابی که بر دیده عقل او سایه افکنده، نمی‌تواند حقایق را پذیرا باشد در نتیجه از گرفتن پیام الهی محروم می‌شود.

۲- انسان متعصب و لجوج دوستان خود را از دست می‌دهد و دوستی‌های میان خود و دیگران را به عداوت تبدیل می‌کند.

۳- تعصب و لجاجت مایه زحمت و رنج آدمی می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

ثَمَرَةُ اللَّجَاجِ الْعَطْبُ.^۱

ثمره لجاجت، شکست خوردن و هلاکت است.

۴- انسان لجوج و متعصب دنیا و آخرت خود را از دست می‌دهد؛ چرا که در دنیا، سرچشمه عداوت‌ها و اشتباهات فراوان و در آخرت، سبب دوری از رحمت خداوند می‌گردد.

۵- از عوامل مهم کفر، تعصب و لجاجت می‌باشد و علت اصلی این که بسیاری از امت‌های پیشین راه کفر را اختیار کردند همانا تعصب نسبت به آیین نیاکانشان بوده است.

راه درمان

- ۱- توجه به آثار زیانبار این دو صفت در دنیا و آخرت؛
 - ۲- شناسایی انگیزه‌ها و ریشه‌های این دو صفت شیطانی، راهکار خوبی در جهت از بین بردن آنها می‌باشد؛
 - ۳- تسلیم پیام الهی شدن، بدون هیچ گونه پیش شرطی، که این خود، سبب دوری آدمی از صفات بد می‌گردد.
- البته باید توجه نمود که نوعی تعصب محمود و پسندیده هم داریم و آن وابستگی به خوبی‌ها و ارزش‌های متعالی و حمایت از آنهاست. از این رو امیر مؤمنان فرمود:

إِنْ كُنْتُمْ لَا مَخَالَةَ مُتَعَصِّبِينَ فَتَعَصَّبُوا لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ إِيْغَاثَةِ الْمَلْهُوفِ.^۱

اگر ناچار از تعصب ورزیدن هستید پس تعصب بورزید برای یاری کردن حق و فریاد رسی ستم‌دیده بیچاره.

۹. جهل

- جهل را در لغت، نادان شدن، ندانستن و نادانی معنا کرده‌اند.^۲
- همان گونه که می‌دانید ریشه بسیاری از زشتی‌ها و ویرانگری‌های فردی به جهل بر می‌گردد. آری، اعترافات بسیاری از کسانی که مرتکب گناه شده‌اند، در خصوص آلودگی‌ها و اعتیادهای زیانبار اجتماعی مؤید این معنا می‌باشد.
- یکی از دلایل اعراض از حق و نپذیرفتن پیام الهی هم جهل و نادانی می‌باشد.
- امام علی (ع) در روایتی می‌فرماید:

الْأَسُّ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا.^۳

مردم دشمن آنند که نمی‌دانند.

۱. غرر الحکم، ج ۳، ص ۲۰.

۲. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه جهل.

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۹.

ایشان در کلام دیگری می فرماید:

مَنْ جَهَلَ شَيْئًا غَابَهُ^۱

کسی که چیزی را نداند بر آن عیب می گیرد.

امام علی (ع) می فرماید:

لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينْ جَهِلُوا وَقَفُوا، لَمْ يَكْفُرُوا وَ لَمْ يُضِلُّوا.^۲

اگر مردم هنگامی که نمی دانند، می ایستادند، کافر و گمراه نمی شدند.

لذا سر اوحه رسالت رسول اکرم (ص) زدودن جهل از افکار و اندیشه ها بود.

وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ
(اعراف: ۱۵۷)

تذکر چند نکته در این باره ضروری است:

۱ - چیزی را رد کنیم که آن را درک کرده باشیم، زیرا رد کردن بدون درک و علم، نوعی نادانی است.

۲ - شتاب زدگی در رد مطلبی که به نظر درست نمی باشد روا نیست. چرا که در این صورت پیش از آنکه انسان بیندیشد که دیگری چه می گوید، می اندیشد که خود چه بگوید.

۳ - اگر چیزی را به جهت عدم درک صحیح رد کردیم و سپس خلاف آن ثابت شد، در قبول آن درنگ نکنیم.

۴ - همواره توجه داشته باشیم که دانسته های آدمی در برابر نادانسته هایش همچون قطره ای در مقابل دریاست.

۵ - همواره از سرگذشت انسان هایی که به واسطه جهل ورزی به انحراف دچار شده اند درس بگیریم و آن درسها را توشه راه خود قرار دهیم.

۱. همان، ج ۷۵، ص ۷۹.

۲. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۴۶۲.

شیوه‌های تبلیغ

تعریف شیوه

شیوه در لغت به معنای راه، طریقه، سبک، اسلوب و مانند آن آمده است و به «راه خاص برای رسیدن به مقصود» گفته می‌شود.^۱ مراد از شیوه‌های تبلیغ دین در این فصل، راه‌ها و روش‌هایی است که دین اسلام برای تبلیغ حقایق و معارف دینی ارائه نموده است.

اهمیت شیوه

از نظر اسلام شیوه و چگونگی تبلیغ دین اهمیت فراوانی دارد.^۲ این اهمیت از اصل نیاز دین به تبلیغ ناشی می‌شود و بهره‌گیری از شیوه‌های جذاب و کارآمد، نقش مهمی در تأثیر تبلیغ ایفا می‌کند. شما پیام‌گزاران دینی خوب می‌دانید که جذب اقشار مختلف جامعه، به ویژه نسل جوان، جز با شیوه‌های نوین تبلیغ، ممکن نیست و آنچه بر ضرورت این جذب می‌افزاید تهاجم فرهنگی دشمن است. اهمیت پرداختن به شیوه‌های تبلیغ به قدری است که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۳۰، واژه شیوه: فرهنگ فارسی، معین.

۲. قرآن مجید در آیه ۱۲۵ از سوره نحل، به مهم‌ترین این شیوه‌ها تأکید کرده، می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»

... اگر چنانچه ما به شیوه تبلیغ توجه نکنیم و به آن نپردازیم؛ هیچ کاری نکرده ایم... بایستی یک آهنگ زیبا و دلنشین از زیر و بم های شیوه تبلیغ به وجود آورد...^۱

انواع شیوه

رسول اکرم (ص) می فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.^۲

ما پیامبران ما موریم با مردم، بر پایه عقل و استعدادشان سخن بگوییم.

تنوع شیوه هایی که در اسلام برای تبلیغ دین مطرح شده، ناشی از مخاطبان گوناگون و شرایطی است که فراروی پیام دینی قرار می گیرند. برخی از این شیوه ها عبارت اند از:

۱. حکمت

حکمت در اصطلاح، حق یابی به وسیله دلایل علمی و عقلی^۳ و شناخت مراتب افعال در حسن و قبح است.^۴

بنابراین «شیوه حکمت» القای پیام به مخاطب همراه با دلیل و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و استعداد او است.

قرآن مجید درباره شیوه حکمت در تبلیغ دین می فرماید:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِهِمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... (نحل: ۱۲۵)

با توجه به آیه شریفه و تفسیر آن، بایسته است که شما پیام گزاران دینی به نکات زیر توجه داشته باشید:

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۱۰/۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۵.

۳. مفردات الفاظ القرآن، راغب، ص ۱۲۶.

۴. التبیان، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۴۴۰.

۱- همه مخاطبان را با یک شیوه به سوی دین دعوت نکنید؛ بلکه با هر کسی به میزان درک و فهمش و به زبان خود او سخن بگویید؛ به عنوان مثال شیوه تبلیغ برای فرهیختگان، شیوه حکمت و استدلال است.

۲- علم و عقل دو رکن اساسی حکمت‌اند؛ بنابراین به سلاح علم و عقل مجهز شوید.

۳- همیشه مستند و منطقی سخن بگویید و هرگز آنچه را شنیده‌اید و خود، بدان آگاهی ندارید، به عنوان پیام دینی بازگو نکنید.

۴- همراه پیامتان دلیل و حکمت آن را نیز بیان کنید! این کار پیام شما را دلنشین‌تر می‌کند.

۵- از ابهام‌گویی پرهیزید و سعی کنید پیامتان روشن، صریح و گویا باشد تا برای مخاطب، جای شک و شبهه‌ای باقی نگذارد.

۶- بسیاری از مردم قدرت دریافت استدلال‌های سنگین را ندارند، برای آنان از دیگر شیوه‌ها استفاده کنید.

۷- معصومان علیهم السلام به آیات قرآن استدلال می‌کردند؛ شما نیز با قرآن آشنا باشید و از استدلال به آیات آن غفلت نورزید.

۲. موعظه حسنه

موعظه از واژه «وعظ» به معنای منع کردن همراه با بیم دادن است^۱ و به معنای یادآوری پاداش و کیفر اعمال به گونه‌ای که در دل اثر گذارد و آن را نرم کند نیز، آمده است.^۲

خداوند متعال در قرآن از شیوه موعظه، با قید «حسنة» یاد کرده است و این قید بیانگر آن است که موعظه می‌تواند نیک یا بد باشد.

موعظه حسنه دارای ویژگی‌ها و شرایطی است؛ از جمله اینکه باید عقلانی و متکی به آیات قرآن و روایات اهل بیت باشد و عمل و اعظ، سخن او را تصدیق کند.

همچنین لحن موعظه گر، باید آرام، همراه با مهربانی و مدارا باشد و از خشونت، سرزنش و هر آنچه عاطفه را جریحه دار می‌سازد به دور باشد.

۱. مفردات الفاظ القرآن، راغب، ص ۵۴۶.

۲. لسان العرب، ج ۷، ص ۴۶۶.

با توجه به آنچه گذشت توجه شما پیامگزاران دینی را به چند نکته جلب می‌کنیم:
 ۱- محور موعظه خود را آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) قرار دهید چرا که امام علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يَعْظُ أَحَدًا يَمِثِلُ هَذَا الْقُرْآنِ.^۱

خداوند متعال کسی را به بهتر از این قرآن پند نداده است.

۲- بهترین موعظه، موعظه‌ای است که مخاطبان، آثار آن را در عمل و حتی وضع ظاهری و سخن شما مشاهده کنند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

أَحْسَنُ الْمَقَالِ مَا صَدَّقَهُ حُسْنُ الْفِعَالِ.^۲

بهترین سخن آن است که عمل نیک (گوینده) آن را تصدیق کند.

۳- هرگز در حضور دیگران، فردی را موعظه نکنید چرا که این کار شخصیت او را جریحه‌دار می‌کند و تأثیر منفی دارد. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ.^۳

آن کس که برادرش را در نهان موعظه کند او را آراسته و آن کس که او را آشکارا نصیحت کند زشتش گردانیده است.

۴- توجه داشته باشید که بسیاری از مردم استعداد درک استدلال‌های علمی را ندارند؛ پس آنان را با موعظه ارشاد کنید. این را نیز بدانید که هیچ کس، حتی علمای بزرگ از موعظه یک واعظ متقی بی‌نیاز نیستند.

۵- از افراط و تفریط در موعظه دوری کنید و هرگز انتظار نداشته باشید که موعظه شما بی‌درنگ اثر کند.

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۷۶.

۲. غرر الحکم، ج ۲، حدیث ۳۳۰۳، دانشگاه تهران.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶، حدیث ۲۹.

۶ - شما می‌توانید در مقام موعظه، توجه دیگران را به حقایقی جلب کنید که از آن غافل هستند. مثلاً کسی را که تصور می‌کند آزاد است به بنده خدا بودن توجه دهید.^۱

۷ - توجه داشته باشید که همه جا جای موعظه نیست. در برخی موارد باید از شیوه‌های دیگر استفاده کنید. مثلاً حضرت علی (ع) در جنگ صفین برای باز پس‌گیری «فرات» از خطابه استفاده کرد.^۲

گرچه شما اجمالاً می‌دانید که زبان موعظه غیر از زبان حکمت و خطابه است اما برای آشنایی بیشتر با کاربرد موعظه، برخی تفاوت‌های آن با خطابه و حکمت را یادآور می‌شویم.

موعظه تذکار است و حکمت، تعلیم؛ حکمت برای آگاهی است و موعظه برای بیداری؛ حکمت چراغ است و موعظه باز کردن چشم؛ حکمت سخن عقل است و موعظه پیام روح، خطابه برای تهییج است و موعظه برای رام کردن، خطابه آنجا به کار می‌آید که احساسات خمودند و موعظه آنجا که شهوات خود سرانه عمل می‌کنند، خطابه جنبش ایجاد می‌کند و موعظه جنبش‌های بیجا را فرو می‌نشانند، خطابه زمام کار را از دست حسابگری عقل خارج می‌کند اما موعظه، زمینه را برای حسابگری عقل، فراهم می‌سازد.^۳

۳. جدال احسن

«جدال» از واژه «جدل» به معنای رد و بدل کردن سخن به صورت نزاع و غلبه است^۴ و به احتجاجی که برای منصرف کردن فرد از عقیده‌اش به کار می‌رود گفته می‌شود.^۵

این شیوه اسلوب دیگری از استدلال است که در آن بر مقدمات مسلم تکیه می‌شود^۶ و از سخن طرف مقابل و آنچه مورد قبول اوست، در رد نظریه‌اش استفاده می‌گردد.^۷

۱. حضرت امام موسی بن جعفر (ع)، بشر حافی را این‌گونه موعظه کرد. ر. ک. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۲۸۵ و ۲۸۶).

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۸۸، خطبه ۵۱.

۳. تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، ص ۲۹۴ - ۲۹۶.

۴. مفردات، راغب، ص ۸۷.

۵. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۴۹.

۶. المنطق المظفر، ص ۳۷۴.

۷. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۱.

ضرورت این شیوه در آن است که امکان دارد برخی از مخاطبان شما استعداد پذیرش مقدمات برهانی را نداشته باشند و یا از داشتن واعظ درون محروم باشند و در نتیجه واعظ بیرونی روی آنها اثر نگذارد و لذا با روش‌های نادرست، در صدد مخالفت با پیام شما بر آیند. از این رو بر شما لازم است که این شیوه را فراگیرید و در آن تبحر پیدا کنید و تا هنگامی که بر آن مسلط نشده‌اید، از مناظره و جدال با مخالفان، خودداری ورزید.

جدال در قرآن و حدیث

قرآن مجید دربارهٔ جدال می‌فرماید:

وَ جَادِثُهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ

(نحل: ۱۲۵)

و با آنان (مخالفان) به روشی که نیکوتر است مجادله کن.

این تعبیر می‌رساند که جدال می‌تواند احسن و غیر احسن باشد.

امام صادق (ع) دربارهٔ جدال غیر احسن می‌فرماید:

جدال به غیر روش احسن آن است که اگر با فرد مخالف مجادله نمایی و او باطلی به شما عرضه کند، آن را با حجت و برهانی که خدا قرار داده، پاسخ‌نگویی، بلکه گفتار او و یا حقی را که وی برای اثبات باطل خویش از آن مدد می‌جوید، به دلیل عدم آشنایی با پاسخ صحیح، تکذیب نمایی تا مبادا علیه شما، از آن بهره‌جوید.^۱

ویژگی‌های جدال احسن

از دیدگاه دین اسلام، مجادله برای کشف حقیقت است نه طرد و کوبیدن طرف مقابل.

از این رو مجادله شما بایستی دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- نرمش، مهربانی، تواضع و اخلاق اسلامی را رعایت کنید و به مخالف خود احترام

بگذارید.

۲- حرف بی دلیل نزنید و گفتار طرف مقابل را بدون دلیل رد نکنید.

- ۳- اجازه دهید مخالف شما حرف خود را بزند و فرصت اظهار عقیده بیاورد؛
- ۴- به گونه‌ای رفتار کنید که طرف مقابل شما احساس کند در صدد تحمیل عقیده خود بر او نیستید.
- ۵- اگر مخالف شما سخن حقی در لابلای گفتارش آورد آن را بپذیرید ولی اجازه ندهید از سخن حق، برای باطل استفاده کند و یا آن را بد تفسیر نماید.
- ۶- با شیوه طرح سؤال و غیر آن، ذهن طرف مقابل را فعال سازید تا با اندیشه خود حق را بپذیرد.
- ۷- اگر مخالف شما جویای حقیقت نیست به مجادله با او ادامه ندهید.

۴. تشویق و تنبیه

قرآن کریم می‌فرماید:

(مطففین: ۲۶)

... وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتًا فِى الْمُتَنَفِسُونَ

و در این نعمت‌های بهشتی، راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند!

تشویق به معنای برانگیختن، به شوق آوردن^۱ و راغب نمودن و تنبیه به معنای بیدار نمودن و آگاهی دادن است.^۲

نقش تنبیه و تشویق در سازندگی

تشویق موجب ترویج ارزش‌ها و حرکت به سوی تکامل است. با تشویق می‌توان اراده و روحیه افراد را قوی و پربار نمود. همچنان که تنبیه برای پیشگیری و درمان بسیاری از ناهنجاری‌ها راهگشا است.

شما با تشویق می‌توانید ارزش‌های دینی را در دلها تثبیت کنید و با تنبیه، افراد خطاکار را متوجه عادت‌های زشت و ناپسندشان نمایید و به آنها بفهمانید که باید دست از عملشان بردارند و گرنه سرنوشت شومی در انتظار آنها است.

۱. اقرب الموارد، ج ۳، ص ۱۱۸.

۲. لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، ص ۷۱۹.

توجه داشته باشید که برخورد یکسان شما با نیکان و بدان، سبب بی رغبتی نیکان به نیکی و جرأت بدان در بدی خواهد شد.^۱

تشویق و تنبیه در قرآن و سیره: در قرآن و سیره معصومین (ع) هم تشویق مطرح شده و هم تنبیه. به عنوان نمونه، قرآن مجید به رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن^۲ و هنگامی که زکاتشان را می‌پردازند، بر آنان درود فرست و برایشان دعا کن^۳ و یا به عنوان تنبیه، از جاهلان روی بگردان^۴ و در مسجد منافقان به عبادت نایست^۵ و بر مرده آنان نماز مگذار.^۶

در زندگی معصومین (ع) نیز مصداق‌های تشویق و تنبیه، فراوان دیده می‌شود که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱- اعطای هدیه، صلّه و پاداش؛
- ۲- دعای خیر کردن و درود فرستادن؛
- ۳- آزاد نمودن برخی از اسیران دشمن به سبب نیکوکار بودن آنان؛
- ۴- تبریک گفتن؛
- ۵- بی‌اعتنایی؛
- ۶- قطع رابطه.

برخی از شرایط موفقیت تشویق و تنبیه عبارت‌اند از:

- ۱- تشویق و تنبیه باید هماهنگ و متعادل باشد تا موجب غرور و سرخوردگی نگردد؛
- ۲- سعی کنید تشویقتان متنوع، بجا و بموقع باشد؛
- ۳- علت تشویق و تنبیه را به طرف مقابل بگویید؛
- ۴- عدالت در تشویق و تنبیه را رعایت کنید؛

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳.

۲. انفال (۸)، ۶۵.

۳. توبه (۹)، ۱۰۳.

۴. انعام (۶)، ۶۸، اعراف (۷)، ۱۹۹.

۵. توبه (۹)، ۱۰۸.

۶. توبه (۹)، ۸۴.

۵- تشویق باید برای کار مفید باشد نه کار عبث و بیهوده؛

۶- از تضاد بین تشویق و سخن و عملتان بپرهیزید؛

۷- هرگز کسی را برای کاری که وظیفه اوست تشویق نکنید؛

چند نکته:

- ۱- اگر وعده تشویق مادی می‌دهید، دقت کنید که تهیه آن برایتان مقدور باشد.^۱
- ۲- در تشویق می‌توانید علاوه بر شخصیت دادن از کلمات شوق برانگیز همچون احسنت، آفرین و... استفاده کنید. توجه داشته باشید که پاداش‌های ماندگار بهتر از جوایز مصرفی و گذرا است.
- ۳- در تنبیه نیز اموری همچون بی‌اعتنایی، رو ترش کردن، قهر، ترک رابطه و... به شرط اعتدال، می‌تواند کار ساز باشد.

۵. تدریجی

قرآن کریم می‌فرماید:

وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (اسراء: ۱۰۶)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.

تربیت امری تدریجی است و نمی‌توان انتظار داشت که همه مردم به یکباره به انجام نیکیها و ترک بدیها مبادرت ورزند. از این رو تبلیغ دین که در راستای تربیت دینی است، باید تدریجی باشد تا هم مردم تاب تحمل آن را داشته باشند و هم مسائل در دلها، ریشه‌دار و عمیق شود.

شما پیام‌گزاران دینی همچون طبیب‌هایی هستید که می‌خواهید بیماری‌های اخلاقی و فکری جامعه را مداوا کنید؛ پس با حوصله، دقت و تأتی، کار خود را انجام دهید و هرگز در صدد نباشید که یک شبه، راه صد ساله را طی کنید.

تدریج رمز موفقیت شماست

شما مبلغان با تدبّر و تدریج می‌توانید بسیاری از مشکلات را حل کنید. انتظار نداشته باشید که مردم با شنیدن سخنان شما دفعتهاً به صلاح و رستگاری روی آورند. دلسرد نشوید و فراموش نکنید که موفقیت پیامبر اسلام (ص) در سایه تبلیغ تدریجی‌اش به دست آمد.

شما در راه رساندن پیام دین، از عجله پرهیزید و بی‌درنگ کسی را به بی‌دینی و عدم شایستگی برای هدایت، متهم نکنید؛ فرصت دهید تا تمام کسانی که احتمال هدایتشان می‌رود، به سوی دین جذب شوند.

مراقب باشید در محیط‌های غیر مذهبی باورهای متضاد با تعالیم دینی را، یکباره مورد تاخت و تاز قرار ندهید، این کار جبهه گسترده‌ای را علیه شما باز می‌کند و مانع فعالیت شما می‌شود. بدانید رعایت نکردن تدریج، ضررهایی در پی دارد و ممکن است افراد غیر مستعد را، از دین بیزار کند.^۱

۶. الگویی

قرآن مجید می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

(احزاب: ۲۱)

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

از دیگر شیوه‌های تبلیغ دین، شیوه الگویی است که در آن پیام‌گزار، ضمن ابلاغ پیام، الگوهای عملی آن را نیز به مخاطب معرفی می‌کند و او را از اسوه‌های ناشایسته بر حذر می‌دارد.

۱. در این زمینه به کتاب «وسایل الشیعه»، ج ۱۶، ص ۱۶۰، ۱۶۱، کتاب الامر و النهی، باب ۱۴، ح ۳، مراجعه کنید.

اثر بخشی این شیوه بدان سبب است که الگوها در ملموس شدن پیام، نقش مهمی دارند و انسانها بر اساس حس الگو پذیری، در برابر کارهای فوق العاده قهرمانان کرنش می‌کنند و تحت تأثیر اعمال و رفتار آنان قرار می‌گیرند.

الگو دهی در قرآن و سیره: قرآن مجید در موارد زیادی بر شیوه الگویی تأکید کرده است. ذکر داستان‌های پیامبران و زنانی همچون مریم و آسیه، همگی در راستای ارائه الگوهای پسندیده و بیان داستانهای قابیل، فرعون، همسران نوح و لوط و... برای نشان دادن الگوهای ناپسند، می‌باشد.

در باره شیوه الگو دهی قرآن، به عنوان نمونه به این آیه توجه کنید!

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَبِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَخَدَّهٗ... (ممتحنه: ۴)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگام که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم، ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است، تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید.

معصومان علیهم السلام نیز الگوی عملی پیام خود بودند. از حضرت علی (ع) پرسیدند چرا پیراهنت را وصله می‌کنی؟ فرمود: دل را خاشع می‌کند و مؤمنان بدان اقتدا می‌نمایند.^۱ امام حسین (ع) هم خود را به عنوان الگوی امر به معروف و ناهی از منکر معرفی کرد و فرمود: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ»^۲ من الگو و اسوه شما هستم.

نقش الگوها در تربیت: نقش «الگوها» در پرورش، همانند نقش اساتید در آموزش است. الگوها، سرمشق‌های تربیت و تکامل، در مسیر دشوار انسان کامل شدن، هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۶۱.

۲. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۳.

تربیت‌های علمی بدون وجود الگو، رهنمون‌هایی خشک و بی روح‌اند که ثمره‌ای بس ناچیز دارند. از این رو، ما نیازمند الگوهای صالح هستیم چرا که این الگوها در رشد و بارآوری جوامع، از دهها ساعت سخنرانی و صدها مقاله، نافذتر و پربارترند.^۱

مسأله الگو دهی در تربیت، اصلی است که بر اساس خواست فطری انسان‌ها و وارد نمودن ضربه‌های تحریکی بر مراکز حرکتی روح انسان‌ها، بنیان گرفته است. شما با اجرای این اصل، بی آنکه رنج فراوانی را تحمل کنید، می‌توانید در ایجاد گرایش‌های شایسته، موفق شوید.

«شما قطب نماها را تغییر دهید، مسیر کشتی‌ها خود بخود عوض می‌شود.»^۲

به خاطر داشته باشید که در الگو دهی، ظرفیت مخاطب، تناسب و اختصار را رعایت کنید و از نقش فیلم و داستان، در عوض کردن الگوها، غافل نباشید.

۷. تمثیلی

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (زمر: ۲۷)

ما در این قرآن برای مردم مثل‌های فراوانی زده‌ایم شاید متذکر شوند.

تمثیل به معنای مَثَل آوردن^۳ و تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر است.^۴ و مَثَل در لغت به معنای، نظیر و نمونه می‌باشد و در اصطلاح جمله‌ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه‌ای که به سبب روانی لفظ و روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته، همگان آن را بدون تغییر، یا با اندک تغییر، در محاوره به کار می‌برند.^۵

لطف مَثَل در این است که زود در ذهن انسان نفوذ می‌کند و دیر از خاطر می‌رود و گاه در یک مَثَل، دنیایی از دانش و حکمت نهفته است. علاوه بر آن، با مَثَل می‌توان مطالب مشکل و پیچیده را به آسانی به مخاطب تفهیم نمود.

۱. امام الگوی امت، ص ۵۳-۵۴، با اندکی تصرف و تلخیص.

۲. همان، ص ۱۰۳.

۳. منتهی الارب، عبدالرحیم صفی پور، ج ۴-۳، ص ۱۱۷۰.

۴. اقرب الموارد، ج ۵، ص ۱۵۸.

۵. لغت نامه دهخدا، ج ۴۲، ص ۴۰۰، ۴۰۱.

با توجه به اینکه روش تمثیلی روش غیر مستقیم است، شما می‌توانید با این روش با کمترین لفظ، بیشترین معنا را به مخاطب خود انتقال دهید و او را به فکر وادارید تا خود، مطلب را بپذیرد.

پرداختن به این شیوه برای شما ضرورت دارد؛ زیرا با این کار می‌توانید معقولات را به محسوسات تشبیه و آن را ملموس سازید و از استدلال‌های پیچیده عقلانی بی‌نیاز شوید. توجه داشته باشید که افق ایمان و آگاهی مخاطبان شما متفاوت است و شما نمی‌توانید مطالب را در یک سطح معین برای همه مخاطبان بیان کنید؛ از این رو لازم است برای تفهیم مطالب و نزدیک کردن آن به ذهن مخاطبان، از این شیوه استفاده کنید.

این شیوه در بلاغت و شیوایی سخن نیز مؤثر است. زیرا از خشکی و تلخی آن می‌کاهد و از سخنان کوتاه شما، اندیشه‌های ژرف حاصل می‌شود. علاوه بر آن، شما می‌توانید در پرده کنایه مطالب عالی و بلند را به دیگران، تعلیم دهید،^۱ بدون اینکه لجاجت و خصومت آنان را برانگیزید.

در اینجا به این نکته توجه داشته باشید که برای استفاده از این شیوه باید با امثال و حکم گوناگون آشنا باشید و «مثل‌های» شما بجا و گویا باشد.^۲

مثل در قرآن و روایات

در قرآن مجید از مثل زیاد استفاده شده که مجموع آنها به پنجاه و سه مورد می‌رسد.^۳ مثل‌های قرآن ابتکاری است و با محتوای بدیع و حکیمانه‌ای که دارد همواره برترین مثلها است. هدف مثل‌های قرآنی چیزی جز بیدار کردن مردم و فعال کردن ذهن آنان نیست،^۴ که این، همان استفاده بهینه و هدفمند از مثل است. رسول گرامی اسلام (ص) و معصومان پس از آن حضرت نیز در سخنان خود، از مثل‌های

۱. ر.ک. امثال قرآن، علی اصغر حکمت، ص ۲.

۲. در این زمینه می‌توانید به کتاب‌های ادبی همچون، گلستان و بوستان سعدی و امثال و حکم دهخدا مراجعه کنید.

۳. اصول و مبانی تبلیغ، اسماعیل کریم زاده، ص ۴۸.

۴. در این زمینه به آیات ۲۷ روم و ۲۱ حشر، مراجعه کنید.

گوناگون سود جسته‌اند. شما برای اطلاع در این زمینه می‌توانید به کتاب‌های تاریخ، سیره و حدیث مراجعه کنید.^۱

۸. تکرار

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا حَدَّثَ الْحَدِيثَ أَوْ سَأَلَ عَنِ الْأَمْرِ، كَرَّرَهُ ثَلَاثًا لِيُنْفِخَ وَيُفْهَمَ عَنْهُ.^۲

سیره پیامبر(ص) بر این بود که هرگاه حدیث می‌فرمود یا سوالی می‌کرد، سه مرتبه آن را تکرار می‌نمود تا مقصودش را بفهماند و دیگران هم سخن او را بفهمند.

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغ، شیوه تکرار منطقی است که در آن، پیام‌گزار محتوای تبلیغ را تکرار می‌کند تا در ذهن مخاطب تثبیت شود.

ضرورت این شیوه از آن جهت است که استعداد مخاطبان، در دریافت پیام متفاوت است، از این رو بر مبلغان لازم است با تکرار پیام آن را به همه ذهنها تفهیم کنند.

نکته دیگر این که پیام‌گزار از این راه، اهمیت پیام را می‌رساند و به کسانی که فراموش کرده‌اند، یادآوری می‌کند و به آنان که تا کنون نشنیده‌اند، می‌آموزد. علاوه بر آنکه زمینه را برای آموزش‌های بعدی فراهم می‌سازد.

شیوه تکرار در قرآن و سیره: قرآن کریم برخی مطالب را چندین بار تکرار کرده است مثلاً در سوره «الرحمن» آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» سی و یک بار تکرار شده است.

این شیوه در قرآن به منظور تأکید بر محورهای مهم ایمان و عقیده، مورد استفاده قرار گرفته و مسائل اصولی همچون توحید، نبوت، امامت و معاد، بارها تکرار گردیده است.

همچنین به طور مکرر نسبت به امور عبادی همچون نماز، روزه، حج، قرائت قرآن و... دستور داده شده تا ضمن تفهیم اهمیت این امور، از فراموش شدن خداوند متعال و ارزش‌های الهی جلوگیری کند.

۱. برای اطلاع از نمونه‌های امثال قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام، ر.ک: امثال قرآن، ص ۱۲۱ تا آخر کتاب.

۲. بحارالانوار، ۱۶، ۲۴۳.

رسول خدا(ص) و معصومان پس از آن حضرت نیز گاهی برخی مطالب مهم را در اشکال گوناگون تکرار می‌کردند. به عنوان مثال در تاریخ می‌خوانیم که رسول گرامی اسلام(ص) مسأله امامت علی(ع) را به شکل‌های مختلف برای امت تکرار کرد که حدیث «یوم الأندار»، حدیث «منزلت» و حدیث «غدیر» نمونه‌ای از آن می‌باشد.

با توجه به آنچه گفته شد به شما پیام‌گزاران توصیه می‌کنیم که:

- ۱- برخی مطالب مهم و اساسی را آن قدر تکرار کنید تا در دلها تثبیت شود.
- ۲- از بیان جملات کلیشه‌ای دوری کنید و سعی نمایید محتوای پیام را در قالب‌های نو، زیبا و جذاب تکرار کنید.
- ۳- شما می‌توانید علاوه بر تکرار گفتاری، از تکرارهای غیر مستقیم و دیداری نیز استفاده کنید، مثلاً از راه معرفی فیلم، داستان، تابلو و مطبوعات، مقصود خود را بیان نمایید.
- ۴- توجه داشته باشید که زیاده روی در تکرار و تکرارهای بیجا و غیر عاقلانه موجب خستگی و تنفر مخاطب می‌گردد؛ از آن دوری کنید.

۹. تداعی معانی

قرآن کریم می‌فرماید:

(اعراف: ۳۱)

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.

تداعی معانی عبارت است از اینکه نفس، با تصور یک معنا، معنای دیگری را نیز به خاطر آورد.^۱

تداعی معانی تابع سه اصل مجاورت، مشابهت و تضاد می‌باشد. اصل مجاورت این است که هرگاه مخاطب شما دو چیز را به طور مکرر در کنار هم ببیند و یا از دو چیز در کنار هم، خاطره شیرین و یا تلخی داشته باشد، بعدها با تصور یکی، دیگری نیز به ذهن

۱. لغت نامه، دهخدا، ج ۱۴، ص ۴۹۴.

او می‌آید. اصل مشابهت عبارت است از اینکه ذهن با تصور مشبّه به، به مشبّه پی ببرد و تضاد این است که بین دو شیء متضاد چنان ارتباطی باشد که با تصور یکی، دیگری نیز به ذهن بیاید.

نقش تداعی معانی در تبلیغ: شما پیام‌گزار محترم اگر می‌خواهید تبلیغی مؤثر و موفق داشته باشید، آن را با زیبایی‌ها و خاطرات شیرین توأم کنید و سعی نمایید در کنار سخنرانی و دیگر موارد تبلیغی، عمل شما، تداعی‌گر صحنه‌های خوب باشد.

توجه داشته باشید که تداعی معانی در گرایش مردم، به دین و مذهب تأثیر فراوانی دارد و به همین جهت امامان شیعه، پیروانشان را به رعایت تقوا و صفات انسانی دعوت می‌نمودند.

امام صادق(ع) به یکی از یارانش فرمود:

شما را سفارش می‌کنم به تقوای خدای عزوجل و ورع در دینتان و کوشش برای خدا و راستگویی و ادای امانت و طول دادن سجده و نیکی با همسایگان... زیرا هر مردی از شما، هرگاه در دین خود ورع داشته باشد و راست گوید و امانت را بپردازد و با مردم خوش رفتاری کند، گفته می‌شود که این «جعفری» است و من شاد می‌شوم... و گفته می‌شود این ادب «جعفر» است...^۱

تداعی معانی در قرآن و سیره معصومان: قرآن مجید می‌فرماید: ای فرزندان آدم! هنگام رفتن به مساجد، خود را آراسته کنید^۲ و می‌فرماید: خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع و سجده کنندگان پاک و پاکیزه نمایید.^۳

بدیهی است اگر مساجد ما مظهر نظافت و زیبایی باشد، خاطره خوشی از علم و عبادت، در ذهن‌ها ثبت می‌گردد.

معصومین(ع) نیز، پیوسته به گفته‌های خود عمل می‌کردند، با لباس آراسته و معطر، در میان مردم حاضر می‌شدند، قرآن را با صدای زیبا می‌خواندند و... که اینها همه، مصداق‌هایی از تبلیغ دین با شیوه تداعی معانی است.

۱. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ۴۸۵، کتاب العشرة، باب ما يجب من المعاشرة، ح ۵.

۲. اعراف: ۳۱.

۳. بقره: ۱۲۵.

۱۰. همراهی

قرآن مجید می‌فرماید:

(انعام: ۷۶-۷۹)

قَلَّمَا رَأَى الشَّمْسَ بَارِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي...

و چون [ابراهیم(ع)] خورشید را دید که سینه‌افق را می‌شکافت، گفت: این خدای من است!

شیوه همراهی، شیوه‌ای است که در آن پیام‌گزار، تا حدودی با مخالف خود همراه می‌گردد سپس در یک فرصت مناسب، اشتباه بودن عقیده او را اعلام می‌دارد و پیام خود را به گوش وی می‌رساند.

این شیوه، بیشتر در مناظره‌ها و بحث‌های عقیدتی به کار می‌رود و از بهترین روش‌های تبلیغی است که می‌تواند از عصبانیت و موضع‌گیری منفی طرف مقابل، جلوگیری کند.

شیوه همراهی در قرآن و سیره معصومان

بهترین نمونه قرآنی این روش، مبارزه حضرت ابراهیم(ع) با مشرکان است. وی هنگامی که ستاره زهره نمودار شد گفت: این خدای من است و چون غروب کرد، با گفتن این جمله که «من غروب کنندگان را دوست ندارم» به ستاره پرستان فهماند، چیزی که زوال‌پذیر است، قابل پرستش نیست.

او در مقابل ماه نیز همین جمله را تکرار کرد و پس از افول آن گفت: اگر خدای من، مرا راهنمایی نکند از گمراهان خواهم بود.

هنگام طلوع خورشید نیز با خورشید پرستان همراه شد و گفت: این خدای من است؛ ولی چون غروب کرد، گفت: ای قوم، من از شریک‌هایی که برای خدا قرار داده‌اید، بیزارم و روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفرید.

در سیره معصومین(ع) نیز این شیوه دیده می‌شود، به عنوان نمونه حضرت رضا(ع) در جواب جاثلیق مسیحی که پرسید عقیده شما درباره عیسی(ع) و کتاب او چیست؟ فرمود:

من به نبوت عیسی و کتاب او و بشارت هایی که داده است معتقدم و به نبوت عیسایی که به نبوت محمد(ص) و کتاب او اقرار نموده و پیروانش را از ظهور او اطلاع نداده است، معتقد نمی باشم...^۱

۱۱. پرسش و پاسخ

یا ضاحِی السُّجُنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (یوسف: ۳۹)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!

ابلاغ پیام به شکل پرسش و پاسخ، اندیشه مخاطب را به تکاپو وامی دارد و او را به طور غیر مستقیم ارشاد می نماید.

این شیوه انواع و اقسامی دارد، گاهی پیام گزار سؤالی را مطرح می کند و بدون دادن جواب، از پیام گیرنده می خواهد که با مراجعه به فکر و عقل خود، جواب را بیابد و گاهی پس از طرح سؤال، جواب آن را هم می دهد و گاهی از مخاطبان می خواهد که سؤال کنند و جواب خود را بشنوند. این شیوه در قرآن مجید کاربرد گسترده ای دارد و در موارد متعدد، پس از ذکر سؤال، جواب آن نیز، بلافاصله آمده است.^۲

در پاره ای موارد هم، مطالب مهم و اساسی به صورت پرسش مطرح شده و پاسخ آن به فکر مخاطب واگذار گردیده و یا به طور تلویحی جواب آن داده شده است؛ مانند اینکه قرآن کریم می فرماید:

... أَمْ لَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (نمل: ۶۳)

آیا معبودی با خدا است؟ خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرار می دهند.

أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (ابراهیم: ۱۰)

آیا در [وجود] خدا شک است؟ خدایی که زمین و آسمان را آفرید.

۱. ترجمه عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴۵، با اندکی تصرف.

۲. ر.ک. به سوره بقره، آیات ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰.

معصومین(ع) نیز از این شیوه در تبلیغات دینی بهره گرفته‌اند. رسول گرامی اسلام(ص) گاهی با یک لبخند و یا انجام عملی غیر منتظره، در اطرافیان خود سؤال ایجاد می‌کرد تا پیامی را به آنان ابلاغ کند؛ به عنوان مثال: اسیرانی را نزد وی آوردند؛ با دیدن آنان لبخندی زد. اسیران گفتند: حق داری بر ما ناتوانان بخندی! پیامبر اکرم(ص) فرمود: به خدا سوگند از روی استهزا بر شما نخندیدم؛ خنده‌ام برای این است که می‌خواهم شما را به بهشت برسانم و شما نمی‌پذیرید.^۱

امامان نیز گاه با طرح پرسش‌های فکری و علمی، اذهان مردم را به جستجو وا می‌داشتند و گاه درماندگی و بی‌مایگی دشمنان خویش را بر ملا می‌ساختند، همین طور پاسخ‌های منطقی و گرانقدری که به سؤال‌های دانشمندان و محققان می‌دادند، گره‌های فراوانی را از مشکلات علمی و فکری مردم می‌گشود.^۲ چنان که حضرت علی(ع) بارها به پرسش‌های مردم اعم از موافق و مخالف پاسخ داد و می‌فرمود: قبل از آنکه مرا از دست دهید، از من بپرسید.^۳

چند نکته:

با توجه به آیات قرآن و سیره معصومین(ع) در زمینه پرسش و پاسخ، به شما پیام‌گزاران محترم توصیه می‌کنیم که:

۱- گاهی پیامتان را به صورت سؤال و جواب مطرح کنید، این کار تبلیغ شما را متنوع و جذاب می‌کند.

۲- روحیه پرسشگری را در مخاطبان خود تقویت کنید.

۳- در برابر پرسش‌های مخالفان، خونسرد باشید و از پرسش‌ها خسته نشوید.

۴- سعی کنید از پرسش‌های مردم، به ویژه جوانان آگاه شوید و تبلیغات را در راستای پاسخ به آن پرسش‌ها، تنظیم کنید.

۵- پاسخ‌های روشن، مستند و منطقی بدهید.

۱. روش دعوت محمد، ص ۷۶-۷۷.

۲. سیره معصومین(ع)، ص ۲۵.

۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۹۳.

- ۶- در صورت لزوم، پرسش و پاسخ را تکرار کنید.
- ۷- نخست، سؤال کننده را برای شنیدن پاسخ، آماده کنید آن گاه جواب او را بدهید؛ مثلاً با اندکی صبر، و تأمل به او، پاسخ دهید.
- ۸- هرگز بین پرسش و پاسخ آن، فاصله طولانی نیندازید.
- ۹- اگر پاسخ سؤالی را نمی دانید با صراحت بگویید نمی دانم و در صدد دانستن آن برآیید.
- ۱۰- از پاسخ دادن به سؤال های بیجا و مغرضانه دوری کنید.
- ۱۱- به مخاطبان خود بیاموزید که درباره مسائل مفید سؤال کنند.
- ۱۲- شما می توانید برخی پیام ها را به صورت معما مطرح کنید و جواب آن را از مخاطب بخواهید. این کار جوانان و نوجوانان را بیشتر به سوی شما، جذب می کند.
- ۱۳- سعی کنید پاسخ ها کوتاه و پر معنا باشد؛ در این زمینه می توانید از ضرب المثلهای استفاده کنید.

۱۲. یادآوری

قرآن مجید می فرماید:

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

(ذاریات: ۵۵)

و تذکر بده؛ زیرا تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

یکی از شیوه های تبلیغ دین، شیوه یادآوری است. انسان ها به طور فطری اموری را در درون خود می یابند و بدانها واقف اند؛ ولی گاهی آنها را فراموش می کنند یا توجه ندارند. یکی از این امور، دستورها و نعمت های خداوند متعال است که با یادآوری شما پیام گزاران، ارزش های الهی رواج پیدا می کند. اهمیت و ضرورت تذکر بدان جهت است که اگر شما ارزش های دینی و نعمت های خدا را به مردم یادآوری نکنید، آنان دچار غفلت می شوند و سقوط می کنند؛ تا جایی که دیگر راه نجاتی برایشان باقی نمی ماند.

یادآوری در قرآن و سیره معصومان: در قرآن مجید، آیات زیادی درباره یادآوری آمده است و خداوند متعال وظیفه پیامبر (ص) را تذکر و یادآوری دانسته و فرموده است:

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ...

(غاشیه: ۲۱)

پس یادآوری کن! همانا وظیفه تو تذکر دادن است.

همچنین هدف از نزول قرآن را تذکر و یادآوری دانسته و فرموده است:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

(ص: ۲۹)

(این قرآن) کتابی مبارک است که آن را بر تو نازل کردیم تا در آیاتش بیندیشند و صاحبان خرد، متذکر شوند.

معصومان علیهم السلام نیز برای سوق دادن مردم به سوی خدا، بارها، زیبایی‌های هستی و نعمت‌های خدا و جهان آخرت را متذکر شده‌اند تا افراد دچار غفلت نشوند و خدا را فراموش نکنند.^۱

در این زمینه به شما توصیه می‌کنیم که امور زیر را به مخاطبان خود یادآور شوید:

۱- خداوند متعال و نعمت‌های او، به ویژه نعمت‌هایی که مخاطبان شما، بیشتر با آنها سر و کار دارند.

۲- سنت‌های الهی، به ویژه در زمینه ترقی و سقوط ملت‌ها.

۳- سرگذشت پیامبران و اقوام گذشته.

۴- پاداش و کیفر اعمال در دنیا و آخرت.

۵- فوائد و آثار دین‌گرایی.

در خاتمه به شما یادآور می‌شویم که بهترین وسیله برای تذکر مردم آیات قرآن^۲ و احادیث اهل بیت (ع) است. توجه داشته باشید که اعمال و رفتار شما باید به گونه‌ای باشد که مردم را به یاد خدا و دین بیندازد.

۱. در این زمینه می‌توانید به نهج البلاغه و کتابهای تاریخ ائمه (ع) مراجعه کنید.

۲. قرآن در این باره می‌فرماید: فَذَكِّرْ مَنْ يَخَافُ وَعِبِدْ (ق: ۴۵) به وسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می‌ترسند، متذکر ساز.

۱۳. مقایسه‌ای (تطبیقی)

قرآن کریم می‌فرماید:

(رعد: ۱۶)

... هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ...

آیا کور و بینا با هم برابرند؟!

شاید شما از خلال بحث‌های گذشته به این نتیجه رسیده باشید که شیوه تبلیغی اسلام، شیوه برانگیختن انسان‌ها از درون است و اسلام می‌خواهد افراد از درون خود، به ارزش‌های الهی پی برند و آن را انتخاب کنند.

شیوه مقایسه و سنجش در همین راستا است. در این شیوه، پیام‌گزار دو موضوع را با هم مقایسه می‌کند و از مخاطب می‌خواهد که با فکر خود، گزینه برتر را انتخاب و در راستای آن حرکت کند. علاوه بر اینکه اهمیت مطلب را هم، با این شیوه به مخاطب تفهیم می‌کند.

این شیوه در قرآن و روایات کاربرد فراوانی دارد. به عنوان نمونه قرآن مجید در سوره هود دو گروه مؤمنان و کافران را با هم مقایسه کرده، می‌فرماید:

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

(هود: ۲۴)

حال این دو گروه [مؤمنان و منکران] حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است آیا این دو همانند یکدیگرند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟!

رسول گرامی اسلام (ص) نیز بارها از این شیوه استفاده کردند، به عنوان نمونه، خطاب به کعبه فرمود:

... [تو] چقدر بزرگی و چقدر حرمتت بر خدا عظیم است! [ولی] به خدا قسم، احترام مؤمن از تو بیشتر است!^۱

۱. مشکاة الانوار، ص ۷۸، به نقل از شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت، ص ۱۷۰.

در روایات اهل بیت هم، موارد زیادی از مقایسه به چشم می‌خورد. به عنوان مثال امام باقر(ع) می‌فرماید: عالمی که از علمش بهره برد (یا بهره برند) بهتر از هفتاد هزار عابد است.^۱

با توجه به آنچه گذشت به شما پیام گزاران دینی توصیه می‌کنیم که در تبلیغ دین از این شیوه استفاده کنید و سعی نمایید مقایسه‌ای جامع، روشن، نتیجه بخش و راهبردی داشته باشید و با مقایسه موضوعات خوب و بد و یا خوب و خوبتر، مخاطبان خود را از درون به حرکت وادارید.

برخی محورها که می‌توانید، با استناد به قرآن، آنها را با هم مقایسه کنید عبارت‌اند از:

- ۱- جهان ماده و جهان آخرت.^۲
- ۲- اعمال نیک و بد.^۳
- ۳- انسان‌های صالح و فاسق.^۴
- ۴- محتوای مکتب حق و مکتب‌های باطل.^۵
- ۵- گذشته و حال.^۶
- ۶- بهشتیان و دوزخیان.^۷

۱۴. بازسازی

قرآن مجید می‌فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ... (زمر: ۵۳)

بگو: ای بندگان من که بر خود ستم کرده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید....

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰، باب صفة العلم وفضله، روایت ۸.

۲. سوره مؤمن (۴۰)، آیه ۳۹.

۳. سوره انعام (۶)، آیه ۱۶۰.

۴. سوره سجده، (۳۲) آیه ۱۸.

۵. سوره مؤمن (۴۰)، آیه ۴۱-۴۲.

۶. سوره آل عمران، (۳)، آیه ۱۰۳.

۷. سوره حشر (۵۹)، آیه ۲۰.

در این شیوه، پیام گزار، به بازسازی روحی مخاطبان خود می‌پردازد و زمینه را برای پیام آماده می‌کند و بیشترین بهره را از زمینه‌های موجود می‌برد.

ضرورت این شیوه از آن جهت است که تبلیغ دین بدون ایجاد زمینه روحی کاری عبث و بیهوده است و تأثیر چندانی ندارد.

شیوه بازسازی به دو قسم بازسازی روحیه‌های شکست خورده و بازسازی سنت‌های مثبت تقسیم می‌شود.

بازسازی روحیه‌های شکست خورده شرط لازم در تبلیغ دین است از این رو این شیوه در قرآن مجید به کار رفته و خداوند متعال در آیات زیادی با ذکر توبه، آمرزش، صبر و رحمت خود، در صدد روحیه دادن به گناهکاران و مصیبت دیدگان بر آمده است.

در روایات دینی نیز، از سرزنش گناهکاران و نا امید کردن آنان نهی شده است. امام علی (ع) به فرزندش می‌فرماید: هیچ گناهکاری را از رحمت خداوند مأیوس مکن...^۱

همچنین آن حضرت می‌فرماید: آیا شما را خبر ندهم از آن کس که به حقیقت فقیه است؟ او کسی است که مردم را از رحمت خدا نا امید نکند و از عذاب الهی، ایمن نسازد.^۲

سیره تبلیغی معصومان علیهم‌السلام نیز گواه این شیوه است. آنان علاوه بر عفو و بخشش خطاکاران، سعی داشتند مردم را به لطف و کرم خدا امیدوار کنند و زمینه رشدشان را فراهم سازند.

همچنین اظهار همدردی آنان با فقرا و تطبیق زندگی خود با محرومان و رسیدگی به وضع نابسامان اقتصادی آنان، همگی در راستای کاهش آلام روحی مستمندان و زمینه سازی برای پذیرش دستورات دینی بود.

بازسای سنت‌های مثبت: در میان مردم سنت‌های مثبتی وجود دارد که با ارزش‌های الهی منطبق است. شما پیام گزاران دینی بایستی نخست این سنت‌ها را بشناسید، اصل آنها را حفظ کنید و سپس انحراف‌ها و خرافات را از آنها بزدایید.

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۹۰.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴، باب صفة العلماء.

در قرآن مجید برخی سنت‌های قبل از اسلام از جمله حج، ازدواج، معاملات، قصاص و... بازسازی شده و مورد تأیید قرار گرفته است.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز در حدود بیست سال قبل از بعثت، در پیمانی موسوم به «حلف الفضول»^۱ شرکت کرد و پس از بعثت آن راستود.^۲

همچنین آن حضرت، وقتی «معاذ بن جبل» را به یمن فرستاد، در سفارشی به او فرمود:

وَأَمِثْ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا مَا سَنَّهُ الْإِسْلَامُ.^۳

سنت‌های جاهلی را از میان بردار مگر آنها را که اسلام تأیید کرده است.

با توجه به آنچه گذشت موارد زیر را یادآور می‌شویم:

۱- روحیه یأس و ناامیدی را در مخاطبان خود از بین ببرید و آنان را به رحمت الهی امیدوار کنید.

۲- بنای اسلام بیشتر بر جذب است نه دفع؛ شما هم در این راستا حرکت کنید.

۳- سعی کنید به همان میزان که مردم را به رحمت خدا امیدوار می‌کنید از عذاب و کیفر اعمال نیز بترسانید.

۴- هرگز کسی را به خاطر گناهش سرزنش نکنید و خطاکاران را از خود نرانید.

۵- با خانواده‌های شهدا، و داغ‌دیده‌گان همدردی کنید.

۶- سطح زندگی مادی خود را با زندگی مستمندان، تطبیق دهید.

۷- با سنت‌های مثبتی که در میان مردم وجود دارد، مبارزه نکنید بلکه آنها را بازسازی نمایید.

۸- سعی کنید آداب و رسوم خوب مردم را بشناسید و از آنها در راستای تبلیغ دین استفاده کنید.

۱. پیمانی که در آن عده‌ای از قریش هم قسم شدند تا حق مظلومان را از ظالمان بگیرند.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷.

۳. تحف العقول، ص ۲۵.

۱۵. تحریک عواطف

وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ... (صف: ۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می‌دهید با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟!»

«عواطف» جمع «عاطفه» به معنای مهربانی و دوستی است^۱ و مقصود از شیوه تحریک عواطف این است که پیام گزار، دوستی و محبت پیام گیرندگان را بر انگیزد و آنان را به سوی خود جلب کرده، پیام دین را به آنان ابلاغ نماید.

ضرورت این شیوه در آن است که انسان‌ها. غیر از کانون عقل و تفکر، کانون دیگری به نام «عاطفه» دارند که بیشتر گرایش‌های آنان از این کانون سرچشمه می‌گیرد. از این رو بر پیام گزاران دینی لازم است همان گونه که به اقناع عقل و فکر مخاطبان خود می‌پردازند، به کانون عاطفه آنان نیز توجه داشته باشند و از تحریک محبت و خشم مردم در راستای ایجاد علاقه به ارزش‌های دینی و ایجاد نفرت نسبت به دشمنان دین و ضد ارزش‌ها، غفلت نورزند.

این شیوه در قرآن مجید کاربرد گسترده‌ای دارد و پروردگار متعال در آیات متعددی بدان اشاره کرده است. از باب نمونه، در آیه‌ای می‌فرماید:

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا
بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ
(بقره: ۱۸۶)

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو) من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)!

در این آیه، خداوند متعال با بیانی ملاطفت آمیز، هفت مرتبه به ذات پاک خود اشاره کرده

و هفت مرتبه هم به بندگان خود، و از این راه نهایت محبت خود را نسبت به آنان، ابراز داشته است.^۱

همچنین در آیات دیگری به شیوه بر خورد حضرت نوح و لقمان حکیم با فرزندشان اشاره کرده، می‌فرماید:

ای پسر! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!^۲ ای پسر! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.^۳

رسول گرامی اسلام(ص) نیز از این شیوه کمال استفاده را می‌برد. برخورد او با همه مردم جلب کننده بود، به کودکان سلام می‌کرد، با اصحاب مزاح می‌نمود و گرم می‌گرفت و به شخصیت جوانان احترام می‌گذاشت و پیران را مورد احترام قرار می‌داد. چه بسا دیده می‌شد که عبایش را زیر پای یک یهودی پهن می‌کرد^۴ و صریحاً به مردم می‌فرمود که من شما را دوست دارم!^۵

برانگیختن عواطف انسان‌ها راههایی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱- ابراز محبت و دوستی؛
- ۲- احترام و شخصیت دادن به افراد، به ویژه جوانان و نوجوانان؛
- ۳- خوشرویی و برخورد گرم؛
- ۴- نرم سخن گفتن؛
- ۵- تعاون و همدردی در غم‌ها و مصیبت‌ها؛
- ۶- نادیده گرفتن خطاها؛
- ۷- هدیه دادن و احسان نمودن.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۳۸.

۲. سوره هود (۱۱)، آیه ۴۲.

۳. سوره لقمان، (۳۱)، آیه ۱۳.

۴. روش دعوت محمد(ص)، ص ۵۱.

۵. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

۱۶. تبلیغ عملی

قرآن کریم می فرماید:

... وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا...

(فصلت: ۴۱)

چه کسی گفتارش بهتر است از آنکه دعوت به خدا کند و عمل صالح انجام دهد.

شیوه تبلیغ عملی از کارسازترین شیوه‌های تبلیغ در سازندگی فرد و جامعه است. شما پیام‌گزاران دینی اگر می‌خواهید تبلیغتان مؤثر باشد، حتماً بدان چه می‌گویید و مبلغ آن هستید، عمل کنید؛ زیرا عمل شما موجب اطمینان مخاطب و ارزش و عظمت شما در نظر او می‌گردد و بدانید که ارزش سخنان شما در نظر مخاطب، بستگی به ارزش خود شما دارد. شما توجه دارید که تبلیغ عملی، تبلیغی صامت و غیر مستقیم است و به تجربه ثابت شده که تبلیغ غیر مستقیم، تأثیر و کارایی بیشتری دارد. علاوه بر آن، این شیوه انتظارات مخاطبان را از شما برآورده می‌سازد، پیامتان را در دل و جان آنان می‌نشانند و جلو تبلیغات دشمن علیه شما را نیز می‌گیرد.

شما مبلغان دینی می‌دانید که عموم مردم به ویژه نسل جوان، بیشتر روی عمل شما حساب باز می‌کنند تا محتوای پیامتان. به همین جهت خداوند متعال در آیه مذکور در سوره فصلت بهترین و موفق‌ترین دعوت کننده مردم به سوی ارزش‌های دینی را کسی می‌داند که رفتارش، گفتارش را تصدیق کند.

مبلغان بدون عمل را مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

(بقره: ۴۴)

آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را از یاد برده‌اید در حالی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنید؟ آیا خرد نمی‌ورزید.

همچنین در آیه دیگری از برانگیخته شدن خشم الهی نسبت به کسانی که سخن می‌گویند و بدان جامعه عمل نمی‌پوشانند، یاد می‌کند.^۱

معصومین علیهم السلام نیز مردم را با عمل، به اخلاق و آداب اسلامی دعوت می‌کردند و همین امر از عوامل فوق العاده مهم، در جلب توجه مردم به سوی آنان بود. آنان مصداق این آیه شریفه بودند:

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَأَكُمُ عَنْهُ إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ... (هود: ۸۸)

من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح - تا آنجا که توانایی دارم - نمی‌خواهم!

رسول گرامی اسلام (ص)، اولین عمل کننده به سخنان خود بود، اگر تشویق به جهاد می‌کرد، خود پیشاپیش همه در میدان بود، اگر بحث از انفاق و تعاون داشت، خود در این زمینه نه تنها همگام مردم، بلکه پیشرو مردم بود و اگر بحث از لغو امتیازات طبقاتی داشت، خود به عنوان نمونه با بردگان می‌نشست و غذا می‌خورد و با اصحاب «صُفّه» به گفتگو، می‌پرداخت. خود کار می‌کرد و آن گاه مردم را به کار و تلاش فرامی‌خواند. ایشان در کندن خندق به سربازان کمک می‌کرد و در هیچ وضع و حالتی از همگامی با امت، خودداری نمی‌کرد.^۱

علی (ع) نیز در خطبه‌ای می‌فرماید:

ای مردم! به خدا سوگند من شما را به طاعتی تشویق نکردم مگر آنکه در عمل بدان، از شما سبقت گرفتم و شما را از گناهی باز نداشتم مگر آنکه قبل از شما، آن را ترک کردم.^۲

امام صادق (ع) نیز به عموم پیروان خود به ویژه شما مبلغان دینی که مروج مکتب آن حضرت هستید، چنین پیام داده است:

مردم را با غیر زبانتان (به سوی حق) فرا خوانید (و به گونه‌ای باشید) که آنان از شما ورع، تلاش در راه خدا، نماز و کارهای خیر ببینند؛ زیرا این امور، دعوت کننده به سوی دین است.^۳

۱. روش دعوت محمد (ص)، ص ۷۲-۷۳، با اندکی تصرف.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۷۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸، کتاب ایمان و کفر، باب ورع، ح ۱۴.

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید:

خدا رحمت کند گروهی را که برای ما همانند چراغ فروزان‌اند و با اعمال شایسته و تمام توان خویش (مردم را) به سوی ما دعوت می‌کنند.^۱

با توجه به آنچه گذشت به شما پیام‌گزاران دینی یادآوری می‌کنیم که:

- ۱- اصلی‌ترین عامل پیشرفت اسلام، تبلیغ عملی پیشوایان آن بود. اگر شما هم می‌خواهید موفق باشید علاوه بر تبلیغ زبانی، اهل عمل باشید.
- ۲- یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش مردم به شما، تقوا، ساده زیستی و اخلاق خوب شماست؛ پس به این اصول پایبند باشید.
- ۳- بدانید اگر عمل شما سخنانتان را تأیید نکند و یا برخلاف آن باشد، تبلیغات شما نتیجه عکس خواهد داشت.
- ۴- یکی از مظاهر تبلیغ عملی، همگامی با محرومان و رسیدگی به وضع آنان است. از این نکته نیز غافل نباشید.
- ۵- عمل شما باید همگام با پیامتان، در صحنه اجتماع و در منظر مردم باشد تا آنان شما را الگوی عملی خود ببینند؛ بنابراین از مردم کناره‌گیری نکنید.

۱۷. نظم و تشکیلات

امام علی (ع) می‌فرماید:

أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ.^۲

شما (حسن و حسین (ع)) و همه فرزندان و اهل‌م و هر آن‌کس که نامه من بدو رسد را به تقوای خدا و نظم در کارتان سفارش می‌کنم.

نظم به معنای ترتیب، سازمان و تشکیلات است.^۳

۱. تحف العقول، ص ۳۱۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۳. فرهنگ فارسی، واژه نظم.

بنابراین، شیوه‌ی نظم و تشکیلات عبارت است از کار تبلیغی منظم بر اساس برنامه‌ای مدوّن، هماهنگ با منابع موجود و مستعد، برای رسیدن به هدف.

تبلیغ بر اساس نظم و برنامه یکی از نیازهای مبرم جوامع دینی است و امروزه دشمنان اسلام تهاجم فرهنگی سازمان یافته‌ای را علیه ارزش‌های دینی شروع کرده‌اند و بدون نظم و برنامه ریزی، نمی‌توان با آنها مقابله کرد.

نظم و برنامه در فرآیند تبلیغ از مشکلات فراوانی همچون کارهای تکراری، هدر رفتن انرژی‌ها و... جلوگیری می‌کند و سبب موفقیت شما مبلغان می‌گردد. از این رو رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

در حوزه باید به تبلیغ به صورت جدی توجه بشود؛ یعنی برای تبلیغ برنامه ریزی بشود.^۱

قرآن مجید نیز به تبلیغ منظم و سازمان یافته اشاره کرده و فرموده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
(آل عمران: ۱۰۴)

باید از میان شما جمعیتی باشند که دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان همان رستگاران‌اند.

بدیهی است تعبیر به کلمه «أُمَّة» به معنای گروه و جماعتی که جنبه وحدتی میان آنان باشد،^۲ حاکی از این است که تبلیغ دین و دعوت به سوی خدا باید به طور گروهی، منظم و حساب شده باشد و تبلیغ فردی و پراکنده چندان کارساز نیست.

با توجه به آنچه گذشت، در این زمینه به شما توصیه می‌کنیم که:

- ۱- قبل از انجام برنامه‌های تبلیغی برای آن طرح تهیه کنید.
- ۲- هیچ‌گاه بدون مطالعه قبلی به تدریس و سخنرانی نپردازید.
- ۳- هماهنگی مراکز تبلیغی با همدیگر ضروری است، شما هم با مرکزی که از آنجا اعزام شده‌اید هماهنگ باشید.

۱. چکیده مقالات نقش آموزش در تبلیغ، ص ۴.

۲. مفردات راغب، ص ۱۹.

- ۴- از تبلیغات مبلغان قبلی آگاه شوید و همانها را دوباره تکرار نکنید.
- ۵- در ساعات خاص به تبلیغ دین پردازید و در بقیه آن به دیگر برنامه هایتان برسید.
- ۶- از بد قولی و خلف وعده در مورد مجالس تبلیغی اجتناب ورزید.
- ۷- دفتری تهیه کنید و برنامه های روزانه تبلیغی را در آن ثبت نمایید.
- ۸- به دستور العمل های تبلیغی عمل کنید.
- ۹- قبل از تبلیغ، اهدافتان را مشخص کنید و راههای رسیدن به آنها را شناسایی نمایید.

۱۸. امداد

رسول خدا(ص) می فرماید:

کسی که انسان ضعیفی را کمک کند خداوند او را کمک می نماید.^۱

شیوه تبلیغ همراه با امداد و کمک رسانی به محرومان، یکی از روش های مؤثر در تبلیغ دینی است.

این شیوه سبب محبوبیت شما مبلغان دینی می گردد و زمینه را برای نفوذ پیامتان فراهم می کند.

شما خوب می دانید که فقر و محرومیت چه بسا، سبب دوری مردم از دین و ارزش های الهی می گردد و از سوی دیگر انسان های مستمند، تشنه محبت و احسان هستند، پس بکوشید در حد توان، از بار فقر و محرومیت آنان بکاهید و در ضمن به تبلیغ ارزش های دینی نیز پردازید.

این شیوه در سیره تبلیغی پیامبر اسلام(ص) و دیگر معصومان(ع) نیز به چشم می خورد و آنان در کنار تبلیغ زبانی، به بیماران، فقرا و ایتام نیز رسیدگی می کردند. گرچه هدف آنان در این امور رضای خدا بود، اما این کار آنان عملاً سبب گسترش دین و جذب مردم به اسلام می گردید.

همچنین می دانید که امروزه مسیحیت از این راه، به بسیاری از اهداف تبلیغی خود دست می یابد پس شما هم دست به کار شوید و از خداوند غنی مطلق مدد بجویید و بدانید که او شما را کمک خواهد کرد.

ما در اینجا چند نکته را یادآور می‌شویم:

- ۱ - در محیط‌های تبلیغی، افراد مستمند را شناسایی کنید و با جذب کمک‌های مردمی، به آنان یاری رسانید.
- ۲ - معمولاً مردم در مراسم دینی، برنامه‌هایی همچون نذر، اطعام و... دارند شما می‌توانید با برنامه ریزی، این کمک‌ها را به سوی محرومان سوق دهید.
- ۳ - سعی کنید در محیط‌های مناسب، مؤسسه‌های امدادی همچون دار الایتام، انجمن‌های خیریه، صندوق قرض الحسنه و... تشکیل دهید و با هماهنگی دیگر مراکز امدادی، در این امور سهیم شوید.
- ۴ - مبنای کار شما فقر زدایی از محرومان باشد. بنابراین تا حد ممکن اسباب کار را برایشان فراهم کنید و استعدادهایشان را به آنان بشناسانید و به آنان بفهمانید که با کار، تلاش و فکر، می‌توانند خود را از فقر نجات دهند.
- ۵ - در مورد موضوعاتی همچون زکات، خمس، انفاق، ردّ مظالم و... نیز تبلیغ کنید.
- ۶ - شما می‌توانید از نیروی کار جوانان علاقمند، در ساخت و ساز مسکن محرومان، جمع‌آوری محصولات کشاورزان محروم و... بهره‌گیری کنید.
- ۷ - گروهی را تشکیل دهید و در روزهای تعطیل به عیادت بیماران بی بضاعت بروید و با هدیه‌هایی مختصر از آنان دلجویی کنید.

۱۹. آسان‌گیری

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

بُعِثْتُ إِلَيْكُمْ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ الْبَيْضَاءِ^۱

من بر شما، با دینی باگذشت، آسان و روشن مبعوث شده‌ام.

از دیگر شیوه‌های تبلیغ در اسلام، آسان جلوه دادن احکام دین و پیام‌های آن می‌باشد.

شما پیام‌گزاران دینی با روح افراد سر و کار دارید و چون روح انسان‌ها بسیار لطیف است و زود عکس العمل نشان می‌دهد، اگر انسان بر روح خودش و یا دیگران، فشار بیاورد، عکس‌العملی که روح ایجاد می‌کند، گریز و فرار است.

از این رو نباید در تبلیغ دین کاری کنید که افراد از دین فراری شوند باید از سختگیری، خشونت، سرزنش زیاد، طولانی کردن برنامه‌های فرهنگی و خسته کردن مردم دوری جویند. شما می‌دانید که دین اسلام، دین آسانی است و پیام آور آن می‌فرماید: من بر دینی با گذشت و آسان، مبعوث شده‌ام.^۱

پس شما هم سعی کنید احکام اسلام را برای مردم ساده و آسان جلوه دهید، از طرح مسائل پیچیده، برای عموم خودداری کنید و حکمت دستوراتی مثل روزه که بر حسب ظاهر از وظایف دیگر سخت‌تر است را بیان کنید، تا دین برای مردم شیرین و آسان جلوه کند. شما به مردم بگویید که:

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
(بقره: ۱۸۵)

خداوند راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را.

مردم باید بدانند که اگر خداوند برای آنها تکلیف‌هایی معین کرده هدف، قرار دادن آنها در سختی نیست بلکه برای رساندن آنان به کمال است. و می‌خواهد جامعه شان را از آلودگی‌ها پاک کند.

شما به مخاطبان خود یادآور شوید که خداوند متعال نسبت به بندگانی که قدم در راه او نهاده‌اند، توبه پذیر و آسان گیر است و دستورات او مطابق با طاقت و توان آنهاست. اکنون به نکات زیر، توجه کنید:

- ۱ - هرگز نسبت به مخاطبان خود به ویژه کسانی که تازه به دین روی آورده‌اند، سختگیری نکنید، بلکه آنان را با آغوش گرم بپذیرید و از خطاهایشان بگذرید.
- ۲ - در اجرای برنامه‌های فرهنگی، تند روی و افراط ننمایید و وضعیت روحی و جسمی افراد بیمار، سالخورده، میهمانان و همسایگان را مراعات کنید.

خوب است این سخن رسول خدا(ص) همیشه در نظر شما باشد:

این دین، دین وسط و میانه است. با رفق و مدارا در آن رفتار کن! زیرا آن کس که مرکبش را تند می‌راند، نه به مقصد می‌رسد و نه مرکب را سالم می‌گذارد.^۱

۳- بدون دلیل و مدرک، دین را در مقابل تمایلات مردم قرار ندهید.

۴- از عبارتهایی همچون: دینداری سخت است و کار هرکس نیست، معلوم نیست ما دیندار باشیم و... خودداری کنید و بدانید که این حرفها تأثیر منفی دارد.

۵- سعی کنید با آسان‌گیری در برنامه‌های دینی، مردم و به ویژه جوانان و نوجوانان را به سوی دین جذب کنید و مثل آن مسلمانی نباشید که مردی مسیحی را به اسلام راهنمایی کرد اما بر اثر سختگیری زیاد او را به مسیحیت بازگرداند.

۶- توجه داشته باشید که آسان‌گیری در دین، به معنای چشم پوشی از اصول و زیر پا گذاردن عمده‌ی دستورات خدا و شکستن حریمها نیست.

۲۰. سوگواری

از دیگر شیوه‌هایی که شما پیام‌گزاران می‌توانید در راه تبلیغ دین آن را به کار برید، شیوه سوگواری برای شهیدان راه خدا، به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) است.

این شیوه را معصومان(ع) بنا نهادند و پیروان خود را تشویق کردند تا برای شهیدان مجلس عزا تشکیل دهند و بر آنان بگریند. به عنوان مثال رسول گرامی اسلام پس از بازگشت از جنگ احد، وقتی صدای گریه زنان طایفه «بنی اشهل» و «بنی ظفر» را شنید که بر کشتگان خود می‌گریند حضرت نیز گریه کرد و فرمود: ولی «حمزه(ع)» امروز گریه کن ندارد! اینجا بود که زنان انصار جمع شدند و برای «حمزه(ع)» مجلس عزا تشکیل دادند و پیامبر(ص) در حق آنان دعا کرد.^۲

از امام زین العابدین(ع) نیز روایت شده که فرمود:

کسی که در عزای ما قطره اشکی بریزد، خداوند او را در بهشت جاودان جای می‌دهد.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۸.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۹۸.

۳. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۲۰۲.

شما مبلغان دینی می‌دانید که دشمنان اسلام در طول تاریخ، در صدد محو اسلام از صحنه جامعه بوده و هستند و یکی از عوامل مهمی که می‌تواند تلاش آنان را در این زمینه خنثی کند، همین مجالس سوگواری است؛ زیرا در این مجالس نام و خاطره شهیدان زنده می‌شود و در نتیجه مکتبی که برایش جان داده‌اند زنده می‌ماند.

به شما توصیه می‌کنم که در راستای بهره‌برداری هر چه بیشتر از این مجالس، به نکات زیر توجه کنید:

- ۱- برای مجالس سوگواری، برنامه ریزی کنید.
- ۲- بر برنامه‌های این گونه مجالس نظارت داشته باشید و نگذارید از اهداف اصلی خود منحرف شوند.
- ۳- در این مجالس، معارف اسلامی، اهداف شهیدان و راه و رسمشان را، به طور مختصر و شیوا بیان کنید.
- ۴- فلسفه گریه و عزاداری بر اهل بیت و شهیدان راه خدا را به مردم بگویید.
- ۵- شور و هیجان مردم را در راستای مبارزه با ظلم و ستم هدایت کنید.
- ۶- سخنان، اشعار و مرثی‌های خود را به روز کنید و از اشعار و مرثی‌های غیر منطبق با واقعه سترگ عاشورا و زندگانی دیگر ائمه (ع) پرهیزید.
- ۷- با مدیریت صحیح از بروز اختلافات و رقابت‌های ناسالم در این مجالس جلوگیری کنید.
- ۸- از آنجا که این مجالس مورد عنایت ائمه اطهار است با همه شرکت‌کنندگان به نیکی رفتار کنید.
- ۹- توجه داشته باشید که در سایه تذکرات شما، حریم ارزش‌های الهی همچون راستگویی، اخلاص، محرم و نامحرم، در این مجالس حفظ شود.
- ۱۰- در بیان ثواب گریه و عزاداری بگونه‌ای سخن نگویند و غلو نکنند که در شنوندگان جسارت در معصیت را به وجود بیاورد.

۲۱. جنگ روانی

«جنگ روانی استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور

اصلی آنها تأثیر گذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه‌های دوست است...»^۱

بنابراین مقصود از جنگ روانی، فرآیند تبلیغ در راستای تخریب روحیه دشمن و تقویت توان نیروهای خودی در عرصه‌های مذهبی، سیاسی و نظامی می‌باشد.

شایان ذکر است که با توجه به تعالیم اسلام، جنگ‌های روانی به دو قسم مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در قسم منفی از اموری همچون تهمت، شایعه، دروغ‌پردازی، ترور، شکنجه و... استفاده می‌شود که این امور از دیدگاه دین ممنوع است. در قسم مثبت، اموری همچون افشای ماهیت دشمن، ارباب و تحقیر وی و روحیه دادن به نیروهای مؤمن مطرح است که مقصود از جنگ روانی به عنوان شیوه تبلیغ، همین قسم است.

خداوند متعال در قرآن مجید به شیوه‌های مثبت جنگ روانی همچون تحقیر دشمن، ایجاد ترس در دل آنان، روحیه دادن به مسلمانان، مبارزه با شایعه و... اشاراتی کرده است. به عنوان مثال، پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، یهود و مشرکان مکه هم‌پیمان شدند تا در اقدامی هماهنگ، مسلمانان را به کلی از میان بردارند،^۲ اما خداوند متعال با نزول آیه زیر، روحیه آنان را در هم ریخت و فرمود:

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتْغَلِبُونَ وَ تُخْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهَادِ (آل عمران: ۱۲)

به کافران بگو: به زودی شکست می‌خورید و در روز قیامت به جهنم رهسپار خواهید شد و چه بد جایگاهی است.

پس از نزول این آیه، طولی نکشید که یهودیان مدینه و بت پرستان مکه شکست خوردند.^۳

جنگ روانی در سیره پیامبر

رسول گرامی اسلام (ص) نیز در رویارویی نظامی با دشمن، بارها از عملیات روانی

۱. جنگ روانی و تبلیغات، ص ۱۴۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۳۳.

۳. همان، ص ۳۳۴.

مثبت استفاده می‌کرد. به عنوان مثال همین که متوجه می‌شد دشمن قصد حمله به مدینه را دارد، به سوی دشمن می‌شتافت و با امداد از غیب، گاهی شکست دشمن و پیروزی مسلمانان را پیشگویی می‌نمود.

مثلاً چند ساعتی از شکست مسلمانان در احد نگذشته بود که پیامبر اکرم (ص) متوجه شد دشمن از میان راه برگشته و با حمله به مدینه می‌خواهد کار را یکسره کند. حضرت دستور آماده باش داد و مسلمانان با بدن‌های زخمی به سوی دشمن حرکت کردند. چون به «حمراء الاسد»^۱ رسیدند پیامبر (ص) دستور داد افراد در طول روز هیزم جمع کنند و چون شب فرا رسید، در پانصد نقطه آتش افروخت. سرانجام خبر آمادگی سپاهیان اسلام و تصور نیروی زیاد بر اثر آتش‌هایی که افروخته شد، دشمن را از تعرض بازداشت. اکنون به لحاظ اهمیت جنگ روانی توجه شما گزاران را به چند نکته جلب می‌کنیم:

- ۱- سعی کنید اهداف دشمن را در عملیات‌های روانی بشناسید و با آن مقابله کنید.
- ۲- دشمن در عملیات‌های روانی، معمولاً منافقانه وارد عمل می‌شود و اقدام به مردم فریبی می‌کند. سعی کنید چهره او و عواملش را به مردم معرفی کنید.
- ۳- در مقابله با جنگ روانی دشمن بر خدا توکل کنید و از هیاهو و سرو صدانهراسید.
- ۴- یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن، ایجاد یأس و بدبینی در میان مردم است. شما مردم را امیدوار کنید و به خوبی‌ها و کارهای مثبت انجام شده، توجه دهید.
- ۵- در مقابله با دشمن، استعدادها و تواناییهای مردم را به آنان گوشزد کنید.
- ۶- از شعارهای کوبنده، خطابه‌های مهیج و اشعار حماسی و...، در روحیه دادن به مردم استفاده کنید.
- ۷- هر چه بیشتر ایمان به خدا و امدادهای غیبی را در مردم تقویت کنید و بدانید که در این صورت شما پیروزید.
- ۸- شگردهای جنگ روانی دشمن را برای مردم بر ملا سازید.

۱. مکانی در هشت میلی مدینه (معجم البلدان، حمودی، ج ۲، ص ۳۰۱).

۲۲. پیشگیری

پیشگیری از آلوده شدن جامعه به گناه، از دیگر شیوه‌های تبلیغ دین است. در این شیوه مبلغ می‌کوشد بر اموری تأکید کند که از گسترش گناه و فساد جلوگیری می‌کنند. از آنجا که پیام‌گزار دینی، طبیب روحی مردم است، ضرورت دارد که بیش از اصلاح، بر پیشگیری از آلودگی به گناه تأکید کند و مانع سقوط افراد گردد. از دیدگاه اسلام راههای فراوانی برای پیشگیری از فساد و تباهی وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱ - استحکام بخشیدن به پایه‌های عقیده و ایمان مردم به خدا و معاد. مبلغان دینی باید عقیده به خدا و معاد را در جامعه ترویج کنند تا افراد به طور خودجوش به دستورات خدا گردن نهند و از گناه و فساد دوری کنند.

۲ - تعلیم قرآن و معارف دین:

روی آوردن به قرآن و معارف دین و بالا رفتن سطح آگاهیها، جامعه را از خطر انحراف مصون نگه می‌دارد؛ زیرا انسان‌های نادان، زودتر از دیگران فریب می‌خورند و به فساد می‌گیرند. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

دل‌های نادانان را طمع‌ها از جا می‌کند و آرزوها آنها را به گروگان می‌گیرد و نیرنگ‌ها، به دامشان می‌اندازد.^۱

همچنین آن حضرت در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان می‌فرماید:

به کودکان چیزهایی بیاموزید که خداوند به وسیله آن، ایشان را سود بخشد و «مرجئه»^۲ بر آنها پیروز نشوند.^۳

۳ - ترساندن از عواقب گناه

اگر انسان عواقب تلخ و ناگوار گناه را بداند و بدان باور داشته باشد، کمتر مرتکب آن

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳، روایت ۱۶.

۲. گروهی از مخالفان که معتقد بودند با وجود ایمان، معصیت ضرر ندارد. (بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۸).

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۷، روایت ۳۹.

می‌شود. از این رو بر پیام‌گزاران دینی است که سرگذشت کسانی را که بر اثر گناه تیره بخت شدند، برای مردم بازگویند و آنان را از عذاب‌های دنیوی و اخروی بترسانند.

۴- شخصیت دادن به افراد

انسان‌ها احترام به شخصیت خویش را دوست دارند و اگر بدانند که کارهای ناپسند آنها، به شخصیتشان ضربه می‌زند، برای حفظ مقام خود آن را ترک می‌گویند. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

کسی که شخصیت و شرف معنوی دارد، شهوات و تمایلات نفسانی در نظر او پست و کوچک است.^۱

و شاید سر آن همه احترامی که رسول خدا (ص) به مردم می‌گذارد، همین موضوع روانی باشد.

۵- حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه و دشمنی

اهمیت اسلام به وحدت و نهی از تفرقه و دشمنی، بدان جهت است که یکی از عوامل سقوط ملت‌ها، تفرقه و دشمنی است. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
(انفال: ۴۶)

فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر کنید که خداوند با صبرکنندگان است.

آنچه گذشت برخی از امور مؤثر در پیشگیری از گناه بود و موارد فراوان دیگری وجود دارد که به عنوان مثال، می‌توان به محرومیت زدایی، تشویق و تنبیه، زمینه سازی برای ازدواج، پرهیز از دروغ، حسد و... اشاره کرد.

۲۳. سخنرانی

این شیوه از دیدگاه دین اهمیت فراوانی دارد و قرآن مجید پس از ذکر خلقت انسان، به نعمت بیان که مهم‌ترین رکن سخنرانی است پرداخته، می‌فرماید:

(الرحمن: ۱-۴)

الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

خداوند رحمن قرآن را یاد داد. انسان را آفریده و به وی بیان آموخت.

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

اگر انسان زبان گویا نداشت، چیزی جز تصویری مُمَثَّل یا حیوانی متروک و مهمل نبود.^۱

و در حدیث دیگری می‌فرماید: دانشوران سخنگویی که علمشان را در راستای عمل به کار می‌گیرند، از پایه‌های استواری جهان‌اند.^۲

سخنرانی یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین شیوه‌های تبلیغ برای شما پیام‌گزاران است. شما بایستی در این شیوه، همواره اصول زیر را در نظر داشته باشید.

۱ - دربارهٔ مطلبی که می‌خواهید پیرامون آن سخنرانی کنید قبلاً مطالعه کرده، بدانید که آن را با چه نظم و ترتیبی بیان کنید.

۲ - مقدار درک شنوندگان را در نظر بگیرید و در خور فهم آنان سخن بگویید.

۳ - سخنرانی از سه قسمت عمده تشکیل می‌شود: مقدمه، بدنه و خاتمه؛ شما باید درباره هر سه قسمت قبلاً طرح ریزی کنید.

۴ - در سخنرانی کلمات زیبا و روان به کار برید و از مغلط گویی و سخنان مستهجن دوری کنید.

۵ - شما باید علاوه بر توجه به عواطف و احساسات، به اقناع عقلی شنوندگان نیز بپردازید.

۶ - از نقل سخنانی که به نظر دروغ و غیر قابل قبول می‌آید، پرهیز کنید.

۱. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۷۷۶.

۲. امالی صدوق، مجلس ۵۵، ص ۴۲۴.

- ۷- توجه داشته باشید که شنوندگان بیش از شما خسته می‌شوند بنابراین سخنرانی‌تان را طولانی نکنید.
- ۸- همیشه متناسب با مجلس، کوتاه و مفید سخن بگویید.
- ۹- سعی کنید زمان و اهل زمان را بشناسید و به روز سخنرانی کنید.
- ۱۰- به شخصیت شنوندگان احترام بگذارید و همه را مخاطب خود به حساب آورید.
- ۱۱- بین مطلب مورد بحث و تَن صدا و حرکات دست و بدن هماهنگی ایجاد کنید.
- ۱۲- قبل از سخنرانی تمرین کنید.
- ۱۳- در سخنرانی باید وضع ظاهری شما مرتب باشد.
- ۱۴- شوخی و لطیفه می‌تواند چاشنی خوبی برای سخنرانی شما باشد. ولی باید شوخی و لطیفه شما به جا باشد.
- ۱۵- در سخنرانی شور و شوق داشته باشید و شنونده را به وجد آورید.
- ۱۶- اخلاص در عمل، شرط پاداش و تأثیر سخنان شماست، بدان اهمیت دهید.
- ۱۷- به آنچه می‌گویید عمل کنید.
- ۱۸- از وسائل سمعی و بصری به عنوان وسائل جانبی در سخنرانی استفاده کنید.

۲۴. تدریس

تدریس به معنای درس دادن کتاب است.^۱ فرق تدریس با تعلیم در این است که تعلیم هرگونه یاد دادن را شامل می‌شود، ولی تدریس به تعلیماتی گفته می‌شود که از روی کتاب و دفتر باشد.^۲

شیوه تبلیغ به صورت تدریس برای شما پیام‌گزاران دینی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا، از انسجام بیشتری برخوردار است و ماندگارتر می‌باشد. علاوه آنکه امروز این شیوه جای خود را در جهان باز کرده، بسیاری از مرام‌ها و مکتب‌ها، اعتقادات خود را با شیوه تدریس ارائه می‌کنند.

۱. اقرب الموارد، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۸۲.

در قرآن مجید به این شیوه اشاره شد، می‌فرماید: شایسته پیامبران الهی این است که مردم را در پرتو تعلیم و تدریس حقایق دین، به صورت دانشمندانی زبانی در آورند.^۱ این شیوه در سیره پیامبران و امامان نیز وجود داشته است. معروف است که حضرت ادریس (ع)، اهتمام زیادی به تدریس و انتقال علوم داشته^۲ و بدین جهت او را «ادریس»^۳ نامیده‌اند. رسول گرامی اسلام (ص) نیز در حدیثی فرمود:

اگر زندگی سعادت‌مندانه می‌خواهید، قرآن را مطالعه و تدریس کنید.^۴

ائمة معصومین نیز از این شیوه استفاده کرده‌اند. معروف است که امام صادق (ع) چهار هزار شاگرد داشت^۵ و چهار صد نویسنده، روایات آن حضرت را به رشته تحریر درآورده‌اند.^۶ با توجه به اهمیت این شیوه، نکات زیر را به شما مبلغان دینی یادآوری می‌کنیم:

- ۱- نسبت به موضوع تدریس اطلاع جامع و کافی داشته باشید تا هم خوب تدریس کنید و هم قادر به دفع شبهه‌ها باشید.
- ۲- فن اداره کلاس را بیاموزید.
- ۳- به آنچه تدریس می‌کنید معتقد و پایبند باشید.
- ۴- بیشتر به تدریس مسائل مورد نیاز و کاربردی بپردازید.
- ۵- از خشکی و یکنواختی کلاس بکاهید.
- ۶- مطلب را به شاگردان تفهیم کنید.
- ۷- سعی کنید کلاس درستان خسته‌کننده و طولانی نباشد.
- ۸- اجمالی از درس قبل را تکرار کنید.
- ۹- از شاگردان سؤال نمایید.

۱. آل عمران، (۳) آیه ۷۹.

۲. اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغ، ص ۲۵۰.

۳. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۷۰.

۴. همان، ج ۹۲، ص ۱۹.

۵. شیخ طوسی نام بیش از سه هزار تن از اصحاب آن حضرت را آورده است (رجال طوسی، ص ۱۴۲ تا ۲۴۲).

۶. امام صادق (ع) پیشوای مسلمانان، ص ۱۷۱.

- ۱۰- از وسایل و ابزار کمک آموزشی استفاده کنید.
- ۱۱- نسبت به شاگردان خود تواضع و فروتنی کنید و خوش اخلاق باشید.
- ۱۲- از جدال و کشمکش دوری کنید و صبور باشید.
- ۱۳- قبل از درس با موعظه‌ای کوتاه، دانش آموزان را نصیحت کنید.
- ۱۴- به شخصیت دانشجویان احترام بگذارید.
- ۱۵- برخی مسئولیتها را به آنان واگذار کنید.
- ۱۶- شاگردان ممتاز را تشویق کنید و به شاگردان ضعیف اعتماد ببخشید.
- ۱۷- روحیه تحقیق و پژوهش را در شاگردان خود تقویت کنید.
- ۱۸- درس را با یاد خدا و استمداد از او شروع کنید و با یاد او خاتمه دهید.
- ۱۹- صدایتان را در کلاس درس خیلی بلند نکنید.
- ۲۰- سعی کنید کلاس درس از جهت نور، هوا، صدا و... مناسب باشد.
- ۲۱- تدریس تان را به محیط‌های آموزشی محصور نکنید، بلکه در خانه، مسجد و فضاهای طبیعی نیز کلاس درس داشته باشید.
- ۲۲- به آنچه نمی‌دانید پاسخ ندهید.
- ۲۳- در تدریس اخلاص داشته باشید و به آنچه می‌گویید عمل کنید.
- ۲۴- نظم در ساعت ورود و خروج کلاس را رعایت کنید.
- ۲۵- اگر به هر علت تأخیری در ورودتان به کلاس رخ داد شاگردان را توجیه نمائید تا بازتاب بدی برای اعتماد آنها نداشته باشد.

۲۵. داستان

تبلیغ مفاهیم و ارزش‌های دینی در قالب داستان، از بهترین شیوه‌های تبلیغ دین برای کودکان و نوجوانان بلکه عموم مردم است. قرآن که کتاب دعوت، تربیت و انسان‌سازی است به این شیوه عنایت داشته و داستان‌های فراوانی را از افراد و امت‌های صالح و ناصالح آورده است که عدد آنها به ۲۶۸ قصه می‌رسد.^۱

- شما پیام گزاران دینی باید جهت استفاده بهینه از این شیوه، نکات زیر را به کار گیرید:
- ۱- فن داستان سرایی و قصه گویی را بیاموزید.
 - ۲- تبلیغتان را توأم با قصه‌های جذاب و آموزنده کنید.
 - ۳- داستان‌ها را پس از پردازش، به زبان روز بیان کنید.
 - ۴- در قصه گویی، سن، جنس و محیط شنوندگان را در نظر بگیرید.
 - ۵- توجه داشته باشید که قصه‌های موجود در قرآن و روایات، بهترین‌ها هستند، آنها را برای مردم بیان کنید.
 - ۶- قصه‌های واقعی بگویید نه خیالی.
 - ۷- هدفتان از قصه گویی تربیت و برانگیختن تفکر باشد نه سرگرمی.
 - ۸- همیشه از داستان نتیجه بگیرید و نکات آموزنده آن را یادآور شوید.
 - ۹- مراقب باشید قصه‌های شما بد آموزی نداشته باشد.
 - ۱۰- در قصه گویی از دروغ و تحریف پرهیزید.
 - ۱۱- از فضاهای طبیعی و جذاب همچون کوه، جنگل و... به تناسب قصه بهره بگیرید.
 - ۱۲- قصه‌هایی را انتخاب کنید که پیامی شفاف و گویا برای موضوع مورد بحث شما را داشته باشند.

۲۶. دعا

دعا به معنای سؤال و استغاثه است^۱ و مقصود از شیوه دعا در این بحث، تبلیغ غیر مستقیم معارف دین در قالب دعا و درخواست از خداست.

شما پیام گزاران دینی می‌دانید که در تبلیغ دین، مهم‌ترین اصل، تحکیم پایه‌های اعتقادی و روحی مردم است و یکی از راههای تحقق این اصل مهم، توجه دادن انسان‌ها به خدا، از راه دعا و استمداد از او است.

این شیوه در قرآن مجید به کار رفته و در آیات متعدد، خداوند متعال به پیامبرش دستور داده که برخی امور مهم را در قالب دعا از خداوند بخواهد؛ به عنوان مثال:

۱. مفردات راغب، ص ۱۷۱.

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

(طه: ۱۱۴)

بگو خدایا دانش مرا زیاد گردان.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز در لحظات حساس، دست به درگاه خدا برمی داشت و با دعا، به پیروان خود روحیه می داد و در ضمن دعا معارف الهی را نیز به آنان می آموخت.^۱

امام سجاد (ع) نیز در شرایط سخت و خفقان اموی، با شیوه دعا به نشر مسائل اعتقادی و تربیتی پرداخت که کتاب پر ارج و گرانقدر صحیفه سجادیه قسمتی از آن دعاها می باشد.

شما مبلغان دینی نیز از دعا و توجه به خدا در پیشبرد برنامه های تبلیغی بهره بگیرید و با تشکیل مجالس دعا و توضیح مختصر پیرامون فرازهای آن، مردم را به سوی خدا سوق دهید، ولی مراقب باشید این مجالس طولانی و خسته کننده نباشد.

شما در پایان سخنرانی و بین آن، پایان سفره و در اماکن زیارتی و... می توانید با دعا، پیامتان را ابلاغ کنید. به شما توصیه می کنیم که سعی کنید در دعاهایتان به مشکلات روز جامعه و علل آن اشاره کنید تا شنوندگان بدانند که مشکل فعلی آنان کدام است و از کجا سرچشمه گرفته است.

شما در لحظات خطر می توانید با دعا، به دیگران روحیه بدهید و با استمداد از خداوند متعال و اهل بیت پیامبر (ص)، در حل مشکلات و بر طرف شدن آنها بهره بگیرید.

در پایان توجه داشته باشید که دعاها ی معصومان به ویژه حضرت سجاد (ع)، گنجینه های پر ارزشی برای محورهای تبلیغی شما هستند، از آنها غفلت نورزید.

۲۷. تلاوت قرآن

تلاوت به معنای خواندنی است که با پیروی همراه باشد.^۲

مقصود از تلاوت قرآن در این بحث، ابلاغ پیام دین از راه خواندن قرآن و جذب افراد به سوی آن است.

۱. ر.ک. سبل الهدی والرشاد، ج ۴، ص ۲۲۷ و دیگر کتب سیره.

۲. مفردات راغب، ص ۷۱.

قرآن مجید همچنان که در جهات علمی معجزه است، در شیوایی، بلاغت و نفوذ در دلها نیز معجزه است و می‌تواند عقلها را تسلیم و روحیه‌های مختلف را به سوی خود جذب کند. قرآن به مثابه مشعل پر نوری است که شما پیام‌گزاران می‌توانید با آن، انسان‌ها را از ظلمت نجات دهید و به سوی نور رهنمون شوید. امام صادق (ع) می‌فرماید:

همانا این قرآن در آن مشعل هدایت و چراغ‌های تاریکی است. پسر بینندگان باید دیده خود را جلا دهند و برای دیدن نور، آن را بکشایند...^۱

شما پیام‌گزاران دینی به این نکته توجه داشته باشید که اگر به تلاوت و آموزش قرآن روی آورید از بهترین‌ها هستید؛ چرا که رسول خدا (ص) می‌فرماید:

خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ.^۲

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران نیز یاد دهد.

نظر به اهمیتی که تلاوت و آموزش قرآن در تبلیغ دین و زنده نگهداشتن روح ایمان دارد، در روایات تأکید فراوانی نسبت بدان شده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

دلها را زنگار می‌گیرد همچنان که آهن زنگ می‌زند. گفتند: ای رسول خدا چگونه می‌توان دلها را جلا داد؟ فرمود: با تلاوت قرآن و یاد مرگ.^۳

همچنین آن حضرت هرگاه مبلغان را اعزام می‌فرمود آنها را به آموزش قرآن توصیه می‌نمود. نمونه آن فرستادن «معاذ بن جبل» به یمن بود که به او فرمود:

عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ.^۴

کتاب خدا را به آنان بیاموز و آنها را به اخلاق صالحان، به بهترین وجه تربیت کن.

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۶۰۰.

۲. محجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۱۰؛ میزان الحکمة، ج ۳، ۲۵۲۱.

۳. همان، ص ۲۱۱.

۴. تحف العقول، ص ۲۵.

با توجه به دستوراتی که در روایات راجع به تلاوت و آموزش قرآن داده شده است، نکات کاربردی زیر را به شما توصیه می‌کنیم:

۱- در محیط‌های تبلیغی کلاس‌های آموزش و تلاوت قرآن تشکیل دهید و آنها را با برنامه‌های جنبی، همچون قصه، اشعار و پذیرایی جذاب و پرنشاط سازید.

۲- قرآن را صحیح و با صدای زیبا بخوانید و اگر نمی‌توانید از استادان فن در این راستا استفاده کنید.

۳- در کلاس‌ها و جلسات قرآنی نماز و برنامه داشته باشید.

۴- نکته‌های مهم تفسیری آیات قرآن را برای شنوندگان بیان کنید.

۵- از تفسیر قرآن بدون مطالعه قبلی و مطابق با میل و نظر خودتان دوری کنید.

۶- توجه داشته باشید که اگر شما نسل جوان را با تلاوت و تفسیر قرآن آشنا کنید، جامعه از تهاجم فرهنگی دشمن مصون خواهد ماند، پس در این زمینه بیش از زمینه‌های دیگر بکوشید.

۷- در آموزش کودکان و نوجوانان، از سوره‌های کوچک قرآن شروع کنید و معانی آنها را نیز به ایشان بیاموزید.

۸- جلسات قرآنی شما نباید طولانی و خسته‌کننده باشد.

ابزارهای تبلیغ دینی

ابزار تبلیغ یکی از ارکان مهم پیام‌گذاری است که امر تبلیغ بدون آن سامان نمی‌یابد و توجه بدان یکی از رمزهای موفقیت مبلغان دینی است. امروزه از جمله ضروری‌ترین وظایف مدیران تبلیغاتی، شناخت انواع ابزارهای تبلیغی، کاربری آنها و نحوه تأثیرگذاری این ابزارها بر مخاطبان است. پیشرفت صنعتی، تخصصی شدن به کارگیری ابزارهای تبلیغی، تنوع ساختاری و تحول روزمره ابزارها، همگی می‌طلبد که شما پیام‌گزاران دینی هر چه بیشتر خود را به اطلاعات جدید در مورد ابزارها مجهز کنید و توانمندی خود را در به کارگیری آنها افزایش دهید. شما بایستی طرح تبلیغی خود را با وسایل جدید و مناسب هماهنگ سازید و بدانید که ناهمخوانی وسیله و طرح، موفقیت شما را کاهش می‌دهد و عامل بروز مشکلاتی برای شما می‌گردد. در این فصل درباره موضوعاتی همچون مشروعیت ابزارهای تبلیغ، انواع آن و... به شرح زیر بحث خواهد شد.

تعریف:

ابزارهای تبلیغ وسائل یا وسائلی هستند که پیام‌رسان، پیام خویش را به وسیله آنها به پیام‌گیرنده منتقل می‌کند تا وی را به پذیرش محتوای پیام وادارد.^۱

۱. پژوهشی در تبلیغ، ص ۲۹۷، باندکی تصرف.

با توجه به اصل مشروعیت ابزار در تبلیغ دینی که درباره آن بحث خواهد شد، می توان گفت که ابزارهای تبلیغ دینی و سائلی هستند که مبلغ پیام خویش را به وسیله آنها به گوش و جان پیام گیرنده منتقل می کند تا او را به سوی ارزش های الهی رهنمون سازد.

اهمیت:

درباره ضرورت و اهمیت ابزار صحیح تبلیغ، توجه شما مبلغان دینی را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱ - امروزه دشمنان دین و بشریت، با وسائل مدرن و به طور غیر مستقیم به جنگ با ارزش های الهی برخاسته اند و این می طلبد که شما هم در حد توانتان از همان وسائل استفاده کنید و به تبلیغ دین و گسترش آن پردازید؛ چرا که قرآن کریم می فرماید:

فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ (بقره: ۱۹۴)

هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن، بر او تعدی کنید!

۲ - اگر شما در تبلیغات دینی علاوه بر ابزارهای سنتی از ابزارهای جدید و مناسب هم استفاده کنید عرصه را بر دشمن تنگ نموده، با توکل به خدا حتماً پیروز خواهید شد ولی اگر صحنه را خالی بگذارید دشمن موفق خواهد شد.
قرآن مجید در این زمینه می فرماید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

و سست نشوید و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

۳ - در اهمیت ابزار تبلیغ همین بس که خداوند متعال به دو وسیله مهم آن؛ یعنی «قلم» و «نوشته» سوگند یاد کرده و فرموده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قلم: ۱)

سوگند به قلم و آنچه می نویسند.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز مداد علما را از خون شهیدان برتر دانسته است؛^۱ زیرا این قلمها هستند که شهید پرورند.

همچنین خداوند متعال در مورد «بیان» که جامع ترین ابزار تبلیغی است می فرماید:

الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (الرحمن: ۱-۴)

خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید و به او «بیان» را آموخت.

۴- شما می توانید از همه ابزارهای ممکن با رعایت تناسب و مشروعیت بهره بگیرید.

مشروعیت:

در زمینه مشروعیت ابزارهای تبلیغ دینی، امور زیر را رعایت کنید:

۱- در تبلیغ دین همچنان که هدف شما مقدس است. وسیله تان نیز باید از هر گونه شائبه کثری و پلیدی پاک باشد.

۲- هرگز از افکار خرافی و غلط در راستای تبلیغ دین سود نبرید و در برابر این افکار ساکت نمانید.

۳- بدانید از دیدگاه اسلام، بر خلاف مکتب‌های الحادی، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند بنابراین سعی کنید از وسائل مشروع استفاده نمایید و نتیجه را به خداوند متعال واگذارید.

۴- به خاطر بسپارید که رسول گرامی اسلام (ص)، استفاده از وسایل و موقعیت‌هایی را که در تسریع پیام‌گذاری مؤثر بود ولی در نهایت اصل و اساس پیام را خدشه‌دار می‌ساخت، جایز نمی‌شمرد.

۵- در جلب توجه دیگران، از نقل شنیده‌ها و مطالبی که به صحت آنها اطمینان ندارید دوری کنید و سعی کنید در ذکر داستانها، احادیث، ذکر مصائب و... مستند و عقلانی سخن بگویید.

تناسب:

مناسب بودن ابزار پیام با روحیات مخاطب و شرایط زمانی و مکانی، یکی از اصول مهم انتخاب ابزار است، بنابراین به شما توصیه می‌کنیم که:

۱- در به کارگیری ابزار تبلیغ، روحیات و آداب و رسوم مثبت پیام گیرندگان را در نظر بگیرید؛ به عنوان مثال در یک انجمن ادبی، بیشتر از شعر و نکات جالب ادبی استفاده کنید.

۲- ابزارهای تبلیغی باید با میزان استعداد، درک و نیاز مخاطبان، هماهنگ باشد.

۳- هماهنگ بودن ابزار پیام با محتوای آن نیز یکی از نکات مهمی است که شما باید به آن توجه داشته باشید؛ مثلاً موعظه را با زبانی آرام و مطالب حماسی را با لحنی شورانگیز به مخاطب القا کنید.

۴- توجه داشته باشید که مخاطبان شما از ابزارهای تبلیغی جدید لذت بیشتری می‌برند و کارایی آن برای شما بیشتر است. همچنان که ممکن است نسبت به ابزارهای کهنه و تکراری اظهار بی میلی کنند.

۵- به شما یادآور می‌شویم که ابزارهای سمعی بصری، جذاب‌تر و با روحیات عموم مردم سازگارتر و مناسب‌تر است، بنابراین، بیشتر از این ابزارها استفاده کنید.

انواع ابزار

در عصر حاضر که آن را عصر انفجار اطلاعات نامیده‌اند، ابزارهای مثبت و منفی فراوانی از سوی مراکز تبلیغی جهانی به کار گرفته شده‌اند.

اهمیت و جایگاه این ابزارها در تسخیر افکار، می‌طلبد که شما پیام گزاران دینی نیز با آنها آشنا شوید و در حد توان، خودتان را بدانها مجهز کنید.

گرچه شناخت تمامی این ابزار و فنون به کارگیری آنها، کتابی مستقل می‌طلبد، اما ما ناگزیر از پرداختن به برخی از آنها و بیان دیدگاه دین پیرامون آنها، به شرح زیر می‌باشیم:

۱. شعر

از گذشته‌های بسیار دور، شعر یکی از ابزارهای مهم تبلیغ بوده است و شاعران متعهد

از جمله کسانی بوده‌اند که در اعتلای فرهنگها و تمدن‌ها کوشیده‌اند؛ گرچه در این میان، شاعران خود فروخته‌ای نیز بوده‌اند که با شعرشان، جوامع بشری را به انحطاط و ابتذال سوق داده‌اند.

اسلام به عنوان یک مکتب هنر پرور، به شعر و ادب اهمیت فراوانی داده است. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمًا وَإِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ لَسِحْرًا.^۱

برخی شعرها حکمت است و برخی بیانها افسون.

همچنین وقتی عبدالرحمن بن کعب، دیدگاه آن حضرت را درباره شعر جویا شد، فرمود:

همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست شعرهای شاعران (مؤمن) چون تیرهایی است که به دشمن می‌زنند.^۲

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید:

کسی که شعری درباره ما بسراید خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بسازد.^۳

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

هیچ سراینده‌ای درباره ما شعری نگفت مگر اینکه «روح القدس»^۴ کمکش کرد.^۵

با توجه به اهمیت شعر در فرآیند تبلیغ به شما پیام‌گزاران دینی توصیه می‌کنیم که:

۱- در تبلیغ عقاید، اخلاق و مسائل سیاسی از اشعار و سروده‌های قوی و پر محتوا استفاده کنید و بدانید آن زبانی که می‌تواند پیام دین را به اعماق جوامع برساند، زبان شعر، ادب و هنر است.

۱. امالی صدوق، ص ۴۹۵، ج ۶.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۲۶.

۳. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۴.

۴. «جبرئیل امین».

۵. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۴.

- ۲- توجه داشته باشید که گاهی یک بیت شعر، گویاتر از چند ساعت سخنرانی یک سخنور تواناست. و ارزش شاعران متعهد و ماهر از دیگر دانشمندان کمتر نیست.
- ۳- در پیام رسانی، اشعاری را انتخاب کنید که دارای محتوایی خوب، الفاظی زیبا و مضمونی مناسب باشد و به شعر کم مایه قانع نشوید.
- ۴- لازم است اشعار قوی فارسی را که پیرامون معارف اسلامی و نیازهای روز جامعه سروده شده است از کتاب‌های گوناگون استخراج کنید و به احیای آنها اهتمام بورزید.
- ۵- در نقل اشعار دیگران امانت را رعایت کنید.
- ۶- دقت کنید که اشعار را درست و بجا بخوانید و تُن صدای شما به تناسب مضمون بیت تغییر کند. و حالتی متناسب با محتوای شعر داشته باشد.
- ۷- از خواندن اشعار غلط و سطح پایین خودداری کنید.
- ۸- در شعرتان سعی کنید با مردم حرف بزنید و از اشعاری استفاده کنید که مردم بفهمند.
- ۹- لازم نیست که شما در پیام رسانی، یک غزل را از اول تا آخر بخوانید، بلکه در هر مناسبتی، از یک بیت یا دو بیت استفاده کنید، در این صورت، پیام شما دلنشین می‌شود.
- ۱۰- در مناسبت‌های تبلیغی از شاعران و مداحان متعهد قدردانی کنید و با آنان در اعتلای شعر و ادب، همفکری و تبادل نظر نمایید.

۲. اذان

یکی دیگر از ابزارهای تبلیغ دین، اذان و اقامه است. اذان و اقامه از دیدگاه اسلام اهمیت فراوانی دارد. از رسول خدا(ص) نقل شده که می‌فرماید:

چون قیامت فرا رسد منادی ندا می‌کند کجایند مهمانان خدا؟ پس روزه داران را می‌آورند، و ندا می‌کنند کجایند مواظبت کنندگان خورشید و ماه (آنان که مراقب اوقات شبانه روزند) پس اذان گویان را می‌آورند و بر اسب‌هایی از نور می‌نشانند و در حالی که بر سر آنان تاج کرامت است، آنان را به بهشت می‌برند.^۱

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۶۳۲، به نقل از اذان نغمه آسمانی، ص ۹۵.

و نیز از آن حضرت نقل شده است که می‌فرماید:

... به راستی که اذان گویان امت من با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، محشور خواهند گردید.^۱

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

سه گروهند که خداوند آنان را از عذاب قبر ننگه می‌دارد: شهید و اذان‌گو و آنان که در شب یا روز جمعه از دنیا بروند.^۲

اذان و اقامه در تبلیغ و گسترش دین نقش به‌سزایی دارد؛ زیرا اذان اعلان توحید و سبب بقای نام پیامبر اسلام (ص) و نفوذ مکتب و جلوه‌خاص رسالت اوست. اذان، دعوت به فلاح و رستگاری و نماز به عنوان مهم‌ترین واجب الهی است و در رأس فروع دین قرار دارد.

اذان، رمز حیات دین و پیروزی حق بر باطل است. از امام صادق (ع) نقل شده که ابراهیم بن طلحه بن عبیدالله از امام زین العابدین (ع)، پس از شهادت امام حسین (ع)، پرسید: «چه کسی پیروز شد؟» امام (ع) در جواب فرمود: اگر می‌خواهی بدانی چه کسی پیروز شد، هنگام نماز، اذان و اقامه بگو.^۳

اذان سبب شکست دشمنان و فریادی علیه آنان است؛ فریادی که امامان شیعه و بزرگان دین، بیشترین بهره را از آن در جهت اعتلا و پیشرفت دین بردند و دشمن زبون را به وسیله آن، رسوا کردند. به عنوان مثال امام سجاد (ع) در مجلس یزید با استفاده از جملات اذانِ شخص مؤذن مردم را بیدار و دشمن را درمانده کرد.

اذان سبب تقویت روحیه مؤمنان و مجاهدان راه خدا، در مصاف با باطل است.

۱. امالی صدوق، ص ۱۶۳.

۲. انوارالهدایة، ص ۱۸۷، به نقل از اذان نغمه آسمانی، ص ۹۶.

۳. امالی، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۹۰.

امام امیر مؤمنان علی (ع) در جنگ صفین، نزدیک کوه بودند؛ وقت نماز مغرب فرا رسید، لحظاتی به فکر فرو رفت و سپس اذان گفت.^۱

امام حسین علیه السلام هم صبح عاشورا خود اذان و اقامه گفت و نماز صبح را با اصحابش خواند.^۲

افزون بر آنچه گفته شد اذان و اقامه فوائد دیگری نیز دارد؛ برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱- اذان نور است و کسی که به ندای مؤذن پاسخ دهد، نجات خواهد یافت و کسی که سستی و بی‌اعتنایی کند به ذلت و بدبختی خواهد افتاد و رسول خدا (ص) دشمن او خواهد بود.^۳

۲- در اذان و اقامه یک انسان موحد، عقاید خود را با صدای بلند و در انظار عمومی ارائه می‌کند و ندای توحید را به دیگران اعلام می‌دارد؛ و با این کار علاوه بر تبلیغ دین، اعتماد به نفس و شجاعت خویش را نشان می‌دهد.

۳- اذان و اقامه تلقین معارف اسلام در گوینده و شنونده اذان است و شاید علت استحباب گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد همین باشد.

۴- کسی که پیوسته در اوقات نماز اذان بگوید، مشمول غفران و آمرزش خداوند قرار خواهد گرفت چرا که رسول خدا (ص) در حق اذان‌گویان دعا کرده و فرموده است:

خدایا اذان‌گویان را بیامرز!^۴

۳. کتاب

به مجموعه نوشته شده کتاب گفته می‌شود.^۵

کتاب خوب، عنصری با ارزش و مهم در عرصه فرهنگ است و خداوند متعال درباره اهمیت آن فرموده است:

۱. امالی، شیخ مفید، ص ۱۰۵، مجلس دوازدهم، ج ۵.

۲. معالی السبطین، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. مضمون حدیثی از رسول خدا (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۵۴) بیروت.

۴. جامع المقاصد، محقق کرکی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۵. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۶۹۸.

(قلم: ۱)

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: کسی که علمی یا حدیثی را از من به رشته تحریر در آورد تا هنگامی که آن دانش باقی است برای او پاداش (نیک) خواهند نوشت.^۱ همچنین آن حضرت می‌فرماید: علم را با نوشتن به زنجیر بکشید.^۲ (و از ضایع شدن و هدر رفتن آن جلوگیری کنید).

نقش کتاب در تکامل جامعه: کتاب خوب یکی از بهترین ابزارها برای تکامل بشر است؛ چرا که می‌تواند دروازه‌ای از جهان گسترده دانش و معرفت را به روی انسان بگشاید و جوامع را با دستاوردهای انسانی و معارف الهی آشنا سازد. کتاب نقش برجسته و عمده‌ای در پیدایش، تکمیل و تصحیح آگاهیهای جامعه دارد و در مسائل گوناگون داخلی و خارجی می‌تواند به منزله نوری فرا روی انسان‌های مجاهد و تلاشگر باشد.

پیرایش فرهنگ دینی از زواید زیان آور و گسترش آن در همه سطوح، نیازمند تلاش فراوان است و کتاب‌های خوب در این عرصه می‌توانند نقش به‌سزایی ایفا کنند.

نقش کتاب در پاسداری از مرزهای عقیده: در عصر حاضر که عصر تهاجم فرهنگی دشمن است بخشی از تلاشهای گسترده بیگانگان برای مقابله جدی با اسلام، معطوف نگارش کتابهای خاصی است که طی آن به ایراد شبهه و خدشه‌دار ساختن اعتقادات مذهبی می‌پردازند. از این رو بر متولیان فرهنگی است که در راه مبارزه با این آثار، به وسیله نشر کتاب و راههای دیگر به شبهه‌ها پاسخ قانع‌کننده و منطقی بدهند.

از سوی دیگر امروزه سؤال‌های عمده‌ای در اذهان مردم به ویژه نسل جوان وجود دارد که می‌بایست بدانها پاسخ قوی و تحقیقی داده شود و به صورت کتاب عرضه گردد.

۱. کنز العمال، ج ۲۸۹۵۱ و ۲۹۳۳۲.

۲. همان.

رعایت اولویتها: شما پیام گزاران دینی و متولیان فرهنگی بایستی در مطالعه، چاپ و ترویج کتاب و کتابخوانی، اولویتها را رعایت کنید ما در اینجا به شما توصیه می‌کنیم که اولاً کتابهای خوب را با دقت مطالعه کنید؛ دوم، از مراجعه و دقت در کتاب آسمانی قرآن غفلت نورزید و از این دریای بی کرانه دانش الهی، بهره ببرید؛ سوم، در تدوین، چاپ و ترویج کتاب، به کتابهایی اولویت دهید که مطابق با نیاز جامعه باشد و به سؤالهای آنها پاسخهایی زیبا، متین و قانع کننده بدهد.

راههای ترویج کتاب و کتابخوانی

یکی از دردهای جامعه امروز ما، کمبود کتاب در برخی زمینه‌ها و بی توجهی یا کم توجهی افراد به کتاب و مطالعه است که متولیان فرهنگی باید برای آن چاره‌ای بیندیشند و ریشه‌های آن را بر طرف کنند. ما در اینجا به برخی از راههای ترویج کتاب و کتابخوانی اشاره می‌کنیم:

- ۱- بدون تردید اولیا و مربیان نقش برجسته‌ای در رشد گرایش کودکان و نوجوانان به کتاب دارند. آنها باید با تهیه و خرید کتاب و تشویق و ترغیب بچه‌ها به مطالعه و کتابخوانی برای کودکان گروه سنی قبل از دبستان، علاقه به کتاب و مطالعه را در کودکان و نوجوانان بیشتر کنند و آنها را به کتاب خواندن عادت دهند.
- ۲- تقدیر و تشویق از نویسندگان و کتابداران و هر آنچه مربوط به کتاب و کتابخانه و تولید کتاب است نقش مهمی در این زمینه دارد.
- ۳- بایستی از هر وسیله و فرصتی برای بیان اهمیت کتاب و کتابخوانی استفاده شود تا همگان عظمت موضوع را به سهولت درک کنند.
- ۴- مسابقه‌های کتابخوانی یا خلاصه نویسی از دیگر راههایی است که می‌تواند منجر به افزایش گرایشها به کتابخوانی شود.
- ۵- هدیه، وقف و تخصیص قسمتی از اموال برای نشر و چاپ رایگان و ارزان کتاب، امر کتابخوانی را ترویج می‌بخشد.
- ۶- استفاده بهینه از عامل زمان و بهره‌گیری از فرصتها نیز، می‌تواند امر کتابخوانی را رونق بخشد.

۷- برگزاری نمایشگاههای کتاب نیز یکی از گامهای مفید و برجسته، در جهت ترویج کتاب و کتابخوانی است.

۴. مطبوعات

مطبوعات جمع مطبوعه و به معنای نوشته‌های چاپی است و به روزنامه‌ها و مجلات گفته می‌شود.^۱

مطبوعات نقش بسیار مؤثر در تبلیغ ارزش‌های دینی دارند. به وسیله مطبوعات می‌توان مسائل اسلامی را به مردم آموخت و مطابق با مناسبت‌ها و به تدریج آنان را با فرهنگ اسلامی آشنا ساخت.

تبلیغ به وسیله مطبوعات از جهاتی برتر از تبلیغ با کتاب و امور دیگر است. زیرا مطبوعات ارزان‌تر، آسان‌تر و زودتر در دسترس عموم قرار می‌گیرند و بهره‌وری عمومی از آنها بیشتر است. آنچه مهم است این است که مطالب دینی ارائه شده در مطبوعات باید به گونه‌ای باشد که عموم طبقات جامعه آن را بفهمند و از آن بهره‌مند شوند.

از جمله اموری که در تبلیغ مطبوعاتی حائز اهمیت است، مصاحبه‌های مطبوعاتی، نکته‌های ادبی، اشعار، عکسها، کاریکاتورها و طنزهایی هستند که پیام‌گزاران هنرمند می‌توانند بیشترین استفاده را از آنها بنمایند.

مسئله دیگر در تبلیغ مطبوعاتی، لزوم ساده بودن و در عین حال، زیبا و منطقی بودن مطالب ارائه شده و برجسته کردن موارد مهم است؛ چراکه این کار می‌تواند تعداد بیشتری از خوانندگان را تحت تأثیر قرار دهد.

تنوع صفحه‌ها و ستون‌های مختلف مطبوعات از دیگر اموری هستند که پیام‌گزاران دینی باید بدان توجه داشته باشند و در هر قسمت، پیام خود را با نوآوری و ظرافت، به افکار عمومی ارائه نمایند.

نقش مطبوعات در تربیت و سازندگی جامعه: مطبوعات در تربیت عمومی جامعه و ساختن کشور نقش سازنده‌ای دارند. این رسانه عمومی می‌تواند اخلاق اسلامی را

رواج دهد، به جامعه آرامش بخشد و روح امید و خلاقیت را در افراد تقویت کند؛ همچنان که می تواند فساد ایجاد نماید و بنیادهای عقاید مذهبی و اخلاقی را سست کند.

نقش این رسانه در ایجاد وحدت و کم کردن اختلافات نیز، بسیار مؤثر است. بدیهی است رعایت اخلاق مطبوعاتی؛ از قبیل صداقت، تحقیق، اعتماد بجا، رعایت احترام دیگران، هماهنگی و رعایت مصلحت نظام، در انجام این رسالت عظیم کارساز می باشد.

۵. خطاطی

خطاطی به معنای خوشنویسی و خوش خطی است و مقصود از آن در اینجا نوشتن خط زیبا و هنرمندانه بر روی کاغذ یا چیز دیگر است.

زیبا نویسی و رعایت تنوع قلم یکی از عوامل جذب انسانهاست؛ چرا که بشر فطرتاً زیبایی را دوست دارد و به سوی آن گرایش پیدا می کند.

در متون دینی نیز به زیبا نویسی اهمیت فراوانی داده شده است.

امام علی (ع) به نویسندگانش «عبیدالله بن ابی رافع» می فرماید:

أَلِقِ دَوَاتِكَ، وَ أَطِلْ جِلْقَةَ قَلَمِكَ وَ فَرُجَ بَيْنَ السُّطُورِ وَ قَرْمِطَ بَيْنَ الْحُرُوفِ فَإِنَّ ذَلِكَ
أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ.^۱

در دوات لایقه بگذار و زبانه قلمت را وسعت بده و ما بین سطرها را، فاصله بینداز و حروف را فشرده بنویس، اینها برای خوش خطی شایسته است.

امام صادق (ع) هم می فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَابِعًا بَهْتَرِينَ خَطَّ خُودِ بِنُورِ...^۲

بدیهی است که نوشتن آیات قرآن، روایات اهل بیت و سخنان بزرگان با خط خوب،

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، حکمت ۳۱۵.

۲. اصول کافی، ج ۶، ص ۵۹۴.

سبب جذب افراد به سوی دین می‌شود و تقارن حسن معنا با زیبایی خط، مفاهیم دینی را در اعماق وجود افراد هنر دوست و مستعد، تثبیت می‌کند.

۶. تصاویر (فیلم، نقاشی، عکس، اسلاید، گرافیک، کاریکاتور)

تصاویر جمع تصویر به معنای صورت‌ها، نگارها، تمثال‌ها و پرده‌های نقاشی است.^۱ نقش تصویرها در ارتباط برقرار کردن با مخاطب تصویرها از ابزارهای مهم ارتباط برقرار کردن با مخاطب هستند. تبلیغ با این ابزار، تبلیغی بدون صدا است و از مصادیق «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّيْئَاتِ»^۲ می‌باشد. تصویرها اگر خوب و هنرمندانه ارائه شوند مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده، با کمترین هزینه، بیشترین پیام را به بینندگان القا می‌کنند. در میان تصویرها نقش فیلم از همه برجسته‌تر است؛ زیرا سمعی بصری است و با توجه به جذابیتی که دارد بیشترین تأثیر را در بینندگان می‌گذارد. در فیلم‌ها تمام جزئیات مورد مشاهده از قبیل نوع لباس، آرایش به کار گرفته شده، نوع منزل و خودرو مورد استفاده، نحوه سخن گفتن و... بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرهنگ مورد نظر را به او القا می‌کند. عکس‌ها و ابزارهای مشابه آن نیز، اموری همچون: صلابت، جذابیت، شرایط حاکم بر محیط و بسیاری از دیدگاهها و طرز تفکرها را بدون زبان بازگو می‌کنند. همچنین عکسها زنده کننده خاطره‌ها و حماسه‌ها و توجه دهنده انسان به دنیایی است که قبلاً در آن زندگی می‌کرده است و در همین راستا، نقش عکس‌ها در زدودن غفلت، عبرت‌گیری و دور کردن کبر و غرور از انسان چشمگیر است. تصویرها مطالب را ماندگارتر می‌کند و به طور ناخودآگاه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، علاوه بر آنکه می‌تواند نوعی تبلیغ و راهنما برای افراد بی سواد و یا کم سواد باشد.

۱. فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۰۹۰.

۲. معارج الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۳.

نقش تبلیغی تصویر از دیدگاه قرآن

قرآن مجید از طریق آیات آفاقی و انفسی^۱ که خود نوعی تصویرهای واقعی از جهان خلقت هستند، انسانها را به سوی معرفت خدا دعوت کرده، می‌فرماید:

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ... (فصلت: ۵۲)

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است...

۷. صنایع دستی

از دیگر ابزارهای تبلیغ دین، صنایع دستی است. صنایع دستی در انتقال و گسترش فرهنگ و تمدن دینی نقش بسیار مؤثری دارد.

آمیخته بودن این صنایع با ذوق و هنر، به نقش‌آزایی آنها در تبلیغ ویژگی خاصی می‌بخشد و به وسیله آنها می‌توان موضوعات دینی را سالها ماندگار و به نسلهای بعدی منتقل نمود.

به گفته روانشناسان، صنایع دستی ظریف، مولود حس زیبایی موجود در روح انسان است و آنگاه که ارزشهای دینی در این قالب ریخته شود، زمینه نفوذ بهتر و بیشتری خواهد داشت چرا که بشر فطرتاً زیبایی و هنر را دوست دارد و به سوی آن جذب می‌شود.

خطوط به کار رفته در صنایع دستی و نقش و نگارهای هنرمندانه آن، از اموری هستند که می‌توانند بیانگر مفاهیم دینی باشند و آنها را به نسلهای آینده منتقل کنند.

صنایع دستی از دیدگاه دین اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا علاوه بر آنکه خداوند متعال انسان صنعت‌گر امین را دوست دارد،^۲ در قرآن مجید نیز به قلم سوگند یاد شده^۳ و بدیهی است که قلم در بسیاری از صنایع دستی، نقشی هنر آفرین دارد.

۱. آیات و نشانه‌های آفاقی اموری همچون خورشید، ماه، ستارگان و انواع جانداران و گیاهان هستند و آیات انفسی دستگاههای مختلف بدن انسان با آن نظم دقیق و شگفتش می‌باشد که هر کدام کتابی مصور از معرفت پروردگار هستند.

۲. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُخْتَرِفُ الْأَمِينُ» خداوند متعال بنده‌ای را که دارای حرفه امین است دوست می‌دارد. (خصال، ص ۶۲۱، ح ۱۰).

۳. سوره قلم، آیه ۱.

در تاریخ نیز می‌خوانیم که بر نگین انگشتر امامان معصوم (ع)، مطالبی عقیدتی و اخلاقی، حک شده بود و این مطالب در دید کسانی که با آنان ملاقات می‌کردند، قرار داشت. مفاهیم دینی و نقش و نگارهایی نیز که در ظروف، سکه‌ها و دیگر صنایع دستی به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی به چشم می‌خورد، همه حاکی از این است که در تاریخ اسلام و قبل از آن، نوعی عشق و علاقه به گسترش دین به وسیله این صنایع وجود داشته است.

با توجه به این امور، بر مسئولان فرهنگی و پیام‌گزاران دینی است که:

- ۱- از صنایع دستی به عنوان میراثی ماندگار جهت انتقال و گسترش فرهنگ و تمدن دینی و ملی حمایت کنند و نگذارند این جلوه‌های هنر و عقیده در زیر چرخهای صنعت ماشینی، خورد شده، از بین بروند.
- ۲- انتقال فرهنگ و تمدن با این ابزار می‌طلبد که متولیان فرهنگی پایه‌های عقیدتی جامعه را محکم کنند و معارف دینی را در فضای زندگی و تلاش صنعتگران گسترش دهند تا صنایع دستی به صورت آمیخته‌ای از تلاش، هنر و عقیده مذهبی، ارائه گردد.
- ۳- بدون شک تعامل فکری پیام‌گزاران دینی با صنعتگران و تأیید و تشویق آنان، نقش مؤثری در این زمینه دارد.

۸. رایانه

کامپیوتر که در فارسی به آن رایانه می‌گویند از کلمه لاتین compute (محاسبه کردن) گرفته شده و در اصطلاح فنی به معنای حسابگر الکترونیکی است که اطلاعاتی را از محیط بیرون می‌گیرد و بر مبنای دستورات داده شده به آن، یک سری عملیات محاسباتی، مقایسه‌ای، منطقی و غیره روی آنها انجام می‌دهد و نتایج را در خود ذخیره کرده، یا به محیط خارج باز پس می‌دهد.^۱

نقش رایانه در تبلیغ دین و کاربردهای آن: عصر حاضر که عصر انفجار اطلاعات است، بدون شک رایانه‌ها نقشی اساسی در تبلیغ معارف دینی دارند؛ چرا که امروزه

۱. فرهنگ دانستیها، محمد نژاد، ج ۱، ص ۲۵۶.

حجم گسترده اطلاعات، کمبود فرصت‌ها و تهاجم فکری و فرهنگی استعمارگران، می‌طلبد که پیام‌گزاران دینی و مراکز فرهنگی، خود را به سلاح پیشرفته رایانه مجهز کنند و از آن در راستای گسترش سریع، دقیق و برنامه‌ریزی شده معارف دینی بهره‌گیرند.

رایانه‌ها در تبلیغ دین کاربرد گسترده‌ای دارند و با توجه به تجربیات جهانی و تحولات روز افزونی که هر روز شاهد آن هستیم، می‌توان از این ابزار شگرف، استفاده‌های تبلیغی گوناگونی نمود. برخی از کاربردهای رایانه در تبلیغ دین عبارت‌اند از:

- ۱- ارائه افزون‌تر و سریع‌تر موضوعات دینی همراه با صوت و تصویر؛
- ۲- استفاده از رایانه در آموزش علوم؛
- ۳- بهره‌وری از رایانه در کارهای هنری همچون گرافیک، طراحی، خطاطی و...؛
- ۴- صرفه‌جویی در وقت و هزینه در تهیه مواد لازم جهت تبلیغ؛
- ۵- ثبت تجربه‌ها و اطلاعات تبلیغ دینی موجود در سطح جهان و دسترسی به آنها در حداقل زمان ممکن؛
- ۶- پرونده‌سازی جهت مناطق مختلف تبلیغی و اطلاع سریع از نیازها، اولویت‌ها و شرایط فرهنگی و اقلیمی هر منطقه؛
- ۷- آگاهی یافتن از سوابق تبلیغات انجام شده در مناطق مختلف و جلوگیری از تکرار؛
- ۸- حفظ و نگهداری پرونده‌های مبلغان دینی و سوابق آنان و اطلاع یابی سریع از میزان استعداد و کارایی آنها؛
- ۹- اطلاع از تغییرات حاصله در محیط‌های تبلیغی در بعد مثبت و منفی و پیگیری علل آن؛
- ۱۰- استفاده از رایانه در امر مدیریت و هماهنگی مراکز تبلیغی و جلوگیری از کارهای هم‌عرض و تکراری؛
- ۱۱- صرفه‌جویی و سرعت ویرایش و تایپ متون دینی؛
- ۱۲- اطلاع از زوایای پنهان و دور از چشم جامعه و چاره‌اندیشی برای اصلاح؛
- ۱۳- توان برآورد دقیق و تهیه آمار و ارقام جهت برنامه‌ریزی تبلیغی؛
- ۱۴- ارائه برنامه‌های تفریحی و مذهبی سالم و شاد جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان، نوجوانان و کودکان.

۹. اینترنت

اینترنت (INTERNET) شبکه رایانه‌ای گسترده‌ای است که برای ارتباط دادن دیگر شبکه‌های دولتی و خصوصی در سطح جهان تأسیس شده است.^۱ امروزه بر اثر گسترش علم و تکنولوژی، جهان به دهکده‌ای تبدیل شده که هر نقطه‌ای از آن، از نقطه دیگر اثر می‌پذیرد و با توجه به این ویژگی است که صاحبان آراء و عقاید گوناگون، با توسل به ابزارهای تبلیغی پیشرفته از جمله اینترنت، در صددند افکار جهانیان را تسخیر کرده، به منافع خود دست یابند.

در چنین وضعیتی ضرورت دارد که متولیان فرهنگ اسلام نیز با استفاده از ابزارهای پیشرفته تبلیغی از جمله اینترنت، پیام دین را به گوش جهانیان برسانند. از سوی دیگر تهاجم فرهنگی دشمن به اسلام نیز ایجاب می‌کند که پیام‌گزاران دینی از شگردها و شبهه‌های القا شده در سطح جهان با خبر باشند و در صدد مقابله و پاسخ‌گویی به آنها برآیند و در حال حاضر بهترین راه برای رسیدن به این منظور، اتصال به شبکه اینترنت است.

کاربردهای اینترنت در تبلیغ دین: ۱ - شما پیام‌گزاران دینی با کمک اینترنت می‌توانید معارف اسلامی را در اقصی نقاط جهان تبلیغ کنید و با برنامه ریزی دقیق، حرف منطقی خود را به گوش جهانیان برسانید.

۲ - اینترنت آسان‌ترین و بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند فیلمها و سریالهای آموزنده دینی را در معرض دید جهانیان قرار دهد.

۳ - اینترنت به شما کمک می‌کند تا با مردم جهان ارتباط تبلیغی داشته باشید و ترتیبی دهید تا دیگران هم با شما ارتباط برقرار کنند و نقطه نظرات خود را برای شما ارسال نمایند.

۴ - شما با کمک اینترنت می‌توانید در بسیاری از منابع اطلاعاتی و علمی جهان، به کاوش بپردازید و از آخرین داده‌های علمی در رابطه با دین و تبلیغ آن آشنا شوید.

۱. اینترنت را بهتر بشناسیم، نشریه فرماندهی و ستاد ص ۲۹، زمستان ۷۹.

۵- اینترنت این امکان را به شما می‌دهد که از انتقادهایی که در سرتاسر جهان نسبت به اسلام و مسلمانان وجود دارد آگاه شوید و خود را آماده پاسخ‌گویی بدان نموده و در صدد رفع نقایص خود برآیید.

۶- گشت و گذار در اینترنت، شما را با نیازهای فکری - فرهنگی جهان و اولویتهای تبلیغی آشنا می‌سازد.

۷- اینترنت به شما پاسداران دین کمک می‌کند تا از حجم تبلیغات جهانی، علیه دین آگاه شوید و در راستای مقابله با آن برنامه‌ریزی کنید.

۸- شما به وسیله اینترنت می‌توانید از آخرین تجربه‌های تبلیغی مشروع در سطح جهان آگاه شوید و از آنها در تبلیغ هر چه بهتر دین بهره‌گیرید.

۹- شما با تهیه تجهیزات لازم، می‌توانید از طریق اینترنت، در راستای تبلیغ دین، مکالمه صوتی و تصویری انجام دهید و پیامتان را به همه جا برسانید.

۱۰. تلویزیون و رادیو

نقش رادیو و تلویزیون در تبلیغ ارزش‌های دینی، نقشی بسیار مهم و گسترده‌ای است چرا که در میان رسانه‌های عمومی، این دو رسانه کاربرد بیشتری دارد و درصد زیادی از افراد جامعه اعم از با سواد و بی سواد را تحت پوشش قرار می‌دهد، علاوه بر آنکه هم از راه چشم و هم از راه گوش، بر افراد اثر می‌گذارد.

رادیو و تلویزیون در ایجاد نظام اسلامی و بقا و استمرار آن تأثیری سرنوشت‌ساز دارند زیرا با این دو رسانه می‌توان، جمهوری اسلامی را به عنوان نظامی کارآمد به بشریت و نسلهای جدید ارائه نمود و اقشار مختلف جامعه را از توطئه‌ها و نقشه‌های استکباری که در راستای براندازی نظام اسلامی ترسیم می‌شود، آگاه نمود همچنین می‌توان تلاشها و زحمتهایی را که برای پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی کشیده شده به نسل امروز، نشان داد.

نقش این دو رسانه در تربیت صحیح جامعه به ویژه تربیت دینی کودکان و نوجوانان نیز بسیار چشمگیر است زیرا امروزه متخصصان تربیتی بر این باورند که فیلمها، داستانها،

طنزها و کلیه برنامه‌های سمعی و بصری، نقشی کاملاً اساسی در تربیت جامعه دارند و افراد را به طور غیر مستقیم و ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند و فرهنگ مورد نظر را به آنان القا می‌نمایند.

استفاده تبلیغی از این دو ابزار، از دیدگاه دین نیز امری مقبول و پسندیده است. زیرا از آن روزی که اسلام ظهور کرد، بارها پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع)، هنگام ابلاغ پیامهای دینی فرموده‌اند: «حاضران این پیام‌ها را به غایبان برسانند»^۱.

قرآن مجید نیز پیامبر اسلام را انداز کننده و مایه رحمت برای همه جهانیان نامیده^۲ است و این امر، جز با استفاده از این دو وسیله و ابزارهایی مشابه آن، میسر نیست.

از سوی دیگر امروزه یکی از ابزارهای تهاجم فرهنگی دشمن، رادیو و تلویزیون است که قدرت‌های استکباری به وسیله آنها قصد دارند سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را بر جوامع اسلامی گسترش دهند و پاسخ به این تجاوز دشمن، استفاده از وسیله مشابه است چرا که قرآن کریم می‌فرماید:

(بقره: ۱۹۴)

فَإِنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ

هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید.

۱۱. سینما

سینما یکی دیگر از ابزارهای تبلیغی مهم در جهان امروز است. این رسانه کاملاً با حواس و احساسات درونی و بیرونی تماشاگران ارتباط دارد و آنها را آگاهانه و غیر آگاهانه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دین مقدس اسلام در عصری که هنوز از تکنولوژی فیلم و سینما خبری نبود، استفاده از این ابزار را تلویحاً امضا نمود؛ به عنوان مثال رسول گرامی اسلام (ص) برای آموزش نماز فرمود: به نماز من بنگرید و همانگونه که من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.^۳

۱. ر.ک. بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۱۸.

۲. سوره فرقان، آیه ۱؛ انبیاء، آیه ۱۰۷.

۳. بحارالانوار، ج ۸۵، ۲۷۹.

آن حضرت روزی نیز از خانه خارج شد در حالی که در یک دست طلا و در دست دیگرشان ابریشم بود و فرمود: این دو بر مردان امت من حرام و بر زنان آنان حلال است.^۱ شما پیام گزاران دینی و مسؤولان نظام دینی توجه دارید که سینما تأثیری شگرف بر افکار مردم و گرایش‌های آنان و حتی روحیه نظامیان دارد و می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را تقویت کند؛ همانطور که می‌تواند فساد، گناه و صفات زشت را ترویج نماید.

امروزه استعمارگران بیشترین بهره تبلیغی را از فیلم‌های سینمایی می‌برند و با این وسیله، زمینه سلطه بر ملت‌ها را فراهم می‌سازند. به عنوان مثال در فیلم‌های «هالیوود» قهرمانان فیلم که معمولاً از یک کشور استعمارگر هستند، به عنوان نجات‌دهنده و مشکل‌گشای گروهی دیگر، وارد میدان می‌شوند و پایان خوشی به ماجرا می‌دهند و آدم‌های شرور نیز که معمولاً از کشورهای جهان سوم هستند و همواره پلیدترین اعمال غیر انسانی را مرتکب می‌شوند، به بدترین وضع ممکن نابود می‌گردند.

با توجه به اهمیت این رسانه، توجه شما را به برخی از دیدگاه‌های دین درباره آن جلب می‌کنیم:

- ۱ - سینما یکی از بهترین وسایل آموزش توده‌ها و بالا بردن سطح آگاهی‌های آنها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فردی، سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و... است و متولیان فرهنگی نظام دینی، بایستی کمال استفاده را از این رسانه مهم، در زمینه‌های فوق بنمایند.
- ۲ - مراکز تبلیغی بایستی با ساختن فیلم‌های خوب و آموزنده به استحکام پایه‌های عقیدتی مردم پردازند؛ زیرا این وسیله شگرف علاوه بر نفوذ در عواطف تماشاگران به طور ناخودآگاه در معتقدات آنان نیز تأثیر چشمگیری دارد.
- ۳ - سینما می‌تواند بازتابی از رویدادهای جاری در جوامع اسلامی و نظرگاه‌های ایده‌آلیسم اجتماعی و مسائل سیاسی باشد.
- ۴ - سینماها باید به تبلیغ اموری همچون صفات انسانی، صلح دوستی، عدالت اجتماعی و... پردازند و از گسترش فساد، گناه، و صفات ضد ارزش اجتناب کنند.

ابزارهای تبلیغ دینی □ ۲۰۵

- ۵- از دیدگاه دین، سینما باید سعی کند هویت ملی و فرهنگی جامعه را تثبیت و حفظ نماید و از ترویج خرافات و فرهنگ بیگانه بپرهیزد.
- ۶- سینما می‌تواند مسائل سیاسی جهان در حال پیشرفت را آشکار سازد و از توطئه‌های استعمارگران پرده بردارد.
- ۷- از دیدگاه دین سینما یک وسیله تجاری و غیر واقعی نیست بلکه رسانه‌ای متعهد و دارای رسالت است.
- ۸- سینمای دینی قصه نمی‌گوید بلکه سینمایی است که تاریخ را می‌سازد.
- ۹- نقش سینما در استقلال کشور نقشی سرنوشت‌ساز است و بایستی مسائلی همچون نقش خواص در صلاح و فساد جامعه، مفاسد ثروت‌اندوزی، زیانهای شکاف طبقاتی و زیانهای وابستگی به بیگانگان را از این طریق به جامعه گوشزد کرد.
- ۱۰- فیلم‌های سینمایی باید منادی وحدت باشند و حرمت اقشار مختلف جامعه اعم از شهری، روستایی، کاسب، تاجر و... را حفظ نمایند.
- ۱۱- از دیدگاه دین ضرورت دارد که سازمانی به وضع تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی نظارت کند و افراد متخصص، متعهد و هنرمند مورد نیاز را تربیت نماید؛ همچنین همکاری صمیمانه بین واحدهای سمعی و بصری موجود و سینماگران خلاق، اهمیت زیادی دارد تا هنر سینما، با تکامل هر چه بیشتر در خدمت عامه مردم باشد.

۱۲. ویدئو

از دیگر ابزارهایی که می‌تواند در تبلیغ دین نقش مؤثری ایفا کند ویدئو است. این وسیله نسبتاً ارزان به سهولت در دسترس افراد قرار می‌گیرد و قابل نقل و انتقال است و علاوه بر محیط‌های عمومی، در محیط‌های کوچک نیز کاربرد تبلیغی دارد. این ابزار نسبت به ابزارهای مشابه، از دو مزیت اساسی برخوردار است:

اول اینکه برنامه‌ها و فیلم‌های تازه و متنوع را به سرعت در اختیار تماشاگران مختلف قرار می‌دهد و با ایجاد این تنوع، مخاطبان خود را غافلگیر کرده، به طرز اعجاب‌آوری آنان را مشتاق خرید یا کرایه فیلم‌ها و نوارهای ارائه شده می‌کند و دوم اینکه به دلیل

سهولت فراوان در نحوه تکثیر و توزیع نوارهای ویدئویی و تهیه برنامه‌های مختلف، تأثیر فزونی. نسبت به رسانه‌های مشابه دارد و حتی از شبکه‌های ماهواره‌ای می‌توان فیلم‌ها را ضبط و از طریق نوارهای ویدئویی به جامعه ارائه کرد.

با توجه به همین جهات است که امروزه دشمنان اسلام در یورش و تهاجم فرهنگی به اسلام، از این وسیله، بیشترین استفاده را می‌نمایند و قصد دارند از این طریق افراد جامعه به ویژه نسل جوان را به فساد و ابتذال بکشانند. آنان در این زمینه چه بسا سرمایه‌گذاری مادی نیز کرده و با در اختیار گذاردن نوار و دستگاه ویدئو بطور رایگان، یا با قیمتی نازل، در صدد جذب هر چه بیشتر مردم به برنامه‌های از پیش تعیین شده و استعماری خود، هستند.

آنچه در این میان کارساز و راهگشا است اقدام‌های فرهنگی مشابه از جمله ساخت فیلم‌های سالم با محتوای دینی و آموزنده و ارائه آن به مردم و نسل جوان، در قالب ویدئو کلوب‌های مطمئن و تحت نظارت دولت اسلامی است؛ چراکه اگر متولیان فرهنگی در این دنیای پرهیاهو که استعمارگران با تدارک برنامه‌های برون مرزی در صدد تحمیل فرهنگ خود بر دیگران هستند، دیر ب فکر بیفتند و خلأها را پر نکنند، فساد و ابتذال و بی‌هویتی فرهنگی، گسترش پیدا خواهد کرد و زمینه سلطه فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی بیگانگان را فراهم خواهد نمود.

علاوه بر آنچه گفته شد این وسیله در امر آموزش‌های علمی و بهداشتی نیز، کار برد دارد و مسؤولان مربوطه می‌توانند در مراکز علمی و مکانهایی همچون روستاها که مردم دسترسی کمتری به مطبوعات، سینما و مدرسه دارند، با استفاده از نوارهای ویدئویی در ارتقای فکری، فرهنگی و بهداشتی آنان بکوشند.

نکته دیگر اینکه مسؤولان نظام و پیام‌گزاران دینی می‌توانند با ارائه فیلمهای دینی، جذاب و دارای کیفیت عالی، نظر مسلمانان دیگر مناطق جهان را نیز جلب کرده و بدین وسیله الگوی جدید جمهوری اسلامی را به جهانیان معرفی نمایند و آنان را از توطئه‌های استعماری آگاه کنند.

۱۳. ماهواره

قمرهای مصنوعی که در مداری، گرد زمین به حرکت در می‌آیند و مجهز به فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی هستند^۱ و می‌توانند مناطق وسیعی را تحت پوشش صدا و تصویر قرار دهند، ماهواره نامیده می‌شوند.

رشد و توسعه تکنولوژی، تحولی عمیق و گسترده در صحنه تبلیغات به وجود آورده است. امروزه ماهواره‌های پیشرفته، فضای فرهنگی جهان را پوشش می‌دهند و بدون شک در افکار، رفتار و منش انسانها تأثیر بسزایی دارند.

بسیاری از صاحب نظران بر آنند که ماهواره‌های فرا ملی، نقش تعیین کننده‌ای در سلطه فرهنگ غربی بر فرهنگهای محلی و دینی دارند و نیز معتقدند که راهی برای متوقف کردن و یا جلوگیری از هجوم ماهواره‌ها وجود ندارد لیکن می‌توان از طریق بالا بردن کیفیت برنامه‌های داخلی و آموزش همگانی با آنها مقابله کرد.

استفاده صحیح تبلیغی از این رسانه، از دیدگاه اسلام، نه تنها بلا مانع، بلکه ضروری و لازم است زیرا به حکم آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»^۲ (انفال: ۶۰) و دیگر آیاتی که رسالت پیامبر اسلام (ص) را رسالت جهانی می‌داند^۳، بایستی متولیان فرهنگی نظام اسلامی، خود را مجهز به سیستم ماهواره‌ها کرده و صدای اسلام را به گوش جهانیان برسانند.

آنچه بر ضرورت مجهز شدن نظام اسلامی به این رسانه، می‌افزاید، تبلیغات دروغ و مخرب است که از سوی دشمنان اسلام در سطح جهانی انجام می‌گیرد.

بدیهی است که خنثی سازی این تبلیغات و دفاع از اسلام در سطح جهانی، می‌طلبد که خود را مجهز به دستگاههای پیشرفته ماهواره‌ای کنیم و اجازه ندهیم نظام اسلامی که

۱. فرهنگ دانستیها، ص ۴۷۲.

۲. (هر چه در توان دارید برای مقابله با آنها [= دشمنان] آماده سازید).

۳. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، آیه ۱۰۷) ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سباء، آیه ۲۸) و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پادشاهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی.

حاصل تلاش چند صد ساله مجاهدان راه خدا و ثمره خون صدها هزار شهید است، در نظر مردم جهان و افکار عمومی، بد جلوه داده شود.

امروزه در سرتاسر جهان، انسانهای زیادی هستند که از فرهنگ منحط غرب و مکتب‌های بوج و بی محتوا خسته شده‌اند و تشنه شنیدن پیام‌های حیات بخش اسلام هستند. از این رو بر متولیان فرهنگی است که با راه اندازی و یا گسترش سیستمهای پیشرفته ماهواره‌ای، معارف اسلام را با زبانهای مختلف به افکار مستعد جهانی ارائه کنند.

آنها باید بدانند که اگر در این جنگ فرهنگی، برنامه ریزی نکنند و تلاش نمایند، بدون شک، نظام اسلامی شکست خواهد خورد و فردای قیامت در پیشگاه خدا و شهیدان پاسخی نخواهند داشت.

۱۴. پرچم

یکی دیگر از ابزارهای تبلیغ از دیدگاه دین، پرچم است. پرچم نشانه اقتدار، سربلندی، شجاعت، حکومت و نظم است.

پرچم در جنگ‌های صدر اسلام اهمیت بسزایی داشته و ارتباط و اعتماد را در جبهه خودی برقرار می‌کرده و وسیله‌ای بوده که فرمانده بتواند ارتباط خود را با افراد خودی برقرار کند. بر افزایش آن نیز دلیل پا برجایی لشکر و علامت پیروزی بوده و به همین جهت پرچم را به دست پهلوانان شجاع می‌داده‌اند.

اهتزاز پرچم در جنگها، نشانه با پر جایی لشکر بود و اگر پرچم سقوط می‌کرد، لشکر شکست می‌خورد و بر همین اساس امام علی (ع) در جنگ احد سعی می‌کرد پرچمداران دشمن را از پادر آورد و در آن روز نه تن از آنان را به قتل رساند.^۱

افزون بر اینها دادن پرچم در صدر اسلام به دست افراد، نشانه لیاقت، تقوا و انس آنان با قرآن بود و رسول خدا (ص) پرچم را به کسانی می‌داد که حافظ قرآن بودند، یا بهره بیشتری از قرآن داشتند.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۸۷.

۲. مغازی واقدی، ج ۳، ص ۱۰۰۳

همچنین در زمان آن حضرت، پرچم‌ها مظهر ابهت، شکوه و نشانه فزونی افشار و قبایل شرکت کننده در جنگ و تبلیغی برای این قبایل بود. از این رو هنگام رفتن به جنگ تبوک پیامبر اکرم (ص) به قبایل انصار و سایر عرب‌ها، دستور داد که هر کدام پرچمهای خود را بردارند.^۱

نکته دیگر در تبلیغ به وسیله پرچم، نوشته‌ها و تصویرهایی است که در گذشته و حال، بر روی پرچمها وجود داشته است. این نوشته‌ها و تصویرها، گویای طرز تفکر و ایده‌هایی است که مکتب‌ها و یا کشورهای صاحب پرچم بدان معتقدند، به عنوان مثال آرم مخصوص پرچم جمهوری اسلامی و ۲۲ الله اکبر نقش بسته بر آن، نشانگر حکومت خدا بر ایران و زنده نگه داشتن یاد روز بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ است که ملت ایران در آن روز با لطف خداوند متعال به پیروزی رسید.

رنگ پرچم‌ها نیز بیانگر مطالب خاصی است. به عنوان مثال، امروزه رنگ سفید نشانه صلح و رنگ سیاه نماد عزا است. در صدر اسلام نیز نقل شده که امام علی (ع) هنگام بازگشت از جنگ احد، پرچم اسلام را به خون، خضاب کرد^۲ تا به مردم مدینه و افکار عمومی بفهماند که به پای اسلام، خون ریخته شده و برای حفظ و نگهداری آن، شهدای عزیز تقدیم گردیده است.

گرچه امروزه پرچم‌ها، نقش تبلیغی گذشته را ندارند اما در عین حال نشانه اقتدار، عظمت و برپایی حکومت‌ها، در سطح جهان هستند.

این پرچم‌ها در راهپیمایی‌های دینی و ملی و صحنه‌های حضور همگانی، علائم زندگی، نشاط، پویایی و بیانگر افکار و ایده‌های اجتماع کنندگان است.

همچنین امروزه پرچم‌ها، گاهی نشانه قرار گرفتن یک کشور ضعیف، تحت حمایت کشور قدرتمند صاحب پرچم است که این خود بار تبلیغی فراوانی دارد.

در بعد منفی نیز هرگاه ملتی بخواهد، نفرت خود را از یک دولت متجاوز و ستمگر نشان دهد، پرچم آن کشور را به آتش می‌کشد.

۱. مغازی واقدی، ص ۱۰۰۲.

۲. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۱۰۶.

۱۵. معماری

از دیگر ابزارهای تبلیغ فرهنگ دینی، معماری است. اصول حاکم بر ساخت و ساز اماکن و نحوه ارتباط آنها با هم، تأثیر ویژه‌ای بر ذهنیات، خلیات و منش افراد دارد. هنر معمار نظم دادن به فضا است و آنجا که این هنر از دین و دین باوری سرچشمه می‌گیرد، این نظم از فضای مادی به فضای معنوی گسترش می‌یابد و از طریق قدسی شدن فضا، انسان، خود را در حضور خدا می‌بیند.

کاربرد نقش‌ها و نوشته‌های دینی در معماری، اماکن زندگی و عبادت را به کانون‌های تبلیغ غیر مستقیم دین تبدیل می‌کند و یاد خدا را در متن زندگی و عبادت مردم، همواره مطرح می‌سازد.

یکی از محققان باستان شناس، رازهای نهفته در معماری اسلامی را اینگونه بیان می‌کند:

... معماری سنتی انسان را به مشاهده و شهود سوق می‌دهد...

حالت انحناء و قوسی بودن در معماری اسلامی، معنای عمیق و خاصی می‌تواند داشته باشد و منتهی شدن حرکت‌ها را به یک نقطه پایانی نشان می‌دهد و این نوعی بینش توحیدی است.^۱ و^۲

این انحناء، بیشتر در شکل گنبدها، محراب‌ها، سردرها، ایوان‌ها و قسمت‌هایی از رواق‌ها وجود دارد که خود تداعی کننده روح تسلیم و رکوع، در برابر ذات پاک خداوند است.

همچنین احساسات زیبا و هنرمندانه به کار رفته در معماری اسلامی و توزیع متوازن نیروی طاق‌های قوسی شکل بر روی ستونها، همگی حکایت از مفاهیم خاص دینی، همچون زیباگرایی و عدالت دوستی و... دارند و امروزه می‌توان گفت که معماری‌های دینی از زیباترین معماری‌ها، در سطح جهان هستند.

۱. مطالعاتی در هنر دینی، ج ۲، ص ۱۵.

۲. هنر در قلمرو مکتب، ص ۳۵۹.

از سوی دیگر می‌توان گفت که برج‌ها، باروها و مناره‌های برافراشته شده در معماری سنتی و نظم به کار رفته در ترتیب بناها و استحکام ساختمان‌ها، روح آزادگی، استقامت و نظم‌گرایی را تداعی می‌کند و انسان را در فضایی ملکوتی قرار می‌دهد. استفاده تبلیغی از معماری، از دیدگاه دین نیز امری مطلوب و پسندیده است چرا که در اسلام بناها و اماکنی وجود داشته و دارند که تنها برای یاد خدا و پرستش او تأسیس شده‌اند. و مایه هدایت جهانیان هستند قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (آل عمران: ۹۶)

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.

در روایتی هم آمده است که اطراف خانه امام صادق (ع) و در طرف سجده‌گاهش «آیه الکرسی» نوشته شده بود.^۱

با توجه به سیره معماران مسلمان در ترویج دین و اشاراتی که در قرآن و روایات در این زمینه آمده است، بر متولیان فرهنگی و متخصصان بخش ساخت و ساز کشور اسلامی است که از این ابزار مهم نیز در تبلیغ ارزش‌های الهی و تربیت دینی جامعه بهره بگیرند و بدانند که یکی از راههای هجوم فرهنگی دشمن، معماری وارداتی غربی است.

امروزه فرهنگ آپارتمان‌سازی چند طبقه و نقشه‌ریزی بر اساس سالن‌های باز و آشپزخانه‌های بدون دیوار، زمینه گسترش فرهنگ غربی و اختلاط محرم و نامحرم را در خانه‌ها، فراهم کرده و موجب در دید نامحرم قرار گرفتن بانوان، هنگام فعالیت‌های درون خانه شده است.

همچنین اشراف برج‌ها بر منازل همسایگان و محدود کردن نور و دیگر مفاسدی که از این طریق، گریبانگیر جامعه اسلامی می‌شود، از دیگر معضلات معماری غربی است که بایستی دست اندرکاران امور، برای آن چاره‌اندیشی کنند.

۱۶. نام خوب

نام خوب از دیگر ابزارهای تبلیغ دینی است. نامگذاری فرزندان، اماکن، کوچه‌ها، خیابان‌ها و... به نام‌های نیک سبب گسترش ارزش‌ها می‌شود.

امروزه ملتها برای زنده نگهداشتن نام بزرگان خود بسیاری از اکتشافات و اختراعات علمی و فنی را به اسم مکتشف و مخترعش نامگذاری کرده و میدانها و خیابانهای مهم را به اسم اشخاص بزرگ می‌نامند و بدین وسیله اسامی آنان را زنده نگه می‌دارند.

نامگذاری فرزندان به اسامی پیامبران و امامان علاوه بر پایدار کردن اعتقادات دینی در روح و روان آنان، سبب زنده ماندن یاد بزرگان دین و پاداش معنوی می‌گردد.

شخصی از امام صادق(ع) پرسید ما فرزندان خود را به اسمهای شما و پدرانتان نامگذاری می‌کنیم، آیا این عمل برای ما در پیشگاه خدا فایده‌ای دارد؟ حضرت فرمود: به خدا قسم آری.^۱

نقش نامگذاری در روحیه افراد و تبلیغ ارزش‌ها به قدری است که رسول خدا(ص) اسم بد افراد و شهرها را به نام‌های خوب تغییر می‌داد.^۲ به عنوان مثال، عمر دختری داشت به نام «عاصیه» یعنی گناهکار و رسول اکرم(ص) اسم او را به «جمیله» یعنی زیبا، تغییر داد.^۳

بهترین تجلی گاه تبلیغ معارف دینی با نام‌ها و اسم‌های نیک، دعاها، از جمله دعای «جوشن کبیر» است که در آن هزار اسم از اسم‌های خداوند آمده و هر کدام دلالت بر معنا و مفهوم خاصی در زمینه اصول و فروع دین دارد.

همچنین نام‌ها و لقب‌های زیبا و فراوان ائمه(ع)، همگی از مصادیق تبلیغ ارزش‌های دینی با نام و لقب نیک است.

در تاریخ نیز می‌خوانیم آنجا که دشمن در صدد محو فرهنگ اهل بیت بوده و با تبلیغات منفی می‌کوشیده است ارزش‌های دینی، به ویژه نام و باد «علی بن ابی طالب»(ع) را از

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۹۵.

۲. قرب الاسناد، حمیری، ص ۴۵.

۳. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۷۳.

دلها محو کند، ائمه اطهار و دوستان آنها، با نامگذاری فرزندانشان به نام «علی»، یاد آن بزرگوار را زنده نگهداشته‌اند.

در این زمینه نقل کرده‌اند: روزی حضرت سجاد(ع) بر مروان حکم، فرماندار معاویه در مدینه، وارد شد. مروان از او پرسید نامت چیست؟ حضرت فرمود: علی. پرسید نام برادرت چیست؟ پاسخ داد: علی. مروان بر آشفت و گفت: علی، علی. گویا پدرت تصمیم دارد نام همه فرزندانش را علی بگذارد.

امام زین العابدین ماجرا را به پدرش خبر داد: امام حسین(ع) فرمود: وای بر مروان، پسر زن کبود چشم پاک کننده پوست حیوانات! هرگاه دارای صد پسر گردم، دوست دارم نام تمامی آنها را علی بگذارم!^۱

۱۷. لباس

لباس، یکی از مظاهر فرهنگ دینی و هویت ملی یک ملت است. اسلام به لباس، تنها به عنوان یک پوشش و وسیله تجمل نمی‌نگرد بلکه آن را مظهر ارزش‌ها و بیانگر مفاهیم بلند دینی همچون نظافت، زیبایی و آراستگی می‌داند و از این رو به پیروان خود دستور می‌دهد که در اجتماعات به ویژه در مساجد و هنگام نماز، لباس‌های تمیز، زیبا و فاخر بپوشند.

در این زمینه نقل شده است که حضرت امام حسن(ع) هنگامی که به نماز برمی‌خواست، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. سؤال کردند چرا بهترین لباس خود را می‌پوشید؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من برای پروردگارم خود را می‌آرایم و او می‌فرماید: در مساجد زینت‌های خود را بپوشید.^۲

از دیدگاه اسلام لباس یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند است و بایستی یادآور خدا و روح تسلیم و بندگی، در برابر او باشد. قرآن مجید می‌فرماید:

۱. معالی السبطين، ص ۹۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۳۱.

وَ جَعَلَ لَكُم سُرَابِيلَ تَقِيَكُمُ الْحَرَّ وَ سُرَابِيلَ تَقِيَكُم بِأَسْنِكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُشْلِحُونَ
(نحل: ۸۱)

و (خداوند) برای شما پیراهن‌هایی آفرید که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند؛ و پیراهن‌هایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمت‌هایش را بر شما کامل می‌کند، شاید تسلیم فرمان او شوید!

همچنین در قرآن از تقوا تعبیر به لباس شده و فرموده است:

... وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ...
(اعراف: ۲۶)
و لباس پرهیزگاری بهتر است.

شاید بتوان این نکته را از این آیه استفاده کرد که لباس باید بیانگر تقوا باشد نه مایه خود نمایی، تحریک شهوات حرام، تکبر، غرور و احیاناً مدپرستی و خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه.

از دیدگاه اسلام لباس پاکیزه و زیبا مایه آبرو و نشانگر شخصیت یک فرد مسلمان است.

همچنین در دیدگاه دین، پوشیدن برخی لباس‌ها مانند «عمامه» که یادآور سنت رسول الله و امامان (ع) است، مستحب می‌باشد و بدان دستور داده‌اند.^۱ همان گونه که از پوشیدن لباسی که بیانگر فرهنگ دشمنان اسلام باشد، نهی شده است.^۲

رنگ لباس‌ها نیز گویای مفاهیم خاصی هستند؛ به عنوان مثال رنگ سفید نماد پاکیزگی، خوشبویی و نیکویی است و از این جهت پوشیدن لباس سفید مستحب است^۳ و رنگ سبز، یادآور لباس اهل بهشت^۴ و رنگ سیاه در عزاداری‌ها نشانه غم و اندوه است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۸.

۲. همان، ص ۲۷۹.

۳. همان، ص ۳۵۵.

۴. سوره کهف، آیه ۳۱.

نکته دیگر در تبلیغ ارزش‌های دینی به وسیله لباس، نقش انگشترها در این زمینه است؛ زیرا پیامبران و امامان(ع) انگشترهای متعددی داشته‌اند که بر روی آنها جمله‌هایی از معارف دین حک شده بود و در معرض دید بینندگان قرار داشت. به عنوان مثال: بر انگشتر امام صادق(ع) نوشته شده بود «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» خداوند آفریننده همه چیز است. و بر انگشتر امام باقر(ع) جمله «عزت برای خدا است» و بر انگشتر امام حسن و امام حسین(ع) جمله «خدا مرا کافی است» و بر انگشتر امام سجاد(ع) عبارت «قاتل حسین(ع) خوار و بدبخت شد»^۱ حک شده بود.

با توجه به آنچه گذشت، بر مسئولان فرهنگی نظام اسلامی است که از نقش لباس و پوشش، در گسترش فرهنگ دینی غفلت نورزند و با نظارت بر پوشش جامعه و اتخاذ سیاست‌های صحیح اسلامی، از هجوم فرهنگ غربی، در این زمینه هم جلوگیری کنند.



فهرست منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات صائب، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، صبحی صالح، مرکز البحوث الاسلامیه، قم ۱۳۹۵ ق.
- نهج البلاغه، فیض الاسلام، بی تا.
- نهج البلاغه، مکارم شیرازی (زیر نظر)، مطبوعاتی هدف، اول، قم.
- آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان، علی گلزاری، کانون گفتمان دینی، مدرسه فیضیه، قم، ۱۳۸۰.
- اخلاق اسلامی، نعمت الله یوسفیان و علی اصغر الهامی نیا، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، ۱۳۷۶.
- اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۷ قم.
- اذان نغمه آسمانی، کریمی جهرمی، انتشارات حضرت معصومه (س)، قم، ۱۳۵۷ ش.
- اربعین حدیث، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تابستان ۷۲
- اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۷۴.
- اسلام و جامعه، جمعی از نویسندگان، دبیرخانه جشنواره شیخ طوسی، اول، ۱۳۷۶.
- اسلام و مقتضیات زمان، استاد مطهری، صدر، ۱۳۷۶، تهران.
- اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغ، مصطفی عباسی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹.
- اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، نشر اسوه، ۱۳۷۰ ش.
- اصول کافی، کلینی / سید جواد مصطفوی (مترجم)، انتشارات مسجد چهارده معصوم (ع)، تهران.

- اصول کافی، محمد بن يعقوب كليني، ترجمه محمد باقر كمره‌اي، نشر اسوه، ۱۳۷۰ ش.
- اصول مخاطب‌شناسي، عبدالمجيد صادقي، نمايندگي ولي فقيه در سپاه، اول، تهران، ۱۳۸۰.
- اصول و مباني تبليغ، اسماعيل كريم زاده، آموزش و پرورش منطقه يك قم.
- اقرب الموارد، سعيد الخوري، نشر دارالاسوة، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- الاحتجاج، علي بن ابي طالب طبرسي، نشر اعلمي، بيروت، ۱۴۰۱ ق.
- الاخلاق، عبدالله شبر، نشر بصيرتي، بي تا.
- الارشاد، الشيخ المفيد، مؤسسة آل البيت (ع) لاهياء التراث (تحقيق)، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، الاولى، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الاصول من الكافي، الكليني / علي اكبر الغفاري (مصحح)، دار صعب ودار التعارف، الرابع، بيروت، ۱۴۰۱ ق.
- التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفى، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، ۱۳۶۰.
- الدر المنثور، جلال الدين سيوطي، دار المعرفة، بيروت.
- السيرة النبوية، ابن هشام، داراحياء التراث العربي، بيروت.
- العين، خليل بن احمد فراهيدي / مهدي مخزومي و ابراهيم سامرايي (تحقيق)، دار الهجرة، الثانية، ۱۴۰۹ ق.
- القرآن و التبليغ، الشيخ محسن قرائتي، مؤسسة النشر الاسلامي (جامعه مدرسين)، قم، ۱۴۱۵.
- المحجة البيضاء، فيض كاشاني / علي اكبر غفاري (تصحيح)، مؤسسة الاعلمي، دوم، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
- المفردات في غريب القرآن، ابي القاسم الحسين بن محمد، كتابفروشي مرتضوي، ۶۲.
- المنجد، لويس معلوف، نشر اسماعيليان، قم.
- المنطق المظفر، محمدرضا المظفر، نشر اسماعيليان، قم، بي تا.
- الميزان، علامه طباطبايي، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بي تا.
- النهاية، ابن اثير، المكتبة الاسلامية، بي تا.
- النهاية في غريب الحديث و الاثر، ابن الاثير / طاهر احمد الزاوي و محمود محمد الطناحي (تحقيق)، المكتبة الاسلامية.
- امالي، شيخ طوسي، مكتبة الداوري، قم.
- امالي، شيخ مفيد، تحقيق علي اكبر غفاري، حسين استادولي، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق، قم.
- امالي، شيخ صدوق، ترجمه كمره‌اي، نشر كتابخانه اسلاميه، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- امام الكوي امت، ق. واثقي، نشر اميري، تهران، بي تا.

- امام جعفر صادق (ع) پیشوای مسلمانان، عبدالعلیم جندی، ترجمه عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- امثال قرآن، علی اصغر حکمت، نشر بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- امر به معروف و نهی از منکر، حسین نوری / محمدی اشتهاردی (مترجم)، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، قم، ۱۳۶۷.
- انتظار بشر از دین، عبدالله نصری، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بهار ۷۸.
- اهمیت و ضرورت تبلیغات، احمد رزاقی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۷۰.
- اینترنت را بهتر بشناسیم، نشریه فرماندهی و ستاد، زمستان ۷۹.
- بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء بیروت، بی تا.
- بحار الانوار، علامه مجلسی، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، غلامعلی رجایی، عروج، سوم، تهران، ۱۳۷۸.
- بوستان سعدی، غلامحسین یوسفی (مصحح)، خوارزمی، هفتم، تهران، ۱۳۸۱.
- بیست گفتار، مرتضی مطهری، صدرا، پنجم، ۱۳۵۸.
- پا به پای آفتاب، امیررضا ستوده، نشر پنجره، اول، ۱۳۷۳.
- پانزده گفتار، مرتضی مطهری، صدرا، اول، تهران و قم، ۱۳۸۰.
- پژوهشی در تبلیغ، محمد تقی رهبر، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۷۱، تهران.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالمعارف، مصر، ۱۹۶۴ م.
- تبلیغ در قرآن، علی اصغر الهامی نیا، ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه (مرکز تحقیقات اسلامی)، ۱۳۷۷ ش.
- تبلیغ در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری / علی نصیری (مترجم)، دارالحدیث، اول، قم، ۱۳۸۰.
- تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، عبدالرحیم موگهی، نشر دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷، قم.
- تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، نشر اعلمی، بیروت، ۱۳۹۴ ق.
- تحف العقول، حسن بن شعبه حرّانی / علی اکبر غفاری (تصحیح)، مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۳۶۳.
- ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی / سید محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- ترجمه میزان الحکمة، محمدی ری شهری / حمید رضا شیخی (مترجم)، دارالحدیث، دوم، قم، ۱۳۷۹.
- ترجمه تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی / علی اسلامی (مترجم)، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- تسامح آری یا نه؟ ج ۱، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، نشر خرم، اول، قم، ۱۳۷۷.

تعلیم و تربیت در اسلام (۲)، علی اصغر الهامی نیا و محمدرضا احمدی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، ۱۳۷۸.

تفسیر التبیان، محمد بن حسن طوسی، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، نشر مکتبه الامین، نجف، بی تا.

تفسیر موضوعی قرآن، جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۶۴.

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ۶۸ چاپ یازدهم.

تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه بیست و یکم، تهران، ۱۳۶۸.

تفسیر نورالثقلین، عروسی حویزی / سید علی عاشورا (محقق)، مؤسسه التاریخ العربی، اول، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، محمد تقی جعفری، دوم، ۱۳۴۹.

جامع السعادات، مهدی نراقی / سید محمد کلانتر (مصحح)، مکتبه الداوری قم.

جامع المقاصد، محقق ثانی، نشر آل البیت، قم، ۱۴۱۱ ق.

جنگ روانی و تبلیغات، محمد شیرازی، همایش علمی بررسی نقش جنگ.

جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، جواد منصوری، انتشارات آستان قدس رضوی، دوم، مشهد، ۱۳۷۲.

چکیده مقالات همایش نقش آموزش در تبلیغ دین، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.

حماسه حسینی، شهید مطهری، صدرا، بی تا.

خصال، شیخ صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۶ ق.

خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دائرة المعارف علوم اجتماعی، دکتر ساروخانی: موسسه کیهان، ۷۰.

دانشنامه قرآن، بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات دوستان و ناهید، اول، تهران، ۱۳۷۷.

دیوان حافظ، مجید یکتایی (مصحح)، مهرگان، تهران، ۱۳۵۴.

رجال طوسی، شیخ طوسی (محمد بن حسن) تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، مکتبه الحیدریه، نجف ۱۳۸۱ ق.

رساله نوین (ترجمه و توضیح بخش‌هایی از تحریر الوسیله)، ج ۴، عبدالکریم بی آزار شیرازی، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی، اول، تهران، ۱۳۶۷.

رمز پیروزی مردان بزرگ، جعفر سبحانی، انتشارات هدف.

روانشناسی پرورشی، علی اکبر سیف، نشر آگاه، ۷۹.

روایت انقلاب، جواد محدثی، انتشارات امیرکبیر، اول، ۱۳۶۵.

- روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، تبیان، دفتر دهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۱ ش.
- روش دعوت محمد (ص)، علی قائمی، نشر شفق، قم، ۱۳۵۷ ش.
- سبل الهدی و الرشاد، محمد بن یوسف صالحی تحقیق عادل احمد، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، مصطفی وجدانی، انتشارات پیام آزادی، دوم ۱۳۶۸.
- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، نشر دارالاسوة، ۱۴۱۴ ق.
- سیره معصومین (ع)، مرکز تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، نشر سازمان عقیدتی وزارت دفاع، ۱۳۷۶ ش.
- سیره اخلاقی امام خمینی (ره)، علی اصغر الهامی و سجاد مهدیان، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، تهران، ۱۳۷۶.
- سیره اخلاقی معصومین (ع)، علی اصغر الهامی نیا، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول ۱۳۷۶.
- سیری در سیره نبوی، استاد مطهری، صدرا، مهر ۶۶، تهران.
- شرایط موفقیت تبلیغ، محمدرضا ناجی، سازمان تبلیغات اسلامی، اول تهران، ۱۳۷۰.
- شرح غرر الحکم، محمد خوانساری / حسینی ارموی (مصحح)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- شوری در قرآن و حدیث، رضا استادی، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، تهران، ۱۳۶۰.
- شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت، سید مهدی برومند، نشر کتاب مبین رشت ۱۳۷۹ ش.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، نشر دار الفکر، بیروت.
- صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد، بهمن ۱۳۶۱، تهران.
- طرح تحقیقاتی مقدماتی، اداره جهاد خودکفایی ستاد مشترک سپاه.
- علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، مهدی نراقی / سید جلال الدین مجتبوی (مترجم) حکمت، اول ۱۴۰۵ ق.
- عیون اخبار الرضا (ع)، شیخ صدوق، ترجمه عبدالحسین رضایی و محمد باقر ساعدی، نشر کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۵ ش.
- عیون اخبار الرضا (ع)، شیخ صدوق نشر اعلمی، تهران.
- فروع کافی، کلینی / علی اکبر غفاری (تصحیح)، دار صعب و دار التعارف، سوم، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- فروع ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
- فرهنگ بزرگ جامع نوین، احمد سیاح، نشر اسلام، بهار ۶۵.

- فرهنگ دانستیها، محمد نژاد، نشر بنیاد، ۱۳۷۱ ش.
- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف، قم، ۱۳۷۴.
- فرهنگ فارسی امروز، غلامحسین صدری افشار و نشر کلمه، اول، تهران، ۱۳۷۳.
- فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- فرهنگ فلسفی، جمیل ضلیبا / منوچهر صانعی دره بیدی (مترجم)، انتشارات حکمت، اول، تهران، ۱۳۶۶.
- فرهنگ مطهر، مفاهیم، اصطلاحات و تعابیر علوم انسانی و دینی از دیدگاه استاد مطهری، محمدعلی زکریائی، نشر بنیاد فرهنگ و اندیشه معاصر، ۷۸.
- فرهنگ معارف اسلامی، سید جعفر سجادی، کوش، سوم، ۱۳۷۳.
- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بهار ۷۵.
- قرآن حکیم، سید جلال الدین مجتبیوی (مترجم)، انتشارات حکمت، اول، تهران، ۱۳۷۱.
- قرآن مجید، ناصر مکارم شیرازی (مترجم)، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، اول، قم، ۱۳۷۳.
- قرآن و تبلیغ، بی آزار شیرازی دفتر تبلیغات اسلامی قم، بی تا.
- قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، مکتبه نینوا، تهران.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه تحقیق جواد فیومی، نشر الفقه، ۱۴۱۷ ق.
- کرامت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء اول، تهران، ۱۳۶۶.
- کشتی پهلو گرفته، مهدی شجاعی، انتشارات مدرسه، ۷۵.
- گلستان سعدی، غلامحسین یوسفی (مصحح)، انتشارات خوارزمی، تهران.
- لسان العرب، ابن منظور، نشر دار صادر، بیروت، بی تا.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، نشر دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۳.
- مجمع البیان، علامه طبرسی، انتشارات فراهانی، ۵۱.
- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، نشر ناصر خسرو، تهران، بی تا.
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدر، ۱۳۷۲ تهران.
- محجة البیضاء، مولی محسن کاشانی، تصحیح علی اکبر غفاری نشر مکتبه صدوق، تهران.
- معارف قرآن، مصباح یزدی، در راه حق، بی تا.
- معالی السبطين، شیخ محمد مهدی حائری، نشر رضی، قم، ۱۳۶۷ ش.
- معجم البلدان، یاقوت حموی، نشر دار صادر، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
- معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی / ندیم مرعشلی (تحقیق)، المکتبه المرتضویه.
- معراج السعادة، احمد نراقی، انتشارات جاویدان.

- مغازی، واقدی، نشر اعلمی، بیروت.
- منتخب میزان الحکمة، سید حمید حسینی، نشر دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲ ق.
- منتهی الارب، عبدالرحیم صفی پور، کتابخانه سنایی، بی تا.
- منتهی الامال، محدث قمی، انتشارات هجرت، قم.
- منیة المرید، شهید ثانی، ترجمه محمد باقر ساعدی، علمیه اسلامیة، تهران.
- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دارالحدیث، پاییز ۷۹.
- نثر طوبی، ابوالحسن شعرانی، اسلامیة، دوم، تهران، ۱۳۹۸ ق.
- نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، محمدرضا مهدوی کنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۶۰ نکته برای زندگی بهتر، لبتدافیلد / سپیده خلیلی (مترجم)، قدیانی، سوم، تهران، ۱۳۸۱.
- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی / ربانی شیرازی (تحقیق)، اسلامیة، ششم، ۱۳۶۷.
- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، نشر آل البیت، قم، ۱۴۱۱ ق.
- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، نشر اسلامیة، تهران.
- ویژگی‌های مبلغ در فرایند تبلیغ، بهروز اثباتی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، ۱۳۷۶.
- هنر در قلمرو مکتب، جواد محدثی، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

